

نظرسنجی از اقتصاددانان و فعالان بخش خصوصی درباره اقتصاد ایران

آینده زنگ

ماهنامه اقتصادی | قیمت: ۵۰۰۰ تومان | شماره ۳۹ | مرداد و شهریور

صدای بخش خصوصی ایران

پرونده‌ای ویژه درباره
دوران انتقال اقتصاد ایران

پشت دیوارهای
تحریم



پنهان کاری، دلیل ارائه ارقام متفاوت از پول های بلوکه شده

دیگر معجزه‌های درکار نیست



سرمایه‌گذاری خارجی به سرتوشت خصوصی سازی دچار نشود

تدبیر برای سرمایه‌گذاران خارجی



بانک خاورمیانه بانک منتخب فعالان موفق اقتصادی



خیابان احمد قصر (بخارست)
نش خیابان پنجم، شماره ۲
کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷
صندوق پستی: تهران ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵
تلفن: ۴۲۱۷۸۰۰۰
فکس: ۸۸۷۰۱۰۹۵

بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir



NOVAIR



Greatcare
Creating a Better Care



B | BRAUN



Spiegelberg



تهران، خیابان میرزای شیرازی شمالی، بالاتر از خیابان مطهری، خیابان ناهید، پلاک ۲۳
تلفن: ۸۸۷۲۷۲۱۵-۱۸ فکس: ۸۸۷۲۱۸۷۲ [E-mail: info@mempjs.com](mailto:info@mempjs.com) www.mempjs.com



Medical Equipment Management PJS Co.
شرکت مدیریت تجهیزات پزشکی ایران سهامی خاص

تولید کننده و وارد کننده تجهیزات پزشکی

آلمان 

آلمان 

فرانسه 

آلمان 

فرانسه 

آلمان 

- دستگاه های همودیالیز نسل جدید مدل Dialog⁺ (کمپانی B.Braun)
- دستگاه هموفیلتراسیون، همودیالیز و پلاسما تراپی پرتابل مدل Diapact CRRT
- دستگاه دیالیز چربی خون با روش H.E.L.P (Plasma Futura)
- تجهیزات بیهوشی، ICU، CCU
- انواع نخ جراحی عمومی و تخصصی (کمپانی B.Braun)
- لوازم مصرفی عمومی و تخصصی (کمپانی Aesculap & B.Braun)
- انواع محلولهای ضد عفونی دست، سطح و ابزار (کمپانی B.Braun)
- ابزار جراحی ارتوپدی و سیستم آرتروسکوپی (کمپانی Aesculap)
- انواع ایمپلنت های Hip، Knee و Acl (کمپانی Aesculap)
- جراحی مغز و اعصاب و ستون فقرات (کمپانی Aesculap & Spiegelberg)
- جراحی عمومی، زنان و زایمان و ارولوژی (کمپانی Aesculap)
- ابزار جراحی قلب و عروق اطفال و بزرگسال و تجهیزات Minimal Invasive جراحی قلب (کمپانی Aesculap)
- جراحی ENT فک و صورت (کمپانی Aesculap)
- انواع موتورهای جراحی برقی، بادی و شارژی (کمپانی Aesculap) و اره گچ بری (کمپانی MST)
- انواع سیستم های اندوسکوپی (کمپانی Aesculap)
- دستگاههای اندوسکوپی تشخیصی و درمانی زنان
- گازهای طبی (کمپانی Novair)
- سیستم اکسیژن ساز، هوای فشرده، وکیوم مدیکال ساتترال جهت مصارف بیمارستانی (کمپانی Novair)
- دستگاه اکسیژن ساز طبی پرتابل تک نفره
- انواع لارنژیال ماسک
- دستگاه امحاء زباله های بیمارستانی مناسب مراکز درمانی ۱۰۰ الی ۱۰۰۰ تختخوابی (کمپانی Ecodas)
- خدمات پس از فروش
- تعمیر انواع دستگاه های اتاق عمل و بیمارستانی به صورت موردی و قراردادی

تهران، خیابان میرزای شیرازی شمالی، بالاتر از خیابان مطهری، خیابان ناهید، پلاک ۲۳

تلفن: ۸۸۷۲۷۲۱۵-۱۸ فکس: ۸۸۷۲۱۸۷۲ www.mempps.com E-mail: info@mempps.com

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن ماه

تدبیر برای سرمایه گذران خارجی
سرمایه گذاری خارجی، به سر نوشت خصوصی سازی دچار نشود

۵

اعلانات

فاکتورهای تعیین کننده برای سرمایه گذاران خارجی

۸

۱۲

یادداشت ها

آرزوهای بزرگ
تحلیل هایی از فعالان اقتصادی درباره آینده اقتصاد ایران

بخش خصوصی

برق از مدار خارج شد
گزارش تحلیلی آینده نگر از صنعت برق کشور

۳۰

راهبرد

پشت دیوارهای تحریم
دیدگاه های اقتصاددانان درباره وضعیت ایران در پساتحریم

۴۶

گزارش

زیر آسمان های جهان
گزارش خبرنگاران آینده نگر از سه پدیده بزرگ اقتصاد ایران

۵۸

تابلو

چرخ های صنعت می چرخد
گزارش اختصاصی تصویری آینده نگر از فعالیت کارخانه های صنعتی و کارگران در سراسر ایران

۷۲

کسب و کار

کشور را نمی توان با چرتکه اداره کرد
علیرضا کلاهی، کار آفرین جوان و رئیس هیات مدیره سندیکای برق چگونه موفق شد؟

۷۸

۸۲

جهان نما

تلاش برای زمان حال
۷ مشکلی که افراد موفق بر آنها غلبه می کنند

دیده بان

معرفی جدیدترین پژوهش های اقتصادی

۹۸

آینده نگر - شماره ۳۹ - شهریور ۱۳۹۴

- صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
- شورای سیاست گذاری: بهمن عشقی، مصطفی درویشی
- سردبیر: بهرام مهرجو
- معاون سردبیر: فریده عنایتی

تحریریه

- خبرنامه: محمد عدلی
- کارنامه: فریده عنایتی
- گزارشگر: ریحانه یاسینی
- راهبرد: مریم موسی پور
- دریچه: بهاره چراغی
- تابلو: رضا معطریان
- کسب و کار: ولی خلیلی
- جهان نما: سعید ارکان زاده یزدی

آنتیله طراحی

- مدیر هنری: آرش شریف کیان
- صفحه آرایی: مازیار شریف کیان
- عکس: سعید عامری
- ویراستاری: بابک آتشین جان

چاپ: چاپ رواق

نشانی: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان بهشتی، کوچه میرزا حسنی، پلاک ۱۸
تلفن: ۸۸۷۱۵۲۱۴





مسعود خوانساری
رئیس اتاق تهران

تدبیر برای سرمایه‌گذاران خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی، به سر نوشت خصوصی سازی دچار نشود

طور خاص تضمین دولت‌ها را برای انتقال سرمایه‌هایشان به اقتصاد ایران نیاز دارند. بنابراین حضور معنادار چهره‌های دولتی در برخی دیدارها می‌تواند کمک رسان باشد ولی در فاز بعدی آنچه رخ می‌دهد باید برقراری ارتباط بین بخش خصوصی ایران و سرمایه‌گذار خارجی باشد.

چهارم: بارها اشاره شده که سرمایه‌گذار خارجی بیش از هر عنصر دیگر به ثبات، آرامش و منطق نیاز دارد. همه ما به خوبی می‌دانیم یک شرط همکاری با دولت، پذیرش ریسک بالاست. بنابراین نیازی نیست سرمایه‌گذار خارجی را ملزم به همکاری با شرکتی دولتی کنیم که مشخص نیست، مدیرانش چقدر دوام دارند. به طور حتم سرمایه‌گذار خارجی نیز برای حضور در اقتصاد ایران به همکاری هم‌زمان و هم خانواده خود نیاز دارد. شریکی که نظام بازار را بداند، سرمایه خود را در خطر بیندازد و تن به همکاری واقعی دهد. همگی اینها نه در دولت که تنها در مجموعه‌هایی وجود دارد که به صورت واقعی توسط بخش خصوصی اداره می‌شود.

ترویج این باور که بخش خصوصی ایران ناتوان در مذاکرات اقتصادی و عقد قراردادهای بلند مدت با سرمایه‌گذاران بین المللی است، خطاست. امروز دولت با سیاست‌گذاری منطقی و علمی شرایطی را مهیا کند که مذاکرات بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی رونق بیشتری بگیرد. نگاهی که روایت می‌کند، بخش خصوصی ایران توان همکاری با سرمایه‌گذار خارجی را ندارد از همان جایی آمده که خصوصی سازی اقتصاد را طی تمامی سال‌های گذشته منکوب کرده‌بود.

است که شرط انصاف در رقابت را رعایت کند. اگر امروز آغوش اقتصاد ایران را با انواع تسهیلات و امتیازات برای سرمایه‌گذار خارجی باز کرده‌ایم، چرا نباید همان امکانات را در اختیار سرمایه‌گذار داخلی قرار دهیم؟ چرا فکر می‌کنیم بخش خصوصی ایران توان قدرتمندی در بازارهای جهانی را ندارد؟ آنچه اقتصاد ایران را زمین گیر کرد، نه محصول کار بخش خصوصی که برآمده از اندیشه‌ای بود که اقتصاد ایران را برخلاف اسناد بالادستی و تاکیدات عالیه مقامات بلند پایه کشور، تماماً دولتی ساخت. شرکت‌های شبه دولتی و به قول معروف خصولتی‌ها در دوران تحریم‌ها و در اوج روزهایی که شعار خصوصی سازی سر داده می‌شد، یکی یکی سر برآوردند. این شرکت‌ها، نه حتی رقیب که جایگزین شرکت‌های بخش خصوصی شدند. امروز هم قرار است در بروی همان پاشنه بچرخد؟ یعنی هم اولویت با خارجی‌ها باشد و هم اینکه سرمایه آنها به جایی به غیر از صنایع متعلق به بخش خصوصی برود؟

دوم: بار دیگر در ذهن به اخباری که در مورد حضور سرمایه‌گذاران خارجی منتشر شده، دقت کنید. هیات‌های تجاری به دعوت وزارتخانه‌های دولتی می‌آیند و یکی یکی به نشست‌هایی با مسوولان دولتی و مدیران شرکت‌های دولتی می‌روند. معنای دقیق چنین رفتاری، پیوند جدید بین سرمایه‌گذاری و شرکت‌های دولتی است. اگر فرض کنیم، همه این دیدارها به همکاری مشترک ختم می‌شود، قطعاً نتیجه‌ای به غیر از افزایش دامنه نفوذ شرکت‌های دولتی در ساختار اقتصاد ایران عایدمانی شود، لازم است یادآوری کنیم بخش خصوصی ایران در اوج ر کود، ناجی اقتصاد ایران شد. هیات‌های تجاری به

تک جمله‌ای طی تمامی سال‌های گذشته بارها تکرار شده و در ذهن همگی مانقش بسته است: «گذشته چراغ راه آینده است.» معنای دقیق این جمله روایت می‌کند از شکست‌ها باید درس گرفت. اما امروز ما چه می‌کنیم؟ با وجود تکرار کلیشه وار، چنین شعارهایی، حاضر هستیم از گذشته برای ساختن آینده درس بگیریم؟ امروز بر همگی ما مسلم است قافله خصوصی سازی در اقتصاد ایران به سلامت به مقصد نرسیده است. تحلیل شکست سیاست‌های خصوصی سازی نشان می‌دهد، واگذاری شرکت‌های دولتی به شرکت‌های شبه دولتی در نهایت منجر به ظهور قطبی جدید در اقتصاد ایران شد. قطبی که فعالان بخش خصوصی از آن با عنوان خصولتی‌ها یاد می‌کنند. امروز هم بی توجه به سلیقه گذشته، همان تجربه را تکرار می‌کنیم و گذشته را نه به چراغ راه آینده که به تابلیو راهنمایی برای رفتارهای اشتباهی و غلط تبدیل کرده‌ایم. اخباری که به گوش می‌رسد، نشان می‌دهد دولت یا حداقل بخشی از بدنه دولت علاقه مند شده‌اند، سرمایه‌گذاران خارجی را به شرکتی خود تبدیل کنند و به اندازه شرکت‌های شبه دولتی بیفزایند.

اما چند نکته را باید بدانیم:

اول: طی تمامی سال‌های گذشته و در بدترین شرایط اقتصادی، بدنه متعهد و مولد بخش خصوصی همچنان به تولید ادامه داد. بازم باید تاکید کنیم در دوران رکود بیشترین سهم از تولید اشتغال در اختیار بخش خصوصی فعال و متعهد کشور بود که سرمایه‌های خود را به کارخانه و صنعت تبدیل کردند. امروز گفته می‌شود درهای اقتصاد جهان به روی اقتصاد ایران باز شده است. در این شرایط حداقل انتظار از دولتی معتقد به عقل و تدبیر این



سید حامد واحدی
عضو هیات رئیسه اتاق تهران

مذاکرات اقتصادی به جای گفت و گوهای سیاسی

هدایت مذاکرات اقتصادی به بخش خصوصی سپرده شود

در ایران را به فعالان بخش خصوصی بسپارند. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران می‌تواند از ظرفیت خود برای این امور بهره‌ببرد و فعالان اقتصادی را رو در روی طرف‌های خارجی قرار دهد. در این شرایط می‌توان انتظار داشت ارتباطات اقتصادی از همین روزهایی که قرار است دوران جدیدی را تجربه کنیم، به درستی و بر مبنای ارتباط بخش خصوصی ایران با بخش خصوصی کشورهای دیگر شکل بگیرد. از طرف دیگر اتاق تهران با برگزاری جلسات کمیسیون‌های مشورتی و اخذ دیدگاه تشکل‌های فعال در اقتصاد کشور، نیازها و کمبودها در دوران جدید را شناسایی می‌کند تا استراتژی ایران در برابر طرف‌های خارجی بر مبنای نیازهای واقعی طراحی شود. کمیته‌ای در اتاق برای تنظیم این امور تشکیل شده تا بسته پیشنهادی برای دوران پساتحریم را به دولت تقدیم کند. در این شرایط این آمادگی در میان فعالان بخش خصوصی قرار دارد تا در دیپلماسی اقتصادی نقش موثرتری را ایفا کند. انتظار این است که پس از به نتیجه رسیدن مذاکرات سیاسی از سوی دولت، کار مذاکرات اقتصادی به بخش غیر دولتی سپرده شود.

نیز این خطر وجود دارد که در فصل جدید اقتصاد ایران و پس از لغو محدودیت‌ها، بخش دولتی و شبه دولتی نوع جدیدی از بزرگ شدن و قدرت گرفتن را تجربه کنند و بخش خصوصی واقعی همچنان از در اختیار گرفتن سهم بیشتر در اقتصاد ایران بازماند. این در حالی است که همه مسوولان و مقامات کشور اذعان دارند، راه پیشرفت اقتصادی و توسعه کشور از مسیر کوچک سازی دولت و تقویت بخش خصوصی می‌گذرد. همگان بر ضرورت همکاری با بخش خصوصی برای در اختیار گرفتن امور تاکید دارند اما در عمل دیده می‌شود این بخش در برهه‌ای حساس از پوست اندازی اقتصاد کشور مورد بی مهری قرار می‌گیرد. با این شیوه پذیرش هیات‌های تجاری از سوی دولتی‌ها به نظر می‌رسد که وزرای اقتصادی اعتقادی به توان بخش خصوصی برای پاسخگویی به طرف‌های خارجی ندارند. این در حالی است که سوابق نشان داده، بخش خصوصی در پیشبرد مذاکرات اقتصادی با نگاه برد-برد از خلایق بیشتری نسبت به بخش دولتی بر خوردار است.

انتظار می‌رود وزرای اقتصادی و دستگاه‌های دولتی، ارتباط مستقیم با مدیران شرکت‌های خارجی و متقاضیان سرمایه‌گذاری

ورود هیات‌های اقتصادی و تجاری از دیگر کشورهای دنیا به ایران طی هفته‌های اخیر از رونق بالایی برخوردار شده است. در این شرایط فصل جدیدی از دیپلماسی اقتصادی آغاز شده که اهمیت پیشبرد این نوع مذاکرات در دوره پس از توافق و پیش از لغو تحریم‌ها بسیار اهمیت دارد.

بخش خصوصی پس از سال‌ها تحمل فشار و تحریم‌ها امیدوار است بتواند با شرکتی بین المللی به همکاری بپردازد و راه ورود سرمایه و تکنولوژی به کشور را هموار کند اما متأسفانه این روزها اکثر دیدارها و جلسات هیات‌های اقتصادی خارجی با مسوولان دولتی برگزار می‌شود. وزرای اقتصادی شخصاً میزبانی مدیران شرکت‌های بین‌المللی را بر عهده گرفته‌اند و این موضوع نگرانی‌هایی را برای بخش خصوصی ایجاد کرده است. اگر قرار باشد سرمایه‌گذاری‌های جدید و مشارکت‌های بین المللی به سمت شرکت‌های دولتی و شبه دولتی سرازیر شود، زنگ خطر جدیدی برای اقتصاد ایران به صدا در می‌آید. اگر روزگاری واگذاری‌های غیر اصولی و اجرای نادرست قانون اصل ۴۴ موجب بزرگ شدن بخش شبه دولتی یا خصولتی‌ها در اقتصاد ایران شده است؛ امروز



مهدی جهانگیری
نایب رئیس اتاق تهران

دوری از هیجان

اقتصاد ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به حرکت خردمندانه نیاز دارد

از خرد کارشناسی داشته باشد. همه نگاه‌ها و امیدها اکنون به این سمت است که مذاکرات موفق شده و دستاوردی تاریخی برای کشور و اقتصاد ایران رقم بخورد که در این راستا، یکی از وظایف و رسالت‌های بخش خصوصی، تدوین برنامه‌های ضروری برای اقتصاد پس از تحریم است تا حاصل و خروجی آن برای اقتصاد کشور دستاوردهای مثبت داشته باشد.

در یک خرد جمعی و فضای مشورتی می‌توان به دستاوردهای خوبی برای شرایط پس از تحریم رسید، چرا که در این شرایط فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری وجود دارد. از جمله آن نظام پولی، بانکی و تحریم‌های مالی کشور است.

فضای پس از تحریم‌ها می‌تواند منجر به بروز رفتارهای هیجانی شود. اما ضرورت دارد برای مدیریت این تصمیمات هیجانی، مشورت‌های لازم را به دولت بدهیم. بر این اساس کمیته‌های مشورتی در اتاق بازرگانی تهران تشکیل شده تا راهکارها را طراحی و جمع‌بندی‌های لازم را برای ارائه نتیجه به دولت صورت بدهیم. امروز همگی ما مسئولیت داریم با منطقی استوار و باوری عمیق به توانایی بخش خصوصی مولد و متعهد کشور به جای ابراز احساسات به فکر آینده ایران باشیم. بر همین اساس برنامه‌ریزی بلند مدت برای بهره‌گیری صحیح از منابع سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند التیام بخش زخم‌های کهنه اقتصاد ایران باشد. خصوصاً اینکه دولت به سبب رفتارهای مالی دیگر توان حمایت مالی گسترده سابق را ندارد و همه چشم‌ها به بخش خصوصی دوخته شده است. در چنین بزنگاهی منطق حکم می‌کند، هیجان را از تصمیم‌گیری‌ها دور کنیم و نگاهمان را به برنامه‌ریزی‌ها بدوزیم.

دلیل کاهش قیمت نفت و موضوعات دیگر توان مالی سابق خود را از دست داده است. بر همین اساس نیاز حداقلی به سرمایه‌گذاری ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی سالیانه به کمک سه بخش تامین می‌شود. بخش خصوصی، دولت و سرمایه‌گذار خارجی در اتحاد باهم می‌توانند این منابع را تامین می‌کنند. از میان این سه گانه، دولت به جهت کسری منابع، قطعاً کمترین نقش و سهم را خواهد داشت. بخش خصوصی ایران هم به جهت بحران منابع و عبور از شرایط رکود توان بالایی برای تامین سرمایه‌ها ندارد. بر همین اساس تنها سرمایه‌گذار خارجی به عنوان در دسترس‌ترین بخش باقی می‌ماند. اما آیا آنچه در مورد سرمایه‌گذاران خارجی طی چند هفته گذشته بیان شده، تمام واقعیت است؟ به نظر می‌رسد، ما برای دسترسی به منابع مالی سرمایه‌گذاران خارجی مرز بین واقعیت و تحلیل را مخدوش کرده‌ایم. سرمایه‌گذار خارجی نه بر مبنای هیجان و عجله که بر اساس منطق بازار و شیوه‌های علمی اقدام به انتقال سرمایه به کشورهای دیگر می‌کند. بر این اساس تصور اینکه طی زمانی کوتاه سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ایران سرازیر می‌شوند، با واقعیت سازگار نیست. آنها اقدام به بررسی وضعیت اقتصاد ایران، بازار سنجی و بررسی ریسک‌ها می‌کنند. در صورتی که تمامی مولفه‌های منطقی و صحیح بود، طی زمانی مشخص سرمایه‌ها به سوسی ایران می‌آید ولی این زمان مشخص نه امروز و فردا که حداقل یکسال آینده است. بر همین اساس در تحلیل وضعیت اقتصادی ایران و تحلیل انتقال سرمایه‌ها به اقتصاد کشور باید هیجان را کنار بگذاریم. البته معنای این حرف، توجه به نظام برنامه‌ریزی است. بخش خصوصی کشور با نگاهی منطقی می‌تواند برای روزهای آینده برنامه‌ریزی برآمده

اقتصاد ایران امروز دورانی متفاوت از گذشته را تجربه می‌کند. توافق هسته‌ای و تحولات بعدی آن همگی نشان می‌دهد، درهای اقتصاد ایران به روی منطق و تدبیر باز شده است. اگر تا چندی قبل، فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی باید در اضطراب تصمیم‌گیری‌های خارج از دایره منطق روزها را سپری می‌کردند، حداقل امروز همگی می‌دانیم، تدبیری برآمده از عقل جمعی جایگزین تفکر قبلی شده است. اما با این حال امروز بیش از هر زمان دیگر باید نگران بود چرا که اقتصاد ایران به یمن توافق هسته‌ای خود را برای ایامی تازه مهیا می‌کند. آنچه پیش روی ما قرار گرفته، فرصتی تاریخی است که در صورت بی‌توجهی به آن تا سال‌ها خسارت پرداخت می‌کنیم. هیچ کدام از نخبگان و بازیگران اقتصاد ایران روزهایی را از یاد نمی‌برند که ۷۰۰ میلیارد درآمدهای نفتی که باید صرف آبادانی ایران می‌شد، چگونه در سایه بی‌تدبیری از میان رفت و محصولش رکودی عمیق در دل اقتصاد ایران شد. بر همین اساس امروز همگی مادر بخش خصوصی، دولتی و بدنه کارشناسی کشور مسئولیتی بزرگ بر عهده داریم. هر بخش و هر نهادی باید بر مبنای تعهدات و توانایی که در اختیار دارد، برنامه‌ریزی برای دوران انتقال اقتصاد ایران از عصر تحریم‌ها به روزهای پس از تحریم داشته باشد. اما صرف نظر از برنامه‌ریزی‌ها و اهداف بلند مدت به نظر می‌رسد که یک اصل را نباید از ذهن دور کنیم. آنچه در فضای رسانه‌ای و حتی برخی محافل بخش خصوصی و کارشناسی بیان می‌شود، به نوعی هیجان و افراط در تحلیل منجر شده است. همگی ما می‌دانیم اقتصاد ایران برای توسعه و حتی اداره و وضعیت موجود به سرمایه‌های جدید نیاز دارد. این سرمایه‌ها نیز از طریق دولت تامین نمی‌شود چرا که دولت به



سیده فاطمه مقیمی
عضو هیات رئیسه اتاق تهران

درهای اقتصاد جهان به روی ایران باز می‌شود

آنسوی رقابت جهانی چه می‌گذرد؟

دو سال اخیر شاهد هستیم بسیاری از هیات‌هایی خارجی که از ایران دیدار دارند، اذعان می‌کنند ایران تنها کشوری در منطقه هست که پتانسیل سرمایه‌گذاری صنعتی و تجاری شدن را دارد و می‌تواند بعد از افزایش قیمت‌های انرژی و نیروی انسانی در چین که به خروج بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها منجر خواهد شد نسبت به جذب این سرمایه‌ها اقدام کرده است. بر اساس مطالعات انجام شده، ایران می‌تواند برای خود چهار صد میلیون بازار مصرف کشور های اطراف خود نقش تولید کننده را بازی کند و شرکت‌های بزرگ و کشورها هم بر اساس استراتژی اقیانوس آبی آمادگی ورود به این بازار و سرمایه‌گذاری را دارند که منجر به افزایش حجم تجارت خارجی ایران در بلند مدت خواهد شد. در این راستا با همدلی دولت و بخش خصوصی بایستی استراتژی‌های مناسبی را برای این نوع سرمایه‌گذاری‌ها تدوین کرده و از این فرصت طلایی سرمایه‌گذاری به بهترین نحو استفاده کرد. فرصتی که شاید تا سال‌های سال امکان چنین سرمایه‌گذاری‌های فراهم نشد و زمینه صنعتی شدن و به تبع آن نقش موثرتر در تجارت جهانی را برای ایران فراهم خواهد کرد.

به بازارهای جدید داشته و در این مسیر سعی دارند گسترده‌تر و سریع‌تر میزان زیادی از بازار یک کشور را تصاحب کنند. در این راستا ایران نیز با توجه به همسایگی با پانزده کشور و پتانسیل خوب در زمینه منابع انسانی و انرژی و زیرساخت‌های صنعتی می‌تواند با سرعت بیشتری در حوزه تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی شده و علاوه بر گسترش حجم صادرات خود از نظر ارزش به تنوع و سبد کالاهای صادراتی نیز پرداخته و موتور محرک مناسبی نیز برای صنایع کشور برای استفاده از ظرفیت‌های خالی آنها باشد کشورها می‌توانند توسعه یافته و در حال توسعه با همه توان خود محصولات رقابتی را تولید کرده و آماده ارسال به بازار می‌کنند و آنچه مشهود است بسیاری از بازارها در دنیا اشباع شده و در این کشورها برای فروش محصولات و خدمات و حتی سرمایه‌گذاری‌ها رقابت سنگینی وجود دارد که ما را به یاد استراتژی اقیانوس آبی و قرمز می‌اندازد و این کشورها جنگ سختی را در اقیانوس قرمز برای فروش محصولات و خدمات به رانداخته‌اند و در این مسیر کشورها و شرکت‌های هوشمند به دنبال اقیانوس آبی هم از نظر محصول و خدمات و یا کشورها رقابت بسیار در توسعه بازارها و نفوذ

تجارت جهانی امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کشورها سعی دارند به بهترین و سریع‌ترین نحو به منابع اولیه دست یافته و به صادرات محصولات نهایی اقدام و در این دنیایی پر رقابت از تمام عوامل و منابع موجود خود استفاده کنند. در این مسیر ایران نیز در طی سالیان اخیر نیز سعی کرده با ایجاد زیرساخت‌ها و توانمند نمودن صنایع و خدمات خود محصولاتی رقابت‌پذیر را در عرصه جهانی فراهم کند و سهم خود را در تجارت جهانی افزایش دهد. بنابراین آنچه علم مدیریت می‌گوید تجارت خوب در هر دوسوی خود که شامل واردات و صادرات است، مهم بوده و به رغم نظر منفی بسیاری به واردات، می‌توان گفت چنانچه این موضوع در فرایند تجارت به درستی مدیریت نشود نه تنها مشکلی برای کشور ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند در تامین مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای خوراک مناسب را با هزینه کمتر و کیفیت بهتر برای صنایع فراهم کرده و به طبع آن صنایع کشور بتوانند محصولاتی رقابت‌پذیر و با کیفیت‌تر را در سطح جهانی ارائه و صادر کنند. در شرایطی که مرزهای فیزیکی در تجارت امروزی معنا و مفهوم خود را از دست داده، کشورها رقابت بسیاری در توسعه بازارها و نفوذ

روایت بزرگان اقتصاد از آینده ایران

اولین نشست هیات «راهبردهای اقتصادی»، اوایل مردادماه در اتاق تهران برگزار شد که در آن دکتر موسی غنی‌نژاد، دکتر فرهاد نیلی و دکتر محمد طیبیان وضعیت فعلی اقتصاد ایران و همچنین الزامات دوران پس از لغو تحریم‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. سلسله نشست‌های راهبرد قرار است به طور ماهانه به میزبانی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران برگزار شود. طبق گفته مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران، این پارلمان در تلاش است که سلسله نشست‌های علمی و تخصصی با حضور تشکلهای و بنگاه‌های اقتصادی برگزار کند و قرار است در این جلسات، مسائل و مشکلات پیش روی اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد تا چشم‌اندازی از وضعیت اقتصاد ایران به فعالان اقتصادی ارائه شود. بر این اساس هر ماه یک نشست با میزبانی اتاق تهران برگزار و بسته به موضوعات روز از اقتصاددانان و کارشناسان مطرح برای سخنرانی در آن دعوت خواهد شد. استقبال فعالان بخش خصوصی از نشست اول با اقتصاددانان که به ابتکار اتاق تهران در دوره جدید فعالیت آن راه‌اندازی شده است، نشان داد که فعالان بخش خصوصی تمایل زیادی به شنیدن مباحث کارشناسی و تحلیل‌های علمی از زبان اقتصاددانان دارند.



فاکتورهای تعیین‌کننده برای سرمایه‌گذاران خارجی

نتایج یک نظرسنجی از ۳۵ سرمایه‌گذار خارجی، حاکی از آن است که در مسیر سرمایه‌گذاری خارجی ۹ گلوگاه وجود دارد که با رفع آن می‌توان منابع لازم را برای بهبود تولید و خروج کشور از رکود جذب کرد. براساس این پژوهش، از میان شاخص‌های اصلی کسب و کار، شاخص‌های «شروع کسب و کار»، «اخذ مجوزهای لازم»، «اشتغال»، «ثبت اموال»، «حمایت از سهام‌داران جزء»، «پرداخت مالیات»، «تجارت فرامرزی»، «لازم‌الاجرا شدن قراردادهای» و «پایان کسب و کار» با جذب سرمایه‌گذاری خارجی رابطه معنادار دارند. بنابراین با حل چالش‌ها در این شاخص‌های توان، مسیر ورود سرمایه خارجی پایدار به داخل کشور را هموار کرد. طبق گزارش «دنیای اقتصاد»، کارشناسان اقتصادی معتقدند هم‌زمان با حصول توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱، زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران فراهم شده است، اما برای بالفعل کردن و دستیابی به سرمایه‌گذاری خارجی پایدار، باید به سمتی حرکت کرد که از یک سوسرمایه‌گذاری بر افزایش تولید و ایجاد اشتغال متمرکز شود.



۳ عضو کابینه در اتاق تهران

چهارمین نشست هیات نمایندگان اتاق تهران با حضور ۳ عضو هیات دولت برگزار شد تا به گفته رئیس اتاق تهران جلسه‌ای کم‌نظیر میان فعالان اقتصادی و اعضای دولت برگزار شده باشد. اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در این نشست به همراه محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرکزی حضور یافتند و دغدغه‌های بخش خصوصی در دوران جدید اقتصاد ایران را شنیدند. در این نشست مسعود خوانساری ۱۱ مطالبه بخش خصوصی از دولت را بیان داشت و تأکید کرد که راه نجات اقتصاد ایران در آن سوی مرزها نیست، روسای کمیسیون‌های اتاق تهران و چند عضو هیات نمایندگان نیز دیدگاه‌های خود را بیان داشتند و پس از آن نعمت‌زاده، سیف و جهانگیری به پاسخ دغدغه‌های نمایندگان بخش خصوصی پرداختند.

کاندیدای نوبل اقتصاد، از ایران چه می‌گوید

نشست با اقتصاددانان در اتاق تهران در گام دوم قرار است با حضور هاشم پسران و جواد صالحی اصفهانی به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شود. این دو اقتصاددان ایرانی که در خارج از ایران مشغول به فعالیت علمی در زمینه اقتصاد هستند، راهبردهای پیشنهادی خود را برای دوران جدید اقتصاد ایران و شرایط پس از تحریم‌ها ارائه خواهند کرد. پروفیسور هاشم پسران اقتصاددان برجسته ایرانی مقیم بریتانیا و کاندیدای دریافت جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۳ است. او دارای دکترای اقتصاد از دانشگاه کمبریج، استاد تمام بازنشسته دانشگاه کمبریج (۲۰۱۲-۱۹۸۸)، صاحب کرسی عالی اقتصاد جان الیوت در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (از سال ۲۰۰۵ تاکنون) و عضو پژوهشی پیوسته کالج ترینیتی، کمبریج (از سال ۱۹۷۷ تاکنون) است. جواد صالحی اصفهانی نیز مدیرک فوق لیسانس و دکتری خود را از دانشگاه هاروارد دریافت کرده و در حال حاضر استاد اقتصاد در مؤسسه پلی‌تکنیک ویرجینیا در آمریکا است. او سابقه همکاری و تدریس با دانشگاه‌های آکسفورد و پنسیلوانیا را نیز در کارنامه دارد.





مذاکره کننده ارشد ایران در مذاکرات هسته‌ای به اتاق تهران می‌آید تا در جمع فعالان بخش خصوصی از فرصت‌های اقتصادی برنامه جامع اقدام مشترک و قطع نامه شورای امنیت در این زمینه سخن بگوید.

دیدار آلمانی

میکائیل بارون انگرن-اشتتنبورگ، سفیر آلمان در تهران به اتفاق راینز بازرگانی این سفارتخانه، در اتاق تهران حضور یافتند تا علاوه بر دیدار با هیات رییس‌هاتاق تهران، درباره راهکارهای افزایش مبادلات تجاری و نیز سرمایه‌گذاری‌های مشترک گفت‌وگو کنند. برای چهارمین بار بود که این سفیر اروپایی به اتاق تهران می‌آید و با هیات رییس‌هاتاق تهران پای میز مذاکره می‌نشیند. او در این نشست از تمایل شرکت‌های آلمانی برای سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران سخن گفت و این نکته را مورد تأکید قرار داد که در آلمان اراده خوبی برای برقراری ارتباطات تجاری بیشتر با ایران وجود دارد. دو طرف با ابراز امیدواری به رفع موانع جاری بر سر راه توسعه تجارت میان ایران و آلمان در آینده نزدیک، خواستار برقراری ارتباطات نزدیک‌تر بین تجار و کارآفرینان دو کشور برای فراهم آمدن شرایط مناسب همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک شدند. مسعود خوانساری، رییس اتاق تهران نیز با اشاره به روابط عمیق فعالان اقتصادی ایران و آلمان، ابراز امیدواری کرد که با رفع تحریم‌ها، افزایش تبادل هیات‌های تجاری و برگزاری نمایشگاه‌ها، توانمندی‌های دو کشور بیش از پیش برای طرف مقابل آشکار شود و روابط تجاری ایران و آلمان به سطح قابل قبولی افزایش یابد.



مشاور اتاق تهران به بانک جهانی رفت

فرهاد نیلی مشاور اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به عنوان نماینده جدید ایران در بانک جهانی معرفی شد. فرهاد نیلی سال‌ها رییس پژوهشکده پولی و بانکی کشور بود. دکتر فرهاد نیلی، مدرک کارشناسی خود را در رشته ریاضیات کاربردی از دانشگاه صنعتی شریف، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی از دانشگاه شهید بهشتی و مدرک دکترای اقتصاد را در گرایش اقتصاد کلان از دانشگاه یورک انگلستان گرفته است. او سابقه فعالیت در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را دارد و مسئولیت‌های متعددی در بانک مرکزی داشته است. بر اساس حکمی که ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی صادر کرده است، علی دیوان‌دری جایگزین نیلی در پژوهشکده پولی و بانکی شده است. دیوان‌دری سابقه مدیریت عاملی بانک‌های ملت و پارسیان را در کارنامه دارد.



در جلسات شورای گفت‌وگو چه می‌گذرد؟

پانزدهمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران مردامه در اتاق تهران برگزار شد. در ابتدای این نشست، استاندار تهران به نقش و جایگاه اتاق بازرگانی و استانداری در دوره پساتحریم اشاره کرد و گفت: در تعاملی که میان اتاق تهران و استانداری تهران شکل گرفته است می‌توان خط‌مشی توسعه استان تهران را ترسیم کرد و در کشور پیش‌تاز بود. سیدحسین هاشمی افزود: در حال حاضر استان تهران از ظرفیت‌های بالای اقتصادی برخوردار است که بهره‌برداری از آن به تعامل و همکاری بخش خصوصی و دولتی گره خورده و در شرایط کنونی که مسئله تحریم‌ها نیز در حال رفع شدن است، از این فرصت برای تعالی اقتصادی و توسعه‌ای استان تهران باید استفاده کنیم.

مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران نیز پس از آن که از موفقیت در پرونده هسته‌ای به نیکی یاد کرد و تلاش تیم مذاکره کننده را ستود، گفت: دوره مذاکرات سیاسی و دیپلماتیک به پایان رسیده و اکنون زمان مذاکرات اقتصادی است. بنابراین حضور بخش خصوصی می‌تواند در این مورد بسیار موثر و راه‌گشا باشد.

افزایش ۲۰ درصدی صادرات با لغو تحریم‌ها

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران و رئیس سازمان توسعه تجارت معتقد است که با لغو تحریم‌ها انتظار افزایش حداقل ۲۰ درصدی حجم صادرات و تولید داخل می‌رود. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در اظهار نظری اعلام کرد: اثرات لغو تحریم در کوتاه‌مدت به طور کامل مشهود نخواهد بود و تا تحریم‌ها به طور کامل لغو و رسماً اعلام شوند و تا فرآیند نقل و انتقال پول و ارز بتواند روال متعارف خود را پیدا کند، زمان بر است. ولی‌الله افخمی راد با بیان این که در میان مدت و درازمدت اثرات مطلوب توافق را شاهد خواهیم بود، گفت: تسریع حرکت چرخ واحدهای تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشور برای تأمین نیاز داخل و صادرات از اولین تبعات لغو تحریم‌ها است.

وی با بیان این که با افزایش حجم صادرات، زمینه به‌کارگیری نیروی انسانی در بخش تولید و خدمات فراهم می‌شود، تأکید کرد: باید خودمان را متناسب با شرایط جدید آماده کنیم که بتوانیم سیاست‌گذاری‌های مناسبی را برای حرکت در راستای توسعه اقتصادی کشور صورت دهیم. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: قطعاً اسناد بالادستی که در اختیارمان است اعم از اقتصاد مقاومتی، اسناد مربوط به برنامه، اسناد قانونی بودجه و سایر قوانین و مقرراتی که داریم کمک می‌کند این بخش به نحو مطلوبی پیش برود.

گزارش تحلیلی اتاق تهران از اقتصاد ۹۴

گزارش تحلیلی اتاق تهران از وضعیت اقتصاد ایران نشان می‌دهد که عوامل موثر بر کاهش نرخ تورم در سال ۹۳، بهبود نسبی مدیریت اقتصادی کشور، ثبات بازار ارز و کنترل رشد پایه پولی و انضباط مالی دولت بود. بر اساس این گزارش شرط رسیدن به تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۰، دستیابی به حداقل رشد اقتصادی ۶٫۲ درصد در سال ۹۴ است. به عبارت دیگر هنوز نسبت به سال ۹۰ حجم اقتصاد ما معادل ۶٫۲ درصد کوچک‌تر است. بر این اساس، تعداد ۲۴ رشته فعالیت صنعتی در کشور وجود دارد که بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۳ تعداد



۱۴ فعالیت رشد مثبت و ۱۰ فعالیت رشد منفی داشته‌اند. میزان تسهیلات پرداختی در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ معادل ۴۴٫۵ درصد رشد یافته است که معادل ۱۰۵ هزار میلیارد تومان بود و در نتیجه، این امر باعث شده است که از ظرفیت‌های خالی کارگاه‌ها استفاده شود. طبق این گزارش مجموع درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۹۳ به رقم ۷۰٫۹۶ هزار میلیارد تومان رسید که با توجه به رقم مصوب بودجه ۱۳۹۳ معادل ۱۰۱ درصد محقق شد. همچنین نسبت به درآمدهای مالیاتی سال ۱۳۹۲ به میزان ۴۴ درصد رشد داشته است.

نشست سفرای خارجی در اتاق تهران

مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران اعلام کرد که اتاق تهران قصد دارد از طریق بخش معاونت بین الملل خود در زمینه راه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی فعال شود و در همین زمینه نشست با حضور سفرای کشورهای خارجی و نمایندگان بخش خصوصی در اتاق تهران برگزار می‌شود تا مزیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران و تهران به صورت مستقیم به اطلاع نمایندگان کشورهای خارجی برسد.

هیات اقتصادی ایران

به آلمان می‌رود

نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران از برگزاری پنجمین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و آلمان بعد از ۱۳ سال و همچنین سفر هیات اقتصادی از ایران به آلمان در پاییز امسال خبر داد.

پدرام سلطانی که در جلسه مشترک هیات آلمانی با وزیر نفت حضور داشته است درباره جزئیات این دیدار گفت: هیات آلمانی اولین هیات اروپایی بود که بعد از انجام توافق وارد ایران شد. وی با بیان این که ۱۲ شرکت شناخته شده آلمانی در جهان در ترکیب این هیات اقتصادی به ایران آمدند، ادامه داد: به اعتقاد من قصد فرستادن این هیات اقتصادی از سوی آلمان به ایران در وهله اول نشانگر این است که آنها این آمادگی را دارند که در عالی‌ترین سطح، ارتباطات خود با ایران را بازسازی کنند و افزایش دهند.

سلطانی گفت: بین اتاق‌های بازرگانی دو کشور مذاکراتی انجام شد و اتاق بازرگانی آلمان دعوتی را از اتاق بازرگانی ایران به عمل آورد و قرار است هیات اقتصادی از ایران در پاییز امسال به آلمان برود. از سوی ما نیز به اتاق بازرگانی آلمان پیشنهاد شد تا یک شبکه تجاری بین شرکت‌های کوچک و متوسط ایرانی و آلمانی برقرار شود.



۲۱

۲۱ هزار میلیارد تومان، میزان درآمد مالیاتی است که تا پایان تیرماه از سوی سازمان امور مالیاتی دریافت شده است.

۶/۲

نرخ رشد اقتصادی سال ۹۴ باید ۶٫۲ درصد باشد تا حجم اقتصاد به میزان سال ۹۰ برسد.



رعایت استاندارد اتاق بازرگانی بین‌المللی در قراردادهای جدید

توصیه دو عضو هیات رئیسه کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی به بهره‌گیری از خدمات این اتاق

کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی در جریان قوت گرفتن مذاکرات اقتصادی در دوران جدید اقتصاد ایران به فعالان اقتصادی توصیه کرده است که قراردادهای اقتصادی با طرف‌های خارجی را بر اساس استانداردهای موجود در اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC تنظیم کنند. نایب رئیس و دبیر کل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی در گفتگو با آینده‌نگر گفت: فعالان اقتصادی می‌توانند از مشاوره‌های کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی بهره‌برند چرا که الگوی تجاری در اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) وجود دارد و باید از خدمات این اتاق بهره‌برده شود. محمد مهدی بهکیش ادامه داد: لازم نیست ما از ابتدا چرخ را اختراع کنیم. اتاق بازرگانی بین‌المللی به اعضای خود خدمات می‌دهد و ایرانی‌ها هم باید از آن استفاده بیشتری بکنند. به عنوان مثال در مورد قراردادهای اقتصادی و تجاری الگوهای مشخص و استاندارد از سوی این اتاق طراحی شده است و به زبان انگلیسی وجود دارد. این قراردادها از نظر حقوقی چارچوب درست و تایید شده‌ای دارد که فعالان اقتصادی ایران نیز می‌توانند از این الگوها برای همکاری‌های جدید اقتصادی خود با شرکای خارجی بهره‌برند. وی افزود: در این صورت اختلافات به حداقل می‌رسد و در صورت بروز اختلاف مرجع رسیدگی به آن مشخص است. حسین سلیمی عضو هیات رئیسه و خزانه‌دار کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز بر بهره‌برداری از موقعیت‌های این اتاق تأکید کرد. این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران به آینده‌نگر گفت: فعالان بخش خصوصی برای جلوگیری از خسارت‌های احتمالی پس از عقد قرارداد با طرف‌های خارجی لازم است از الگوهای مطمئن و تضمین شده استفاده کنند که مشاوره در این زمینه برای استفاده از مدل‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی از سوی کمیته ایرانی ارائه می‌شود. سلیمی همچنین تأکید کرد: ارتباط بیشتر و بهتر با اتاق بازرگانی بین‌المللی می‌تواند زمینه حضور ایران در سازمان تجارت جهانی WTO را نیز فراهم کند. با توجه به اینکه بعد از لغو تحریم‌ها شرایط برای پیوستن ایران به این سازمان مهیا خواهد شد، باید از قواعد بین‌المللی در مراودات خود بهره‌بریم که اتاق بازرگانی بین‌المللی می‌تواند در این راه کمک‌رسان باشد.

توصیه‌های میر محمد صادقی به بخش خصوصی کشور: اخلاق کسب و کار نیاز امروز ما

اخلاق در میان اقتصاددین به موضوع راه‌اندازی صندوق‌های قرض الحسنه مربوط است. اما امروز چه چیزی در کنار خود می‌بینیم، متأسفانه آن جو همراه با گسترش انسانیت و فعالیت‌های خیرخواهانه جای خود را به شرایطی داده که هر لحظه بر شدت نگرانی‌ها در مورد گسترش فساد افزوده می‌شود. فضای اقتصادی ایران امروز دورانی تازه را تجربه می‌کند که نیاز به گسترش معیارهای اخلاقی گذشته در آن به شدت احساس می‌شود. اگر قرار است امروز اقتصاد ایران به سمت بهبود حرکت کند به طور حتم بدون اخلاقی انسانی و اسلامی چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. در نظر داشته‌باشید، بخش مهمی از فساد که اقتصاد ایران را اگر رفتار کرده به شکل سازمان یافته نیست و برآمده از شیوه تفکر افراد است. در این دوره تاریخی ما نیاز به گسترش فرهنگ اخلاق در فضای کسب و کار داریم. زمانی که ما عنصر اخلاق را در زندگی شخصی و کسب و کارمان رها می‌کنیم، به طور قطع باید آماده پرداخت هزینه‌های زیادی باشیم.

امروز بیش از هر زمان دیگری به گسترش و بسط اخلاق کسب و کار نیاز داریم. اقتصاد ایران سال‌های بحران زده‌ای را پشت سر گذاشته است. سال‌هایی که کود اقتصادی در کنار گسترش فساد اقتصادی هم‌جان تولید را گرفت و هم اخلاق را به پاره‌پاره کشاند. طی سال‌های گذشته فضای اقتصادی ایران با انواع فسادها آمیخته شده است. بنابراین آنچه بر جای مانده، جامعه‌ای نگران آینده است. فعالان اقتصادی که کسب و کار خود را در فضایی سالم و رقابتی شکل می‌دهند، به خوبی می‌دانند هر اندازه اخلاق با بحران مواجه شود، قطعا هزینه‌های بیشتری به دوش تولید و اقتصاد تحمیل می‌شود. پیش از این بخش مهمی از نظام اقتصادی ایران بر اساس معیارهای اخلاقی شکل گرفته بود. هر آنچه در مورد مراودات اقتصادی در بازارهای ایران گفته می‌شود، تأیید می‌کند، فعالیت زیر نظر اخلاق اسلامی و انسانی موجب شده بود، فرایند تجارت و کسب و کار با سهولت بیشتری به انجام برسد. یک نمونه بسیار مشخص از فعالیت‌های برپایه





ورود سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ایران با مدیریت اتاق و دولت صورت گیرد.



دوره وفور درآمدهای نفتی و مشکلات مربوط به دوره تحریم طبقه‌بندی کرد. مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور گفت: اقتصاد ما قبل از دوره اخیر سیاست‌گذاری در کشور هم با مشکلاتی مزمن مواجه بوده است. این مشکلات در دوره وفور درآمدهای نفتی ابعاد بزرگ‌تر و تنوع بیشتری پیدا کرد و به دنبال آن، در دوره تحریم هم مسائل تشدید شد. وی به عنوان یک نمونه به ضعف سیستم اداری و حاکمیت قانون اشاره کرد و توضیح داد که ایفای نقش توزیع رانت در مقیاس بزرگ توسط دولت در دوره وفور، منجر به بروز فساد مالی شده و به دنبال آن، در دوره تحریم همین مجموعه مسائل باعث شکل‌گیری یک اقتصاد غیررسمی و غیرشفاف تحت عنوان دور زدن تحریم شده است که اثر آن روی ضعیف‌تر شدن نظام اداری کشور بازگشت کرده است.

سیاست درون‌زا و برون‌گرا انتخاب شود

روایت عضو شورای مشورتی اتاق از شرایط جدید اقتصاد ایران

مسعود نیلی در نشستی که به میزبانی دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار شد، در مورد وضعیت کنونی و افق اقتصاد ایران در دوران پس از توافق هسته‌ای در شرایط رفع تحریم سخن گفت.

مشاور ارشد رئیس‌جمهور و عضو شورای مشورتی اتاق تهران، بر ضرورت ایجاد وفاق در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت انتظارات در سطح اجتماعی و عمومی کشور تاکید و عنوان کرد برای استفاده بهینه از بزنگاه تاریخی روی داده در کشور لازم است با اصلاح ساختاری اقتصاد به انتخاب سیاست درون‌زا و برون‌گرا دست زد. انتخابی که اگر چه در ابتدای راه نیازمند تلاش مضاعف مسئولان و بردباری از سوی عموم جامعه است اما می‌تواند به رونق و بهبود مستمر و رشد اقتصادی پایدار برای حل مشکلات اساسی کشور از جمله اشتغال منجر شود. نیلی پیش از این در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که پس از مذاکرات بین‌المللی باید راهی برای مذاکرات داخلی باز شود تا با ایجاد وفاق در کشور بتوان در مسیر توسعه گام برداشت. مسعود نیلی در نشست دانشگاه تهران گفت: در فصل پایانی سال جاری شاهد لغو تمامی تحریم‌های اقتصادی زیر چهار سرفصل تجارت، تکنولوژی، مالی و انرژی خواهیم بود. در این صورت، با نگاه خوش‌بینانه، سال ۱۳۹۵ را بدون وجود هرگونه تحریم اقتصادی آغاز خواهیم کرد. لذا می‌توان امیدوار بود که نتایج عملی لغو تحریم‌ها در سال آینده اقتصاد ایران خود را نشان دهد. مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور با نام بردن از سال ۱۳۹۴ به عنوان سخت‌ترین سال مالی و بودجه‌ای دولت، استمرار کاهش تورم و حفظ دستاورد نرخ مثبت رشد اقتصادی را دو چالش اصلی سال ۱۳۹۴ خواند و گفت: بخش واقعی اقتصاد در طرف عرضه با تنگنای مالی و در طرف تقاضا با کمبود تقاضای موثر مواجه است. عضو شورای مشورتی اتاق تهران مشکلات کنونی اقتصاد ایران را در زیر سه سرفصل عمده مشکلات ساختاری بلندمدت، مشکلات مربوط به سیاست‌گذاری در



تمدن بزرگ در اتاق

اهیات رئیس‌اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در دوره هشتم برنامه‌ای برای دیدار سفرای کشورمان در دیگر کشورها ترتیب داده‌اند تا از این طریق زمینه ارتباطات اقتصادی ایران با دیگر کشورهای دنیا فراهم شود. با تبادل اطلاعات میان اتاق و سفارت‌خانه‌های ایران، امکان رایزنی‌های اقتصادی از طریق سفرها بیش از گذشته فراهم خواهد شد. بر این اساس نشست با سفیر جدید ایران در یونان برگزار شد و دو طرف در مورد توسعه مناسبات تجاری ایران و یونان به گفت‌وگو نشستند. مجید مطلبی شستری، پیش از سفر و استقرار در آتن به اتاق تهران آمد و در نشست با هیات رئیس‌اتاق، نسبت به مساعدت در زمینه افزایش همکاری‌های اقتصادی دو کشور اعلام آمادگی کرد.



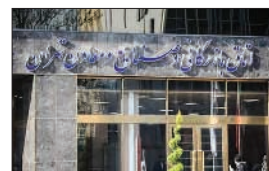
انتصاب دبیر کل اتاق

مسعود خوانساری در حکمی، دکتر بهمن عشقی را به دبیر کلی اتاق تهران انتخاب کرد. عشقی، مدرک دکترای خود را در مهندسی عمران، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل از دانشگاه علم و صنعت اخذ کرده است. او سابقه حضور و فعالیت در حوزه‌هایی چون تولید و واردات خودرو، برنامه‌ریزی شهری و حمل و نقل را دارد. دبیر کل جدید اتاق تهران در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ مدیرعامل شرکت ساختمانی پیمانکار شهرداری تهران بوده و پس از آن تا سال ۱۳۸۳ به عنوان معاون و مدیر کل دفتر حمل و نقل مسافر، مدیر کل دفتر ایمنی و ترافیک و رئیس کمیته نوسازی ناوگان در سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور فعالیت کرده است.



سرمایه‌گذاری در تهران

نعمت اله ترکی رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی تهران، گزارشی از جلسات تشکیل شده در استانداری با بانک‌ها و بیمه‌ها و نیز تأمین اجتماعی در خصوص رفع مشکلات واحدهای تولیدی ارائه کرد. ترکی، از برگزاری همایش بین‌المللی معرفی فرصت‌های توسعه اقتصادی و جذب سرمایه استان تهران در آبان‌ماه سال جاری خبر داد. به گفته وی، مخاطبان این گردهمایی، تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور هستند و برگزار کنندگان آن قصد دارند طی دو روز به معرفی طرح‌های اقتصادی و صنعتی استان تهران و سایر استان‌ها برای سرمایه‌گذاران خارجی بپردازند.



اتاق و ثبت شرکت‌ها

در حالی که چند ماهی از انعقاد تفاهم‌نامه اتاق تهران و اداره ثبت شرکت‌ها می‌گذرد، واحدی به عنوان ثبت شرکت‌ها در اتاق تهران تشکیل شده که آماده خدمات‌رسانی به اعضای اتاق تهران است. بنا بر آنچه در تفاهم‌نامه میان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و اداره کل ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مقرر شده است، تسهیلاتی برای اعضای اتاق در مورد امور جاری آنها با ثبت شرکت‌ها فراهم شده و شرکت‌های دارنده کارت بازرگانی می‌توانند امور مربوطه را از طریق واحد امور ثبت شرکت‌ها در اتاق تهران پیگیری کنند. این واحد اتاق تهران خدماتی از قبیل مشاوره و آموزش را انجام می‌دهد.



تحلیل‌هایی از فعالان اقتصادی درباره
آینده اقتصاد ایران

آرزوهای بزرگ

بررسی‌ها نشان می‌دهند فضای اقتصادی ایران خود را برای دوران تازه‌ای آماده می‌کند. در صورتی که فضای اقتصادی پساتحریم به درستی مدیریت شود، امکان دستیابی به رشد اقتصادی قابل توجهی هم برای اقتصاد ایران مهیا می‌شود. هر چند که هنوز فاصله قابل توجهی با آن دوران باقی مانده است.

ریحانه یاسینی، راضیه علی‌پور ➔

نمره فعالان اقتصادی به محیط کسب و کار ایران از ۱۰۰ نمره

۴۰

نمره فعالان اقتصادی به شاخص‌های مالی در محیط کسب و کار ایران از ۱۰۰ نمره

۲۶

نمره فعالان اقتصادی به شاخص‌های اقتصاد کلان در محیط کسب و کار ایران از ۱۰۰ نمره

۳۰

عکس‌ها: رضا معطریان

لطفاً نگران باشید!

با حضور برندهای خارجی، خطر از دست دادن کسب و کارتان بسیار جدی است و باید بیش از گذشته تلاش کرد

یادداشتی از پدرام سلطانی
نایب رئیس اتاق ایران

سرمایه سیال

بخش خصوصی و دولت در بحث سرمایه‌گذاری چگونه باید تعامل داشته باشند؟

یادداشتی از فرهاد فروتنی
عضو کمیسیون انرژی و محیط زیست

واقعاً چه کرده‌ایم؟

ایران حالا مرکز توجه سرمایه‌گذاران خارجی است

یادداشتی از فریال مستوفی
عضو کمیسیون صنعت و معدن

نرها

شود؟

ن فرد
ایران

ی



فرهاد فزونی

عضو کمیسیون انرژی و محیط زیست

سرمایه سیال

بخش خصوصی و دولت در بحث سرمایه گذاری چگونه باید تعامل داشته باشند؟

نگاه کارآفرین

بحث بعدی این است که ساده سازی مراحل سرمایه گذاری باید صورت بگیرد. ما باید قوانین مزاحم را حذف کنیم. سیستم های ساده را پیش بگیریم و نگران نباشیم که اگر چهار تا از این قوانین حذف شود سرمایه گذار خارجی سود می کند. اصلاً بعضی مواقع وحشت داریم که سرمایه گذار خارجی سود کند. در صورتی که باید بفهمیم سود ما هم در گروی سود اوست.

در اینجا دولت باید از بخش خصوصی کمک بگیرد. منظورم از کمک این نیست که دو جلسه افرادی را از بخش خصوصی دعوت کنیم، مذاکره کنیم و بعد بگوییم خدا حافظ، بلکه باید تعامل مستمر وجود داشته باشد. بخش خصوصی باید قوانین مزاحم سرمایه گذاری خارجی را استخراج کند و در اختیار دولت قرار دهد. بخش دولتی هم با اطمینان به این که حذف برخی قوانین به نفع مردم است و باعث بالا رفتن درآمدها می شود، اقدام کند. در نتیجه مادر و هله اول باید به سیستم تک پنجره ای برسیم. سیستمی که سرمایه گذار خارجی به یک سازمان مراجعه کند و خیلی سریع کارهایش را انجام دهد. نه این که از سازمان های مختلف مدام امضا بگیرد و بین طبقات و ادارات متعدد سردرگم شود. یک سیستم بوروکراسی چابک و سبک در اول کار برای سرمایه گذار ایجاد کنیم و بعد که سرمایه گذاری شروع شد، قوانین مزاحم را که باعث کندی می شود از جلوی پایش برداریم. اینجا نقش بخش خصوصی بسیار مهم و کاملاً لازم است و با دستور دولتی نمی توان کاری کرد. یکی از مشکلات دیگر این مملکت فساد اداری است. ما دیگر این روزها در این مملکت مسئولی نداریم که از فساد اداری حرف نزنند. این باید حذف شود. چرا که باعث می شود سرمایه گذار خارجی از این مملکت فرار کند. با این مسئله شدیداً باید مبارزه کرد و آن را از میان برداشت. دولتی ها فکر نکنند که این مسائل ربطی به سرمایه گذاری خارجی ندارد. سرمایه گذاران خارجی در محیطی که فساد و زد و بند زیادی جریان داشته باشد، وارد نمی شوند. نکته آخر هم این که ما نباید بنشینیم ببینیم چه کسانی می آیند سرمایه گذاری کنند. خودمان باید به دنبال سرمایه گذاران خارجی برویم. بخش خصوصی و اتاق های بازرگانی باید گروه های مختلفی را به کشورهای دنیا بفرستند، گروه های حرفه ای که مثل بقیه گروه ها نخواهند بروند و فقط اجناس خودشان را بفرشند. گروه هایی باید باشند که بروند به دنبال مذاکره با سرمایه داران خارجی و ضمن ارائه پتانسیل هایی که این مملکت برای سرمایه گذاری خارجی دارد، پاسخگوی سوالات آنها باشند. این درست نیست که ما بنشینیم و منتظر باشیم تا آنها بیایند، بعد ببینیم در هواپیمایشان ۴۰ نفر هستند یا ۶۰ نفر. افرادی از کشور و بخش خصوصی خودمان باید بروند با سرمایه گذاران جلسه بگذارند و برای بخش های مختلف جذبشان کنند.

و درآمد ایجاد کنند. در حقیقت آنها جزیره ای فکر می کنند، فکر می کنند هر کسی باید از این سرمایه گذار خارجی نصیبی ببرد. آنها به سرمایه گذار به چشم گوشت قربانی نگاه می کنند. در صورتی که سرمایه گذار گوشت قربانی نیست. او هم دنبال نفع خودش است، و ما هم در نفع او منفعت هایی داریم. اگر سرمایه گذار ایجاد اشتغال کرد، فناوری جدید آورد و مالیات و بیمه اش را هم در حد معقول پرداخت کرد، برای دولت باید کفایت کند. به این علت که سرمایه گذار در کشور اشتغال ایجاد می کند، و دانش و تکنولوژی نوینی را هم در مملکت پیاده می کند، مالیات و بیمه کارکنانش را هم باید به صورت نرمال نگاه داریم، نه این که چون خارجی است بیشتر بگیریم. حتی ما باید برای مالیات و بیمه نرخ های تشویقی هم تعیین کنیم. برای همین است که در خیلی کشورها می گویند مثلاً سرمایه گذار خارجی ۵ سال از پرداخت مالیات معاف است. چنین طرح هایی باعث می شود در نهایت کشور سود بیشتری به دست آورد.

خودمان باید دنبال سرمایه گذارها برویم

اولین کار برای ورود سرمایه گذار خارجی این است؛ باید اطلاعات کامل را در مورد پروژه ها و امکانات اقتصادی و فنی مملکت در اختیار سرمایه گذار خارجی بگذاریم. نه غلو کنیم، نه کم نمایی کنیم، نه تشویق بی جهت و نه ترساندن داشته باشیم. باید آنها را با واقعیت ها روبه رو کنیم. وزارت نفت و وزارت راه و شهرسازی این کار را کرده اند. پروژه هایی که می توانند توسط سرمایه گذاران خارجی مورد استفاده قرار گیرد و برای خودشان و مملکت حاصل برد - برد داشته باشد، اینها را اعلام کرده اند. این کار باید توسط بقیه سازمان های دولتی هم انجام شود.

در وهله اول باید راجع به سرمایه و سرمایه گذاری خارجی، و بایدها و نبایدهای آن صحبت کنیم. یکی از مسائل مهم این است که سرمایه سیال است. یک جانی ایستد. سیالیت سرمایه خاصیتش این است که به طرف جایی که بالاترین بازده را داشته باشد، می رود، و برای داشتن این بالاترین بازده، به طرف جایی که در آن ثبات سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد، می رود. سرمایه به دنبال دموکراسی و مردم سالاری نیست، سرمایه به دنبال بازده خودش و ثبات است. به جایی می رود که باور به اقتصاد آزاد و قوانین آن وجود داشته باشد. اگر کشوری به اقتصاد آزاد باور ندارد و به دنبال اقتصادهای چپ گرا و سوسیالیستی است، سرمایه گذار به آنجا نمی رود. برای این که به سرمایه در این کشورها بیشتر به چشم ضلارزش نگاه می شود. بنابراین به جایی می رود که ثروت و دارایی، ارزش محسوب می شود. حالا اگر در این کشور مدام بگوییم سرمایه گذار خون مردم را می مکد، باعث فرار سرمایه گذار اقتصادی از کشورمان می شویم. پس برای این که بتوانیم سرمایه های خارجی و حتی داخلی را به سمت فعالیت های تولیدی کشور جلب کنیم، در وهله اول باید باورهای اقتصاد آزاد را تقویت کنیم، باید ثبات سیاسی و اقتصادی داشته باشیم.

سرمایه گذار آزادی می خواهد و گوشت قربانی نیست

نکته بعدی این است که سرمایه گذار باید آزادی تصمیم گیری داشته باشد. شما نمی توانید برای سرمایه گذار خارجی تعیین تکلیف کنید که باید حتماً سرمایه ات را به این شهر ببری و آن کالا را تولید کنی. باید آزادی عمل داشته باشد، چون سرمایه گذار خارجی به استفاده از سرمایه، دانش و تجربه می آید در یک مملکت سرمایه گذاری می کند. اگر کسی کارش ساختن نیروگاه برق است، سرمایه اش را می آورد در جایی که خودش تشخیص می دهد بهترین است و نتیجه کارش را به دولت یا بخش خصوصی می فروشد. شما نمی توانید او را مجبور کنید که نیروگاه نسازد و بیمارستان بسازد. بنابراین باید آزادی عمل داشته باشد. لذا این حرف ها که زده می شود که باید سرمایه گذار خارجی را هدایت کنیم و ملزم کنیم کارهایی را که ما می خواهیم انجام دهد، بسیار غلط است. این یک تفکر دولتی است که تصور می کنند سرمایه گذار خارجی را هم می شود مجبور کرد کارهای مورد علاقه دولت را انجام دهد. کسانی که این حرف ها را می زنند، یا از تعامل با سرمایه گذار خارجی می ترسند یا می خواهند فضا را جووری بسازند که سرمایه گذار خارجی جرأت نکند به این مملکت بیاید.

نکته بعدی این است که سرمایه گذاری خارجی قرار نیست منشأ در آمد برای دولت باشد. متأسفانه تصور دولت مردان ما این است که باید برای سازمان ها و ادارات خودشان کار

دولت باید از بخش خصوصی کمک بگیرد. منظورم از کمک این نیست که دو جلسه افرادی را از بخش خصوصی دعوت کنیم، مذاکره کنیم و بعد بگوییم خدا حافظ بلکه باید تعامل مستمر وجود داشته باشد



متأسفانه بعضی از این سرمایه‌گذاران
خارجی هنوز هم رویکرد و دید سنتی
نسبت به ایران دارند

نگاه کارآفرین

سرمایه‌ها در راه ایران

مسائلی که می‌تواند سرمایه‌گذار خارجی را فراری دهد
چیست و با ما چه می‌کند؟



احمد کیمیایی
عضو کمیسیون بازار پول و سرمایه

این عزم در دولت وجود دارد که بخواهد این موانع را برطرف کند. ولی باید زمان بدهیم به دولت و بخش خصوصی، تا سرمایه‌گذار خارجی خودش را با وضع موجود تطبیق دهد. ما چندین سال را با تحریم گذرانده‌ایم، مدتی را هم باید در دوره گذار طی کنیم. نمی‌شود انتظار داشت سریع به دوران پساتحریم برسیم. بهتر است فرصتی بدهیم تا هم بخش خصوصی و هم سرمایه‌گذار، بتوانند تعامل بهتری پیدا کنند. یکی دیگر از موارد مورد بررسی در مؤلفه‌های کسب و کار، مسئله تأمین اجتماعی است. این مسئله برای سرمایه‌گذاران داخلی هم معضل شده است. سرمایه‌گذار خارجی نیز وقتی بخواهد بیاید، حتماً توجه می‌کند که سازمانی به عنوان تأمین اجتماعی وجود دارد، رقم قابل توجهی از کارفرما می‌گیرد و در قبال آن خدماتی ارائه می‌دهد که چندان با دریافتی‌اش همخوانی ندارد. بعد از این هم مسئله‌ای است با عنوان نظام مالیاتی. این نظام سعی خودش را می‌کند که به سوی عدالت و انصاف پیش رود، اما بخش اعظم مالیاتی که می‌گیرد از بخش‌های آسیب‌پذیر است. بخش تولید ما به صورت شفاف عمل می‌کند و همه مدارک خرید و فروشش را به اداره مالیات می‌دهد، به همین دلیل فشار هم از اداره مالیات بیشتر به این قشر می‌آید تا جاهای دیگری که همه می‌دانیم کجا هستند.

مسئله دیگر نیز میزان بهره‌وری نیروی کار است. آن کارایی‌ای که نیروی کار در جوامع پیشرفته دارد، نیروی کارگری ما ندارد. من خودم شاهد هستم که اگر کارخانه‌ای در کشورهای جنوب شرق آسیا بخواهد با صد نفر کارگر بگردد، در ایران حداقل ۳۰۰ نفر نیرو لازم است تا آن کار را پیش ببرند. بحث کارایی و بهره‌وری در سیستم کسب و کار خیلی مهم است. یکی از مسائل مهم دیگر در مؤلفه‌های تسهیل کسب و کار، نرخ سود بانکی ماست. الان هیچ رابطه و منطقی نسبت به جوامع اطرافمان و کشورهای در حال توسعه در ایران وجود ندارد. سودهای نزدیک ۲۵ درصد یا حتی بالاتر بانکی، هیچ سنجیتی با وضعیت تولید ما ندارد. من نمی‌دانم این وام‌ها چطور پرداخت می‌شود و در این بازار راکد چطور باز پرداختش به بانک انجام می‌گیرد. این آیت‌ها را حتماً سرمایه‌گذار خارجی می‌سنجد و بعد وارد می‌شود. البته هر کدام از مسائل وزن خاص خودش را دارد و سرمایه‌گذار تمام آنها را با هم مورد بررسی قرار می‌دهد و برای ورود به کشور، تصمیم می‌گیرد.

نسبی هستیم و باید با برنامه‌های مدونی سرمایه‌گذاران را به سوی آنها سوق دهیم، به طوری که نتیجه برد-برد به دست آوریم.

تأمین اجتماعی و نظام مالیاتی، موانع سرمایه‌گذار خارجی

برخی ویژگی‌هایی برای ایران ذکر می‌شود که عده‌ای معتقدند به دلیل آنها سرمایه‌گذاران خارجی به ایران نخواهند آمد. عده‌ای می‌گویند نیمی از جمعیت کشور زیر خط فقر هستند و ایران چندان بازار مصرف بزرگی محسوب نمی‌شود. اما فکر نمی‌کنم این مسئله به بحث سرمایه‌گذاری خارجی زیاد مرتبط شود. سرمایه‌گذار خارجی دنبال منافع خودش است. اصلاً ممکن است کالایی را بخواهد تولید کند که در کشور ما مصرف داخلی نداشته باشد و بخواهد آن را صادر کند. بیش از این شائبه‌ها سرمایه‌گذاران خارجی آیت‌هایی را که به عنوان تسهیل کسب و کار برای یک کشور شناخته می‌شود، ملاک قرار می‌دهند. سرمایه‌گذاران بررسی می‌کنند که چقدر راهاندازی کسب و کار در ایران می‌تواند راحت و متضمن سودآوری بیشتری باشد. موارد زیادی را به عنوان مؤلفه‌های تسهیل کسب و کار می‌توان نام برد. یکی از چیزهایی که همین الان هم خیلی دست و پاگیر شده، مشکل بوروکراسی است. این مشکلی است که هم سرمایه‌گذار داخلی با آن مواجه است و هم خارجی. برای حل این مسئله دولت باید پیش قدم شود. بخش خصوصی می‌تواند پیشنهادهايش را طی راهکارهایی به دولت ارائه کند، اما اقدام اصلی را باید دولت بردارد. من هم می‌بینم

خوشبختانه بعد از توافق وین، هم زمه‌هایی از حضور سرمایه‌گذاران خارجی شنیده می‌شود و هم رفت و آمدهایی رخ داده است. اینها را به فال نیک می‌گیریم. اما من تا به حال عزم جدی در سرمایه‌گذاران خارجی ندیده‌ام، به این صورت که آنها به طور جدی وارد مباحثاتی شوند و به صورت مشترک با شرکت‌های ایرانی بخواهند کار کنند. هنوز چنین چیزی حس نکرده‌ام. اما روند ورود سرمایه‌گذار خارجی هم باید به این شکل باشد که دانش فنی همراه خودشان بیاورند و با حضور شرکت‌های ایرانی کار کنند. یعنی به صورت مشارکتی با ایرانی‌ها شرکتی را اداره کنند. این که سرمایه‌گذار خارجی بیاید و به تنهایی بخواهد حرکتی را انجام دهد، چندان به نفع صنعت ما نیست و اهداف صنعت و اتاق بازرگانی را زیاد محقق نمی‌کند.

دید سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به ایران سنتی است

متأسفانه بعضی از این سرمایه‌گذاران خارجی هنوز هم رویکرد و دید سنتی نسبت به ایران دارند. بعضاً هیات‌هایی که ورود پیدا کردند، بیشتر با مقامات وزارت نفت و وزارت نیرو جلساتی داشته‌اند. هنوز هم همان دید قدیمی را دارند و برای حضور در عرصه‌هایی که نقطه قوت کشور ماست، بیشتر علاقه نشان داده‌اند. اما قبل از تحریم و حتی در زمان تحریم هم سرمایه‌گذاری زیادی در این بخش شده و این نقطه قوت کشور ماست. ما خوشبختانه تا به حال در این زمینه مشکلی برای سرمایه‌گذاری، چه داخلی و چه خارجی نداشته‌ایم. ولی هنوز هم خارجی‌ها چون رابطه‌مان کم بوده است، همان دید را دارند که بیایند در این زمینه‌های مذکور سرمایه‌گذاری کنند. دولت و بخش خصوصی باید با راهکارهای کارشناسی شده به هیات‌هایی که می‌آیند توانایی کشور ما را نشان دهند، حتی صنایع بالقوه‌ای را که در آنها می‌توانیم حرف‌هایی برای گفتن داشته باشیم، نشان دهند و حتماً آنها را ملزم کند که همراه با سرمایه‌گذاری، انتقال دانش فنی را هم داشته باشند.

اگر چه من روی حوزه و کسب و کار خاصی مطالعه نکرده‌ام. اما فکر می‌کنم کارهایی که نیروی کار بیشتری نیاز داشته باشد، با توجه به نیروی کار ارزان قیمتی که در کشور ما وجود دارد، برای سرمایه‌گذاری خارجی مناسب‌تر باشد. هم برای سرمایه‌گذار نفع دارد و هم برای ما اشتغال‌آفرینی می‌کند. به طور کلی در بعضی حوزه‌ها مثل همین نیروی کار ارزان قیمت دارای مزیت

فکر می‌کنم کارهایی که نیروی کار بیشتری نیاز داشته باشد، با توجه به نیروی کار ارزان قیمتی که در کشور ما وجود دارد برای سرمایه‌گذاری خارجی مناسب‌تر باشد. هم برای سرمایه‌گذار نفع دارد و هم برای ما اشتغال‌آفرینی می‌کند



فریال مستوفی

عضو کمیسیون صنعت و معدن

واقعاً چه کرده‌ایم؟

نوبت به مذاکرات اقتصادی رسیده،

ایران حالا مرکز توجه سرمایه‌گذاران خارجی است

بیشتری بدهد.

دیپلماسی اقتصادی مهم و ضروری است

در جریان کسب و کار عملی من حتی زمان تحریم‌ها مشکل چندانی به وجود نیامد. چون دیپلماسی اقتصادی را کم و بیش بلد، حتی ظرف مدت تحریم در کشورهای کشورهای خارجی آن چنان که به روی خیلی‌ها بسته بود، به روی من نبود. من هم توانستم سرمایه‌گذار خارجی جذب کنم و هم توانستم فاینانس کنم، به این علت که به دیپلماسی اقتصادی واقف بوده‌ام. این نوع دیپلماسی همان چیزی است که می‌تواند راه‌گشای ما باشد. ظرف دو سال گذشته هم پیشنهادهای خیلی بیشتری به من شده برای این که افراد ببینند و سرمایه‌گذاری کنند، اما این تنها در حد اطلاعات گرفتن بوده و اتفاق عملی نیفتاده است.

در کشورهایی از اروپا تا آسیا که من در آنها حضور دارم، دیدهام که در دو سال گذشته فعالان اقتصادی‌شان تمایل بالایی برای حضور در ایران داشته‌اند. اما تمایل آنها به حضور در بخش خصوصی است. شرکت‌ها و افراد ثروتمند در دنیا علاقه‌مند نیستند که با دولت سرمایه‌گذاری کنند، آنها شریک خصوصی در سطح خودشان می‌خواهند تا موازنه تناسوی حقوق برهم نخورد. اقتصاد ما چون دولتی بوده، نتوانسته جذب سرمایه کند. با توجه به وضعیت بیکاری که در مملکت داریم، نیاز است که برای اشتغال‌زایی به کشورمان بیایند.

باید این سیگنال را به خارجی‌ها بدهیم که در دوره پساتحریم، قرار نیست همان رویه‌ای که تا به حال انجام شده ادامه یابد. زمانی که آنها دنبال فروش بودند و ما هم دنبال خرید، تمام شده است. درآمد دولت باید به وسیله بخش خصوصی از طریق مالیات تأمین شود، اما چون چنین چیزی نبوده، دولت

زمانی که فضای بین‌المللی برای ایران باز شود، مسلماً سرمایه‌گذاران خارجی هم علاقه‌مند به حضور در بازار بکری مثل ایران خواهند بود. این سرمایه‌گذاران می‌توانند از هر جایی باشند، نمی‌شود گفت از یک کشور بخصوص یا از یک قاره بخصوص خواهند بود. می‌توانند از اروپا، آسیا و حتی آفریقا باشند. هر بازگانی علاقه‌مند است پول هایش را در جایی سرمایه‌گذاری کند که برایش سودآور باشد. مسلماً درها باز می‌شود و سرمایه‌گذاران خارجی به سمت ایران می‌آیند، اما این که شرایط کشور ما برای جذب آنها چگونه باشد جای بحث دارد. اگر چه شرایط پساتحریم چشم‌انداز جدیدی را برای ایران باز می‌کند، اما تمام مشکلات اقتصاد ایران فقط ناشی از تحریم‌ها نیست. بخش عظیمی هم به دلیل مدیریت نادرست بوده است. به همین دلیل اول باید پیش‌زمینه‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری آماده شود. در اس همه اینها، باید اعتمادسازی به وجود آید. ظرف سال‌های گذشته به دلیل تبلیغات سوء علیه ایران، کشورمان چهره خوبی در جامعه بین‌الملل نداشته. این باید بازسازی شود و نیاز به زمان دارد. از طرف دیگر در ایران هنوز با وجود پتانسیل بالا، آمادگی خوبی نداریم. ما زیرساخت‌های خوبی داریم و به آب‌های آزاد دسترسی داریم. اما پیش‌زمینه نیاز است. ما در ایران دائماً تغییر و تحول در مسائل قانونی و آیین‌نامه‌ها را داریم. سیستم بوروکراسی ما باید متحول شود تا پتانسیل بالایی‌مان به کار آید. به علت این مشکلات سرمایه‌گذاران خارجی و حتی داخلی‌ها به سرمایه‌گذاری در کشور ما نداشته‌اند. این شرایط نامناسب محیط کسب و کار در ایران، می‌تواند برای جذب سرمایه‌گذاری مشکل به وجود آورد. باید زمینه‌های سرمایه‌گذاری را آماده کنیم تا سرمایه‌گذاران بتوانند وارد شوند.

اکنون باید از گذشته درس گرفته باشیم؛ اگر برای یک کشور پیشرفته به هر دلیلی تحریم به وجود آید، این همه گرفتاری ما، برای آن هم به وجود می‌آید؟ اگر کشوری خودکفا باشد و نرخ خودکفایی‌اش بالا باشد، ضربه کمتری می‌بیند. اقتصاد ما همواره واردات‌محور بوده است و به همین دلیل در دوره تحریم ما ضربه سختی خوردیم. حالا باید این شرایط را تغییر دهیم و بخش خصوصی می‌تواند در تغییر شرایط نقش مهمی ایفا کند.

شرکت‌هایی که به ایران می‌آیند، هدف‌شان بیشتر فروش است تا سرمایه‌گذاری. باید آنها را به سمتی ببریم که به سرمایه‌گذاری تشویق‌شان کنیم. ابتدا باید ثروت به کشور ما وارد شود، بعد تکنولوژی بیاید و بعد هم سیستم مدیریت ما به‌روزرسانی شود. مخصوصاً این مورد آخر شاید نیازمندیم برای این که این اتفاقات بیفتد، دولت باید بوروکراسی‌های غلط را حذف کند و به بخش خصوصی مجال نقش‌آفرینی

تمام تکیه‌اش به فروش نفت بوده و کاری به بخش خصوصی نداشته است. ظرف سال‌های گذشته برای آزادسازی اقتصاد، بسیار بد عمل شده و طبقه رانت‌خواری به وجود آمده است. اگر اقتصاد کاملاً دولتی می‌ماند، بهتر بود تا به سمت «خصوصی»‌ها برود. دولت باید این رویه را اصلاح کند و بخش خصوصی هم بتواند خودش را بسازد و آمادگی تعامل با بخش خصوصی دنیا را داشته باشد.

هنوز انقلاب نکرده‌ایم

بعد از مناقشات برنامه هسته‌ای ایران، چشم بسیاری از فعالان اقتصادی دنیا و شرکت‌هایشان به ایران دوخته شده است. ولی مسلماً بعضی کشورها یا افراد هستند که علاقه ندارند ایران قدرتمند شود. هر کشوری برای قدرتمند شدن سیاسی نیازمند کسب قدرت اقتصادی است. بعضی‌ها که سوءنظر دارند مشکلاتی که در داخل چه در خارج ایجاد کرده و خواهند کرد، اما دست خود ماست که این وضعیت را تغییر دهیم. فضا سازی‌های رسانه‌ای و تبلیغات دروغ داخلی و خارجی ترسی ندارد، کذب بودن آنها بعد از مدتی رو می‌شود. اما اگر کارهایی انجام دهیم که واقعاً غیر حرفه‌ای باشد، آن سوءنظرها مقبول جلوه خواهد کرد. به همین دلیل باید بسیار مراقب حرکات و رفتارمان باشیم، و سعی مان در تعامل با دنیا باشد، نه فرار گرفتن در مقابل آنها. مسئولان باید خیلی مدیریت شده صحبت کنند. اگر صحبت‌هایمان طوری باشد که سرمایه‌گذارهای خارجی احساس کنند می‌خواهیم با جذب آنها تنها خودمان سود کسب کنیم و محدودیت‌هایی برای آنها به وجود آوریم، نخواهند آمد. اما اگر فضای خوبی از طرف مسئولان دولتی و بخش خصوصی در ایران فراهم باشد، آن قدر بازار کشور ما جذاب هست که برندهای خارجی با اشتیاق بیایند.

من در سفری که دو ماه پیش به آمریکا داشتم علاقه‌مندی شرکت‌های آمریکایی را برای حضور در ایران مشاهده کردم. آنها هم منتظر پایان مناقشات کنگره بر توافق هسته‌ای هستند تا اقدامات جدی و عملی‌شان را آغاز کنند. به نظر می‌رسد توافق انجام‌شده در نهایت از کنگره آمریکا نیز رد شود و طی دوه ماه آینده فعالیت‌های مشترک اقتصادی به صورت جدی آغاز شود. اما باید توجه داشت که بخش خصوصی باید به صورت قوی وارد مذاکره با سرمایه‌گذارهای خارجی شود نه دولت. هیچ شرکت خصوصی در هیچ‌جای دنیا علاقه ندارد با دولتی سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهد و به دنبال شریکی هم‌تراز با خودش در بخش خصوصی می‌گردد. ما راه درازی داریم و باید دیپلماسی اقتصادی یاد بگیریم. اگر چه انقلاب کردیم، ولی هنوز انقلاب اقتصادی نکرده‌ایم.

در کشورهایی از اروپا تا آسیا که
من در آنها حضور دارم، دیده‌ام
که در دو سال گذشته فعالان
اقتصادی‌شان تمایل بالایی برای
حضور در ایران داشته‌اند، اما
تمایل آنها به حضور در بخش
خصوصی است



بعد از مناقشات برنامه هسته‌ای ایران، چشم بسیاری از فعالان اقتصادی دنیا و شرکت‌هایشان به ایران دوخته شده است

نگاه کار آفرین

سیاسی ترین برندها

نگاه کار آفرین پای سرمایه گذارهای خارجی به صنایع غذایی باز می شود؟



حسن فروزان فرد
عضو کمیسیون کشاورزی، آب و صنایع غذایی

امیدوار بود، بنابراین اصلت حضور سرمایه گذاران خارجی درست است و باید اتفاق بیفتد، اما دولت، بخش خصوصی، انجمن‌ها و اتحادیه‌های ما باید کنار هم تلاش کنند تا این دو همراه با هم پیش روند. من به صورت عمومی به حضور سرمایه گذاران خارجی بسیار مثبت نگاه می کنم، اما به شرطی که فضا برای حضور بخش خصوصی نیز باز تر شود.

مک دونالد بیش از اندازه سیاسی است

مک دونالد به عنوان یک برند بین المللی شناخته شده، فضای سیاسی دارد. به عنوان برندی که نماینده فرهنگ و رفتار آمریکایی در حوزه مصرف غذا است، حساسیت‌هایی را در داخل برمی انگیزد.

موضوع این برند چون چند بار به صورت سناریوی پیروزی آمریکادر دنیا مطرح شده، کمی بیش از اندازه سیاسی است. ما برندهای مختلف و محصولاتی شبیه همین محصول را در داخل استفاده می کنیم و اندیشه مصرف آن در گذشته منتقل شده است، موضوع فقط برند است. این برند هم به خاطر سناریوهای قبلی که در دنیا به عنوان فتح و پیروزی مطرح شده، در کشور ما با چالش مواجه است. برای همین بیش از اندازه نباید به آن پرداخت، و باید اجازه داد در طول زمان مسئله اش حل شود. اگر مک دونالد شاخص اولین برندهایی که از آمریکا وارد می شوند، باشد، مشکلاتی پیش می آید. نباید اجازه دهیم حساسیت‌های بیش از اندازه ایجاد شود، چرا که حساسیت‌های این چنینی می تواند تمام روند جدید پیش روی اقتصاد را با مشکل مواجه کند. بیش از برندهای این چنینی به برندهای صنعتی و مهم دیگری در حوزه خور و وسازی و صنایع این چنینی احتیاج داریم، باید تمرکزمان را روی این موارد بگذاریم و در خصوص موضوعاتی مانند مک دونالد، حساسیت ایجاد نکنیم. اصرار درباره موضوعاتی که می تواند حساسیت‌های جامعه را برانگیزد ممکن است روند عمومی اصلاح روابط ما با دنیا را به خطر بیندازد. اما از زمانی که بحث حضور مک دونالد مطرح شده، بحث‌هایی در خصوص محدودیت‌هایی در سیستم بوروکراسی دولتی ما پیش آمده است. معمولاً کشورها برای حضور برندهای بزرگ و فعالان اقتصادی هر کدام قوانین مربوط به خودشان را دارند. روح این قوانین باید با اندیشه پشت اداره کشور هماهنگی داشته باشد. اگر قصدمان جلوگیری از ورود است خب این روش‌ها خوب است و جواب می دهد، اما اگر تصمیم گرفته ایم فصل جدیدی از ارتباطات را برقرار کنیم، حتماً باید در همه این حوزه‌ها تجدید نظر کرد. اگر قوانین سرمایه گذاری خارجی و بوروکراسی‌های دست و پاگیر خارجی اصلاح نشود، نمی توانیم اوضاع خوبی در دوره پساتحریم داشته باشیم.

یک رقیب جدی خارجی، تازه در شرایطی که امکان عرضه سریع و توسعه خودش را در قالب فروشگاه‌های دیگر نداشت، این اتفاق افتاد. این نوع برندها که صاحب توانایی و سیستم خاص هستند، غیر از این که یک محصول خاص دارند، همراه خودشان نوعی نگارش مدیریتی، مدیریت زنجیره تأمین و سیستم را وارد ایران می کنند. به خاطر این که آنها مجبورند از نیروهای داخلی ایرانی استفاده کنند، دانشی که دارند به سرعت و ظرف چند سال بین فعالان اقتصادی ایرانی منتشر می شود. پس امیدوار کننده است که در نتیجه حضور خارجی‌ها فضای رقابت ایجاد شود و برندهای داخلی مایتوانند توسعه پیدا کنند.

فقط نکته اینجاست که به تناسب باز شدن فضا برای حضور برندهای بین المللی در حوزه‌های مختلف، فضای کسب و کار و انگیزه‌های لازم برای توسعه در بخش خصوصی هم تقویت شود. اگر گروه‌ها در یک فضای مناسب کسب و کار، انگیزه‌های لازم را برای توسعه خودشان در کنار رقابتی خارجی داشته باشند، می توانیم امیدوار باشیم که در ۵ تا ۱۰ سال آینده چندین برند تقویت شده ایرانی داشته باشیم. بی تردید در جریان این مسئله باید برندهای ضعیف را هم از بازار بیرون ببریم. به این ترتیب کارایی عمومی بازار افزایش پیدا می کند. رفاه عمومی مصرف کنندگان افزایش پیدا می کند و رفتارهای تولید کنندگان هم حرفه‌ای تر می شود. این چشم اندازی است از آنچه در حال اتفاق افتادن است. بر یک نکته دیگر مجدداً تأکید می کنم که می تواند چشم اسفندیار یا پاشنه آشیل این موضوع باشد: به همان نسبتی که فضای اقتصاد برای حضور بازیگران خارجی در ایران باز می شود، فضای کسب و کار بخش خصوصی نیز برای پیشرفت و توسعه باید افزایش پیدا کند. اگر این دو با هم اتفاق بیفتد، می شود برای بهبودهایی

بعد از توافق هسته‌ای، صحبت‌ها و رفت و آمدهای هیات‌های تجاری خارجی به داخل کشور افزایش یافته، اما تا جایی که من در جریان هستم هنوز اتفاق بزرگ و قابل ذکری نیفتاده است. اما به طور قطع می توان امیدوار بود اتفاقات مثبتی در کشور و به خصوص در حوزه صنایع غذایی ما بیفتد. علت این موضوع مزیت نسبی کشور در حوزه تولید محصولات کشاورزی و تولید محصولات غذایی بسته بندی شده است. نکته این است که ما هم خودمان صاحب بازار بزرگ مصرف هستیم و هم به بازارهای بزرگ کشورهای همسایه دسترسی خوب و راه‌های حمل و نقل قابل قبولی برای ارائه محصولات داریم.

اگر تشکلهای حوزه صنایع غذایی توان شان را برای ارائه واقعیت‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود توسعه دهند و آماده مذاکرات چالشی و حرفه‌ای با طرف‌های خارجی باشند، می توانند جذابیت‌های این حوزه را به شکل مناسبی ارائه دهند. تنها از این راه است که می توانیم سرمایه گذاران خارجی را به صنعت غذا جذب کنیم. اگر مذاکره کنندگان خوبی داشته باشیم و مواد خوبی هم برای مذاکره آماده کنیم، جذابیت‌های بسیاری برای مشارکت‌های بین المللی در حوزه صنایع غذایی ایران فراهم است.

نظر سنجی‌ها و بررسی‌های میدانی نشان می دهد بازار ایران بعد از ۳۵ سال دوری از برندهای بین المللی، در سطح شهرهای بزرگ و قسمت‌های برخوردار، آماده مصرف کالاها و برندهای با کیفیت و بنام دنیا هست. حتی اگر به سفرهای توریستی ایرانیان به خارج از کشور و تمایل شان برای مصرف کالاهای غذایی خارجی نگاه کنیم، متوجه ظرفیتی در کشور که به صورت خاموش وجود دارد، می شویم. این مسئله را باید پذیرفت، مقابله با حضور سرمایه گذاران خارجی کمک زیادی به ما نمی کند. اما اگر سرمایه گذارهای خارجی در هنگام ورود با سرمایه گذاران داخل کشور همراه شوند، حضورشان می تواند به ایجاد رقابت حرفه‌ای در بازار منجر شود.

فروشگاه‌های زنجیره‌ای و اثبات نقش سرمایه گذار خارجی در ارتقای تولید داخلی

دو دهه بعد از انقلاب فروشگاه‌های زنجیره‌ای را ابتدا با برند فروشگاه رفاه و بعد هم فروشگاه شهروند ایجاد کردیم. تا اندازه‌ای در دانش فروشگاه‌داری پیش رفتیم و به یک سطحی دست پیدا کردیم. اما بعد از این که فروشگاه‌هایی با برندهای جدید و بین المللی، مانند هایپر استار و... وارد کشور شدند، سطح عمومی فروشگاه‌داری ظرف پنج سال گذشته به شدت در کشور متفاوت شد. همه فروشگاه‌های بزرگ امروز به این رسیده‌اند که باید خودشان را از نظر مدیریت، ساختمان، نیروی انسانی و... به‌سازی کنند. به استناد ورود

اگر گروه‌ها در یک فضای مناسب کسب و کار انگیزه‌های لازم را برای توسعه خودشان در کنار رقابتی خارجی داشته باشند، می توانیم امیدوار باشیم که در ۵ تا ۱۰ سال آینده چندین برند تقویت شده ایرانی داشته باشیم

لطفاً نگران باشید!

با حضور برندهای خارجی، خطر از دست دادن کسب و کارتان بسیار جدی است و باید بیش از گذشته تلاش کرد



پدرام سلطانی
نایب رئیس اتاق ایران

گسترده‌ای حاکم است و نرخ بیکاری بالایی داریم، خودمان هم احساس نیاز می‌کنیم که سرمایه‌گذار خارجی به عنوان منجی برای خروج اقتصاد از این وضعیت، وارد کشور شود. اما باید توجه کنیم اشتیاق ما برای اهرم قرار دادن سرمایه‌گذاری خارجی جهت حل این مشکلات، از تدبیر و تعقل ما برای تدوین استراتژی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مسیردهی به این سرمایه‌گذاری‌ها پیشی نگیرد. ما باید سعی کنیم سرمایه‌گذاری خارجی را پایه‌ای برای توسعه همه‌جانبه قرار دهیم، نه فقط برای این که در کوتاه‌مدت، میانبری برای حل و فصل مسائل کشور باشد.

❖ در بازار راکد کنونی هم باید از حضور برندهای خارجی نگران بود؟

گفته می‌شود که شرایط اقتصاد ایران نابسامان است و قدرت خرید مردم بالا نیست و بازار مصرف مناسبی حتی برای کالاهای داخلی هم وجود ندارد. اما این حرف درستی نیست. اسم کالایی را که در داخل تولید می‌کنیم چه خارجی بگذاریم چه داخلی، هر بازار مصرفی حتی بازارهای مصرفی کشورهای که سطح درآمد پایین‌تر از ما دارند، کشش مشخصی برای گروهی از کالاها دارد. به طور مثال بازار ما در همین شرایط فعلی هم توان جذب سالیانه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار خودرو دارد. اگر حتی سرمایه‌گذار خارجی در کشور ما نگاهی به بازارهای محلی و منطقه‌ای هم نداشته باشد، به دست آوردن سهم در بازار یک میلیون و ۵۰۰ هزار تایی می‌تواند جذابیت داشته باشد. یا مثلاً در حوزه مخابرات، در همین شرایط هم بیش از ۷۰ میلیون سیم‌کارت در کشورمان فعال است. افراد به طور متوسط بیش از یک خط تلفن همراه دارند و با باز شدن درها و رفت و آمدها میزان تقاضا برای سیم‌کارت و استفاده‌های مقطعی افزایش پیدا می‌کند. پس بازار تلفن همراه یا بازارهای مربوط به مخابرات هم می‌تواند جذاب باشد. در همین شرایط، متقاضیان تسهیلات پشت در بانک‌ها صف کشیده‌اند. بنابراین ارائه خدمات بانکی تقاضای خودش را در همین

در بخش نفت و گاز است. فرصت‌های دیگری که بعد از اینها مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد، مربوط به حوزه‌هایی است که در آنها با هدف دسترسی به بازار ما سرمایه‌گذاری می‌شود. حوزه‌هایی مثل خودروسازی، مخابرات، امور بانکی و بیمه‌ای مواردی است که سرمایه‌گذاران خارجی به جهت بازار بزرگ و هشتاد میلیونی ایران، علاقه دارند به آنها وارد شوند. ما به بازار کشورهای همسایه نیز دسترسی راحت و مناسبی داریم، و سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مند هستند از طریق حضور در بازار ما، به آن بازارها هم دسترسی راحتی پیدا کنند. بنابراین انگیزه‌های اصلی سرمایه‌گذار خارجی دو چیز است: دسترسی به منابع ارزان مثل نفت و گاز، و دسترسی به بازارهای بزرگی برای بعضی محصولات مثل خودرو.

حوزه‌های دیگر به تناسب این که چقدر منابع ما در دسترس سرمایه‌گذار خارجی باشد، یا چقدر بازارها جذابیت داشته باشد، در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد. در این حوزه‌هاست که سهولت و شفافیت، و وضعیت محیط کسب و کار، و همین‌طور ریل‌گذاری که ما با سیاست‌های تشویقی انجام می‌دهیم، می‌تواند به سرمایه‌گذار خارجی سیگنال دهد و او را به سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌هایمان سوق دهد.

با توجه به این که در شرایط فعلی اقتصاد رکود

به طور طبیعی یکی از تحولات بعد از توافق هسته‌ای، توجه سرمایه‌گذاران خارجی به فضای داخلی کشور ما است. طی دو سالی که از روی کار آمدن دولت یازدهم سپردی شده است، همواره در خصوص این مسائل صحبت کرده‌ایم. اوضاع کشور از همان زمان به سمتی رفت که می‌شد حدس زد گشایشی در مناقشات هسته‌ای و تحریم‌ها ایجاد می‌شود و به تبع آن فضای کسب و کار کشور متحول می‌شود. بعد از تفاهم لوزان بحث‌ها برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر و با توافق نهایی هم جدی‌تر شده است.

البته آنچه از سوی بعضی ابراز می‌شود که در کوتاه‌مدت برندهای معتبر به کشور ما هجوم خواهند آورد، بزرگ‌نمایی است. این طور نیست که ظرف مدت کوتاهی تمام برندهای معتبر بیایند و سرمایه‌گذاری کنند، یا به نوعی در بازار محصولاتشان را عرضه کنند و مستقر شوند. این کار تنها در مقایسه با ده سال گذشته شتاب می‌گیرد. حالا که فضای تعامل با خارجی‌ها باز شده، روند حضور آنها نیز شتاب می‌گیرد و ظرف چند سال به تدریج فضای خوبی ایجاد می‌شود. این فضا همان طور که قبلاً هم گفتیم، می‌تواند به تدریج عرصه را بر تولیدکنندگان داخلی تنگ کند. هنوز این اتفاق نیفتاده اما زمان زیادی تا وقوع آن نیز باقی نمانده است. تولیدکنندگان ما باید به خودشان بیایند و از فرصت باقی‌مانده استفاده کنند. باید حواسشان باشد تا بهتر و سریع‌تر خودشان را با سرمایه‌گذاران خارجی وفق دهند.

❖ باید حوزه‌های غیرنفتی را خودمان به خارجی‌ها نشان دهیم

اما بررسی فضای کسب و کار کشور نشان می‌دهد تقاضاهای سرمایه‌گذاران خارجی مانند گذشته در ابتدا بیشتر به حوزه‌های نفت و گاز ما سوق پیدا می‌کند. یعنی همان بخش‌هایی که در آنها به صورت سنتی قوی هستیم. به هر حال آنچه کشور ما را از نظر اقتصادی در دنیا مطرح می‌کند منابع نفتی و گازی ماست. دید سرمایه‌گذاران خارجی نیز نسبت به مزیت‌های ایران هنوز به همین ترتیب است. پس سرمایه‌گذاری اصولاً بیشتر

به فعالان اقتصادی توصیه کرده‌ام که خودشان به دنبال شرکای خارجی بروند. از آن زمانی که دولت روحانی سرکار آمد و چشم‌انداز تعامل مان با دنیا تغییر پیدا کرد، گفته بودم که ما باید برای این زمان آمادگی داشته باشیم



باز شدن درها و برندهای خارجی چه به صورت سرمایه‌گذاری تولیدی در ایران و چه به صورت صادرات و واردات، قطعاً اتفاق می‌افتد

وضعیت بنگاه‌های متوسط (با کارکنان بین ۱۰ تا ۴۹ نفر) طی سال‌های ۸۷ تا ۹۰

سال	تعداد (واحد)	نیروی کار (نفر)	میزان ارزش افزوده خلق شده (میلیارد تومان)	میزان دستمزد پرداختی (میلیارد تومان)	دستمزد ماهانه پرداختی به هر کارگر (تومان)	نسبت حقوق واقعی به حداقل حقوق مصوب
۱۳۸۷	۱۲,۳۰۰	۲۷۳,۱۶۲	۳,۴۸۷	۱,۱۷۲	۳۵۷,۴۱۹	۱,۶۳
۱۳۸۸	۱۱,۴۴۰	۲۵۶,۲۰۳	۳,۵۰۹	۱,۲۶۷	۴۱۵,۰۵۲	۱,۵۸
۱۳۸۹	۱۰,۷۱۱	۲۴۴,۳۲۲	۴,۰۴۰	۱,۳۷۳	۴۶۸,۲۹۹	۱,۴۲
۱۳۹۰	۱۰,۴۸۱	۲۳۵,۲۳۹	۵,۴۴۸	۱,۵۸۷	۵۶۲,۱۶۹	۱,۷۰

توضیح آینده‌نگر: طی سال‌های ۸۷ تا ۹۰ بیش از ۲۶۰۰ کارگاه صنعتی تعطیل شدند؛ درست زمانی که طرح حمایت از بنگاه‌های زودبازده در دولت محمود احمدی‌نژاد اجرا شده بود. آن زمان سوءتدبیرهای دولتی کسب و کارهای شخصی را به ورشکستگی کشاند، اما حالا عدم توجه صاحبان کسب و کار به شرایط پساتحریم و استانداردهای روز دنیا می‌تواند برایشان بسیار گران تمام شود.

من از ماه‌ها پیش به فعالان اقتصادی توصیه کرده‌ام که خودشان به دنبال شرکای خارجی بروند. از آن زمانی که دولت روحانی سر کار آمد و چشم‌انداز تعامل‌مان با دنیا تغییر پیدا کرد، گفته بودم که ما باید برای این زمان آمادگی داشته باشیم. توصیه من به همکارانم و فعالان اقتصادی این بود که با فهم دقیق‌تر و بهتر از توانمندی‌های خودشان در بازار حضور یابند. با بررسی بیشتر از برنامه‌هایی که در آینده دارند، اثراتی که ورود ایران به فضای اقتصاد جهانی در آن برنامه‌ها می‌تواند داشته باشد و فرصت‌هایی که می‌تواند برایشان به وجود آید، در مورد شکل و شیوه ادامه فعالیت اقتصادی‌شان تصمیم بگیرند. اگر احساس می‌کنند فعالیت‌شان در دوران پساتحریم پاسخ‌گو نخواهد بود تصمیم بگیرند که چگونه فرآیند آن را عوض کنند. بهتر است کسب و کارشان را کوچک ولی کارآمد کنند یا در فرآیند تغییر از یک فعالیت به فعالیت دیگر بیفتند، یا اگر احساس می‌کنند در شرایط پساتحریم فرصت‌هایی برایشان فراهم می‌شود، باید بدانند چگونه به توسعه کسب و کار خودشان مبادرت کنند. باید بررسی کنند که سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند برایشان مفید باشد؟ و اگر احساس کردند ورود فناوری خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند برایشان مفید باشد، باید طرح‌های اقتصادی‌شان را آماده کنند و به بازاریابی آن طرح نزد سرمایه‌گذاران خارجی بپردازند.

آنها باید به صورت کنش‌گرانه ارتباط گرفتن با طرف‌های بالقوه را شروع کنند. چه در قالب هیات‌های تجاری که وارد کشور می‌شوند، چه در قالب مکاتبات خودشان و چه در قالب سفرهایی که به کشورهای هدف برای یافتن شرکای بالقوه می‌روند. اگر این کار را به این شیوه انجام دهند، طبیعتاً اثر تعامل با جامعه جهانی و بیشینه شدن فرصت‌های اقتصاد ایران در این فضا را برای خودشان بیشتر و اثرات منفی ناشی از آن را مدیریت کرده‌اند. اگر غیر از این عمل کنیم، در حوزه‌هایی که با باز شدن بیشتر فضای تجارت جهانی بین ایران و سایر کشورها، فضا برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌شود، کسب و کارهای مان دستخوش تغییرات منفی می‌شود.

هم اصلاً نگرانی نداریم. چون بعضی حوزه‌های تولید به نوعی نیست که برندهای خارجی بتوانند وارد شوند و سهم بالایی از بازار بگیرند. بنابراین یک رأی واحد و کلی برای همه حوزه‌های تولیدی و خدماتی نمی‌توانیم صادر کنیم. به هر حال در حوزه‌هایی که نگرانی وجود دارد، همه چیز به سرعت عکس‌العمل و میزان هوشمندی تولیدکنندگان و برندهای داخلی ما برمی‌گردد. آنها باید مطالعه کنند و بفهمند چطور خودشان را با این شرایط تطبیق دهند و وضعیت موجود را به یک فرصت تبدیل کنند، به جای تهدیدی که می‌تواند بیخ گوش‌شان باشد.

فعالان اقتصادی در این شرایط باید چه کنند؟

من در فضای کسب و کار شخصی‌ام هم علاقه بیشتری در خارجی‌ها برای تعامل نسبت به قبل می‌بینم. چون ارتباطات جهانی‌مان بیشتر شده است، آنها با اشتیاق بیشتری شروع به مکاتبه کرده‌اند و در رفت و آمدها علاقه‌مندی زیادی به ارزیابی روش‌ها و شیوه‌های همکاری و مشارکت با ما دارند. این فرصت برای کلیه فعالان اقتصادی فراهم‌تر از گذشته است. اما این که هر کسی در حوزه خودش به تناسب علاقه‌مندی‌اش چگونه با طرف مقابل وارد تعامل شود و ارتباط برقرار کند، محل تفاوت است. قطعاً آنهایی که به دیپلماسی اقتصادی واقف باشند، برد خواهند کرد.

در فضای کسب و کار علاقه بیشتری در خارجی‌ها برای تعامل نسبت به قبل می‌بینم. چون ارتباطات جهانی‌مان بیشتر شده است، آنها با اشتیاق شروع به مکاتبه کرده‌اند و در رفت و آمدها علاقه‌مندی زیادی به ارزیابی روش‌ها و شیوه‌های همکاری و مشارکت با ما دارند

شرایط نامناسب هم دارد. برای بسیاری از بازارها در همین شرایط نامناسب تقاضای بسیاری وجود دارد و برای خارجی‌ها آن قدری سودآور هست که توجه‌شان به داخل جلب شود. این بحث را می‌توان ادامه داد و لیستی طولانی از کالاهایی را گفت که تقاضا برایشان بالاست و سرمایه‌گذاری در آنها سود زیادی دارد.

با توجه به این مسائل، برندهای داخلی ما، تولیدکنندگان داخلی و ارائه‌کنندگان داخلی ما حتماً باید نگران باشند. البته بعد از این که حرف‌هایی برای حضور مک‌دونالد در بازار ایران مطرح شد، نگرانی‌هایی در فعالان این صنف به وجود آمد. اما باید توجه کنیم که حضور مک‌دونالد را نمی‌توان سرمایه‌گذاری خارجی دانست. چون شرکت‌های این چنینی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بلکه اصطلاحاً سیستم خودشان را که نحوه طبخ، آماده کردن، و مدیریت کردن فست‌فود است، به اضافه برند خودشان به متقاضیان واگذار می‌کنند. سپس آن متقاضیان برای گرفتن مکانی متناسب با استانداردهای مک‌دونالد، استخدام پرسنل، و خرید تجهیزات و ماشین‌آلات تحت نام مک‌دونالد اقدام می‌کنند. محصولات مک‌دونالد را به فروش می‌رسانند و مبالغی را به عنوان حق امتیاز به مک‌دونالد پرداخت می‌کنند. این برند به طور مشخص مصداق سرمایه‌گذاری خارجی نیست.

اما به صورت کلی باز شدن درها و برندهای خارجی چه به صورت سرمایه‌گذاری تولیدی در ایران و چه به صورت صادرات و واردات، قطعاً اتفاق می‌افتد. با اطمینان نیز می‌توان گفت خارجی‌ها و برندهایشان برای برندهای داخلی ما رقیب جدی و سرسختی خواهند بود. به همین دلیل تولیدکنندگان داخلی و ارائه‌کنندگان خدمات مشابه از الان باید بدانند که چگونه می‌خواهند با این برندها رقابت کنند؟ آیا با آنها دست به سرمایه‌گذاری مشترک می‌زنند؟ آیا به سایر برندها رجوع می‌کنند و آنها را به بازار داخلی ایران می‌آورند؟ آیا به افزایش کیفیت خودشان، به متناسب‌تر کردن قیمت و کیفیت‌شان، و به بهبود وجهه خودشان در نزد مشتریان توجه می‌کنند؟ آیا کارهایی می‌کنند که بتوانند در برابر برندهای خارجی تاب آورند؟ آیا با سرمایه‌گذاران خارجی شریک می‌شوند تا بتوانند سرمایه‌گذاری و مدیریت بهتری انجام دهند؟ و یا به جای همه اینها، می‌پذیرند که سرمایه‌گذاران خارجی از آنها برترند و باید کارشان را تعطیل کنند؟ ما نمی‌توانیم جلوی فضایی که باز شده بایستیم و نباید هم این کار را بکنیم، نه به صلاح کسب و کار شخصی خودمان است و نه به صلاح اقتصاد کشور، اما می‌توانیم هشیار باشیم و از این فضا به نفع خودمان و برای بهبود فعالیت‌های خودمان استفاده بهینه کنیم.

البته این طور نیست که برای همه حوزه‌های تولیدی‌مان نگران باشیم. در بعضی جاها این نگرانی را بیشتر داریم، در بعضی کمتر، در بعضی

گردشگری

گردشگری به عنوان بالاترین منبع درآمد کشور قابلیت جایگزین شدن با درآمدهای نفتی را دارد



بخش خصوصی محور تصمیم گیری

بخش خصوصی باید نقش محوری و فعالی در تدوین قوانین و برنامه ها داشته باشد



محسن مهرعلیزاده
رئیس کمیسیون گردشگری

در اولین اقدام از جلسات کمیسیون گردشگری، مسئولان بخش های مختلف سازمان میراث فرهنگی در کمیسیون حضور پیدا کردند و گزارشی از وضعیت صنعت گردشگری در کشور ارائه دادند.

اهم موارد مطرح شده در این جلسه از سوی آقای رحمانی موحد، معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی عبارت بودند از: ایجاد فضای مناسب برای تعاملات و تبادل توریسیم در پی تحركات مطلوب اخیر در حوزه روابط بین الملل، ابراز نگرانی از تقویت کشورهای همسایه در جذب ظرفیت های گردشگری منطقه در صورت برقراری امنیت پایدار در آنها، وجود مشکلات عدیده در زیرساخت های صنعت گردشگری و خدمات مسافرتی، تاکید بر جاذبه های وسیع و چندگانه در کشور به عنوان یک فرصت اقتصادی در جذب توریست، گردشگری مذهبی دارای بالاترین سهم در جذب گردشگر به کشور، پایش مناطق نمونه گردشگری در دستور کار این سازمان جهت صرف بهینه منابع در این بخش، مشکل عدم ارتباط ساختاری بخش خصوصی فعال در حوزه گردشگری با اتاق بازرگانی به علت پراکندگی و استقلال این صنعت، اعلام رویکرد حمایتی سازمان از بخش خصوصی فعال به علت وجود امکانات بالقوه و ظرفیت های فراوان در بخش خصوصی حوزه گردشگری با اتکا به منابع خود، که تنها نیازمند بستر سازی در این حوزه است و خبر روند اصلاح آیین نامه مربوط به تسهیل در حوزه گردشگری توسط دولت جهت تسهیل حضور مقتدر بخش خصوصی و همچنین سرمایه گذاران خارجی در این حوزه.

در این جلسه، آقای اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت هم به موضوعاتی از جمله وجود ظرفیت بالقوه ۱۰ میلیارد دلاری برای سرمایه گذاری در حوزه گردشگری زیارتی به ویژه در عراق که سه میلیارد دلار آن با همکاری بخش خصوصی توسط سازمان حج و زیارت در قالب پروژه تحقق یافته است اشاره کرد.

همچنین در جلسات ماه گذشته کمیسیون بر لزوم توجه به ظرفیت های اتاق برای کمک به بخش خصوصی گردشگری جهت تسهیل کسب و کار و سرمایه گذاری، و بررسی راهکارهای قابل اجرا توسط کمیسیون اتاق در جهت انسجام دهی به بخش خصوصی فعال در این بخش تاکید شد.

از طرف دیگر، ضرورت هایی هم در اصلاح نگرش دولت و افکار عمومی در کمک به توسعه گردشگری و نامناسب و ناکافی بودن قوانین و مقررات مرتبط با حوزه گردشگری مطرح شد.

بر این اساس طراحی استراتژی مشخص و مدون برای توسعه صنعت گردشگری با دعوت از سازمان های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، حج و زیارت و سازمان محیط زیست بانه کارگیری کارشناسان مجرب در جهت کمک به پیاده سازی و اجرایی شدن آن طی شش ماه آینده به صورت یک برنامه میان مدت که منبعث از برنامه های بلندمدت موجود در کشور باشد لازم دانسته شد و بر این اساس مقرر شد از این پس از نمایندگان سازمان های دولتی مذکور جهت حضور

دائمی در جلسات، دعوت به عمل آید. در این ماه، پیشنهادهایی هم مطرح شد که از این قرار است: کمک اتاق بازرگانی در مشارکت در سازمان دهی و کمک به تشکیل کارگاه های آموزشی و برگزاری سمینارهای مرتبط با حوزه گردشگری با همکاری سازمان گردشگری با توجه به اهمیت بحث آموزش در این حوزه، درخواست از کمیسیون برای همکاری با شورای برنامه ریزی گردشگری سلامت با مشارکت وزیر بهداشت و سایر سازمان ها، همکاری و مشارکت کمیسیون در کمپین «دوست گردشگر، دوست فردا» به عنوان نماینده فعالان بخش خصوصی.

در نهایت مقرر شد سازمان های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، حج و زیارت و سازمان محیط زیست جهت حضور دائمی در جلسات دعوت شوند. همچنین از چهار تشکل اصلی تشکلهای حوزه گردشگری شامل انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی و جهان گردی استان تهران، اتحادیه هتل ها و هتل آپارتمان های استان تهران، اتحادیه مهمان پذیران استان تهران و انجمن راهنمایان گردشگری استان تهران به عنوان عضو دائمی جلسات دعوت به عمل آید. ماه گذشته، در طرح ارائه نظر ها و پیشنهادهای کمیسیون های مشورتی به آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در قالب موضوعاتی از قبیل مسائل پساتحریم و برنامه ششم در حوزه هر کمیسیون اشاره شد.

اهم موضوعات مطرح شده در کمیسیون گردشگری شامل این موارد بود: تاکید بر نیاز به فرهنگ سازی در دولت جهت مشارکت بخش خصوصی در تدوین قوانین و برنامه ها و همچنین تاکید بر نقش تأثیرگذار این بخش در تدوین برنامه ششم توسعه، تاکید بر وجود مبارزات زیرزمینی دولت با بخش خصوصی به عنوان عاملی در جلوگیری از مشارکت این بخش با دولت، لزوم پذیرش بخش خصوصی به عنوان موتور محرک اقتصاد کشور توسط دولت و ایجاد جایگاه قانونی برای این بخش در تصمیم گیری ها، تاکید بر پتانسیل حوزه گردشگری به عنوان بالاترین منبع درآمد کشور و قابل جایگزین بودن درآمد حاصل از این حوزه با درآمدهای نفتی با توجه به این که حوزه توریسیم اشتغال زاتر است و صنعت پاک نامیده می شود، تاکید بر وجود دیدگاه امنیتی در کشور به عنوان یک موضوع مهم در جلوگیری از رونق صنعت گردشگری، لزوم اختصاص بودجه و تسهیلات مناسب جهت حمایت از سرمایه گذاران بخش خصوصی در حوزه گردشگری، محدودیت های مختلف اعم از قانونی و غیرقانونی ناشی از گرایش ها و طرز تلقی های مختلف فرهنگی و رفع شرایط و عدم ثبات در قوانین و مقررات، لزوم رفع موانع و ایجاد یکنواختی و یکپارچگی قوانین و مقررات در حوزه گردشگری و ارائه خدمات و جلوگیری از اعمال سلیقه در مسیر و ایستگاه های مختلف ارائه خدمات به گردشگران، به هر حال، بخش خصوص باید نقش محوری و فعالی در تدوین قوانین و برنامه ها داشته باشد و کمیسیون باید بتواند در تدوین برنامه ششم توسعه، برنامه های حوزه گردشگری را تهیه، ارائه و از آن دفاع کند.



صنایع ایران امیدوارند در دوران پساتحریم با بهبود ارتباطات بین المللی به سمت فضای رونق حرکت کنند. در حال حاضر رکود اجازه توسعه را به صنایع نمی دهد.

صنعت



۱۷۵ تشکل در کشور وجود دارد که ۱۲۰ واحد از آنها در حوزه صنعت و معدن فعال هستند

نیاز کلیدی به اصلاح ساختارها

نقش اصلی تشکل ها در GDP چیست؟



مهدی پورقاسبی
رئیس کمیسیون صنعت و معدن

ستاد تسهیل امور کسب و کار در استان ها و لزوم توجه توانان به مشکلات بخش صنعت و دولت جهت ارائه راهکارهای عملیاتی قابل اجرا و برد. در ادامه موضوع تعیین تشکل های مدعو به صورت ثابت در کمیسیون مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به هر حال، به طور کلی ۱۷۵ تشکل در کشور وجود دارد که ۱۲۰ واحد از آنها در حوزه صنعت و معدن فعال هستند.

همچنین باید مشخص شود که درصد تاثیر گذاری تشکل ها بر GDP کشور جهت تسهیل در اولویت بندی آنها چگونه است. بر همین اساس هم پیشنهاد شد تا رتبه بندی تشکل ها بر اساس سهم تاثیر گذاری هر رشته فعالیت در GDP کشور جهت اولویت سنجی برای حضور در جلسات کمیسیون صورت بگیرد.

در جلسات ماه گذشته کمیسیون، به عدم تصویب تفاهم نامه واگذاری بخشی از اختیارات دولت به تشکل ها توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، که در دوره های گذشته به تصویب رسیده بود و همچنین به عدم نظر خواهی از بخش خصوصی در روند تدوین و ابلاغ سند استراتژی توسعه صنعتی کشور توسط وزیر صنعت، معدن و تجارت در روز صنعت و معدن انتقادهایی مطرح شد.

علاوه بر این، پیشنهادهایی برای حذف الزام دستگاه ها و شرکت های دولتی به گشودن اعتبار اسنادی داخلی برای خرید کالا و خدمت بیش از یک میلیارد ریال و همچنین حذف خسارت معادل ۲/۵ درصد ماهانه برای تأخیر در تادیه دین از متن پیشنهادی برای آیین نامه اجرایی ماده های ۱ و ۲ داده شد.

همچنین در کمیسیون بر لزوم ایجاد زیرساخت های لازم و آمادگی دولت و بخش خصوصی برای استقبال از سرمایه گذاران خارجی تأکید شد.

در ماه گذشته، گزارشی از مکاتبات صورت گرفته با ۹۳ تشکل تخصصی حوزه صنعت و معدن پیرامون اولویت بندی مشکلات عمده صنایع و موانع تولید جهت بررسی در کمیسیون ارائه شد. این مشکلات از نگاه تشکل ها نرخ بالای بهره بانکی، مشکل کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش بنگاه ها، رکود عمومی حاکم، فساد اداری / اقتصادی، تحریم های خارجی، نرخ برگشت سرمایه پایین در مقایسه با سایر بخش های اقتصادی، مشکل انتقال ارز کالای صادراتی - تحریم بانکی، رفتار سازمان های مرتبط با تولید - استاندارد، بهداشت، محیط زیست، شهرداری، گمرک، دودخی بودن ارز، چک های برگشتی زیاد و غیر قابل اعتماد شدن بازار عنوان شده است.

همچنین آقای خسرو تاج گزارشی از روند تدوین آیین نامه ماده ۸ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام بانکی پیرامون تقویت نشان تجاری و ساماندهی تبلیغات و آقای بهرامن گزارشی از روند تغییرات انجام شده در آیین نامه این ماده را ارائه کردند.

در ماه گذشته، تأثیرات منفی اقدام اخیر کشور عراق مبنی بر دریافت عوارض ۲۰ دلاری به ازای هر تن کالای صادراتی ایرانی و حتی بورس کشور به ویژه در زمینه فعالیت شرکت های سیمانی بررسی شد. بنابراین کمیسیون صنعت و معدن، درخواست ورود اتاق به این موضوع جهت مطالبه از دولت برای واکنش دیپلماتیک به این موضوع را خواستار شد. بر این اساس مقرر شد موضوع به طور مکتوب از طرف تشکل مربوطه به کمیسیون منعکس و سپس از طریق هیات رئیسه اتاق پیگیری های لازم جهت اقدام سریع انجام شود.

در یک ماه گذشته جلسات کمیسیون، نسبت به پیامدهای منفی رکود بی سابقه در صنعت و بازار کشور در شرایط غیر تورمی بر وضعیت اجتماعی کشور هشدار داده شد.

البته انتقادهایی هم از تشدید فشار وزارت نیرو، نفت و حتی بانک ها بر بخش تولید با سخت گیری در دریافت منابع اندک مالی واحدهای انرژی به عنوان هزینه های انرژی وارد شد و هشدارهایی هم نسبت به پیامدهای خطرناک آن بر توقف تولید و مشکلات ناشی از عدم اشتغال و حتی ایجاد بحران های حاد اجتماعی داده شد که بر این اساس مقرر شد موضوع نحوه دریافت هزینه های انرژی در صنایع انرژی بر از طریق تشکل های مربوطه به این کمیسیون ارجاع گردد تا مورد پیگیری قرار گیرد.

همچنین در اجرای طرح نظرسنجی از تشکل ها در خصوص مشکلات صنعت و معدن کشور در کمیسیون به مسائل مختلفی اشاره شد. مسائلی که عبارت اند از: ضرورت صرف زمان بیشتر برای مشکلات داخلی صنایع استان تهران و پرهیز از موازی کاری با کمیسیون های اتاق ایران در بررسی امور کلان کشور، لزوم تمرکز کمیسیون بر اولویت بندی در پرداختن به مسائل کلان کمیسیون به عنوان یک برنامه بلندمدت دوساله، لزوم تدوین برنامه بلندمدت و همچنین درخواست اطلاع رسانی در خصوص مسائل جاری پیش از جلسات از طریق دبیرخانه، ضرورت توجه به وظیفه اصلی کمیسیون در واکنش سریع به مشکلات جاری موکلان خود در بخش صنایع و معدن کشور با پرهیز از بوروکراسی در کمیسیون، لزوم اولویت بندی در تمرکز همزمان بر دو بخش مسائل جاری و کلان، لزوم تعیین شرح وظایف کمیسیون به عنوان مبنایی جهت اولویت بندی مسائل در کمیسیون و همچنین ارائه گزارش های عملکرد ادواری در خصوص ارزیابی میزان دستیابی به آنها، تأکید بر ضرورت جمع بندی از مهم ترین و اساسی ترین مشکلات تشکل ها در صنایع مختلف جهت تمرکز کمیسیون بر آنها، ضرورت ورود کمیسیون به مواردی که اختیارات لازم را در جهت تاثیر گذاری بر آنها داشته باشد؛ به طور مثال لزوم مطالبه اتاق و کمیسیون از دولت در اجرای قوانینی همچون قانون رفع موانع تولید و در عین حال واگذاری مشکلات منطقه ای صنایع به

بازار پول و سرمایه

شاخص بورس از
افت ۲۲ درصدی
نسبت به سال ۹۳
خبر می‌دهد

روزهای نامیزان بورس

بازار سرمایه به کدام سمت
می‌رود؟



علی سنگینیان

رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه

بورس مهمترین صحبت‌های ماه گذشته کمیسیون بود. چراکه وضعیت شاخص بورس کشور در ماه‌های اخیر از افت ۲۲ درصدی آن نسبت به سال ۹۳ و افت ۶۰ درصدی ارزشی بازار بورس خبر می‌دهد. همین افت ارزش هم موجب کاهش شدید دارایی و سهام‌داران و در نتیجه به خطر افتادن موضوع تامین مالی می‌شود.

وضعیت شاخص‌های بازار سرمایه طی هفته‌های گذشته تحت تاثیر اخبار مثبت مذاکرات ایران و ۵+۱ بود. البته در نهایت بازار سرمایه نسبت به خبر توافق هسته‌ای به علل مختلف برخلاف پیش‌بینی‌ها واکنش معکوس نشان داد.

در ادامه برخوردهای سلیقه‌ای در بانک‌های مختلف در قبال تسهیلات ارزی دریافت‌شده صحبت‌هایی به میان آمد. با این حال، انتقاد از نظام بانک‌داری به همین مسئله ختم نشد، بلکه ممنوع‌الخروجی و یا سه‌ستاره شدن مدیران واحدهای اقتصادی دارای بدهی معسوق که نقض حقوق شهروندی مدیران است و در عمل موجب خودتحریمی در صنعت توسط نظام بانکی می‌شود از موضوعات مورد بحث کمیسیون در ماه گذشته بود.

علاوه بر این، دیدار و مذاکره آقای جهانگیری با آقای لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پیرامون طرح قانون بانک‌داری بدون ربا صورت گرفت. البته از سوی دیگر، روند اصلاح آیین‌نامه وصول مطالبات که در صورت تصویب در شورای پول و اعتبار، هم به ضرر بانک‌ها و هم به ضرر تسهیلات‌گیرندگان خواهد بود، باعث ایجاد نگرانی‌هایی از این باب شد.

در ماه گذشته، محمد فطانت، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در جلسه کمیسیون پول و سرمایه شرکت و گزارشی از بازار سرمایه ارائه کرد. براساس گزارش‌های فطانت از بازار سرمایه، سهام ۴۰ صنعت

در بورس کشور معامله می‌شود. مجتبی خسرو تاج، از اعضای کمیسیون پول و سرمایه و قائم‌مقام وزیر صنعت و معدن هم گزارشی از وضعیت سرمایه در گردش واحدها و نقش ابزارهای مالی بازار سرمایه در تامین نقدینگی برای آنها در شرایط ناکارآمدی سیستم بانکی ارائه کردند.

از دیگر موضوعات مطرح‌شده در یک ماه گذشته کمیسیون، می‌توان به نارضایتی سهام‌داران بانک‌ها از کاهش سود تقسیمی به علت برخی بدعت‌ها و ضوابط جدید بانک مرکزی برای بانک‌ها اشاره کرد. در این ماه، همچنین موضوعاتی که پیرامون عدم برنامهریزی دولت برای مواجهه با شرایط پساتحریم ناشی از مشکلات بازار سرمایه و بخشی‌نگری در برخی وزارتخانه‌ها، عدم تسویه بدهی‌های دولت به بانک‌ها و بخش خصوصی، عدم باور دولت به بازار سرمایه به عنوان منابع تامین مالی، درخواست از دولت برای پایش عدم دخالت دستگاه‌های دولتی در قیمت‌گذاری کالاهای غیراساسی، درخواست برای تسریع در اجرای بندهای مصوب دولت در خصوص خروج از رکود و ایجاد رونق، تأکید بر اهمیت گنجاندن جایگاه مشخص برای بخش خصوصی در تدوین برنامه ششم توسعه کشور، مطالبه برای تعیین تکلیف موسسات مالی و پولی غیرمجاز، درخواست جامع‌نگری و اتخاذ رویکردهای جامع و سیستمی توسط دولت و پرهیز دیدگاه‌های بخشی، تأکید بر اهمیت نقش بیمه‌ها در پوشش ریسک در شرایط پساتحریم و درخواست برای توجه ویژه دولت به آن، درخواست تلاش برای ایجاد ارتباط مؤثر و پایدار میان صنعت و بانک‌ها از طریق رفع محدودیت‌های بانک‌ها در ارائه تسهیلات و پیشنهاد طرح موضوع الزام دولت به پرداخت یارانه صنعت مطرح شد.

نقشه‌راه فعالیت کمیسیون قرار دارد.

همچنین مطالبه جدی بخش خصوصی جهت اجرای ابلاغیه‌های بانک مرکزی به بانک‌ها در خصوص مسائل بانکی لازم دیده شد. به غیر از مشکلات در افزایش تعرفه در کشور عراق، اقدام اخیر کشور امارات نسبت به مسدود کردن حساب‌های بانکی شرکت‌های ایرانی و تعطیلی بسیاری از آنها هم باعث نگرانی شده است. البته مقرر شد موضوع جهت پیگیری از بانک مرکزی و وزارت امور خارجه به هیأت رئیسه اتاق منعکس شود. به هر حال، در داخل کشور هم بررسی وجود برخی قوانین دست و پاگیر در اتاق تهران برای دریافت کارت عضویت یا صدور و تمدید کارت بازرگانی و تفویض اختیار برخی از این نظرات‌ها به تشکل‌ها در مواردی همچون تأیید رسمیت اجاره‌نامه‌های محل فعالیت متقاضیان

مهم‌ترین اخبار و رویدادهای ماه گذشته کمیسیون حول ارائه آمار و اطلاعات گذشت. بر این اساس، قرار شد آمار صادرات ۲/۶ میلیاردی صنعت برق از کل ۶ میلیارد صادرات به کشور عراق و ابراز نگرانی نسبت به از دست رفتن بزرگ‌ترین بازار صادرات کشور به علت ایجاد برخی مشکلات و افزایش هزینه‌های مالی، بررسی شود.

کاهش ۳۰ درصدی صادرات به عراق در ماه‌های اخیر موضوع مهمی است که بر این اساس مقرر شد گزارش تحلیلی از وضعیت صادرات به عراق دریافت و برای کلیه اعضا ارسال شود. به هر حال، از ماه هشتم سال میلادی قرار شده است تعرفه مضاعف بر هر تن کالاهای صادراتی از ایران توسط کشور عراق اعمال شود. علاوه بر این، لزوم توجه توامان به مسائل زیربنایی و استراتژیک و مسائل مهم جاری در ذیل

تجارت

صادرات به عراق
در ماه‌های اخیر
۳۰ درصد کاهش
پیدا کرد

زمان انتقال

دولت آماده شرایط پساتحریم شود



تجارت خارجی ایران در دوران
پساتحریم رونق می گیرد و امیدها
برای توسعه فضای کسب و کار ایجاد
شده است.

انرژی



تاکنون هیچ
قراردادی با بخش
خصوصی بسته
نشده است

خارجی ها کنار شبه دولتی ها

چگونه سرمایه گذارها را جذب
کنیم؟



متصور معظمی

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست

پتروشیمی و انباشتگی کالا و مواد اولیه در انبارها به علت رکود و همچنین ایجاد برخی مشکلات در صادرات محصولات پتروشیمی به ویژه در عراق از جمله مسائل مورد بحث در کمیسیون بود.

البته وزارت نیرو در این میان هم خبرساز بود، چرا که قراردادهایی که مناقصه آنها برگزار و حتی امضا شده و یا عدم پرداخت در قبال کالاها و یا پروژه هایی که تحویل شده اند توسط وزارت نفت و نیرو ابلاغ نشد.

به همین دلیل هم کمیسیون در بحث عدم ابلاغ قراردادها در مناقصات و بر خوردهای یک جانبه در قراردادهای بخش خصوصی با دولت از هیات رئیسه اتاق درخواست کرد تا این موضوع را جهت گنجاندن در قوانین مربوطه همچون قانون رفع موانع تولید، از دولت پیگیری کند. علاوه بر این مسائل، کمیسیون به مسئله بی توجهی به بندهای مربوط به حوزه انرژی در برنامه پنجم توسعه به ویژه در موضوع افزایش رقابت پذیری پرداخت.

اما با توجه به ابلاغ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه، بند ۸ برنامه ششم توسعه در خصوص جذب سرمایه گذاری ایرانیان خارج از کشور و سرمایه های خارجی و درخواست برای تمرکز بر این بند در دستور کار بررسی کمیسیون قرار گرفت.

مهم ترین برنامه و اولویت ها کمیسیون که در یک ماه گذشته بیان شد، عبارت اند از: پیشنهاد افزودن بندی در خصوص موضوع مطالبات معوق و خسارات دیر کرد سازندگان، پیمانکاران و مشاوران حوزه انرژی، تبیین سیاست های گذر از بحران تحریم، بررسی راهکارهای اجرایی شدن رفع موانع سرمایه گذاری و تولید بخش خصوصی در حوزه انرژی و رفع موانع کسب و کار برای فعالان این حوزه، افزایش بهره وری در حوزه انرژی از طریق کاهش شدت انرژی، جلوگیری از هدرسوزی گاز و ...

در یک ماه گذشته، خبرهای زیادی در کمیسیون انرژی و محیط زیست بود. خبر توافق انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت با معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در خصوص ارائه تسهیلات با شرایط مناسب از محل صندوق شکوفایی و نوآوری به شرکت های دانش بنیان و لزوم کمک به اطلاع رسانی در این زمینه، که بر این اساس مقرر شد تا از اتاق درخواست شود که آقای ستاری، معاون علمی و فناوری رئیس جمهور جهت یک صبحانه کاری به اتاق دعوت شود.

البته در جلسات این ماه، به بحث ورود وزارت نفت به حوزه صادرات برق و ایجاد برخی اختلافات با وزارت نیرو هم اشاره هایی شد.

از انتقادات مطرح شده در کمیسیون انرژی و محیط زیست، عدم توجه وزارت نفت به همکاری با بخش خصوصی علی رغم نص صریح قانون در بند «ق» بودجه کشور و ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید مبنی بر ایجاد تسهیلات برای مشارکت بخش خصوصی و بخش عمومی غیردولتی بود. به هر حال، متأسفانه تاکنون هیچ قراردادی با بخش خصوصی بسته نشده و کلیه قراردادها با بخش شبه دولتی بوده است.

این در حالی است که در وزارت نفت هیچ گونه محدودیتی برای فعالیت بخش خصوصی وجود نداشته و ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید فرصت بسیار مطلوبی برای تسهیل و تسریع در این امر است. همچنین به اتخاذ رویکرد معکوس دولت در عمل به شعارهای خود در حمایت ویژه از بخش خصوصی، در حالی که بر اساس اصل ۴۴، دولت به جای مشارکت گسترده با بخش شبه دولتی، موظف به توجه به توانمندی های بخش خصوصی است هم انتقادهایی وارد شد.

علاوه بر این مسائل، تشدید رکود داخلی در حوزه

کارت لازم دانسته شد.

همچنین مقرر شد موارد زیر پیگیری شوند: توجه بیشتر به بهره برداری از دیپلماسی تجاری و اقتصادی توسط اتاق در شرایط فعلی و پساتحریم، تاکید بر اهمیت راه گشایی صادرات به عنوان منبع تامین مالی جهت واردات کالاهای سرمایه ای و پایه توسعه اقتصاد کشور، پیشنهاد تمرکز کمیسیون بر مسائل استراتژیک و بنیادی در تسهیل تجارت، توجه به استراتژی توسعه صادرات غیر نفتی در جهت تحقق آرزوی اداره کشور از طریق درآمدهای غیر نفتی، تمرکز کمیسیون بر تسهیل در گلوگاه های مشکل زا در توسعه صادرات غیر نفتی، افزودن بندی در شرح وظایف کمیسیون تحت عنوان راهکارهای کوچک کردن سهم دولت در اقتصاد کشور، تمرکز بر تعداد محدودی از وظایف جهت بررسی بلندمدت و ارائه راهکارهای عملیاتی



محسن بهرامی ارض اقدس

رئیس کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات

مطلوب در این خصوص، طرح و بررسی قانون مبارزه با قاچاق کالا در کمیسیون، که ریشه بسیاری از مشکلات بخش تولید و تجارت است و تاکید بر اهمیت حضور نمایندگان دولت در زمان بررسی و مطالعه استراتژی توسعه صادرات کشور و ضرورت مطالبه اتاق برای حضور مستمر نمایندگان عضو کمیسیون. همچنین در جلسات کمیسیون تشریح تحلیل های عربی منفی از توافق ایران با گروه ۵+۱ و در عین حال حاکمیت جو مطلوب در داخل کشور نسبت به آن، ضرورت کنترل فضای هیجانی ناشی از توافق و پرهیز از نگرانی های نادرست از جریان ارزهای آزاد شده به سمت واردات و ... انجام شد. در کمیسیون وضعیت پساتحریم هم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به عدم آمادگی دولت در مواجهه و بهره برداری صحیح از شرایط پساتحریم انتقادهایی وارد آمد.

کشاورزی

ایران بیست و هشتمین کشور دنیا از نظر واردات محصولات کشاورزی است

بازنگری در نظام توزیع

نظام توزیع مکانیزه شود



کاوه زرگران
رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و صنایع غذایی

در جلسات کمیسیون در یک ماه گذشته، پیشنهادهایی درباره دعوت از تشکلهای بزرگ و فعال در حوزه صنایع غذایی و تولید ادوات و ماشینهای کشاورزی، دعوت از تشکلهای مختلف در هریک از حوزههای بازرگانی (صادراتی یا وارداتی)، باغداری و زراعت، شیلات، صنایع غذایی و آب به صورت عضو ثابت در کمیسیون و دعوت از انجمن پسته به عنوان یک تشکل موفق در حوزه تجارت و بازرگانی ارائه شد. علاوه بر این مسائل، کمیسیون به بررسی خرید تضمینی گندم پرداخت، به طوری که عبور خرید تضمینی گندم از مرز ۵ میلیون تن باعث نگرانی از فروش گندمهای وارداتی به مراکز دولتی شد. مشکلات بعدی در حوزه کشاورزی، به تولید مازاد بر مصرف و نوسان قیمت مرغ و تخم مرغ، بیماریهای آن و محدودیتهای صادراتی در این حوزه، جایگاه بیست و هشتم ایران در واردات محصولات کشاورزی بر اساس آمار FAO با حجم واردات ۱۲ میلیارد دلار در سال گذشته، توقف روند افزایشی قیمت زعفران و افت صادرات آن به میزان ۲۵ درصد، نگرانی از واگذاری مسئولیت تنظیم بازار میوه ایام عید به اتاق اصناف در سال ۹۴ به علت نداشتن تجربه لازم در این زمینه، درخواست صنایع لبنی برای افزایش قیمت شیر و درخواست صنایع غذایی برای افزایش قیمت محصولات غذایی به میزان ۸ الی ۱۰ درصد به علت افزایش هزینههای تولید مربوط دانسته شد. البته در جلسات کمیسیون از روند واردات بی رویه برنج، تشدید سیاستهای تشویقی نسبت به ایجاد کسب و کارهای کوچک، که موجب کوچک شدن تولیدکنندگان حرفهای و افزایش هدررفت هزینههای تولید و فروش غیر حرفهای می شود، عملکرد وزارت جهاد در نظارت بر کیفیت و مصرف سموم، و عملکرد ضعیف در حوزه نظارت توسط وزارت بهداشت و

سازمان استاندارد با تمرکز بیش از اندازه و غیر حرفهای بر کالای نهایی انتقاد شد. همچنین واردات برنج و انواع میوهجات از طریق پیله وری و ریسکهای ناشی از آلودگی آنها هم نگرانیهایی را ایجاد کرد. در جلسات ماه گذشته کمیسیون، گزارش مختصری از پیشبینیهای وضعیت حوزه کشاورزی در دوره پساتحریم ارائه شد. طبق این گزارش، پیشبینی شد که اثربخشترین اتفاق در این حوزه، اختصاص ۹ میلیارد دلار خطوط اعتباری به این بخش است که می تواند آثار مثبتی بر تولید محصولات کشاورزی داشته باشد. همچنین در خصوص سیستم توزیع و انتقاد به نقص بزرگ سیستم توزیع مواد غذایی و همچنین دریافت نامعقول مالیات بر مصرف از تولیدکننده که موجب ورود تولیدکننده به بازارهای غیررسمی و افزایش بیش از حد هزینهها و سود بالای واسطه گری می شود، اشارههایی صورت گرفت. چراکه پیشبینی می شود در صورت ساماندهی سیستم توزیع، کاهش قابل توجه قیمت تمام شده کالاها در سطح ۲۰ الی ۳۰ درصد اتفاق خواهد افتاد. از طرف دیگر، بحثهایی در مورد دوران پساتحریم و ضرورت توجه ویژه به بحث در حوزه تکنولوژی و مدیریت توزیع کالا مطرح شد. در ادامه، آمار و ارقامی مربوط به ظرفیت صنایع غذایی و مشکلات تولیدکنندگان این حوزه با راندمان کمتر از ۴۰ درصد ناشی از عواملی همچون رکود حاکم بر بازار مصرف، تدویم سیاستهای انقباضی، افزایش هزینههای تولید، سیاستهای دستوری دولت در تثبیت قیمتها، کاهش شدید تقاضا و سرانه مصرف سالانه مواد غذایی خانوار به علت افت شدید قدرت خرید ارائه شد. همچنین مشکلات ناشی از افزایش ۱۵۰ تومانی تعرفه آرد و کاهش قدرت رقابت صادراتی در صنایع تبدیلی تشریح شد.

اقتصاد سلامت

عدم شفافیت، مهمترین مشکل کشور است

اقتصاد زیرزمینی

استراتژی، صادرات دارو است

در اولین جلسه، اولویتهای کاری کمیسیون اقتصاد سلامت عنوان شد. این اولویتهای عبارت بودند از لزوم تهیه لیستی از تصدی گریها و فعالیتهای وزارت بهداشت یا دیگر نهادهای نظارتی که قابل واگذاری به تشکلهای هستند و سپس تلاش کمیسیون برای مطالبه واگذاری این اختیارات از دولت به تشکلها، ضرورت احصای مشکلات و نیازمندی تشکلها و فعالان این حوزه جهت تدوین نقشه راه کمیسیون، لزوم در نظر گرفتن زمان مشخص طی چند ماه آینده جهت آماده سازی مقدمات مباحث و پیش نیاز آن، به منظور دعوت از وزیر بهداشت و درمان در اتاق، انتقاد از دولتی بودن مدیریت اقتصاد سلامت و ضرورت اکتفای دولت به سازمان دهی و نظارت در حوزه استانداردهای سلامت، تاکید بر اهمیت تلاش برای عملکرد مطلوب این کمیسیون

به عنوان اولین نهاد رسمی در بخش خصوصی در حوزه سلامت جهت ایجاد بستر گسترش نفوذ آن در سطوح بالاتر، درخواست بررسی کمیسیون پیرامون معضل واردات کالای سلامت بی کیفیت و تقلبی در سطح عرضه با تبلیغات بسیار گسترده، و لزوم پایش بخش نامه های پیشین در خصوص کالاهای سلامت جهت حل مشکلات فعالان این حوزه. براساس تصمیمات گرفته شده در کمیسیون، کلیه تشکلهای مربوطه در حوزه سلامت به عنوان عضو این کمیسیون مفروض اند و در صورت تمایل می توانند در جلسات کمیسیون شرکت کنند. اهداف کمیسیون در یک ماه گذشته مشخص شد. این اهداف عبارتند از الزامات قانونی در اسناد بالادستی مبنی بر اهمیت فعالیت بخش خصوصی در نظام سلامت کشور، وضعیت فعلی و چالشهای بخش



اقتصاد سلامت کشور به دلیل وابستگی بیش از ۹۰ درصد به کالاهای وارداتی به شدت تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته‌بود.

کسب و کار



دریافت حق بیمه از کمک‌های نقدی و غیر نقدی کارگران، خلاف قانون است

اقتصاد فسادخیز

«فساد»، از هزینه‌های مهم

فضای کسب و کار



محمد رضا نجفی منش

رئیس کمیسیون تسهیل کسب و کار

آن به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شورای گفت‌وگو و همچنین معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی مورد پیگیری قرار گیرد. البته در این جلسه، به طور ویژه به مغایرت قانونی تعریف «مزد» در متن قانون کار و تأمین اجتماعی اشاره شد که نیازمند تلاش برای حل این تضاد قانونی و جلوگیری از برخوردهای سلیقه‌ای است.

علاوه بر انتقادات، کمیسیون پیشنهاد افزودن بند ۱۴ به شرح وظایف کمیسیون تحت عنوان «بررسی فساد اداری» و پیشنهادی مبنی بر تشکیل کمیته‌ای ویژه برای بررسی چگونگی خروج از رکود و ارائه راهکارهای آن را ارائه داد. در ادامه جلسات یک ماه گذشته، ممانعت از تدوین و تصویب قوانین و مقررات جدید برای بهبود فضای کسب و کار و تنها تمرکز بر حذف قوانین مزاحم لازم دانسته شد.

از مهم‌ترین اخبار و مسائل روز مربوط به کمیسیون تسهیل کسب و کار می‌توان به حضور وزیر اقتصاد و انرژی آلمان و انتقاد به ناهماهنگی‌های موجود و عدم اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص نشست با هیات آلمانی اشاره کرد، که بر این اساس مقرر شد کمیسیون ضمن حمایت از تقویت تعاملات بین‌المللی، از روابط عمومی اتاق ایران و تهران درخواست کند تا در این خصوص اطلاع‌رسانی به‌موقع انجام و از هرگونه شتابزدگی در دعوت از هیات‌ها بدون هماهنگی لازم پرهیز شود. همچنین در جلسات کمیسیون تسهیل کسب و کار بر اهمیت موضوع «فساد» به عنوان یکی از هزینه‌های مهم فضای کسب و کار تأکید شد و درخواست لغو بخش‌نامه دولت دهم در خصوص ممانعت از ارائه تسهیلات به واحدهای تولیدی دارای بدهی‌های معوق یا افراد دارای چک برگشتی اعلام شد.

در اولین جلسات ماه گذشته، یک سری نگرانی‌ها هم از طرح و تصویب بحث قانون سختی کار کارگران در وزارت کار، مطرح شد. علاوه بر این مسائل، به تشدید فشار دولت بر بنگاه‌ها از طریق نحوه دریافت هزینه‌های انرژی، مالیات، عدم ارائه تسهیلات بانکی،... و همچنین عدم اجرای استمهالی که دولت قول آن را به فعالان اقتصادی داده بود، انتقادهایی وارد شد.

در جلسات یک ماه گذشته کمیسیون، گزارش‌های تحلیلی بانک مرکزی از رشد اقتصادی کشور در سال ۹۳ به میزان و ضرورت بررسی علت رشد نامتوازن در صنایع مختلف، به‌ویژه تشدید رکود در صنایع انرژی‌ریز یا با نیروی کار زیاد، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین با پیگیری جدی اتاق و کمیسیون و حتی اتاق ایران در خصوص معضل نحوه حسابرسی ده‌ساله سازمان تأمین اجتماعی از واحدهای اقتصادی یا وجود الزام قانونی مبنی بر بازرسی صورت‌های مالی طی شش ماه، نتیجه حاصل و مشکل به‌زودی با صدور دستورالعمل جدید مرتفع خواهد شد.

در ادامه جلسات، اقدام دولت به دریافت حق بیمه از کمک‌های نقدی و غیرنقدی مزد کارگران مورد بررسی قرار گرفت و آقای نامغ، مشاور اتاق در امور بیمه، توضیحاتی را در خصوص اقلام مشمول حق بیمه ارائه و تأکید کرد که دریافت آن هم از نظر ظاهری و هم شکلی برخلاف نص صریح قانون کار است.

بنابراین در این خصوص نامه‌ای تهیه و جهت ارسال به دولت به هیات رئیسه اتاق ارائه شده است. بر این اساس مقرر شد نامه مشاوران امور بیمه‌ای اتاق در خصوص اقلام مشمول حق بیمه مزد کارگران جهت امضای هیات رئیسه اتاق و سپس انعکاس



محمود نجفی عرب

رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت

خصوصی‌سازی در حوزه دارو، اشاره به اهمیت اتخاذ استراتژی کلان صادرات محور در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی، و لزوم تمرکز بر طرح مسائل و چالش‌های کلان حوزه سلامت در دیدار با معاون اول رئیس‌جمهور مطرح شد. همچون موضوع کنترل بیش از اندازه قیمت دارو و درخواست اصلاح نظام بانکی کشور با تسهیل در استفاده از ال سی مدت‌دار و بدون انتقال ارز، تأکید بر لزوم درخواست از دولت برای جدا کردن ردیف بودجه دارو و تجهیزات پزشکی جهت پرداخت مطالبات حوزه دارویی و همچنین فشار به بیمه‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی برای پرداخت معوقات خود به میان آمد. مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی مطرح‌شده در کمیسیون شامل ۱- عدم شفافیت و ۲- عدم پرداخت مالیات توسط پنجاه درصد از مشمولان عنوان شد.

درمان، تنوع مشارکت در کمیسیون از بخش‌های مختلف خبرگان، تشکلات و نهادهای دولتی، تشریح فرصت‌ها و تهدیدات احتمالی پس از برداشته شدن تحریم‌ها و راهکارهای مواجهه با آنها، طبق مسائل مطرح‌شده در کمیسیون، به موضوعاتی از قبیل لزوم اتخاذ رویکرد جامع نسبت به اقتصاد و به‌ویژه مسائل حوزه سلامت از دیدگاه بخش خصوصی و دولت، ضرورت درخواست تخصیص تعرفه گمرکی و سود بازرگانی به واردات حوزه اقتصاد در حمایت از تولید داخل و صادرات، درخواست از دولت برای واگذاری وظایف و مسئولیت‌های قابل تفویض خود به بخش خصوصی، ضرورت تک‌نرخ‌شدن قیمت ارز، لزوم بازپس‌گیری وظیفه شرکت‌داری از سازمان تأمین اجتماعی در راستای بهبود بهره‌وری و افزایش خصوصی‌سازی، تأکید بر اهمیت بحث

گارد تعرفه‌ای برای محصولات فولادی

آیا صنعت فولاد رو به افول می‌رود



رسول خلیفه سلطان
دبیر انجمن تولیدکنندگان
فولاد

بر همین اساس، پیشنهاد دیگری به وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه شده است که بر مبنای آن، تناسب قیمت بین داد و ستدی که در زنجیره فولاد از گندله تا آهن اسفنجی و محصول نهایی صورت می‌گیرد، به وجود آید و همه چیز تحت نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گیرد. اما باید به این نکته توجه داشت که فولادسازان در شرایط بحرانی قرار دارند و آهن اسفنجی را ۳۰ درصد بالاتر از قیمتی که باید باشد، خریداری می‌کنند. واقعیت این است که سودآوری و ظرفیت در زنجیره فولاد از معدن تا محصول نهایی به درستی تقسیم نشده و این شرایط نابرابر، موجب صدور ابلاغیه قیمت آهن اسفنجی و گندله از سوی وزیر صنعت شده است که باز هم جای خوشحالی دارد. وزارت صنعت، معدن و تجارت طی بخش‌نامه‌ای در تیرماه گذشته، شیوه تعیین قیمت گندله و آهن اسفنجی را مشخص ساخت و بر اساس آن، حمایت از فولادسازان بخش خصوصی در کنار حمایت از فولادسازان بزرگ و عمده از سیاست‌های جاری وزارت متبوع است و در این جهت برای متعادل سازی قیمت تمام‌شده آهن اسفنجی در جهت قیمت‌های جهانی و توزیع عادلانه سود در چرخه فولاد و با توجه به گزارش نهایی موسسه حساسرسی و خدمات مالی مورد تایید بورس، قیمت فروش گندله آهن (با خلوص) ۶۶۶ درصدی در سال جاری برای مصرف واحدهای فولادی کشور ۲۰ درصد قیمت شمش فولاد خوزستان تعیین شده است. بر همین اساس، واحدهای فولادسازی دریافت‌کننده سهمیه نیز در صورت



تولید آهن اسفنجی مازاد بر نیاز خود، اجازه صادرات محصول تولیدی از این محل را ندارند و باید آن را به واحدهای مصرف‌کننده داخلی و با قیمت ۴۷ درصد قیمت شمش فولاد خوزستان برای آهن اسفنجی با متوسط ۹۱ درصد (خلوص) متالیزاسیون عرضه کنند. علاوه بر این قیمت کنستانتتر به توافق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بر حسب مورد تعیین می‌شود. بر همین اساس، سهمیه‌هر یک از واحدهای مصرف‌کننده کنستانتتر، گندله و آهن اسفنجی نیز توسط معاونت امور معادن و صنایع معدنی اعلام خواهد شد و تا زمان ابلاغ، سهمیه‌های سال گذشته جاری است. در این میان، چنانچه فولادسازان و نوردکاران که مستقیم با بازار ارتباط دارند و از نوسان آن تأثیر می‌پذیرند، مورد بی‌اعتنایی قرار گیرند، مطلوب است که دولت این واحدها را تحویل بگیرد و نسبت به پرداخت تسهیلات دریافتی آنها متعهد شود.

البته باید به این نکته هم توجه داشت که سود شرکت‌های فولادی و معدنی با یکدیگر برابری ندارد، به گونه‌ای که در بخش معادن عامل بسیار مهمی در ترغیب سرمایه‌گذاری در این بخش است. در این میان، شرکت‌های معدنی و سهام‌داران عمده آنها در این سال‌ها به دلیل انحصاری بودن محصولاتشان سودهای کلان کسب کرده‌اند و در عین حال طی یک سال گذشته شرکت‌های معدنی از تخفیف ۷۰ درصدی پرداخت حقوق دولتی معادن سنگ آهن، تعلیق عوارض صادرات سنگ آهن تا پایان سال، تعلیق پرداخت حق انتفاع یا بهره مالکانه بهره‌مند شده‌اند که تعلیق حق انتفاع یا بهره مالکانه معادن سودی چندصدمیلیارد تومانی در هر سال عاید شرکت‌های بزرگ معدنی خواهد کرد. در نهایت، بهتر است مروری هم بر قیمت سنگ آهن در بازارهای جهانی داشته باشیم. این روزها، قیمت متوسط جهانی سنگ آهن دانه‌بندی صادراتی هر تن ۴۶ دلار است، در حالی که فولادسازان داخلی به قیمت هر تن ۵۰ دلار، این ماده معدنی را از واحدهای معدنی کشور خریداری می‌کنند و بنابراین در این بخش رویکرد باید به سمت واحدهای داخلی باشد. از سوی دیگر، واحدهای تولیدکننده سنگ آهن بخش خصوصی و دولتی در سال ۹۲ افزون ۴۴ میلیون تن سنگ آهن به ارزش بیش از ۲۵ میلیارد دلار صادرات داشتند. بنابراین به نظر می‌رسد مجموعه تدابیری که دولت می‌تواند در این راستا در نظر گیرد، باید یکجای از تصمیماتی باشد که همه‌جانبه، صنعت فولاد کشور را تحت حمایت خود در آورد.

اوضاع تولید فولاد به لحاظ قیمتی، در دنیا روز به روز بدتر می‌شود. بسیاری از تولیدکنندگان صاحب‌نام دنیا به دور خود دیوارهای تعرفه‌ای کشیده‌اند تا شاید بتوانند تولیدکنندگان خود را از سیل کاهش قیمتی که در دنیا به راه افتاده است، در امان نگاه دارند. به همین دلیل، کشورها گارد مقاومتی در برابر تولیدکنندگان کشورهای گرفته‌اند که تولید خود را با سوبسید و مشوق‌های حمایتی، با نرخی ارزان وارد بازارهای دنیا می‌کنند و حتی کشورهایی را هم هدف گرفته‌اند که تولیداتشان تا چند سال پیش، در بازارهای جهانی حرفی برای گفتن داشت. شاید بهترین شاخصه چنین اقداماتی از سوی دولت‌ها را بتوان در مقابل کشوری همچون چین و تولیدکنندگان دانست. به همین دلیل، تمامی کشورها تعرفه‌های واردات فولاد را حدود ۴۰ درصد وضع کرده‌اند تا بتوانند در مقابل صادرات چین امنیت داشته باشند. در این میان ایران هم اگر افزایش تعرفه را به منظور حمایت از تولیدکنندگان خود در دستور کار قرار داده است، اما این میزان افزایش تعرفه از دیدگاه تولیدکنندگانی که دستی بر آتش دارند، کافی نیست و به نظرشان این تعرفه باید دو برابر شود تا بتوانند بگویند که در مقابل تولیدکنندگان چینی، امنیت خاطر دارند. به همین دلیل بود که چندی پیش، باز هم تولیدکنندگان گرد هم آمدند تا پیشنهادهایی را برای تعرفه تنظیم کنند و روی میز وزیر صنعت، معدن و تجارت بگذارند. بر اساس پیشنهادی که از سوی آنها تدوین شد، تغییر در تعرفه واردات ورق‌های فولادی

خواسته شده بود. در واقع، این پیشنهاد که به وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه شده بود این گونه اعلام می‌کرد که تعرفه ورق‌های فولادی باید پلکانی شود، چرا که هم‌اکنون واردات محصولات نهایی فولادی، کمتر از قیمت مواد اولیه تولیدکنندگان داخلی شده است و بنابراین این تولیدکنندگان از دولت می‌خواهند که همچون سایر کشورها دیوار تعرفه‌ای پیش روی واردکنندگان ورق‌های فولادی قرار داده شود. در واقع، زمانی که تعرفه‌ها برای سال جاری اعلام شد، اگرچه تولیدکنندگان نظام پلکانی را پیشنهاد داده بودند اما وزارت صنعت حاضر نشد به تولیدکنندگان اعتماد و به آن عمل کند؛ بنابراین در جلساتی که اخیراً برگزار شده، تولیدکنندگان ورق فولادی جمع‌بندی خود را این گونه به وزارت صنعت اعلام کردند که تعرفه‌ها به صورت پلکانی لحاظ شود. بر این اساس پایه تعرفه‌ای از شمش و اسلوب فولادی برای ورق سرد ۵ درصد بالاتر از ورق گرم، ورق پوشش‌دار ۵ درصد بالاتر از ورق سرد و ورق رنگی ۵ درصد بالاتر از ورق پوشش‌دار خواسته شده است، این در حالی است که هم‌اکنون تعرفه واردات ورق سرد و ورق رنگی، کمتر از ورق گرم دیده شده است، پایه ورق گرم نیز از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافته است. همچنین در خواست تولیدکنندگان این بود که تعرفه ورق سرد ۳۰ درصد، ورق پوشش‌دار ۳۵ درصد و ورق رنگی ۴۰ درصد در نظر گرفته شود. در این میان البته تولیدکنندگان این نکته را نیز به دولت تذکر داده‌اند که در برخی بندهای تعرفه‌ای، فضایی تحت عنوان «سایر» وجود دارد که با یک استثنای نابجا، راه برای دور زدن تعرفه باز می‌شود. بنابراین پیشنهاد ما این بود که بند سایر نیز عده‌هایی مشابه با عده‌های اصلی داشته باشد. این در شرایطی است که هم‌اکنون برخی کشورها برای صادرات محصولات فولادی خود، جایزه صادراتی تعیین کرده‌اند که این امر زمینه دامپینگ را در ایران فراهم می‌کند؛ بنابراین باید دولت، دیوار تعرفه‌ای را همانند سایر کشورهای دنیا از جمله آمریکا برای محصولات خود، از چین وارد کشور می‌شوند، بالا ببرد. به هر حال طبیعی است که در شرایط رکود در بازارهای جهانی، هر کشوری تلاش دارد تا سهم بیشتری را از بازارهای دنیا بستاند و به نوعی کسب و کار خود را رونق بخشد، بنابراین به روش‌هایی متوسل می‌شوند که شاید برای تولیدکنندگان ایرانی ناخوشایند باشد. به این معنا که برخی از کشورها، ورق‌هایی با وزن کمتر را به عنوان ورق آلایزی به ایران وارد می‌کنند که این امر به دلیل اشکالات تعرفه‌ای صورت می‌گیرد که باید اصلاح شود.

تمامی کشورها
تعرفه‌های
واردات فولاد را
حدود ۴۰ درصد
وضع کرده‌اند تا
بتوانند در مقابل
چین امنیت
داشته باشند.
میزان افزایش
تعرفه فولاد کافی
نیست. این تعرفه
باید دو برابر شود
تا بتوانند بگویند
که در مقابل
تولیدکنندگان
چینی، امنیت
خاطر دارند



صنایع کشور بر اساس نظام تعرفه گذاری به فعالیت می پردازند و بر همین اساس به نظر می رسد نیاز به بازنگری کلی در این شیوه وجود دارد.

نساجی و یوزانس ۵ میلیارد دلاری

آرزوی صنعتگران این است که سیاست، اقتصاد زده و صنعت محور شود نه این که اقتصاد، سیاست زده شود



علیمردان شبانی
نایب رئیس انجمن صنایع نساجی

به طور مستقیم شاغل هستند؛ اشتغال غیر مستقیم که جای خود دارد. اشتغال غیر مستقیم این گونه است که به ازای هر نفر، ۵ نفر یا بیشتر فعالیت دارند. آمارها گویای این است که در صنعت نساجی حدود ۶۶ هزار میلیارد ریال سرمایه گذاری شده است؛ یعنی ۵ درصد نسبت به کل صنعت. از سوی دیگر، سهم ارزش افزوده بخش نساجی و پوشاک حدود ۱۸ هزار و ۲۴۰ میلیارد ریال است، یعنی سه درصد نسبت به کل صنعت. همچنین ارزش صادرات صنایع نساجی در سال گذشته، ۱،۵ میلیارد دلار بود و حدود ۵۴ هزار و ۷۳۵ میلیارد ریال ارزش تولیدات صنایع نساجی اعلام شد. چنین ارقام و آماری جایگاه این صنعت را نشان می دهد.

در کنار چنین آماري باید گفت که متأسفانه نسبت به مدت مشابه سال قبل در بسیاری از صنایع و نه تنها در صنعت نساجی، مطلقاً شرایط مطلوبی نداشتیم. البته دولت تلاش های بسیاری در عرصه اقتصادی انجام داده است، اما خروج از رکود با شعار صورت نمی گیرد، بلکه باید به صورت عملی اتفاق بیفتد. خروج از رکود زمینه سازی می خواهد. تا صبح بگویم می خواهیم از رکود خارج شویم، اما وقتی برای مثال، صنعت ساختمان را کد است و آمار صدور پروانه های ساختمانی کم شده، این موضوع خود به خود روی تمامی صنایع وابسته اثر می گذارد. البته نباید شک کرد که از رکود خارج خواهیم شد، چون نیاز وجود دارد. جامعه ۷۵ میلیونی

ما به تولید کالاها و محصولات داخلی نیاز دارد. این نیاز با خود تولید را همراه خواهد داشت. اما در کل شرایط نقدینگی به دلیل عدم امکان فروش مناسب، بسیار به شرایط بحرانی نزدیک شده و نقدینگی واحدهای تولیدی بسیار پایین آمده است. برای این موضوع باید یک فکر عاجل شود. امروز، روزی نیست که تمام شرکت های یک صنعتگر را به دلیل این که چک برگشتی در یکی از شرکت های خود دارد، از خدمات بانکی محروم کنند. امروز ما باید فکر کنیم که چطور می توانیم حرکت چرخ صنعت را سریع تر کنیم. حرکت سریع چرخ صنعت جواب خواهد داد. حتی بزرگ ترین کشورهای دنیا که این روزها حرفی برای گفتن در صنعت نساجی دارند، در برخی سال ها، بحران های جدی داشته اند، به عنوان مثال ترکیه ۵ سال پیش در یک شرایط بسیار بحرانی از نظر تولید و تورم قرار گرفت.

بزرگ ترین کارخانه های خودروسازی آمریکا خوابید و می خواستند اعلام ورشکستگی کنند. اما دولتمردان این دو کشور به صنعتگران خود گفتند اصلاً نگران بدهی های خود به بانک ها نباشید؛ ما این بدهی ها را فریز می کنیم و ۵ سال دیگر شما آنها را پرداخت کنید. به آنها گفتند شما تولید کنید و حفظ اشتغال داشته باشید. چون بسته شدن واحدهای تولیدی و بیکاری ضربه شدیدتری به اقتصادشان وارد می کرد. با چنین اقدامی، این کشورها بر مشکلات خود فایز آمدند. این در حالی است که ما در ایران گفتیم که بدهی ها را دو سال استمهال می کنیم، ولی در مقابل یک بهره به علاوه جریمه روی استمهال گذاشتند. اگر امروز بدهی من ۸ تومان بود، بعد از دو سال ۸۲ می شد. این که کمک نیست. از سوی دیگر، یک آقای در یک بانک دولتی خطایی کرد و از کشور هم فرار کرد، اما در مقابل جلوی بخش خصوصی را گرفتند و مانع جلوی آن گذاشتند و گفتند شما تا به امروز می توانستید از ال سی داخلی استفاده کنید، ولی از امروز نمی توانید، چون خطای آن فرد، حاصل همین ال سی های داخلی بوده است. حالا اگر می خواهید از ال سی های داخلی استفاده کنید، طرف شما حتماً باید یک بخش دولتی باشد، یعنی بدتر از بدتر شد. این مسائل و مشکلات به نظر من باید برطرف شود و برطرف هم می شود. به هر روی، آینده اقتصادی ایران روشن است، فقط باید اندکی تلاش خود را بیشتر کنیم.

این روزها دولت صحبت از اختصاص منابعی به بخش تولید کشور به مبلغ ۵ میلیارد دلار یوزانس می کند. اگر چه بسیاری از تولیدکنندگان منتظر تخصیص چنین منابعی هستند، اما در مورد شیوه آن نیز بحث های فراوانی دارند. در این میان اعتقاد ما بر این است که این تخصیص منابع باید بر روی صنایعی باشد که ارزش افزوده بیشتری ایجاد می کنند و اشتغال پایدارتری را به دنبال دارند؛ چرا که هم اکنون مشکل بزرگ اقتصاد ایران، اشتغال است و بر همین اساس توصیه می شود سرمایه گذاری بر روی صنایع اشتغال زا همچون صنعت نساجی در اولویت کار دولت باشد. واقعیت این است که صنعت نساجی با سرمایه گذاری اندک می تواند اشتغال زایی چندین برابر صنایع دیگر سرمایه بر همچون خودرو ایجاد کند و بر همین اساس صنایعی باید در اولویت حمایت های دولت قرار گیرند که علاوه بر ایجاد ارزش افزوده بیشتر، امکان و پتانسیل صادراتی هم داشته باشند. در شرایط کنونی که افق های جدیدی پیش روی اقتصاد ایران قرار گرفته به نظر می رسد باید حداکثر استفاده از فرصت ها کرد و البته باور ما به عنوان صنعتگر و بازوی دولت این است که توافق نامه هایی که در سایه توافق هسته ای میان ایران و سایر کشورهای دنیا به امضا می رسد، حتماً منافع ملی را در خود جای داده است. در این میان البته آرزوی صنعتگران این است که سیاست، اقتصاد زده و صنعت محور شود نه این که اقتصاد، سیاست زده شود. البته باید همه جانبه مراقب موافقت نامه های میان ایران و سایر

کشورهای دنیا هم بود. نمونه آن هم توافق نامه تجارت ترجیحی میان ایران و ترکیه است که متأسفانه برخی اقلام آن نه تنها منافع تولید را تامین نمی کند، بلکه بازار را برای کالاهای ترکیه ای باز و تولیدات را خدشه دار می کند. مروری بر فهرست اقلام در موافقت نامه تجارت ترجیحی میان ایران و ترکیه به خوبی نشانگر این است که برای برخی کالاهایی که در داخل کشور تولید نمی کنیم، تعرفه به صورت بی منطق تبیین شده و در مقابل ترک ها کالاهای سرمایه ای خود را به ایران می فروشند که البته وزارت صنعت، معدن و تجارت در حال بازنگری این موافقت نامه است.

در این میان در بخش نساجی، تولیداتی وجود دارد که امکان صادرات آن به سایر کشورهای دنیا از جمله ترکیه وجود دارد و باید جلوی واردات آن را هم گرفت. دولتمردانی که فرزندان همین آب و خاک هستند، به طور قطع دلشان همچون صنعتگران برای مملکت در تپش است و به طور قطع اشکالات

این موافقت نامه را برطرف خواهند کرد؛ چرا که دولتمردان و تولیدکنندگان همگی بر یک قایق سوار هستند که مقصد آن توسعه اقتصاد کشور است، بنابراین باید با قدرت و توان بیشتری نقایص اقتصادی را برطرف کنند. تمامی اینها در شرایطی مطرح می شود که خوشبختانه صنعت نساجی مزیت بزرگی دارد و آن در اختیار داشتن ۹۵ درصد این صنعت در دستان بخش خصوصی است و بخش خصوصی دقیقاً می داند که باید در شرایط فعلی اقتصاد چه کارهایی را انجام دهد و حتی اگر لازم باشد برای پایین آمدن قیمت تمام شده خود نیز از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند. در حالی که گاه دولت از همین اقدامات فعالان اقتصاد تعبیر به ایجاد مشاغل سخت و زیان آور می کند و هزینه هایی را بر این اساس به صنایع تحمیل می کند. بنابراین جریمه ها یا هزینه هایی را به بخش خصوصی تحمیل می کند و باعث زیان آوری آن می شود. به همین دلیل به نظر می رسد دولت باید در شرایط فعلی اقتصاد ایران، زمینه سازی یک تغییر بزرگ برای صنایع کشور از جمله صنایع نساجی شود و راهکارهای موثری را برای تامین مالی، سیاست گذاری و تولید با ارزش افزوده بالاتر ببیند.

اما شاید بهتر باشد مروری هم بر وضعیت صنعت نساجی کشور داشته باشیم، در حال حاضر، حدود ۸ هزار و ۸۱۸ واحد دارای پروانه بهره برداری در این صنعت مشغول به کار هستند که در کنار آنها کارگاه های زیادی وجود دارند که بدون پروانه کار می کنند؛ اما در میان این ۸ هزار و ۸۱۸ واحد دارای پروانه، حدود ۴۰۰ هزار نفر



۹۵ درصد از صنعت نساجی در دستان بخش خصوصی است و بخش خصوصی دقیقاً می داند که باید در شرایط فعلی اقتصاد چه کارهایی را انجام دهد و حتی اگر لازم باشد برای پایین آمدن قیمت تمام شده خود نیز از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند.

سال هاست رقابت می کنیم

ماندگاری رکود در اقتصاد ایران و آینده صنایع شوینده

رضا صحرایی
رئیس انجمن صنایع شوینده،
آرایشی و بهداشتی

من این است که اگر برندهای خارجی در ایران با شرکت‌های داخلی تولیدکننده محصولات بهداشتی متصل شوند، حتما و حتما اعتماد مردم بیش از گذشته جلب خواهد شد و البته بازار مناسبی هم پیش روی تولیدکنندگان خارجی قرار می‌گیرد. اما در یک جمع‌بندی، زمینه برای رقابت میان شرکت‌های ایرانی و خارجی فراهم است و می‌توان امیدوار بود که این صنعت، در زمره برخی صنایع آسیب‌پذیر کشور بعد از توافق هسته‌ای و ورود شرکت‌های خارجی قرار نگیرد.

اما با مروری بر صنایع آرایشی در ایران، مشاهده می‌شود که بیشترین آسیب‌پذیری در این صنعت نهفته است و قضیه، کاملا متفاوت از صنایع شوینده و بهداشتی است. واقعیت این است که هنوز ایران در صنعت آرایشی، حرفی برای گفتن ندارد و همین امر، مردم را هرچه بیشتر به سمت استفاده از برندهای خارجی سوق داده است. البته تنوع نیز به شدت بالا است و همین امر، قدرت رقابت را کمتر از هر زمان دیگری کرده است. در این زمینه، فرهنگ عام، توجه به برندهای بین‌المللی است. اگرچه ممکن است در مورد تولید برخی از اقلام لوازم آرایشی، قابلیت‌های خوبی برای تولیدکنندگان ایرانی به وجود آمده باشد، اما در حد وسیعی، بسیاری از برندهای داخلی، قابلیت رقابت با

تولیدکنندگان قدر لوازم آرایشی را ندارند و به همین دلیل، بسیاری از تولیدکنندگان ایرانی تسلیم واردکنندگانی شده‌اند که نتوانسته‌اند برای تولیدکنندگان خارجی بازاربایی مناسبی داشته باشند. البته هم‌اکنون به دلیل قیمت بالایی که تولیدات خارجی به‌خصوص در شرایط تحریم و بالا رفتن هزینه نقل و انتقال پول دارند، بسیاری از مردم به‌ناچار از تولیدات ایرانی استفاده می‌کنند، اما اگر درها باز شود و فضا برای ورود شرکت‌های خارجی به صورت رسمی و با هزینه‌های کمتر فراهم شود، به طور قطع، نباید انتظار داشت که تولیدکنندگان ایرانی بتوانند پای محکمی در بازار داشته باشند. از سوی دیگر بسیاری از تولیدات لوازم آرایشی دنیا، به صورت قاچاق و غیررسمی وارد کشور می‌شوند که بر همین اساس، تقلب بالا است و در مورد این کالاها هم تقلب زیاد است و در نتیجه بازار پر از کالاهای تقلبی است که این امر قدرت رقابت را از تولیدکنندگان ایرانی سلب می‌کند. اگر مکانیسم پیش‌بینی شده و شرایط از سوی دولت برای سرمایه‌گذاری مشترک برندهای خارجی با برندهای ایرانی فراهم شود، به طور قطع هم به نفع مصرف‌کنندگان و هم به نفع تولیدکنندگان خواهد بود و دولت به نوعی، مانع از قاچاق کالاها و به‌خصوص لوازم آرایشی به داخل کشور خواهد شد.

بر این اساس در انجمن صنایع شوینده، آرایشی و بهداشتی طرحی تهیه و به دولت ارائه شده است تا بتوان باز خورد موثری از این تمهید به نفع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان گرفت. اگر توجه به این طرح صورت گیرد، به طور قطع زمینه برای تولیدات رقابتی فراهم می‌شود و بازار از قاچاق نجات می‌یابد. طرح خیلی ساده و بر این محور است که به کالاهایی با برندهای بین‌المللی و منطبق بر استاندارد، اجازه ورود به داخل کشور داده شود و در مقابل، ۵ سال مجوز در اختیار واردکنندگان باشد که کالای خارجی وارد کنند، اما در مقابل باید ظرف ۵ سال، تولیدات مشترک نیز در ایران انجام دهند. در نهایت، اگر این تولیدات به نتیجه رسید، اجازه واردات همچنان وجود داشته باشد، اما اگر تولید به نتیجه نرسد، آن برند اجازه ورود به ایران را نخواهد داشت. به هر حال این طرح به دولت ارائه شده و منتظر پاسخ از سوی مراجع ذی‌ربط هستیم.

این روزها اگر چه با توافق هسته‌ای، فضای اقتصادی ایران آرام و مثبت شده و همه فعالان اقتصادی مذاکرات خود را با طرف‌های خارجی خود آغاز کرده‌اند، اما متأسفانه، رکود همچنان سایه سنگین خود را بر سر اقتصاد ایران گسترده نگاه داشته است. برخی می‌گویند که رکود به دلیل تمرکز بیش از حد دولت بر تورم، هنوز محرک اصلی را برای حرکت و خروج از وضعیت فعلی و ناخوشایند خود آغاز نکرده است. صنایع شوینده، آرایشی و بهداشتی هم همین اوضاع و احوال را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. شاید بهتر باشد برای بررسی بیشتر، صنایع شوینده، صنعت آرایشی و همچنین صنعت محصولات بهداشتی را در سه حیطه جداگانه مورد بررسی قرار دهیم. البته این که صنایع کشور از رکود خارج شده‌اند، سوالی مهم و کلیدی است و پاسخی مفصل دارد. صنایع شوینده، آرایشی و بهداشتی سه رشته کاملا شبیه به هم و البته با شرایط مختلف‌اند که تلاش می‌شود در این یادداشت، توضیحات مختصری در خصوص آخرین وضعیت آن داده شود.

در مورد صنعت شوینده اوضاع به این ترتیب است که اولاً، در حال حاضر شرکت‌های بین‌المللی در داخل کشور همانند گذشته به تولید خود ادامه می‌دهند و برخی شرکت‌های تولیدی، علی‌رغم تحریم همچنان شرکای خود را حفظ کرده‌اند. بنابراین در صنعت شوینده، رقابت به معنای واقعی و عملیاتی شکل گرفته است و همین رقابت، منجر به توسعه صنعت به معنای واقعی شده و می‌توان در یک جمله گفت که صنعت شوینده در کشور به مدد رقابت با شرکت‌های خارجی، به‌خوبی رشد کرده است. البته در بسته‌بندی باز هم ضعف‌هایی وجود دارد که باید رفع شود تا این صنعت به صورت صدرصد، قابلیت رقابت با شرکت‌های خارجی را بیابد. این را نباید به معنای آن دانست که حضور شرکت‌های قدر خارجی در ایران، نمی‌تواند صنعت شوینده کشور را دچار مشکل کند، بلکه این صنعت هم در فضای گلخانه‌ای تحریم، دچار مشکلاتی شده است که احتمالا با ورود برندهای مطرح بین‌المللی، ممکن است دچار آسیب شود. بنابراین راهکار اصلی این است که صنایع داخلی با شرکت‌های قدر بین‌المللی وارد مذاکره شوند

و از طریق جوینت ونچر، زمینه را برای توسعه و پیشرفت فراهم آورند. این موضوع هم در اغلب کشورهای دنیا مشاهده می‌شود و در ایران هم احتمالا، این اتفاق رخ خواهد داد، چرا که شرکت‌های توانمندی در ایران وجود دارند که همکاری با آنها از سوی شرکت‌های خارجی، قطعاً به نفع هر دو طرف خواهد بود.

در این میان اگر بخواهیم نگاهی به صنعت بهداشتی کشور بیندازیم، قضیه همانند صنعت شوینده است؛ البته ضعف‌ها به مراتب بیشتر از صنعت شوینده، در صنعت بهداشتی به چشم می‌خورد. در زمینه صابون، بدن‌شوها و شامپوها، هنوز ایران نتوانسته با کالاهای لوکسی که از سایر کشورهای دنیا از طریق مبادی رسمی و غیررسمی وارد می‌شود، خود را برابر کند و به مردم بقبولاند که برندهای ایرانی نیز از استانداردهای بالای کیفی برخوردار هستند. در این میان، مردم در این سری کالاهای بهداشتی به برندهای مطرح دنیا متکی هستند و قطعاً برندهای خارجی، انتخاب اول آنها خواهد بود. واردات نیز در مورد این کالاها به راحتی صورت می‌پذیرد و به دلیل حجم پایینی که دارند، زمینه برای آنها از طریق مبادی غیررسمی فراهم‌تر است؛ بنابراین احتمال این که در زمینه واردات این کالاها، رقابت‌های نابرابری میان تولیدکنندگان ایرانی و برندهای مطرح دنیا صورت گیرد، وجود دارد. ولی احساس



شرکت‌های
بین‌المللی در
داخل همانند
گذشته به تولید
ادامه می‌دهند
و شرکت‌های
تولیدی، به‌رغم
تحریم شرکای
خود را حفظ
کرده‌اند. در
صنعت شوینده،
رقابت به معنای
واقعی و عملیاتی
شکل گرفته است
و همین رقابت،
منجر به توسعه
واقعی شده است



در صورتی که فعالیت صنایع با رکود کنونی ادامه پیدا کند، جامعه کارگری کشور بیش از گذشته نگران بحران اشتغال می‌شود.

واردات، طاقت فرساتر شد

تعرفه‌های وارداتی مواد اولیه، صنایع کشور را تعطیل می‌کند



سیدابراهیم حسینی‌مهربان
رئیس سندیکای
تولیدکنندگان لوله و پروفیل

را ندارند. در حالی که به نظر می‌رسد افزایش تعرفه واردات ورق‌های فولادی با عنوان حمایت از تولید وضع شده است، اما ۲ میلیون تن نیاز فعلی صنعت لوله و پروفیل به این نوع ورق فولادی، تنها امکان تولید ۱۵ تا ۲۰ درصد ورق فولادی مورد نیاز صنعت وجود دارد که البته این تولیدات نیز کیفیت بسیار پایینی دارند و به تولیدات و ماشین‌آلات صنعت لوله و پروفیل صدمه وارد می‌کنند. طبق اعلام مدیرکل صنایع معدنی وزارت صنعت در تاریخ ۲۸ اسفندماه سال گذشته، مجموع حقوق ورودی و سود بازرگانی برای ورق‌های فولادی با ضخامت کمتر از ۳ میلی‌متر تغییری نکرده و واردات این نوع ورق همچنان با ارزش مبادله‌ای قابل انجام است. این در حالی است که هیئت دولت در ۲۷ اسفندماه افزایش تعرفه واردات این نوع ورق را مصوب کرده بود و به نظر ما نوعی اشتباه در این بخش اتفاق افتاده که دوگانگی موجود بین اظهارات مسئولان وزارت صنعت و مصوبه دولت این مسئله را نشان می‌دهد. اگر مشکل واردات ورق‌های فولادی برطرف نشود، تعداد زیادی از کارخانه‌های فعال در صنعت لوله و پروفیل تعطیل و نیروی انسانی آنها به جمع بیکاران اضافه خواهند شد. به هر حال بررسی‌ها حکایت از آن دارد که برخی تولیدکنندگان بزرگ فولاد، نوعی انحصار را در بازار ایجاد

کرده‌اند و قیمت فروش محصولات این شرکت‌ها بالاتر از قیمت‌های جهانی است. البته مسئولان این شرکت‌ها علت این مسئله را مزاد نیروی انسانی تحمیل شده به خود عنوان می‌کنند، در حالی که بررسی‌های ما نشان می‌دهد تأثیر این موضوع نیز بیشتر از ۱۵ دلار در هر تن نخواهد بود، اما تولیدات مبار که با قیمت‌های بالایی عرضه می‌شود، با کاهش قیمت نفت، قیمت فولاد نیز در دنیا کاهش پیدا کرد، این در حالی است که محصولات فولاد مبار که هیچ تغییری نکرده است. در این میان این امر هم پذیرفته است که واحدهای تولیدی باید بهره‌وری خود را بالا ببرند، اما باید توجه داشت که پیش‌شرط افزایش بهره‌وری، بالا رفتن رقابت است ولی اکنون، بازار را کد است؛ از سوی دیگر، در حال حاضر تعرفه واردات لوله و پروفیل به کشور ۲۰ درصد است که واردات آن نسبت به تولیدش در کشور با تعرفه

۱۵ درصدی مواد اولیه، به‌صرفه‌تر است. از سوی دیگر، واردات گندله سنگ آهن، قراضه آهن و ورق فولادی با ضخامت کمتر از ۲ میلی‌متر با ارزش مبادله‌ای صورت می‌گیرد.

بنابراین، اگر تعرفه‌های فعلی برای واردات مواد اولیه ادامه داشته باشد، طی ۳ تا ۴ ماه آینده بیش از ۳۰ واحد تولیدی تعطیل خواهد شد و در عین حال بازار نیز کشش افزایش ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومانی قیمت هر کیلو محصول ما را نخواهد داشت. نکته حائز اهمیت دیگر این است که قیمت تمام‌شده تولید پایین‌تر از قیمت محصول است. به این معنا که در حال حاضر هر کیلو مواد اولیه مورد نیاز صنعت لوله و پروفیل با تعرفه جدید به قیمت ۱۷۵۰ تومان تأمین می‌شود، در حالی که قیمت محصول ما در بازار ۱۶۰۰ تومان است که دلیل آن، رکود بازار و عدم کشش افزایش قیمت در بازار است. دولت در تعیین تعرفه جدید واردات مواد اولیه هیچ نظر سنجی‌ای از تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی نکرده و در این مورد یک‌طرفه تصمیم‌گیری شده است. به هر حال اکنون که فضا برای رقابت بیشتر دارد کم‌کم فراهم می‌شود به نظر می‌رسد برخی تولیدکنندگان فولاد هم باید در وضعیت کاری خود تجدیدنظر کنند و شرایط را برای بهره‌گیری صنایع پایین‌دستی خود از این فرصت هم فراهم سازند و در یک فضای رقابتی، کار خود را پیش برند.

رکود حاکم بر اقتصاد کشور و مشکلاتی که بر تولیدکنندگان تحمیل شده، موجب شده تا بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت کشور، با تهدید نابودی روبه‌رو شود. از این رو، باید بخش‌های مختلف با تمکین از رهنمودهای مقام معظم رهبری با همکاری و همراهی، شرایط گذر از تنگنای کنونی را فراهم کنند. در این میان اگر چه بسیاری از تولیدکنندگان چشم امید خود را به سیاست‌های دولت یازدهم مبنی بر رونق اقتصادی و خروج از رکود دوخته‌اند اما به هر حال سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید از سوی بخش خصوصی و دولت به صورت توأمان اجرایی شود. این در شرایطی است که برخی تولیدکنندگان نیز خود فضای کنونی را که یک فضای خاص در اقتصاد ایران است از یاد برده‌اند و همچنان بدون توجه به ضرورت‌های ارزآوری برای کشور، تنها به خام‌فروشی مواد اولیه و مواد معدنی کشور مشغول شده‌اند. در این میان، دولت هم مجموعه سیاست‌هایی را به کار بسته است که گاهی اوقات، خواسته و ناخواسته بخش تولید کشور را به خام‌فروشی سوق می‌دهد. در این میان، تعرفه‌ها نیز به عنوان ابزار دیگری که باید از سوی دولت برای تنظیم بازار و تولید محصولات معدنی در نظر گرفته شود، گاه آن‌قدر برای بخش خصوصی

و تولیدکنندگان مشکل‌ساز می‌شود که چاره‌ای جز خام‌فروشی برای آنها باقی نمی‌ماند. به عنوان مثال، در حال حاضر ورق فولاد با ضخامت ۲ میلی‌متر در داخل تولید نمی‌شود، در حالی که یکی از انتقادات مطرح‌شده، در مورد افزایش تعرفه این کالا به عنوان ماده اولیه مورد نیاز صنایع از جمله لوله و پروفیل فولادی بود که نه تنها به صادرات لطمه خواهد زد، که موجب توقف تولید و وابستگی کشور به واردات خواهد شد.

در این میان تاکنون پیشنهادهای مختلفی از سوی فعالان اقتصادی ارائه شده است که از جمله آن، توجه به برخی تولیدکنندگان بزرگ فولاد در کشور است که محصولات تولیدی خود را با نرخ‌های مورد نظر خود به صنایع پایین‌دستی عرضه می‌کنند. بنابراین پیشنهاد ما این است که این محصولات با همان قیمت صادراتی در اختیار

صنایع داخلی گذاشته شود تا پس از ایجاد ارزش افزوده، صادر شوند. این در حالی است که صنایع پایین‌دستی به امید تأمین مواد اولیه از داخل کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با برخی تصمیمات غیرعادلانه و نگاه‌های اشتباه به تولید و صادرات، ادامه فعالیت آنها با مشکل روبه‌رو خواهد شد. در این میان برخی تولیدکنندگان عمدتاً دولتی فولاد، در حالی از تأمین مواد اولیه صنایع داخلی امتناع می‌کنند که با استناد به بحث حمایت از تولید داخلی، از متقاضیان و حامیان افزایش تعرفه واردات ورق فولاد ۲ میلی‌متری و دیگر محصولات فولادی هستند. بر این اساس از انجمن فولاد انتظار می‌رود حمایت از تمامی زنجیره تولید محصولات فولادی را در دستور کار قرار دهد؛ چرا که متأسفانه تولیدکنندگان فولاد به جای تعدیل قیمت، برای توجیه گران‌فروشی خود پشت سیر تعرفه پنهان می‌شوند. متأسفانه تولیدکنندگان ورق فولادی بی‌توجه به این رهنمود ارزنده، رفتاری دوگانه و متضاد پیش گرفته‌اند: از یک سو برای انتفاع بیشتر حاضر به تأمین مواد اولیه صنایع پایین‌دستی نیستند و از طرفی به بهانه حمایت از تولید داخلی، دولت را برای افزایش تعرفه واردات تحت فشار می‌گذارند. در حال حاضر ورق‌های با ضخامت ۲ میلی‌متر یکی از نیازهای اصلی تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی است و این در حالی است که شرکت‌های داخلی امکان تأمین این محصول



اگر تعرفه‌های
فعلی برای واردات
مواد اولیه ادامه
داشته باشد،
طی ۳ تا ۴ ماه
آینده بیش از ۳۰
واحد تولیدی
تعطیل خواهد
شد و در عین حال
بازار نیز کشش
افزایش ۲۰۰ تا
۲۵۰ تومانی
قیمت هر کیلو
محصول ما را
نخواهد داشت

۴ چالش و ۶ فرصت
سرمایه‌گذاری در
صنعت برق ایران

برق از مدار خارج شد

گزارش تحلیلی آینده‌نگر از صنعت برق کشور

آیا صنعت برق ایران جایگاه مناسبی برای سرمایه‌گذاری است؟ پاسخ به این سوال را تنها با توجه به فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این صنعت می‌توان متوجه شد. برق یکی از استراتژیک‌ترین کالاهای قرن ۲۰ شناخته می‌شود و حالا دیگر حتی چند ساعت زندگی بدون آن را هم نمی‌توان تصور کرد. با همه این‌ها پتانسیل‌های مهم و ظرفیت‌های اصلی که با توجه به آنها باید در صنعت برق ایران سرمایه‌گذاری کرد، چیست؟ در این گزارش تلاش شده است تا با برشمردن چالش‌های اصلی و فرصت‌ها به این سوال پاسخ داد.

فرصت طلایی

عراق در ۱۵ سال آینده ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار کالا و خدمات در صنعت برق نیاز دارد و این فرصت طلایی برای شرکت‌های ایرانی است

۳۳

هزار میلیارد تومان میزان
بدهی وزارت نیرو به بانک‌ها و
فعالان بخش خصوصی صنعت
برق

۷۲

تومان هزینه تولید هر
کیلووات ساعت برق برای
دولت بدون در نظر گرفتن
قیمت سوخت که ۵۰ تومان به
مصرف کننده فروخته می‌شود

۱۵

تا ۲۰ درصد هر پروژه‌ای
از فرودگاه سازی گرفته تا
ساختمان سازی و... در حوزه
برق تعریف می‌شود

عکس: رضا معطریان

دولت یازدهم از ابتدای کار خود میراث‌دار بدهی‌های کلان دولت نهم و دهم بود؛ بدهی‌هایی که حالا با گذشت دو سال از شروع کار دولت حسن روحانی همچنان باقی است و در برخی از بخش‌ها و صنایع مانند برق به چالشی بزرگ تبدیل شده است



وزارت نیرو و شرکت‌های دولتی در قرار دادهای یک تازی می‌کنند و این ربطی به وضعیت مالی خوب یا بد دولت و وزارت نیرو ندارد، قرار دادهایی که معمولاً ترکمن چای شکل بسته می‌شوند و در این بین بخش خصوصی هم واقعاً نتوان از گرفتن حقوق خود است و در همین شرایط هم اگر شکایت و نارضایتی‌اش را بیان کند در لیست سیاه قرار می‌گیرد و دیگر از پروژه و کار خبری نیست

چالش‌های مهم پیش روی صنعت برق کشور

بدهی‌های کمر شکن

دولت یازدهم از ابتدای کار خود میراث‌دار بدهی‌های کلان دولت نهم و دهم بود؛ بدهی‌هایی که حالا با گذشت دو سال از شروع کار دولت حسن روحانی همچنان باقی است و در برخی از بخش‌ها و صنایع مانند برق به چالشی بزرگ تبدیل شده است، تا جایی که تعداد زیادی از شرکت‌های این حوزه ورشکست شده‌اند یا با توجه به نداشتن نقدینگی با سخت‌ترین شرایط روبه‌رو هستند و با فعالیت خود را با کمترین ظرفیت ادامه می‌دهند.

علیرضا کلاهی، رئیس هیات مدیره سندیکای برق با تأیید این که بدهی‌ها هم‌اکنون به بزرگ‌ترین چالش صنعت برق کشور تبدیل شده است، می‌گوید بدهی‌ها کمر شرکت‌ها را شکسته است. او مجموع بدهی‌های وزارت نیرو به بانک‌ها و پیمانکاران، نیروگاه‌داران، تولیدکنندگان تجهیزات، شرکت‌های خدمات فنی مهندسی و... را ۳۳ هزار میلیارد تومان اعلام می‌کند و می‌گوید: «عمر بخش زیادی از این بدهی‌ها به ۷-۸ سال می‌رسد، مثلاً اگر من ۸ سال پیش از وزارت نیرو ۳ میلیارد تومان طلبکار بوده‌ام و با این ۳ میلیارد می‌شد A تن مس خرید در این ۸ ساله با توجه به تورم و نرخ ارزی که جهش پیدا کرده و پهره‌ای که به سیستم بانکی داده‌ام، سرمایه‌ام به کجا رسیده است؟»

در همین باره حمیدرضا صالحی، دبیر کل و عضو هیات مدیره فدراسیون صادرات انرژی و صنایع وابسته نیز با اشاره به چالش‌هایی که بدهی‌ها برای شرکت‌های حوزه صنعت برق به وجود آورده، می‌گوید: «در نظر بگیرید در طی این سال‌ها از یک طرف شرکت‌های طالب کار ارزش پولشان را از دست داده‌اند و از طرف دیگر هم به دلیل نداشتن نقدینگی نتوانسته‌اند مثلاً وام‌ها و قسط‌های بانکی خود را پرداخت کنند و هر روز بر میزان سودهای بانکی که باید پرداخت کنند افزوده شده است و حالا به ۲ تا ۳ برابر رسیده، در صورتی که مشکل اصلی آنها برای پرداخت نکردن بدهی‌ها عدم پرداخت مطالبات از سوی دولت بوده است.»

او می‌گوید: «زمانی یکی از معاونان وزارت نیرو به من گفت که ارزان‌ترین پول برای ما جیب پیمانکار است و در عمل این جمله به این منجر شده است که دولت و وزارت نیرو همیشه روی منابع پیمانکاران حساب باز کنند به جای این که مشکل بودجه خود را حل کنند. در نظر داشته باشید وزارت نیرو حتی در طول این سال‌ها اعتبار خود را نزد بانک‌ها نیز از دست داده و معمولاً بانکی حاضر نمی‌شود برای این وزارت‌خانه ال سی باز کند، بنابراین تنها منبع این وزارت‌خانه بخش خصوصی است.»

امادر این بین و برای حل این چالش فعالان صنعت برق و بخش خصوصی این حوزه علاوه بر تلاش و مذاکره با مسئولان و مقامات دولتی و مجلس برای گرفتن مطالبات به دنبال وصول خسارت‌های مالی خود نیز هستند. به اعتقاد آنها مثلاً همان گونه که وزارت اقتصاد و دارایی در صورتی که کسی مالیات خود را پرداخت نکند او را مشمول جریمه دیرکرد می‌داند و علاوه بر مالیات خسارت هم دریافت می‌کند، حالا این دولت است و باید بعد از چند سال علاوه بر پرداخت دیون و بدهی‌های خود خسارت نیز به صنعتگران و فعالان حوزه برق پرداخت کند تا آنها بتوانند به نوعی آسیب‌های چندسال

گذشته را جبران کنند و برای فعالیت جانی دوباره بگیرند.

صالحی، عضو اتاق تهران و ایران با اشاره به پیگیری‌هایی که از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای گرفتن حداقل هزار میلیارد تومان در یک سال به عنوان خسارت دیرکرد، صورت گرفته است، می‌گوید: «خسارت از بدهی مهم‌تر است چرا که ارزش مطالبات پیمانکاران و شرکت‌ها از وزارت نیرو با گذشت زمان یک‌سوم شده است و باید جبران شود. در زمان دولت قبلی تلاش‌هایی صورت گرفت تا از طریق دولت لایحه‌ای به مجلس ارائه و این خسارت‌ها جبران شود اما با تغییر دولت همه چیز نیمه‌کاره باقی ماند و حالا از طریق اتاق به دنبال آن هستیم تا اقدامات لازم را انجام دهیم. پیشنهاد ما که با موافقت ریاست اتاق تهران نیز مواجه شده این است که کمیته‌ای در اتاق تشکیل شود تا علاوه بر اجرای بدهی‌ها، خسارت‌ها را نیز از طریق دولت و مجلس دنبال کند و به سرانجام برساند.» سرانجامی که به اعتقاد علیرضا کلاهی می‌تواند صنعت برق کشور را مجدداً زنده و پویا کند و به شروع پروژه‌های جدید منجر شود.

قیمت پایین و دومینوی مشکلات

آنچه در کنار چالش بدهی‌های وزارت نیرو به بانک‌ها، پیمانکاران، فروشندگان و... در صنعت برق باید مورد توجه قرار گیرد و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان ریشه اصلی بخش مهمی از مشکلات این صنعت را در آن باید دنبال کرد بحث اقتصاد انرژی و واقعی نبودن ارزش برق در کشور است؛ نگاه دولتی، سوبسیدی و حمایتی که چند دهه است ادامه دارد ولی انگار دولت به دنبال چاره‌ای برای آن نیست. در نظر بگیرید هزینه تولید هر کیلووات ساعت برق برای دولت حداقل و بدون در نظر گرفتن قیمت سوخت حدود ۲۲ تومان است اما آن را تنها ۵۰ تومان به فروش می‌رساند. یعنی در هر کیلووات ساعت آن نه تنها سودی نمی‌کند، که ۲۰ تومان (بدون در نظر گرفتن هزینه سوخت) هم از جیبش پرداخت می‌کند تا چراغ خانه‌ها روشن باشد.

صالحی می‌گوید: «بحث قیمت انرژی مشکل عمده‌ای در تاریخچه اقتصاد انرژی کشور است. یعنی کالایی به نام برق تولید می‌شود ولی این کالا ارزش واقعی‌اش روشن نیست و دولت‌ها طی سالیان گذشته به جای حل مسئله همیشه به دنبال پاک کردن صورت مسئله بوده‌اند و کاری کرده‌اند که این کالا به عنوان کالایی غیراقتصادی شناخته شود و حاصل این اتفاق به جز بی‌توجهی به انرژی و به وجود آمدن بدهی‌های کلان وزارت نیرو چیزی نبوده است.» چالشی که به گفته او تنها راه چاره‌اش واقعی کردن قیمت و دستاورد آن رقابتی شدن بازار و بالا رفتن بهره‌وری برق در کشور است.

در همین زمینه علیرضا کلاهی نیز صحبت‌های خود را با طرح این مسئله شروع می‌کند که نگاه به برق در کشور ماز دهه‌ها قبل نگاه به یک کالای تجاری نبوده بلکه همیشه یک خدمت دولتی محسوب شده است. او می‌گوید: «ارزان‌فروشی برق باعث شده که وزارت نیرو همیشه محتاج به بودجه‌های عمومی و دولتی باشد در صورتی که قیمت برق را دولت باید واقعی کند تا مصرف آن به صورت عادلانه صورت گیرد. چرا باید فردی که در تهران و یک آپارتمان سه خوابه زندگی می‌کند و ده‌ها وسیله برقی دارد



صالحی

زمانی یکی از معاونین وزارت نیرو به من گفت؛ ارزان‌ترین پول برای ما جیب پیمانکار است و در عمل این جمله به این منجر شده است که دولت و وزارت نیرو همیشه روی منابع پیمانکاران حساب باز کنند



مشمول سوبسید برق شود و فردی که در یک چادر کوچک با یک لامپ زندگی می کند هم همان سوبسید را بگیرد؟ این عادلانه نیست و از طرف دیگر نیز تشویق افراد به افزایش مصرف و بی توجهی به صرفه جویی است.»

قرار دادهای یک طرفه

در کنار بدهی ها و واقعی نبودن قیمت برق در کشور، یکی دیگر از چالش های پیش روی صنعت برق و فعالان این صنعت به ویژه بخش خصوصی قرار دادهای یک طرفه است که به اعتقاد صالحی سوء استفاده دولتی و انحصار دولتی را به وجود آورده و باعث شده رقابت در این صنعت به درستی شکل نگیرد.

صالحی با بیان این که معمولاً قرار دادهایی که با بخش خصوصی در صنعت برق از سوی وزارت نیرو و یا زیر مجموعه های دولتی دیگر بسته می شود یک طرفه است، می گوید: «بی توجهی وزارت نیرو به حقوق بخش خصوصی در متن قرارداد مشکل مهمی است؛ وزارت نیرو و چند شرکت بزرگ دولتی صنعت برق با توجه به این که انحصار پروژه ها در دست دارند معمولاً دست بالاتری را نیز برای خود در قرارداد در نظر می گیرند و این در شرایطی است که در بسیاری از موارد شرکت ها برای داشتن کار و پروژه چاره ای جز پذیرش قرارداد ندارند.»

او می گوید: «وزارت نیرو و شرکت های دولتی در قراردادها یک تازی می کنند و این ربطی به وضعیت مالی خوب یا بد دولت و وزارت نیرو ندارد؛ قرار دادهایی که معمولاً "ترکمانچای شکل" بسته می شوند و در این بین بخش خصوصی هم واقفان توان از گرفتن حقوق خود است و در همین شرایط هم اگر شکایت و نارضایتی اش را بیان کند در لیست سیاه قرار می گیرد و دیگر از پروژه و کار خبری نیست.»

نبود پروژه

کاهش پروژه های عمرانی و زیرساختی و تعریف نشدن پروژه های توسعه ای در حوزه های مختلف صنعت برق و از طرف دیگر نبود فرصت های چندان کاری به دلیل شرایط رکود اقتصادی در داخل و همچنین از بین رفتن بسیاری از موقعیت های کاری در خارج از کشور به دنبال تحریم های اقتصادی کشور در سال های گذشته چالش مهم دیگری بوده است که گریبان شرکت های مختلف صنعت برق در حوزه های مختلف از خدمات فنی مهندسی تا شرکت های بزرگ نیروگاه ساز را گرفته است و باعث

شده که آنها با کمبود کار و پروژه هم در داخل و هم در خارج روبه رو شوند و چرخ شرکتشان با مشکل بچرخد.

البته در این بین دولت و وزارت نیرو نیز به عنوان بزرگ ترین مشتری و کارفرمای صنعت برق کشور به دلیل نداشتن نقدینگی پروژه های جدیدی تعریف نکردند و همه اینها به ورشکستگی و بیکاری شرکت ها و تعدیل نیرو و... دامن زده است.

علیرضا کلاهی که خود نیز شرکت تولید کابل دارد و عضو اتاق ایران و تهران است، در این باره می گوید: «فعال در کشور با نبود پروژه روبرو هستیم، کسری سرمایه گذاری در حوزه صنعت برق در دولت دهم ۱۵ هزار میلیارد تومان بوده است و دولت جدید نیز بودجه و نقدینگی چندان در اختیار نداشته که سرمایه گذاری جدیدی صورت دهد، چون خرابی های را با بدهی های کلان تحویل گرفته و توانایی برای حل مشکل نداشته. البته در این بین متأسفانه برخی از موقعیت ها نیز با عملکرد ضعیف مسئولان در جذب و استفاده از ظرفیت ها از بین رفته و حاصل همه اینها جز نبود پروژه و کار دیگری نیست.»

این مشکلی است که به گفته کلاهی، دولت باید با توجه به فرصت های بسیاری که در صنعت برق کشور وجود دارد و مدیریت صحیح آن را حل کند و چرخ اقتصاد صنعت برق کشور را دوباره به حرکت در آورد. به اعتقاد او و صالحی استفاده از سرمایه گذاری های خارجی با توجه به توافق هسته ای صورت گرفته می تواند شرایط مطلوبی را در سال های آینده در صنعت برق

کشور و استفاده از ظرفیت های بکر این صنعت به وجود آورد. البته کلاهی معتقد است که در این بین دولت نیز باید از سرمایه گذاری های داخلی و خارجی حمایت کند؛ او با بیان این که ما به دنبال سیاست های حمایتی غلط دهه ۶۰ نیستیم، می گوید: «با نگاهی به ده سال گذشته سیگنالی که سیاست های اقتصادی کشور به من صنعتگر و به خصوص صنعتگر برق می دهد این است که سرمایه گذاری نکن؛ ساختمان بخر، مغازه راه اندازی کن، اما به تولید وارد نشو، همه می گویند کسی که کارخانه می زند یا باید دیوانه کار باشد یا عاشق. در این شرایط سیاست های حمایتی دولت باید به نوعی باشد که سرمایه گذاران داخلی و خارجی را تشویق به سرمایه گذاری کند و امکانات لازم را از نظر قانونی و... به راحتی در اختیار قرار دهد.»

او می گوید: «دولت اگر به دنبال افزایش تولید، اشتغال و پیشرفت کشور است باید ورق برگردد و سرمایه گذار، ایران را به جای دویی، استانبول و... برای سرمایه گذاری انتخاب کند.»

فرصت ها و ظرفیت ها

ایران: بکر از نظر فرصت های صنعتی

صنعت برق یک صنعت زیرساختی مهم است و ضعف در آن برای حرکت چرخ اقتصاد تمام کشورها پاشنه آشیل محسوب می شود؛ یعنی رشد صنعتی بدون در نظر گرفتن ظرفیت های انرژی جدید ممکن نیست. حال با در نظر گرفتن همین موضوع صالحی می گوید: «کشور ما از نظر صنعتی کشور بکری است بنابراین رشد صنعتی و توجه به تولید انواع محصولات و کالاهای دستور کار باید باشد و تحقق آن بدون انرژی و برق ممکن نخواهد بود. در نظر بگیریم به صورت کلی و به جز انرژی برق، ۱۵ تا ۲۰ درصد هر نوع پروژه ای از فرودگاه سازی گرفته تا ساختمان سازی و... در حوزه برق تعریف می شود؛ از سیم، کابل و کنتور بگیرد تا تجهیزات اساسی تر که در حوزه برق هستند. پس برای رشد صنعتی و تولید که نیاز امروز کشور است، برق و انرژی حرف اصلی را می زند و ایمن یعنی فرصت و امکان برای سرمایه گذاری.»



نیروی انسانی متخصص و مواد اولیه

در ماه های گذشته شاهد این هستیم که مسئولان کشور از رئیس جمهور گرفته تا وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اشتغال به عنوان اولویت اول کشور یاد می کنند و با اشاره به ۴ میلیون دانشجو در کشور از نگرانی ها درباره رشد آمار بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی می گویند. فارغ التحصیلانی که مزیت نسبی بسیار مهمی برای کشور محسوب می شوند، به شرطی که ایران بتواند با ایجاد فرصت های اشتغال مثلاً در صنعت برق به بهترین شکل ممکن از آنها استفاده کند. علیرضا کلاهی با اشاره به این که از بین ۴ میلیون دانشجوی کشور نزدیک ۷۰۰ هزار نفر آنها در رشته برق و رشته های مرتبط تحصیل می کنند، می گوید: «رئیس دانشکده برق و الکترونیک دانشگاه استنفورد سال ۲۰۰۸ در مصاحبه ای گفت که بهترین دانشجویان برق و الکترونیک این دانشگاه از فارغ التحصیلان دانشگاه شریف ایران هستند. علاوه بر این اگر بار علمی دانشجویان دیگر دانشگاه های کشور مانند امیرکبیر را هم در رشته برق در نظر بگیریم، متوجه می شوید که ما از نظر کیفیت علمی و داشتن متخصص و نیروی انسانی در شرایط مطلوبی قرار داریم و این یک فرصت طلایی برای هر کشوری محسوب می شود که نیروی انسانی جوان و متخصص داشته باشد.»

او با بیان این که یکی دیگر از مزیت های کشور ما به وجود مواد اولیه بازمی گردد، می گوید: «مس، آلومینیوم، روی، مواد پلیمری و... مواد اولیه لازم برای صنعت برق محسوب می شود که مادر کشور منابع بسیار غنی از هر یک از آنها را در اختیار داریم، علاوه بر این از نظر ذخایر سوخت نیز جزو کشورهایی هستیم که حرف اول را در جهان می زنیم؛ پس ما از مزیت های

صالحی

خسارت از بدهی مهم تر است چرا که ارزش مطالبات پیمانکاران و شرکت ها از وزارت نیرو با گذشت زمان یک سوم شده است و باید جبران شود

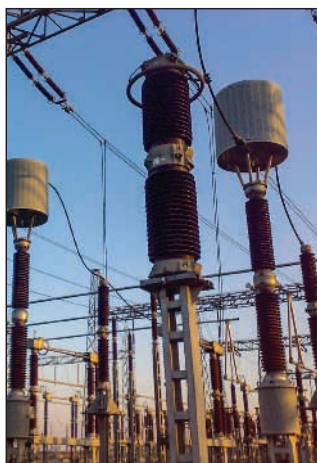


رئیس دانشکده برق و الکترونیک دانشگاه استنفورد
چند سال پیش در مصاحبه ای گفت: بهترین
دانشجویان برق و الکترونیک این دانشگاه از فارغ
التحصیلان دانشگاه شریف ایران هستند

مدار کرده ایم، می گوید: «وزارت نیرو با تشویق سرمایه گذاری در بخش کاهش اتلاف انرژی علاوه بر ایجاد فرصت کاری جدید و رشد اقتصادی در کشور می تواند از ظرفیت های ایجاد شده برای صادرات برق استفاده کند یا کمبودهایی را که هم اکنون با آن روبه روست جبران کند.»
علیرضا کلاهی نیز کاهش اتلاف انرژی و پروژه های مرتبط با آن را فرصت مناسبی برای سرمایه گذاری در صنعت برق می داند که دولت می تواند با واگذاری آن به بخش خصوصی پتانسیل های جدید به وجود آورد. او می گوید: «تلفات یک چالش ملی است و مادر ایران با تلفات انرژی بسیار بالایی روبه رو هستیم. در حالی که مثلاً مستولان کره ای اعلام می کنند تلفات انرژی در کشورشان ۳ درصد است، این عدد در ایران حدود ۴ برابر است. پس بحث تلفات یک تهدید برای اقتصاد کشور محسوب می شود. اما در عین حال این موضوعی می تواند در حال حاضر به یک فرصت هم برای شرکت های سرمایه گذار و بخش خصوصی تبدیل شود.»
او با اشاره به این که وزارت نیرو باید از این موقعیت استفاده کند و بوروکراسی را کنار بگذارد، می گوید: «سرمایه گذاری در این زمینه براساس برآوردهایم می تواند ۷۰۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد کند که این می تواند فرصتی بسیار مهم برای کشور باشد.»

ایران «هاب انرژی» شود

در کنار کاهش اتلاف انرژی و استفاده از بازار صادراتی منطقه یکی از فرصت های مهم سرمایه گذاری و پتانسیل های بالا در صنعت برق ایران که هم اکنون از آن بهره چندانی برده نمی شود «هاب انرژی» منطقه بودن است. ایران به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوایی به دلیل اختلاف دما می تواند به هاب انرژی منطقه تبدیل شود و به تبادل برق با توجه به شرایط بپردازد. کلاهی با اشاره به اختلاف افق دوساعته در کشور و اختلاف دمای شدید در شمال و جنوب که امکان مبادله برق را فراهم می آورد، می گوید: «اختلاف خیلی فاحشی بین "پیک تابستان" و "اف پیک زمستان" وجود دارد و این می تواند فرصت سرمایه گذاری مهمی به کشور بدهد تا بتوانیم به عنوان مبادله کننده انرژی در منطقه عمل کنیم و سود بسیاری از این راه به دست بیاوریم.» حمیدرضا صالحی نیز با تاکید بر فرصت ایران برای تبدیل شدن به «هاب انرژی» منطقه، می گوید: «تبدیل کشور به هاب انرژی و قرار گرفتن این فرصت در اختیار بخش خصوصی می تواند ۱۰ تا ۲۰ میلیارد دلار در آمد صادرات غیر نفتی برای کشور به همراه داشته باشد و این تنها با تبادل انرژی اتفاق می افتد.»



مهمی برخورداریم که باید از آنها در جهت تولید استفاده کنیم.»

بازار صادراتی منطقه

در کنار بازار بومی داخلی صنعت برق که با توجه به نیاز کشور به رشد صنعتی و میزان حجم مصرف داخلی می تواند بسیار پویا باشد، یکی از مزیت های مهم ایران در صنعت برق بدون شک بازار منطقه است که فرصت انواع صادرات در صنعت برق کشور از خدمات فنی-مهندسی و تجهیزات تا صادرات انرژی برق را برای وزارت نیرو و شرکت های بخش خصوصی این حوزه مهیا می کند؛ بازار صادراتی که سهم ایران هم اکنون از آن بسیار کم است.
علیرضا کلاهی با بیان این که صنعت برق پایدار جزو حقوق بشر است، می گوید: «ما در کشورهای دور تادورمان با یک بازار بسیار بزرگ روبه رو هستیم؛ بازاری که می توان آن را به بازار صادراتی اولیه با حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون جمعیت (کشورهای همسایه همچون عراق، افغانستان، پاکستان و...) که نیاز جدی به انرژی و صنعت برق دارند) و بازار صادراتی ثانویه مثل هند با ۱.۲ میلیارد جمعیت تقسیم کرد.»

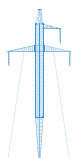
او در ادامه با اشاره به ظرفیت و پتانسیل کشوری مانند عراق برای سرمایه گذاری در صنعت برق می گوید: «در شرایط کنونی نیمی از جمعیت کشور عراق برق پایدار ندارند و این نکته این کشور را به یک بازار بسیار بزرگ تبدیل کرده است، به گونه ای که پیش بینی هانسان می دهد این کشور در ۱۵ سال آینده بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار کالا و خدمات در صنعت برق نیاز خواهد داشت و این می تواند فرصتی طلایی برای سرمایه گذاری شرکت های ایرانی باشد که در این بازار حضوری فعال داشته باشند و حداقل ۳۰ درصد سهم این بازار را به دست آورند، که اگر این گونه نباشد کوتاهی بزرگی صورت گرفته است.»

علاوه بر کلاهی، حمیدرضا صالحی نیز بر صادرات برق (تجهیزات، خدمات و انرژی) از کشور به عنوان یک مزیت مهم تاکید دارد و معتقد است دولت در زمینه صادرات انرژی به کشورهای دیگر به بخش خصوصی باید اجازه حضور فعال و پررنگ بدهد. او می گوید: «ظرفیت صادراتی برق از کشور امروز حدود یک میلیارد دلار است و این هم توسط دولت انجام می شود در شرایطی که این ظرفیت صادراتی می تواند به ۶-۷ و حتی تا ۱۰ میلیارد دلار برسد در صورتی که از مزیت ها و سرمایه گذاری های بخش خصوصی در این زمینه استفاده و به بخش خصوصی فرصت حضور در این بازار داده شود.»

جلوگیری از اتلاف انرژی

چالشی که فرصت صنعت برق کشور محسوب می شود و می توان براساس آن پروژه ها و اشتغالزایی بالایی به وجود آورد؛ این تعریفی است که باید از حجم بالای اتلاف کنونی انرژی در کشور ارائه داد که براساس آمارهای رسمی حدود ۱۵ درصد است، یعنی ۱۵ درصد از برق تولید شده در نیروگاه های کشور بعد از خروج و قرار گرفتن در شبکه تا به دست مصرف کنندگان و مشتریان برسد از بین می رود. عددی که در مقیاس جهانی بسیار بزرگ است. حالا کاهش این میزان اتلاف انرژی در کشور که باید طبق قوانین مختلف در دستور کار دولت و وزارت نیرو قرار گیرد، یکی از فرصت های مناسب برای سرمایه گذاری در صنعت برق کشور در شرایط کنونی محسوب می شود؛ فرصتی که دولت با توجه به این که هم اکنون منابعی در اختیار ندارد و پروژه هایی نمی تواند تعریف کند با کمک آن می تواند بخشی از چرخه اقتصادی صنعت برق کشور را به حرکت درآورد. به اعتقاد کارشناسان کاهش اتلاف انرژی مصداق بازگرداندن آب از جوی رفته به جوی است.

صالحی با اشاره به این که اگر ما مثلاً جلوی ۱۰۰۰ مگاوات اتلاف انرژی را بگیریم به این معنی است که یک نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی جدید را وارد



کلاهی

ارزان فروشی
برق باعث شده
که وزارت نیرو
همیشه محتاج
به بودجه های
عمومی و دولتی
باشد در صورتی
که قیمت برق را
دولت باید واقعی
کند تا مصرف آن
به صورت عادلانه
صورت گیرد

انرژی های نو

رویکرد جدید بسیاری از کشورهای جهان استفاده از انرژی های پاک و نو است و ایران نیز با توجه به ظرفیت ها و پتانسیل های بسیار که در این زمینه دارد مانند مناطق بادخیز و تابش شدید آفتاب در بسیاری از مناطق می تواند بخش مهمی از انرژی کشور را با سرمایه گذاری از این طریق تامین کند و حتی به صادرات برق به کشورهای همسایه بپردازد.
صالحی در این باره می گوید: «ایران یکی از هشت کشور اول جهان از نظر میزان تابش خورشید و تشعشعات آن است و از لحاظ بادی نیز چگالی در مناطقی از ایران بسیار بالاست و این هانسان می دهد که براساس پیش بینی ها حدود ۳۰ مگاوات برق بادی و حجم زیادی برق خورشیدی در کشور می توان تولید کرد. ولی تاکنون سرمایه گذاری در این زمینه ها بسیار ناچیز بوده و حالا می توان به این پتانسیل ها با راه اندازی مزارع انرژی خورشیدی و بادی توجه ویژه داشت. البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که نیاز سرمایه گذاری در این بخش ها بسیار بالا و آرزوست، بنابراین سیاست های دولت به نوعی حمایتی باید باشد و قرار دادهای بلندمدت بسته شود تا سرمایه گذاران تشویق به این کار شوند. علاوه بر این، برق تولیدی پاک را دولت باید به قیمت مناسب خریداری کند و اجازه صادرات آن را به سرمایه گذاران بدهد.»



بازار سرمایه یک سال دیگر به ثبات می‌رسد

رییس کمیسیون پول و بازار سرمایه اتاق تهران تحلیل کرد



علی سنگینیان
رییس کمیسیون پول و بازار
سرمایه اتاق تهران

در شرایطی که پیش‌بینی‌های کارشناسان نشان می‌داد پس از توافق هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ باید منتظر رشد بازارهای مالی و بورس در کشور باشیم اما آنچه در واقعیت بازارها اتفاق افتاد و خیزهای بسیار بود که نشان داد بازار با وجود توافق امید چندانی به رشد در کوتاه مدت ندارد. درباره آینده بازارهای مالی و بورس و پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاری و رشد بازار با علی سنگینیان رئیس کمیسیون پول و بازار سرمایه اتاق تهران گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ در روزهای گذشته و پس از توافق هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ برعکس تصورات بسیاری از کارشناسان که انتظار رشد بازار مالی و بورس را داشتند و پیش‌بینی‌هایی در این زمینه انجام داده بودند، شاهد افت و خیز و به نوعی عدم تعادل در بازارهای مالی و بورس بودیم؛ فکر می‌کنید علت اصلی این اتفاق چه بود و به نظر شما ریشه این تحولات چیست؟

ریشه واکنش عجیب و دور از انتظار بازار سرمایه نسبت به اخبار مثبت توافقی هسته‌ای را در رقابت‌های سیاسی و تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن دستاوردهای توافقات هسته‌ای در فضای داخلی کشور باید دید، اما به‌طور کل بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به بازار و اقتصاد کشور، افق کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران و رفتار هیجانی آنها در واکنش به تغییرات بازار، پیش‌خور شدن قیمت‌ها پیش از توافق هسته‌ای، افزایش قابل توجه خریدهای اعتباری پیش از اعلام نتیجه مذاکرات و عرضه آنها پس مشاهده روند منفی بازار و از همه مهم‌تر عرضه‌های سنگین توسط حقوقی‌ها از اساسی‌ترین علل افت بازار سرمایه پس از اعلام نتایج مذاکرات بوده است. البته با نگاهی عمیق‌تر به این موضوع می‌توان عدم تعادل و واکنش منفی بازار سرمایه را به موانع اقتصادی حاکم بر کشور نسبت داد. بالا بودن نرخ بهره بانکی و تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، رکود حاکم بر تولید کشور، آثار منفی تحریم‌ها که سال‌ها گریبان‌گیر اقتصاد کشور بوده است و همچنین عدم وجود نقدینگی لازم به دلیل اعمال سیاست‌های انقباضی دولت از جمله عواملی هستند که نمی‌توان آثار منفی آنها را در کوتاه‌مدت از بازار سرمایه کشور حذف کرد.

● با توجه به این تحلیل‌ها فکر می‌کنید در ماه‌های آینده باید منتظر چه تحولاتی در بازارهای مالی و بورس باشیم؟ پیش‌بینی شما از آینده بازار به چه صورت است؟

مسیری که تا تصویب توافق در کشورهای مذاکره‌کننده اجرایی شدن آن باقی مانده است، در کنار زمان‌بر بودن ظهور آثار حذف تحریم‌ها در اقتصاد واقعی، باعث خواهد شد که در میان مدت شاهد واکنش فعالان بازار به اخبار این حوزه و افت و خیز بازار باشیم. انتظار می‌رود که بازار سرمایه کشور در یک افق دراز مدت (بیشتر از یک سال) به تعادل و ثبات پایدار برسد و بازدهی معقولی را برای سرمایه‌گذاران خود به بارمغان بیاورد، زیرا با گذشت زمان و اثرگذاری آثار مثبت تصمیمات سیاسی از جمله توافقات هسته‌ای، بدون شک وضعیت اقتصادی کشور به سمت بهبود و خروج از شرایط رکود تدریجی فعلی پیش خواهد رفت. البته حصول این شرایط مستلزم آن است که دولت به تدریج از سیاست‌های انقباضی پولی به سمت ایجاد تحرک بیشتر در تولید برود تا چرخ‌های قفل شده اقتصاد ایران به حرکت درآید. بدین ترتیب می‌توان امیدوار بود که اعتماد از دست‌رفته سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه دوباره احیا شود.

● بعد از توافق هسته‌ای شاهد گسترش ورود هیات‌های خارجی به کشور بوده‌ایم؛ به نظر شما مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدات بورس و بازارهای مالی در ماه‌های آینده با توجه به توافق هسته‌ای چه خواهد بود؟

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی بازار سرمایه پس از توافق هسته‌ای، تقویت بخش سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌عنوان موتور متحرک رشد اقتصادی در کشور است. در این راستا بازارهای مالی و سرمایه کشور می‌توانند با طراحی و ارائه ابزارهای مختلف به جذب هرچه بیشتر این نوع سرمایه‌گذاری در کشور کمک کنند. اگر شرایط تزریق سرمایه خارجی برای تأمین مالی پروژه‌ها که هم‌اکنون به دلیل فقدان منابع راکد هستند، فراهم شود، در کنار بهبود و رشد اقتصادی کشور نتایج مثبت دیگری مانند ورود ارز، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، آموزش نیروی کار و بهره‌مندی از دانش و مهارت‌های مدیریتی نیز به همراه خواهد داشت. و در سرمایه‌های خارجی به بازارهای مالی ایران قطعاً تأثیر مهمی در افزایش عمق این بازار و به تبع آن امکان تأمین مالی طرح‌ها و صنایع خواهد داشت. از طرف دیگر، تهدید تنگ‌شدن عرصه فعالیت بر صنایع و بنگاه‌هایی که در سطح پایین‌تری از استانداردهای جهانی فعالیت می‌کنند، عدم بسترسازی مناسب در حوزه‌های مختلف به‌منظور بهره‌گیری از فرصت‌های ایجاد شده در دوران پساتحریم مانند عدم تطابق گزارش‌های مالی شرکت‌های ایرانی با استانداردهای حسابداری بین‌المللی، دشواری ارزیابی و سنجش ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ایرانی توسط سرمایه‌گذاران خارجی با توجه به عدم تهنیتی اعتباری شرکت‌ها، احتمال بروز هیجانات سفته‌بازی به دلیل عمق اندک بازار سرمایه، خطر افزایش نرخ تورم در نتیجه آزاد شدن منابع بلوکه شده ایران و افزایش پایه پولی، مداخلات دولت در قیمت‌گذاری‌ها و بازارها، ریسک افزایش نرخ ارز به دلیل کسری بودجه دولت و افزایش تقاضا برای ارز در دوران پساتحریم از جمله چالش‌های پیش‌روست.

● با اجرایی شدن توافقات هسته‌ای شاهد لغو تحریم‌ها خواهیم بود؛ این تحول به نظر شما چقدر تأثیر مثبت در بازار مالی و بورس خواهد داشت؟

سایه تحریم طی سالیان اخیر بر بخش وسیعی از اقتصاد ایران و بنگاه‌های ایرانی سنگینی کرده است و همه فعالان اقتصادی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر نتایج منفی و بعضاً مثبت آن قرار داشته‌اند. متأسفانه تخمین دقیقی از میزان تأثیرپذیری اقتصاد از تحریم در دسترس نیست. به عبارت دیگر هم‌اکنون نمی‌توان در مورد این که چند درصد از وضعیت فعلی بنگاه‌ها ریشه در مشکلات مرتبط با تحریم دارد و چند درصد به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران مربوط می‌شود، قضاوت صریحی داشت. اما آنچه مسلم است این است که رفع تحریم‌ها تأثیر مثبتی بر سود بسیاری از بنگاه‌های ایرانی پذیرفته شده در بازار سرمایه خواهد داشت.

● با توجه به تحلیل بازار اگر بخواهید پیشنهادهای مشخص سرمایه‌گذاری بدهید در چه زمینه‌هایی خواهد بود؟ آیا به صورت کلی توصیه سرمایه‌گذاری در بورس را دارید؛ اگر دارید خرید سهام در چه بخش‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

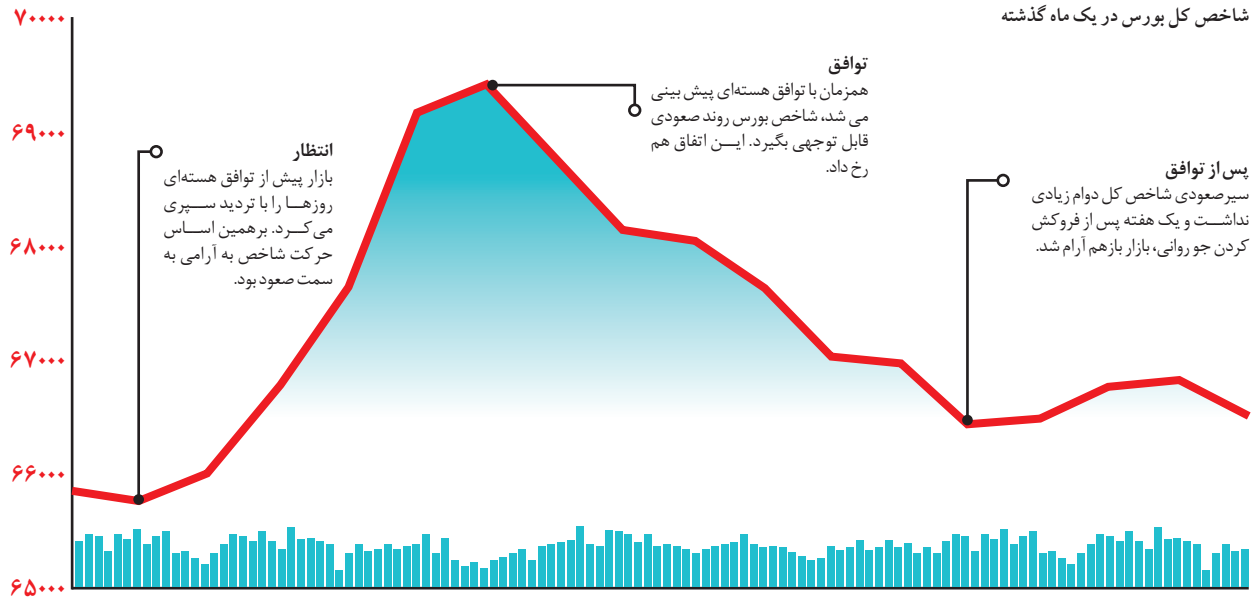
بی‌شک شرکت‌هایی که بیشترین آسیب‌را از تحریم‌ها دیده‌اند و از حداکثر ظرفیت خود به دلیل موانع تحریم نتوانسته‌اند استفاده کنند، در دوران پساتحریم نیز مترصد بیشترین رشد خواهند بود که از این میان می‌توان به صنایع بانک و بیمه، حمل‌ونقل، دارو، خودرو و لیزینگ، پتروشیمی و برق اشاره کرد.

البته تأثیر گشایش در تحریم‌ها در سایر صنایع نیز به‌مرور زمان مشهود خواهد بود و دسترسی به بازارهای مصرف جهانی و منطقه‌ای، ورود سرمایه‌های خارجی و کاهش بهای تمام‌شده تولید، شرایط مطلوبی را در درازمدت برای بیشتر صنایع رقم خواهد زد.

تحریم‌ها که سال‌ها گریبان‌گیر اقتصاد کشور بوده است و همچنین عدم وجود نقدینگی لازم به دلیل اعمال سیاست‌های انقباضی دولت از جمله عواملی هستند که نمی‌توان آثار منفی آنها را در کوتاه‌مدت از بازار سرمایه کشور حذف کرد



پیش بینی‌ها نشان می‌دهد بازار سرمایه طی یکسال آینده با تحول جدی مواجه نمی‌شود.



توقف ریزش شاخص؟

پیش‌بینی آینده بورس: سرمایه‌گذاری خارجی در بورس احتمالاً با رقم‌های بسیار پایینی انجام خواهد شد



علی رحمانی

مدیر عامل پیشین بورس

کنونی همه انتظار دارند که با برداشته شدن تمامی تحریم‌ها، پول هنگفتی وارد بازار شود و مشکلات را حل کند. اما باید توجه کنیم که ما به لحاظ فرهنگی هم آمادگی نداریم. خاطرم هست در سال ۸۵ یک مدیر صندوق سرمایه‌گذاری حرفه‌ای برای سرمایه‌گذاری از انگلیس به ایران آمده بود. پس از مذاکراتمان ایشان را برای بازدید به داخل تالار آوردیم. در آنجا سهام‌دارانی که متوجه قضیه شده بودند به ما تذکر دادند که شرکت‌ها را مفت و ارزان به این خارجی‌ها نفروشید. اینجا بود که ما در دوگانگی قرار گرفتیم که بالاخره تکلیف چیست. از یک طرف می‌گوییم وضع بازار خراب است و نیاز به نقدینگی داریم و از یک طرف دیگر می‌بینیم که سهام‌داران مدعی و معترض می‌شوند که شرکت‌ها را به خارجی‌ها مجانی نفروشیم. به نظر من روی مسئله فرهنگی کار نشده است که سرمایه‌گذار خارجی در کنار سودآوری شخصی خود، برای اشتغال‌زایی و کمک به توسعه کشور هم مفید است.

علاوه بر اینها عدم عضویت در IOSCO و ضعف‌های مقرراتی داخلی باعث می‌شود سرمایه‌گذار نهادی خارجی وارد بورس ایران نشود. مثلاً شخصی اخیراً از سوئیس به ایران آمده و شرکتی را ثبت کرده است، اما ظرف پنج ماه گذشته نتوانسته برای خود در ایران حساب بانکی باز کند. این است که به نظر من سرمایه‌گذاری خارجی در بورس احتمالاً با رقم‌های بسیار پایینی انجام خواهد شد، چرا که هیچ سرمایه‌گذار نهادی به ایران نمی‌آید.

اما نکته مهم این است که در عوض ما می‌توانیم بورس خودمان را بین‌المللی کنیم. مثلاً همان‌طور که بانک توسعه اسلامی داریم، بورس کشورهای اسلامی هم راه‌بندازیم. در زمان مدیریت من بر شرکت بورس، این ایده با مخالفت ترک‌ها همراه شد. آنها مدعی شدند اگر این بورس راه بیفتد نقدینگی از بورس ترکیه خارج و به این بازار وارد می‌شود. اما بالاخره باید تلاش کنیم که شرکت‌هایمان را وارد بازارهای بین‌المللی کنیم. ولی متأسفانه ضعف ما این است که گزارشگری مالی ما بر اساس زبان بین‌المللی IFRS نیست.

تحریم‌ها در سال‌های گذشته باعث شد تا افزایش تورمی بسیاری را در اقتصادمان تجربه کنیم که این امر به نوعی صنایع بورسی را تحت تأثیر قرار داد. چرا که افزایش تورم و نرخ ارز بر بازار سرمایه برای مقطعی اثر مثبت دارد. طبیعی است که به یکباره شاهد رشد چشم‌گیر سهام پتروشیمی‌ها باشیم. وقتی شرایط طبیعی و عادی نباشد هر اتفاقی ممکن است بیفتد. در این بین نیز عده‌ای سوءاستفاده می‌کنند و از این شرایط غیررقابتی به نفع خود سود می‌برند. حضور کمتر شرکت‌های خارجی در اقتصادمان برای یک عده فرصت ایجاد کرد تا هر طور بخواهند به طور غیرشفاف معامله انجام دهند و سودهای کلان ببرند اما در مقابل هر روز اقتصادمان با مخاطره مواجه شد. بازار سرمایه هم در این دوره دچار همین مسئله غیررقابتی شدن، انحصار و فساد شده است و امید داریم با رفع تحریم‌ها و فراهم شدن زمینه برای سرمایه‌های خارجی شاهد تحول در این بازار باشیم.

البته بازار سرمایه ما به علت مشکلات زیرساختی که دارد یک‌شبه نمی‌تواند از این رو به آن رو شود و پذیرای سرمایه‌گذاران بزرگ خارجی باشد. باید قبول کنیم که بازارمان، بازار بزرگی نیست. اگر چه کارهایی در حوزه خصوصی‌سازی و توسعه بازار سرمایه انجام شده است اما لازم است این بازار بیشتر توسعه پیدا کند.

در این بین یک نگرانی که داریم این است که پس از رفع تحریم‌ها، با فساد سیستماتیک، چه کسانی حاضرند بیایند و سرمایه‌گذاری کنند؟ البته ما نیز در این زمینه کار چندانی انجام نداده‌ایم. به عبارتی آماده‌سازی برای ورود سرمایه‌گذاری خارجی نکرده‌ایم. به خصوص این که نتوانستیم شرکای مناسبی پیدا کنیم. به طور مثال چه زیرساخت‌هایی آماده کرده‌ایم تا سرمایه‌گذار خارجی راغب شود در این بازار حضور پیدا کند؟ اصلاً این مفهومش این نیست که ما هیچ زیرساختی نداریم، ولی زیرساخت‌ها در واقع فراهم نیست تا سرمایه‌گذار خارجی را جذب کند که از همین فردا بعد از برداشته شدن تحریم وارد بازار سرمایه‌مان شود.

هم‌اکنون کمبود نقدینگی در بازار سرمایه مشهود است. در شرایط

هم‌اکنون کمبود نقدینگی در بازار سرمایه مشهود است. در شرایط کنونی همه انتظار دارند که با برداشته شدن تمامی تحریم‌ها، پول هنگفتی وارد بازار شود و مشکلات را حل کند. اما باید توجه کنیم که ما به لحاظ فرهنگی هم آمادگی نداریم.



دیدگاه‌های اقتصاددانان درباره وضعیت
ایران در پساتحریم

پشت دیوارهای تحریم

در این پرونده دیدگاه‌های اقتصاددانان در مورد
اقتصاد ایران در روزهای پساتحریم را می‌خوانید

میلیارد دلار، میزان پول‌های بلوکه شده
ایران در دوران تحریم

۲۹

آخرین تحلیل بانک جهانی نشان
می‌دهد، پس از رفع تحریم‌ها، میزان
سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ۲/۵
برابر بیشتر می‌شود

۲/۵

برآورد بانک جهانی تایید می‌کند در
بهترین حالت جذب سرمایه‌گذاری
خارجی در ایران به ۳ میلیارد دلار
می‌رسد

۳

عکس‌ها: رضا معطریان



پول های بلو که شده، معجزه می کند؟

پنهان کاری، دلیل ارقام متفاوت پول های بلو که شده

اختیار شرکت ها و بانک های داخلی گذاشته شده اند تا از آنها استفاده کنند و به شکل های متفاوتی تحریم ها را دور بزنند. این مبالغ هم که احتمالا بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار می شوند فعلا به شکل وام هستند و در طول زمان به بانک مرکزی مسترد خواهند شد.

به این ترتیب، به نظر می رسد مبلغی که مستقیما بلو که شده و به زودی آزاد خواهد شد همان ۲۹ میلیارد دلار است که بانک مرکزی اعلام کرده است. البته توافق برجام دسترسی به ۷۰ میلیارد دلار دیگر را هم آسان تر می کند و بنابراین ارزی که آزادانه در اختیار بانک مرکزی خواهد بود بیش از ۲۹ میلیارد دلار خواهد بود. این را هم اضافه کنیم که بانک مرکزی احتمالا دارایی های خارجی بیشتری در اختیار دارد، از جمله طلا و اسکناس دلار، که از آنها برای مدیریت بازار ارز استفاده کرده و خواهد کرد. یک نکته اساسی که در بسیاری از بحث ها راجع به دارایی های بلو که شده از قلم افتاده این است که بعید به نظر می رسد آزاد شدن آن پول ها اثر بزرگی روی میزان واردات ایران در چند سال آینده داشته باشد؛ به این دلیل که به احتمال قوی بانک مرکزی از این دارایی ها بیشتر به عنوان پشتوانه سیاست ارزی اش در ثبات بخشیدن به روند نرخ ارز استفاده خواهد کرد تا این که آنها را برای کاهش نرخ ارز و افزایش واردات هزینه کند. از نقطه نظر واردات و تولید، موضوع مهم تر از آزاد شدن دارایی های بلو که شده، کاهش هزینه صادرات و واردات است که می تواند تراز تجاری مثبت بزرگی ایجاد و زمینه رشد اقتصادی چشم گیری را فراهم کند. با اجرای سیاست های مشوق تولید، این تراز تجاری ممکن است به سادگی به ۳۰ میلیارد دلار در سال برسد و به زودی دارایی های آزاد شده را تحت الشعاع قرار بدهد.

به دنبال توافق روی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و گروه ۵+۱ بحث های زیادی درباره میزان دارایی های بلو که شده ایران و چگونگی استفاده بهینه از این منابع دامن گرفته است. در این نوشته تمرکز روی مسئله برآورد این دارایی ها و میزان اهمیت آنها در روند آینده اقتصاد ایران است. در مورد اندازه دارایی های بلو که شده ارقام متفاوتی از گوشه و کنار اعلام شده اند که به نظر متناقض می رسد. ولی قدری کندوکاو در علل این تفاوت ها نشان می دهد که احتمالا دو عامل عمده پشت چندگانگی برآوردها است. یک عامل مهم کوشش دولت و بانک مرکزی در گذشته برای مقابله با تحریم ها از طریق پنهان کردن اطلاعات در مورد دارایی های خارجی ایران و چگونگی استفاده کردن از آنها است. در نتیجه، به خاطر کمبود اطلاعات، خیلی از اظهار نظر ها بر اساس حدس و گمان اند و طبعا تفاوت هایی دارند. دومین عامل مهم مسئله تعریف دارایی بلو که شده است.

این تعریف در مورد سپرده هایی که بانک مرکزی در حساب های بانکی در کشورهای دیگر داشته و مستقیما توسط دولت های خارجی مسدود شده کاملا روشن است و بانک مرکزی مقدار این گونه سپرده ها را حدود ۲۹ میلیارد دلار اعلام کرده است. ولی سپرده های خارجی دیگری هم هستند که مستقیما بلو که نشده اند ولی استفاده از آنها محدود شده است، مثل پول هایی که توسط موسساتی در چین و روسیه نگهداری می شوند و بانک مرکزی از آنها برای بعضی پرداخت ها استفاده می کرده است، اما این کار پرهزینه بوده و بیشتر برای واردات از آن کشور ها به کار گرفته شده است. از اعداد اعلام شده چنین بر می آید که ارزش این نوع سپرده ها باید حدود ۳۵ میلیارد دلار باشد. یک مقدار از درآمدهای ارزی گذشته هم به طریقی در



مسعود نیلی

همیشه بیکاران

بخشی از جمعیت جوانان ایران برای همیشه فرصت حضور در بازار کار را از دست داده اند و این محصول دولت قبل است.



سعید لیبار

سرمایه برباد؟

سرمایه گذار خارجی بدون حضور شریک ایرانی نمی تواند در ایران موفق باشد.



محمد علی نجفی

نتایجی در راه است؟

اثرات توافق هسته ای بزودی در اقتصاد ایران نمایان می شود. حداقل دو تا سه ماه زمان نیاز است.



هادی صالحی اصفهانی

استاد دانشگاه ایلی نوی آمریکا

موضوع مهم تر از آزاد شدن دارایی های بلو که شده، کاهش هزینه صادرات و واردات است که می تواند تراز تجاری را مثبت کند

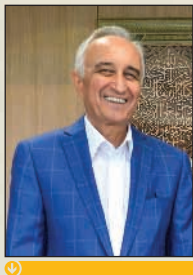


بخش خصوصی امیدوار است، دولت به سمت مداخله کمتر در فضای اقتصادی ایران پیش برود. در این شرایط احتمال رونق بیشتر اقتصادی نیز ایجاد می شود.

آمادگی ادغام با اقتصاد جهانی را نداریم

موسی غنی نژاد: دولت دلارهایش را پیش خور کرده است

مریم موسی پور



مذاکرات هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱ که منجر به توافق هسته ای وین شد، انتظارات بسیاری را در جامعه ایجاد کرده است و حالا بسیاری منتظرند که شاهد تغییر و تحولاتی بزرگ در جامعه و به خصوص در بخش اقتصادی باشند. تشدید تحریم های اقتصادی در چند سال اخیر، فشار زیادی بر بخش اقتصادی کشور وارد کرده است که متعاقب آن این فشار به مردم منتقل شد. اما حالا در شرایطی که توافق به دست آمده ولی هنوز به مرحله اجرا نرسیده است، بسیاری از فعالان اقتصادی از شرایطی که فکر می کنند رفع تحریم ها ممکن است ایجاد کند، ابراز خرسندی می کنند. همه از برنامه های اقتصادی درست و لزوم اجرایی شدن آنها سخن می گویند. در این شرایط دکتر موسی غنی نژاد بر کنترل تورم و ادامه کاهش آن از سوی دولت به عنوان اصلی ترین دستور دولت یاد هم تاکید می کند. او که عضو هیات علمی دانشگاه صنعت نفت است همچنین معتقد است که دولت باید در این شرایط به صورت جدی برای آزادسازی و بهبود فضای کسب و کار گام بردارد. این اقتصاددان لیبرال، مشکلات اقتصادی ما را ناشی از تحریم و همچنین سوءمدیریتی می داند که در دولت قبل وجود داشت و شرایط کنونی را برای ما رقم زد. غنی نژاد همچنین برخی ابراز نگرانی ها را در خصوص افزایش واردات بی رویه به کشور در اثر آزاد شدن دلارهای بلوکه شده، قابل اتکا نمی داند، چرا که می گوید: بخش بزرگی از دارایی های ایران که آزاد می شود، دارایی های بانک مرکزی بوده و متعلق به دولت نیست و دولت دلارهای خود را پیش خور کرده است؛ پس این موضوع که مقدار معتنابهی دلار به اقتصاد کشور سرار بر خواهد شد و سیل بنیان کنی ایجاد خواهد کرد، موضوعیت ندارد. مشروح گفت و گوی ماهنامه آینده نگر با وی را در زیر می خوانید.

شرایط فعلی، گام اول، کنترل تورم است و کنترل آن به انضباط مالی و پولی دولت یعنی انضباط بودجه ای دولت و انضباطی که بانک مرکزی باید در جهت کنترل حجم پول و نقدینگی و پایه پولی اعمال کند، یازمی گردد. برای بیرون آمدن از شرایط رکود فعلی نیز دولت باید به فکر آزادسازی اقتصاد کشور باشد تا سرمایه داخلی و خارجی را جذب کند.

بر اساس گفته های شما می توانیم بگوییم که در شرایط فعلی، اقتصاد کشور مان، آمادگی ادغام با اقتصاد جهانی را ندارد؟

بله، در شرایط فعلی به دلیل تورم بالا و به دلیل بالا بودن تعرفه های ما و همچنین مناسب نبودن فضای کسب و کار، توانایی لازم را برای این که آستین ها را بالا بزنیم و در عرصه جهانی وارد شویم و در این عرصه قادر به رقابت باشیم نداریم. واقعیت این است که ما در این شرایط نیستیم، پس باید برای رسیدن به آن تلاش کنیم.

لغو تحریم آزاد شدن دلارهای بلوکه شده ایران را بسیاری به معنای سرازیر شدن کالاهای وارداتی به کشور می دانند، شما تا چه اندازه با این نظر موافقت و به نظر تان در صورت صحت داشتن این موضوع، دولت چه وظیفه ای بر عهده دارد؟

سوال مهمی مطرح کردید، اما برای پاسخ دادن به این سوال باید به دو نکته توجه کنیم. اول این که درآمدهای دولت به آن صورت که تصور کنیم مقدار معتنابهی دلار به اقتصاد کشور سرار بر خواهد شد و سیل بنیان کنی ایجاد خواهد کرد، موضوعیت ندارد. به تصور من، بخش بزرگی از دارایی های ایران که قرار است آزاد شود، دارایی های بانک مرکزی بوده و متعلق به دولت نیست، به این معنا که دولت آنها را پیش خور و به ریال تبدیل کرده و ریال آن را از بانک مرکزی گرفته و هزینه کرده است. بنابراین بخش زیادی از دلارها متعلق به بانک مرکزی است، هر چند رقم دقیقی از آن ندارم. بسیاری از کارشناسان نیز مثل من فکر می کنند. پس این موضوع که دولت دستش باز است که با درآمدهای زیاد خود، برخی سیاست های اقتصادی مانند واردات بی رویه را اجرایی کند، اصلاً موضوعیت ندارد. اما با بالا رفتن تولید و صادرات نفت و بهبود شرایط اقتصادی داخلی ممکن است درآمدهای ارزی ایران یا درآمدهای نفتی دولت افزایش پیدا کند. آن وقت، موضوعی که شما به آن اشاره کردید، قابل بررسی است و برای جلوگیری از رخ دادن آن، انضباط مالی و پولی باید رعایت شود. در درجه اول برای رقابت پذیر کردن اقتصاد ملی ما، دولت و بانک مرکزی نباید اجازه دهند که

توافق هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ در وین که اجرای آن به لغو تحریم ها منجر خواهد شد، انتظار ایجاد تغییر و تحول در اقتصاد کشور را در میان مردم ایجاد کرده است، به نظر شما اصلی ترین برنامه های دولت برای استفاده از این فرصت لغو تحریم ها چه باید باشد؟

در درجه اول، اعتقاد دارم که دولت باید دستاوردهای مرتبط با کاهش تورم را با تلاش حفظ کند و حتی تورم را بیشتر از مقدار فعلی کاهش دهد؛ به این معنا که تورم ۱۵ درصدی که در حال حاضر ما گرفتار آن هستیم در سطح دنیا تورم بالایی است که باید آن را پایین بیاوریم. اجرای این سیاست برای این که بتوانیم در سطح بین المللی وارد شویم و حرفی برای گفتن داشته باشیم، بسیار مهم است چرا که اگر تورم ما نامتناسب با تورم های جهانی بالا باشد، نمی توانیم توان رقابتی مان را تقویت کنیم. پس اولین قدم آن است که دولت تمرکز خود را روی کنترل تورم حفظ کند و به صورت جدی برای پایین آوردن آن تلاش کند. مسئله بعدی که بی ارتباط با این موضوعات هم نیست، مسئله دچار بودن اقتصاد کشور مان به رکود است؛ دولت باید برای حل این مشکل و ایجاد اشتغال فضای کسب و کار و فضای عمومی اقتصاد را متناسب کند تا هم سرمایه گذاری داخلی افزایش یابد و هم سرمایه گذاری خارجی جذب شود. شرایط فعلی و توافق ایجاد شده بین ایران و کشورهای ۵+۱ به شتاب گرفتن جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی در ایران کمک می کند، پس دولت نیز باید زمینه لازم را برای این کار فراهم کند. فراهم کردن زمینه این کار نیز مستلزم امن بودن، آسان بودن و آزادی این فضا است که از این جهت ما تبه خوبی در دنیا نداریم. هنوز کشور ما گرفتار مجوزها، مقررات و موضوع قیمت گذاری است و سیطره اقتصاد دولت در کل جامعه و کل فعالیت های اقتصادی دیده می شود که این موضوع مهم ترین نقطه ضعف اقتصاد ماست. بنابراین دولت باید به صورت جدی برای آزادسازی و بهبود فضای کسب و کار گام بردارد. حالا مثل سابق، بهانه کشور های خارجی و تحریم ها وجود ندارد، هر چند که مشاهده تاثیرات رفع تحریم ها چهار تا شش ماه به طول می انجامد و به سرعت نمی توان اثر رفع تحریم را دید. به هر صورت انتظار این است که دولت در شرایط فعلی همانند وقتی که فشار تحریم ها وجود ندارد، برنامه ریزی و به صورت جدی به اجرای سیاست های آزادسازی اقتصادی که لازمه بهبود فضای کسب و کار و جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی است، کمک کند. به عقیده من، در

آزادسازی
اقتصادی از
۲۵ سال قبل
در دستور کار
قرار گرفت و
سیاست های کلی
اصل ۴۴ ابلاغ
شد که بسیار
مفید و مهم بود
اما عملاً اجرا
نشد و خصوصی
سازی های
گسترده
انجام شده
ظاهری بود



نرخ ارز از سطح معقولی پایین تر برود و اگر درآمدهای ارزی زیاد شد باید با اجرای سیاست‌های پولی از پایین آمدن نرخ ارز جلوگیری کنند. به هر میزان که نرخ برابری ارز پایین بیاید و ریال تقویت شود صادرات متضرر می‌شود و واردات افزایش می‌یابد. همچنین در شرایط فعلی باید به سمت کاهش تعرفه‌ها حرکت کنیم، بنابراین تنها چیزی که می‌تواند اقتصاد ملی ما را با توجه به تورم داخلی از رقابت خارج کند سیاست‌های ارزی و نرخ ارز است و دولت و بانک مرکزی باید در این خصوص حساس باشند و نرخ ارز را درست تنظیم کنند. در حقیقت آنها باید از گذشته درس بگیرند و پول ملی را به گونه‌ای تقویت نکنند که باعث کاهش صادرات و افزایش واردات شود.

توان کارشناسان اقتصادی کشور را برای مشاوره دادن به دولت در چه اندازه‌ای می‌دانید؟ برخی معتقدند که استفاده از کارشناسان مجرب خارجی می‌تواند برای استفاده از این فرصت مفید باشد، به عقیده شما این موضوع می‌تواند صحیح باشد؟

اگر دوران قدیم بود و تعداد تحصیل کرده‌های ما و کسانی که از دانشگاه‌های معتبر دنیا فارغ‌التحصیل شدند محدود بود، باید این کار را می‌کردیم. اما در شرایط فعلی، من فکر نمی‌کنم که نیازی به این کار باشد. اکنون می‌شود در کنار کارشناسان داخلی از خدمات خارجی‌ها نیز استفاده کرد. این کار راهم دولت و هم بخش خصوصی می‌توانند انجام دهند. بخش خصوصی البته منعی برای این کار ندارد و بر حسب منافع و تشخیص خود می‌تواند از مشاوران خارجی استفاده کند، اما این موضوع به عنوان یک ضرورت مطرح نیست، چرا که ما به اندازه کافی کارشناس و تحصیل کرده و فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های معتبر در کشور داریم. حتی ایرانی‌های مقیم در خارج از کشور نیز سطح کارشناسی بالایی دارند و می‌توانیم از آنها هم استفاده کنیم. به هر حال ما در شرایط فعلی نیاز مبرمی به استفاده از کارشناسان خارجی همانند ۶۰ یا ۷۰ سال قبل، نداریم. البته من باز تکرار می‌کنم منعی در این کار نمی‌بینم که چه دولت و چه بخش خصوصی در صورت احساس نیاز از مشاوران خارجی نیز استفاده کنند.

یکی از سوالاتی که در ابتدای اعلام خبر هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ برای بسیاری ایجاد شد، واکنش بازارهای مختلف بر خلاف انتظارات بود. شما واکنش‌های بازارها به اعلام این خبر را چگونه ارزیابی می‌کنید، آیا ممکن است دولت در جهت‌دهی به این واکنش‌ها نقشی داشته باشد؟

فکر نمی‌کنم که دولت در یک بازه زمانی کوتاه، کاری کرده باشد. فکر می‌کنم که این اتفاق خودبه‌خود افتاد و علت آن نیز به این موضوع برمی‌گردد که انتظار پایین آمدن نرخ ارز و انتظارات مثبت در خصوص بورس، در روزهای آخر مذاکرات به اوج خود رسید. تصور بازار این بود که توافق با احتمال ۹۰ درصد انجام می‌شود، بنابراین بازار قبل از توافق، رفتار خود را با انتظارات تنظیم کرده بود. با قطعی شدن توافق به دلیل این که قبلاً تأثیر آن در بازار رخ داده بود و آنچه که پیش‌بینی می‌کردند انجام شده بود، بازارها به حالت عادی و نرمال خود بازگشتند. با توجه به رکود داخلی موجود در کشور ما به نظر من عکس‌العمل بازارها نرمال و طبیعی بود اما من فکر نمی‌کنم این موضوع ادامه یابد. نرخ ارز کمی بالا رفت اما نمی‌توان انتظار داشت که دوباره نرخ ارز بالا برود بلکه در همان وضعیتی که از قبل بود و در یک وضعیت تعادلی باقی خواهد ماند. بازار بورس هم قبلاً بیش از اندازه بالا رفته بود به این معنا که خوش‌بینی‌ها بسیار زیاد بود اما حالا در حال وفق دادن خود با واقعیت‌هاست. پس بازار بورس هم به وضعیت نرمال خود باز خواهد گشت و بیش از اندازه بالا نخواهد رفت.

آیا می‌توان این طور تصور کرد که از آنجا که هنوز تحریم‌ها برداشته نشده، دلاری وارد کشور نشده و هیچ اتفاقی که صورت عملی لغو تحریم‌ها باشد نیفتاده است، بازارها نیز واکنش مورد انتظار را نداشته‌اند و با لغو عملی تحریم‌ها باید منتظر واکنش بازارها بود؟

بله، ممکن است در آن مرحله با توجه به پیش‌بینی‌هایی که انجام شده است در این بازارها تغییری رخ دهد، اما آنجا هم تغییر شدید و به صورت تلاطم بازار نخواهد بود. تولیدکننده‌ها و فعالان اقتصادی ما به خوبی می‌دانند که

در وضعیت فعلی در چه شرایطی هستیم و به کدام جهت می‌رویم بنابراین اتفاقی که بر اساس آن انتظار داشته باشیم که شوکی به بازار وارد شود، رخ نمی‌دهد. این موضوع یعنی بازگشت به وضعیت نرمال نیز بسیار خوب است چرا که ادامه دادن وضعیت نرمال به نفع اقتصاد ایران است تا دچار نوسان و تلاطم‌های شدید نشود.

رفع تحریم‌ها را تا چه اندازه بر حل مشکلات اقتصادی کشور، تأثیر گذار می‌دانید و به نظر شما به جز تحریم، چه موضوعی موجب ایجاد این همه مشکلات در اقتصاد کشور شده است؟

درصد دقیق تأثیر گذاری تحریم‌ها را نمی‌توان تعیین کرد و برای آن عدد و رقم ارائه داد. در حقیقت نمی‌توان گفت دقیقاً چقدر از مشکلات اقتصادی ما به تحریم و چه مقدار از آن به سوءمدیریتی که قبلاً وجود داشت، بازمی‌گردد. در هر صورت هر دو مشکلات اقتصادی به وجود می‌آید. یعنی اگر تحریم اتفاق نمی‌افتاد باز اقتصاد ما دچار مشکل می‌شد. سوءمدیریتی که قبلاً وجود داشت با پایین آمدن درآمدهای نفتی که ارتباطی هم با تحریم نداشت و مسئله بازارهای جهانی بود باز به وجود می‌آمد و ما باز هم امروز مشکلات اقتصادی داشتیم. اما تحریم نیز مقداری این مشکلات را تشدید کرد. حالا مشکل تحریم در حال حرکت به سمت حل شدن است به این معنا که ما به احتمال زیاد دیگر در فشار تحریم قرار نخواهیم داشت و در بخش‌هایی مانند حوزه نفت، نظام مالی و انتقال پول و غیره نیز مشکلی برایمان به وجود نمی‌آید. بنابراین ما اکنون باید به مدیریت اقتصاد داخلی توجه کنیم. مشکل ما در هشت سال دولت‌های نهم و دهم بیشتر از همه به سیاست‌های نادرستی که دولت در پیش گرفته بود، بازمی‌گردد. سیاست‌های انبساطی مالی و پولی بسیار شدید که با اتکاب به درآمدهای نفتی زیاد در پیش گرفته شده بود، معضل بزرگی برای اقتصاد ملی ایجاد کرد. تولید داخلی را در شرایطی که ظرفیت ارزی ما خیلی بالا بود، به شدت تحت تأثیر قرار داد و به آن ضربه زد. یعنی با واردات زیاد با نرخ ارز پایین، دولت نهم و دهم کمر اقتصاد ملی را شکستند. حالا ما باید در جهت معکوس آن حرکت کنیم. اما جهت معکوس این نیست که سیاست‌های تعرفه‌ای اجرا کنیم و تعرفه را بالا ببریم، چرا که اگر در این زمینه در جهت آنچه در دنیا اتفاق می‌افتد، حرکت نکنیم وارد شدن ما به سازمان تجارت جهانی با مشکل مواجه می‌شود؛ یعنی باید فکر کنیم که دیر یا زود ما باید به عضویت این سازمان در بیاییم و در آنجا باید سیاست‌های تجاری خود را اصلاح کنیم و نظام تعرفه‌ای خود را نیز کاهش دهیم. بنابراین سیاست‌های حمایت از تولیدات داخلی، نباید سیاست محدود کردن واردات از طریق افزایش تعرفه‌ها باشد، بلکه باید از طریق واقعی کردن و اصلاح سیاست‌های ارزی این کار را انجام دهیم. ما باید سیاست‌های ارزی خود را درست و آن را تعدیل کنیم.

یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی در کشور ما تأثیر پذیری اقتصاد از سیاست است و تا این مشکل بر طرف نشود، به نظر نمی‌رسد که بتوانیم منتظر تغییر و تحولی شگرف در اداره اقتصاد کشور باشیم. به نظر شما رفتار دولت در دوران پساتحریم برای جدا کردن اقتصاد از سیاست، چگونه باید باشد؟

بله، همان‌طور که اشاره شد اقتصاد ما به شدت سیاست‌زده است و این موضوع چیزی نیست که دولتمردان و مسئولان آن را ندانند. آقای روحانی رئیس‌جمهوری به صراحت به این مسئله اشاره کرده است که اقتصاد همیشه در ایران به سیاست یارانه داده است در حالی که باید برعکس آن اتفاق بیفتد، یعنی به جای این که اقتصاد وسیله‌ای و ابزاری در اختیار سیاستمداران برای پیش بردن شعارها و سیاست‌زدگی خودشان باشد، سیاست باید زمینه‌های لازم را برای پیشرفت و توسعه اقتصاد فراهم کند. همه ما امیدواریم که دولت فعلی، دولت کارشناسان و متخصصان باشد و اقتصاد را قربانی اهداف سیاسی به ویژه شعارهای آرمانی بی‌پایه و سیاسی نکند. دولت این موضوع را قبول دارد و باید مراقبت باشد که قولی را که داده است، اجرایی کند. در دولت‌های نهم و دهم همه چیز در اختیار خدمت به شعارهای سیاسی بود و برای شعارهای عوام‌فریبانه و پوپولیستی دولت یارانه نقدی و پول توزیع می‌شد. دولت یازدهم این سیستم را قبول ندارد و معتقد نیست که برای کسب محبوبیت باید به سیاست‌های عوام‌گرانه

درصد دقیق
تأثیر گذاری
تحریم‌ها را
نمی‌توان تعیین
کرد و برای آن
عدد و رقم ارائه
داد. در حقیقت
نمی‌توان گفت
دقیقاً چقدر
از مشکلات
اقتصادی ما به
تحریم و چه
مقدار از آن به
سوءمدیریتی که
قبلاً وجود داشت،
بازمی‌گردد



دولت همه جا حاضر است و در حوزه اقتصاد نیز ورود می کند. دولت نه تنها حاضر است بلکه خود را قادر مطلق می داند.

موضوع و همچنین نگاه مردم به جایگاه دولت در اقتصاد داشته باشیم. از اوایل دهه ۵۰ دولت تصویری از جایگاه خود در جامعه پیدا کرد و آن این است که دولت خود را متولی زندگی عمومی، خصوصی، سیاسی و فرهنگی همه مردم می داند. دولت همه جا حاضر است و بنابر این در حوزه اقتصاد نیز ورود می کند. دولت نه تنها حاضر است بلکه خود را قادر مطلق می داند و همه کار را برای خود مجاز می شمارد. در این مورد دولت خاصی مدنظر نیست و دولت ها در کشور ما چنین تصویری از خود دارند. اما از منظر بخش خصوصی، دولت مالک منابع و توزیع کننده آن است. این نگاه از یک منظر درست است، اما از منظر دیگر، بخش خصوصی دولت را سیاست گذار اقتصادی به عنوان تنظیم کننده رژیم تجاری، تعیین کننده نظام پولی و مالی و مواردی از این دست می داند. اما تصور مردم از دولت، همان تصویری است که دولت از خود دارد. مردم دولت را متولی رفاه خود می دانند و فکر می کنند که همه چیز را دولت باید درست کند و مسئول آن دولت است. این بزرگ ترین مشکل ماست. به دلیل همین نوع از تفکر در دولت نهم و دهم ضربه سختی به اقتصاد و جامعه وارد شد، سرمایه انسانی ما از بین رفت که جبران آن هم به سادگی ممکن نیست. اما این ضربه به بستری رخ داد که زمینه برای رخداد آن فراهم بود و اگر این بستر اصلاح نشود، دوباره خطر بازگشت به همان سیاست ها وجود دارد.

یعنی شما معتقدید که نوع نگاه به جایگاه دولت در اقتصاد، تعیین کننده نحوه عملکرد آن در حوزه اقتصادی است؟ برای برطرف کردن آن چه باید کرد؟

به طور حتم این طور است؛ همه باید بدانند که مواردی مانند آموزش، بهداشت عمومی و فراهم کردن زیرساخت ها و امنیت داخلی و خارجی وظیفه اصلی دولت است و ورود دولت به بازارها، تصدی گری اقتصادی و ایجاد مزاحمت در جایگاه دولت نیست. در تاریخ این کشور و از زمانی که در آمد نفتی وارد اقتصاد شد، دولت، دخالت های خود را شروع کرد و خود را موظف به انجام بسیاری کارها دانست، چرا که محدودیت های مالی دولت کم شده بود و فکر کرد که حالا همه کار می تواند بکند و از آنجا بود که توقعات مردم هم بالا رفت. اما بعد از انقلاب هم این میراث بد یعنی اقتصاد دولتی به جمهوری اسلامی منتقل شد و همان طور که می بینیم ساختار دولتی اقتصاد هنوز عوض نشده و همچنان دولت همه کاره است و این تصور وجود دارد که همه مسائل را دولت باید حل کند. اما از لحاظ اجرایی، برای برطرف کردن این مشکل، دولت باید از خود شروع کند، چرا که دولت الگو است و گام اول باید توسط دولت برداشته شود و دولت باید پارادایم و تصویر خود را از خود اصلاح کند. دولت باید وظایف خود را انجام دهد و هزینه آن را نیز باید شهروندان پرداخت کنند اما در حال حاضر دولت هر کاری می کند به غیر از کاری که باید انجام دهد. و مثال اخیر آن را می توان وقوع سیل دانست که دولت نتوانست آن را به خوبی مدیریت کند. علت هم این است که دولت تخصیص منابع را به درستی انجام نمی دهد و منابع را در مکان های دیگری از جمله دادن یارانه ها هزینه می کند و واضح است که در این حالت، دولت برای مصارف درست، منابع کافی نخواهد داشت و نمی تواند هزینه کند. همچنین با وجود این که دولتمردان و مسئولان خود به این موضوع واقف اند، اما باز هم در عمل کارهایی از سوی دولت انجام می شود که قابل دفاع نیست. نمونه اخیر آن را می توان مصوبه ۳ مرداد امسال دولت با عنوان «قیمت گذاری» عنوان کرد که دارای دو بخش است و کالاها و خدماتی را مشمول قیمت گذاری کرده است در حالی که وظیفه دولت قیمت گذاری نیست و نباید اعضای هیات دولت بنشینند و مصوبه قیمت گذاری صادر کنند. اگر این دیدگاه اصلاح نشود چه توقعی از بخش خصوصی و مردم است؟ اما تغییر دیدگاه مردم از دولت نیز باید با رسانه های عمومی و مطبوعات و به خصوص رسانه های ملی انجام شود که متأسفانه تبلیغات آنها ضد اقتصادی است و طوری تبلیغ می کنند که به نظر می رسد فعالان اقتصادی خون مردم را در شیشه می کنند، در حالی که دولت حلال مشکلات است. این موارد موجب می شود که بخش خصوصی نتواند آن چنان که باید در اداره اقتصاد کشور نقش داشته باشد و برای رسیدن به جایگاهی شایسته برای بخش خصوصی این دیدگاه ها باید تغییر کند.

و پوپولیستی بپا دهد. اما کارشناسان و تحلیل گران هم باید مواظب باشند که دولت روی قولی که داده است، بایستد و از مسیری که انتخاب کرده است منحرف نشود.

آیا ممکن است در دوران پساتحریم و با ورود سرمایه های جدید به کشور همان طور که شما به آن اشاره کردید، تولید داخلی و اشتغال کشور به خطر بیفتد و خارجی ها بتوانند بازار ایران را به دست بگیرند؟

دولت نهم و دهم با افزایش درآمدهای نفتی دولت، شیر و اردات را باز کرد، نرخ ارز را پایین نگه داشت و کمر اقتصاد را شکست. اما این سیاست را دولت فعلی نباید انجام دهد و البته در کوتاه مدت هم امکان انجام این کار را ندارد. چون همان طور که اشاره کردم، درآمذاری ما تا آن حد بالا نیست که چنین توانی به دولت بدهد. اما دوباره تکرار می کنم که دولت باید از یک طرف تورم داخلی را کنترل کند که اقتصاد ایران در عرصه بین المللی رقابت پذیر باشد و از طرف دیگر نرخ ارز را در حدی تنظیم کند که صادرکننده ها متضرر نشوند و واردات به اقتصاد داخلی مالمطمه نزنند؛ به این معنا که سیاست های ارزی و انضباط مالی و پولی باید این مشکل را حل کند و نه سیاست های تعرفه ای. در این میان تولیدکننده ها نیز باید برای رقابت پذیر کردن کالاهای خود گام بردارند و همانند گذشته نباید به فکر انجام کارهای خود با یارانه دولت باشند. آنها باید این گونه بیندیشند که با رقابت پذیر شدن خود و با بالا بردن توان رقابت خود، می توانند وارد عرصه جهانی شوند یا حتی در داخل با کالاهای وارداتی رقابت کنند.

یکی از مهم ترین تغییر و تحولاتی که بسیاری از کارشناسان معتقدند باید در اقتصاد کشور رخ دهد تا اقتصاد کشور به سمت توسعه حرکت کند، استفاده از توان بخش خصوصی است. آیا دوران پساتحریم را فرصت مناسبی برای پررنگ شدن نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور می دانید؟

بخش خصوصی باید از طریق نهادهای رسمی مثل اتاق های بازرگانی، اصناف و تشکله ها که در اختیار دارد به دولت فشار بیاورد تا دولت برای آزادسازی فضای کسب و کار همکاری کند و مزاحمت های دولت و اجرای سیاست هایی مانند دخالت در قیمت گذاری از سوی دولت نیز کاهش یابد تا این بخش بتواند در فضای مناسبی سرمایه گذاری کند و به تولید ادامه دهد و رقابت کند. بخش خصوصی منافع خود را بهتر از همه تشخیص می دهد اما منافع خود را باید در جهتی پیش ببرد که در اقتصاد دنیا حرفی برای گفتن داشته باشد. این منافع نمی تواند در میان مدت و دراز مدت متکی به حمایت های دولت و حمایت های تعرفه ای و یارانه های دولت باشد. بخش خصوصی باید بر توان رقابتی خود تکیه کند اما باید برای افزایش این توان رقابتی، مطالبات خود را به صورت صریح، روشن و جدی از دولت بخواهد و برای مناسب کردن فضای کسب و کار تمام تلاش خود را به کار گیرد.

اما یکی از مواردی که موقعیت بخش خصوصی کشور را به خطر انداخته، موضوع واگذاری های مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی بود که در عمل نه تنها سهم بخش خصوصی را افزایش نداد بلکه رقبایی به نام «خصولتی» ها را در مقابل آنها قرار داد. حال سوال اینجاست که چرا اجرای سیاست خصوصی سازی اقتصاد در کشور موفق نبوده و نیست و حالا باید چه کاری انجام داد تا بخش خصوصی بتواند جایگاه اصلی خود را در اقتصاد کشور به دست آورد؟

این را که مشکل اقتصاد کشور، دولتی بودن آن است هیچ کس انکار نمی کند. این موضوع که چرا در سیاست آزادسازی اقتصاد موفق نبوده ایم چند دلیل مهم دارد. آزادسازی اقتصادی از ۲۵ سال قبل در دستور کار قرار گرفت و سیاست های کلی اصل ۴۴ ابلاغ شد که بسیار مفید و مهم بود اما عملاً اجرا نشد و خصوصی سازی های گسترده انجام شده ظاهری بود و همان طور که گفتید، این واگذاری ها، انتقال از دولت به بخش های دیگری از دولت بود و بخش خصوصی نقش زیادی در آنها نداشت. اما برای بررسی این موضوع باید نگاهی به تعریف جایگاه دولت در اقتصاد از سه منظر نگاه دولت و سیاستمداران به این مقوله، نگاه فعالان اقتصادی و بخش خصوصی به این

دولت نهم و دهم با افزایش درآمدهای نفتی دولت، شیر و اردات را باز کرد. نرخ ارز را پایین نگه داشت و کمر اقتصاد را شکست. اما این سیاست را دولت فعلی نباید انجام دهد و البته در کوتاه مدت هم امکان انجام این کار را ندارد

دولت اجازه کاهش قیمت دلار را ندهد

گفت و گو با جعفر خیر خواهان، اقتصاددان و مشاور اتاق تهران

نازنین نیک آئین



«هیچ کشوری در وضعیت انزوا و فضای بسته اقتصادی نتوانسته و نمی تواند به پیشرفت برسد، اما رفع تحریم ها نیز شرط لازم برای شتاب گرفتن روند پیشرفت است و به تنهایی کافی نیست...» این جملات را جعفر خیر خواهان، استاد دانشگاه فردوسی مشهد عنوان می کند. او مهم ترین مشکلات اقتصاد کشور را نوع نگاه و ذهنیت مسئولان و تصمیم گیران رده بالا و فرهنگ و رفتار عامه مردم می داند؛ آنچه موجب شده است فضا برای فعالیت بخش خصوصی آن گونه که باید، فراهم نباشد. او معتقد است که توافق ایجاد شده بین ایران و کشورهای ۵+۱ و رفع تحریم ها را می توان آغازی برای تلنگر زدن بر وضعیت نامساعد اقتصادی و رفع مشکلات دیگر در نظر گرفت. مشروح گفت و گوی ما با وی را در زیر می خوانید.

باشند. پس باید دولت شفاف شود و عملکرد روشنی داشته باشد. به عنوان مثال، زمانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی داشتیم که منحل شد و بسیاری نسبت به انحلال آن انتقاد کردند، این سازمان دوباره راه اندازی شده است اما در این مدت چه کاری از پیش برده است؟ اگر قرار باشد همان کارهای گذشته را انجام دهد و برنامه های پرمطراق با اصطلاحات دهن پرکن جدیدی تولید شود که راه گشاییست و سنخیتی با مسائل جامعه ندارد و مردم هم در جریان نباشند، باز به جایی نخواهیم رسید. اگر بنا بر این است که اقتصاد کشور توسعه پیدا کند و کارهای بزرگ انجام شود، باید قدم های بزرگ و مناسب برداشته شود. دولت باید اعتمادزایی کند که لازمه آن شفافیت و اصلاح نظام اداری است. دولت باید مرتب توضیح و گزارش دهد که چه سیاست ها و برنامه های اقتصادی ای برای آینده دارد و در حال انجام چه کارهایی است و باب نقد و نظر نیز باز گذاشته شود تا فضا و محیط بهتر و امن تری برای سرمایه گذاری چه داخلی و خارجی فراهم گردد.

بر حضور مردم و به خصوص بخش خصوصی در حوزه اقتصاد تاکید کردید، به عقیده شما در شرایط کنونی بخش خصوصی ما این توان را دارد که بخش بزرگی از اقتصاد کشور را به دوش بگیرد و آن را هدایت کند؟

در مقطع فعلی پاسخ من به این پرسش منفی است. اگر هم این توان وجود داشته است در سال های قبل تضعیف شد و بسیاری از فعالان بخش خصوصی نابود شدند و از فعالیت دست شستند یا به کشورهای دیگر رفتند. به نظر می رسد در شرایط فعلی بخش خصوصی باید از نظر فکری و مسیر یابی حرکت خود پیشرفت کند و مهارت های مختلفی را برای مذاکره، شراکت و رقابت با دولت و طرف های خارجی کسب کند تا به موفقیت برسد. بخش خصوصی تاکنون متکی بر دولت بود، به طوری که طرح و پروژه های راز دولت تحویل می گرفت و آن را تحویل می داد، اما حالا باید بر خود متکی باشد و در این میان، دولت نیز باید نقش حمایت گری داشته باشد تا بخش خصوصی پیش برود. یعنی قواعد بازی را به گونه ای طراحی کند که منافع همه ذی نفعان تامین شود. دوران کنونی، دوران سختی است و مسلم است که بخش خصوصی نمی تواند به یکباره کارهای گوناگون را بر عهده بگیرد. می توان با واگذاری کارها و طرح های ساده تر و با پیچیدگی کمتر شروع کرد. بخش خصوصی می تواند در اجرای این طرح ها سهیم شود و به تدریج مشارکت خود را بیشتر کند و قرار دادهای بلندمدت تری ببندد، قرار دادهایی که برای بخش خصوصی و دولت شرایط برد - برد داشته باشد، یعنی هم بخش خصوصی سود مطمئن و خوبی ببرد و هم دولت اهداف منافع اجتماعی و خیر عمومی کشور را تامین کند.

در موارد بسیاری شاهد بوده ایم که بخش خصوصی در بخش هایی سرمایه گذاری کرده است که این سرمایه گذاری ها در رقابت با

با توجه به شرایطی جدیدی که پس از توافق ایران با کشورهای ۵+۱ به وجود آمده است که از جمله آنها رفع تحریم خواهد بود، آیا می توان انتظار داشت که به زودی شاهد تغییری مثبت در روند رشد و توسعه اقتصادی کشور باشیم؟

رفع تحریم، شرط لازم برای شتاب گرفتن روند پیشرفت است چرا که هیچ کشوری در وضعیت انزوا و فضای بسته اقتصادی نتوانسته و نمی تواند به پیشرفت برسد. می توان ادعا کرد که ما با اتکاب به تقویت نیروهای خود در داخل به پیشرفت خواهیم رسید، اما باید بدانیم که انزوا و قطع ارتباط با اقتصاد جهانی یک عامل بازدارنده اصلی در مسیر توسعه است. در نتیجه می توان گفت اگر تحریم ها بر طرف شوند، یک شرط لازم عملیاتی شده است اما اجرای آن شرط کافی برای پیشرفت نیست و نکته مهم همین است. بنابراین در صورتی می توان انتظار داشت تغییری مثبت در روند اقتصاد کشور روی دهد که در کنار رفع تحریم ها، شروط دیگری هم تحقق یابد.

پس شما اقتصاد کشور را اگر رفتار مشکلات اساسی دیگری به غیر از تحریم های دانید؟

بله، و مهم ترین این مشکلات را می توانیم نوع نگاه و ذهنیت مسئولان و تصمیم گیران رده بالا و فرهنگ و رفتار عامه مردم بدانیم. ذهنیتی که حالا خود دولتمردان هم به ناموفق بودن آن اعتراف می کنند، چرا که مشخص شده است اتکاب به دولت و اتکاب به نفت پاسخ گوی نیازهای اقتصاد کشور و توسعه آن نیست؛ اما با وجود این اعتراف، در صحنه عمل اتفاق خاصی نیفتاده و فضا برای فعالیت بخش خصوصی باز و مهیا نشده است و در عمل، دولت (دولت مرکزی، دولت استان و شهرداری ها) به خود اجازه دخالت در همه زمینه ها را می دهند، در حالی که دخالت دولت باید حساب شده و اثر بخش باشد و دولت نباید در زمینه هایی که ضرورتی ندارد مثل قیمت گذاری یا عرضه بسیاری از کالاها و خدمات دخالت کند. این تصور که دولت قدرت انجام همه کارها را دارد تصور نادرستی است، به خصوص در کشور ما که نظام اداری، ضعیف و دچار فساد است و نمی تواند کمک کار توسعه باشد. اما یکی دیگر از مشکلات اقتصاد ما این است که مردم نیز همه چیز را از دولت انتظار دارند و می خواهند و به همین دلیل، نهادهای مدنی و بخش خصوصی برای انجام کارها پیشگام نمی شوند. چنین وضعیتی موجب می شود که مردم چندان به دولت فشار نیاورند و سازمان های متولی نیز خدماتی حداقلی ارائه می کنند و پاسخ گو نیستند. تغییر ذهنیت مردم و فعال شدن بخش خصوصی می تواند یکی از راه های گریز از شرایط فعلی کشورمان به خصوص در بخش اقتصاد باشد. باید روابط اقتصادی به گونه ای باشد که دولت وابسته به بخش خصوصی و به دنبال رفع مشکلات و موانع بخش خصوصی باشد و نه عکس آن که بخش خصوصی خود را وابسته به دولت ببیند. در سال های گذشته متهم بیشتر مشکلات اقتصادی تحریم بود اما با رفع تحریم ها مسئولان باید در برابر پرسش های جدید پاسخ گو

آسیب تزریق
نسنجیده
دلارهای نفتی
به اقتصاد
همیشه بیش از
منفعت آن است.
این یک آزمون
مهم برای دولت
یازدهم است تا
در مقایسه با
دولت های قبل،
عملکرد خود را
نشان دهد



در تمام دولت های ایران، دولت ها هر پولی را که به دستشان رسید برای جلب رضایت کوتاه مدت مردم خرج می کردند

است شناسایی و در خصوص آنها اطلاع رسانی کنند تا تولید کنندگان داخلی به آن سمت بروند و معلوم شود مادر دنیا چه می کنیم و دقیقا چه جایگاهی در زنجیره ارزش جهانی داریم و قرار نباشد همه کارها را خودمان انجام دهیم. باید برخی کارها و فعالیت ها را رها کنیم و به تدریج به سمت تولید و برندسازی در کالاها و خدمات خاص پیش برویم که در تولید آنها مزیت نسبی داریم و می توانیم آنها را با هزینه مناسب تولید کنیم. این مأموریت سختی است اما اگر بخواهیم که در آینده موفق شویم باید به اجرایی کردن آن فکر کنیم.

❖ **در جریان رفع تحریم ها با موضوع آزادسازی دلارهای بلوکه شده به ایران روبه رو خواهیم شد، به عقیده شما ممکن است این آزادسازی به افزایش واردات کالاهای مصرفی منجر شود و دولت باید برای این موضوع چه راهکاری داشته باشد؟**

تجربه نشان داده است آسیب تزریق بی حساب و کتاب و نسنجیده دلارهای نفتی به اقتصاد همیشه بیش از منفعت آن بوده است. این یک آزمون مهم برای دولت یازدهم است تا در مقایسه با دولت های قبل، نحوه عملکرد خود را نشان دهد. در تمام دولت های ایران به جز دولت های هفتم و هشتم، دولت ها هر پولی را که به دستشان رسید برای جلب رضایت کوتاه مدت مردم با رزان کردن دلار، خرج کردند در حالی که در دولت هفتم و هشتم صندوق و حساب ذخیره ارزی تشکیل شد و تا حدی نیز عملکرد آن موفق بود. در شرایط کنونی، باید قیمت دلار بر اساس تورم موجود در جامعه تعیین شود که قیمت آن را به حدود چهار هزار تومان یا حتی بیشتر می رساند. برعکس تصور عامه مردم، دولت نباید اجازه دهد که دلار ارزان شود، هر چند که مقداری نارضایتی مردم را نیز به دنبال داشته باشد. دولت و بانک مرکزی باید قاطعیت به خرج دهند و نباید با پایین آوردن قیمت دلار اجازه دهند دلارها از دست بروند، بلکه باید بخش اعظم آن را با توجه به شرایط کشور و داشتن دشمنان فراوان نگه داریم. حتی باید برای یک یا دو سال فکر کنیم که چنین دلاری وجود ندارد، نه این که آن را پیش خور کنیم. وقتی از اقتصاد مقاومتی می گوئیم باید بدانیم که ضربه گیر یک اقتصاد مقاوم، ذخایر ارزی آن است. البته سرمایه گذاری در بخش هایی مانند طرح های زیربنایی و زیرساختی مانند راه آهن یا مترو یا خرید هواپیما به دلیل این که خدماتی عمومی و بلندمدت هستند یا سرمایه گذاری در کشورهای دیگر از مواردی است که می توان برای هزینه کرد این دلارها به آن اندیشید.

❖ **پس به عقیده شما دولت باید قیمت دلار را افزایش دهد؟**

به عقیده من نرخ دلار باید «شناور مدیریت شده» باشد. قیمت دلار باید در مسیری و با سرعتی حرکت کند که تورم کشور در حال حرکت است. این حرکت نیز باید شفاف باشد و همه بدانند که قرار است دلار با توجه به تورمی که در جامعه داشته ایم، در یک یا دو سال آینده تقریبا چقدر افزایش قیمت داشته باشد. با یک استدلال اقتصادی روشن، همه تکلیف خود را می دانند و اقتصاد و تولید داخلی هم ضربه نمی بینند چرا که واردات ارزان نخواهد شد.

❖ **اما با افزایش قیمت دلار، قیمت مواد اولیه مورد نیاز برای صنایع نیز افزایش خواهد داشت و ممکن است شاهد ایجاد تورمی دیگر در جامعه باشیم.**

ایجاد تورم، ارتباطی مستقیم و اساسی به افزایش نرخ دلار ندارد و نقدینگی عامل اصلی ایجاد تورم است. البته ممکن است افزایش نرخ دلار بر قیمت بعضی کالاها فشار بیاورد اما وقتی ما به فکر تولید داخلی و دل نگران آن هستیم، باید بدانیم گران شدن دلار یکی از مهم ترین راههای حمایت از آن است. با گران شدن کالاهای وارداتی، ممکن است تولید کنندگان مواد داخلی استفاده و تولید را برای خود به صرفه کند و در عین حال به فکر ایجاد یا افزایش توان صادراتی خود نیز باشد. چون با افزایش نرخ دلار، صادرات ارزنده خواهد شد. اصل اولیه اقتصاد این است که شما نمی توانید همه چیز را با هم داشته باشید. برای افزایش نرخ برخی از کالاهای اساسی و خاص مانند دارو نیز باید حمایت هایی انجام داد تا قشر محروم دچار مشکل نشوند، اما اگر بقیه کالاهای وارداتی گران شوند، ابایی نیست، چرا که ممکن است این گرانی، مشوق خرید تولیدات داخلی شود. به هر حال توافق ایجاد شده بین ایران و کشورهای ۵+۱ و رفع تحریم ها را می توان آغازی برای تلنگر زدن بر وضعیت نامساعد اقتصادی و رفع مشکلات دیگر در نظر گرفت.

بنگاه های دولتی یا نهادهایی که از حمایت های ویژه برخوردار بوده اند به نتیجه نرسید و مشکلات بسیاری را برای سرمایه گذاران ایجاد کرد. همچنین در اجرای ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی نیز شاهد آن بودیم که خصوصی سازی به نحو شایسته ای انجام نشد و همین موضوع بخش خصوصی مولد و واقعی را دلسرد کرد. آیا می توان امیدوار بود که در این دوران در روند واگذاری های اصل ۴۴ نیز شاهد تغییر و تحول مثبتی باشیم؟

به مطلب مهمی اشاره کردید. برای این که بخش خصوصی بتواند در توسعه اقتصادی کشور نقش داشته باشد، باید سهمش در اقتصاد کشور افزایش یابد. بر اساس سیاست های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی قرار بود سهم دولت از اقتصاد به تدریج کم شود و سهم بخش خصوصی افزایش یابد، اما در عمل این نهادهای شبه دولتی یا همان «خصولتی» ها بودند که سهم خود را در اقتصاد افزایش دادند و سهم لازم به بخش خصوصی نرسید. بخش خصوصی و قدرت آن در بسیاری از کشورها عامل پیشرفت اقتصاد آن کشور بوده است، اما نکته مهم این است که بخش خصوصی در صورتی می تواند موفق باشد که اصطلاحا زمین بازی آن هموار باشد. فراهم کردن این زمین بازی هموار نیز وظیفه دولت و قوه قضائیه است که بی طرفانه عمل کنند و همچنین امتیازات اقتصادی به افراد و شرکت های وابسته تعلق نگیرد. ادامه روند پیشین به معنای دادن سیگنال منفی به بخش خصوصی داخلی و خارجی و فرار سرمایه است، سرمایه ای که برای توسعه اقتصاد کشور لازم است. نباید اجازه دهیم که کشور مان بدنام شود و بخش خصوصی داخلی و خارجی از حوزه سرمایه گذاری عقب نشینی کنند. ارتباطات و وابستگی های ناسالم به توسعه اقتصاد و بخش خصوصی ضربه می زند که باید فکری به حال آن کرد و این فرآیند را اصلاح کرد.

❖ **منظور تان از زمین بازی هموار را می توان همان محیط کسب و کار مناسب دانست چرا که مادر شاخص های مرتبط با محیط کسب و کار نیز وضعیت مناسبی در جهان نداریم؟**

به نوعی می توان این موضوع را مطرح کرد چرا که محیط کسب و کار ما نامناسب است و شرکت های خاص بازرگ بسیار سریع تر می توانند برخی مراحل کار را طی کنند، در حالی که بنگاه های کوچک که به جایی وابسته نیستند باید هزینه بیشتری برای طی کردن این مراحل بپردازند، پس از گردونه رقابت عقب می مانند یا خارج می شوند. اما جدای از این موضوع، فساد در ساختارهای کشور است که زمین بازی را برای بخش خصوصی ناهموار می کند. برخی با داشتن ارتباطات خاص، زمین بازی را برای خود هموار می کنند و مابقی عقب می مانند.

❖ **برخی معتقدند که با افزایش سرمایه گذاری های خارجی و ورود سرمایه گذاران خارجی به کشور ممکن است تولید و اشتغال داخلی تهدید شود، آیا با این موضوع موافقت می کنید؟**

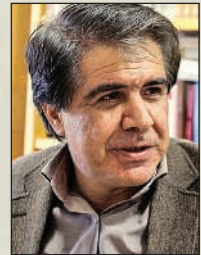
این احتمال هست که برخی به درستی چنین نگرانی هایی داشته باشند. فرآیندی در اقتصاد داریم که در اصطلاح به آن «تخریب خلاق» می گویند؛ یعنی در اقتصاد هر کشوری با گذشت زمان بخشی از فعالیت ها و مشاغل باید از بین برود و به جای آن مشاغل جدیدتری ایجاد شود که بیشتر به نفع اقتصاد است و مزیت بیشتری در آن وجود دارد؛ این موضوع اصلا بد نیست. باید توجه کنیم که اقتصاد ما تاکنون اقتصادی بسته و البته وابسته به نفت بوده است و ما بدون توجه به مزیت واقعی هر چه را که می خواستیم با دلار ارزان وارد می کردیم یا در هر حوزه ای و هر منطقه ای از کشور که اراده و فشار سیاسی تعیین می کرد بدون سنجیدن مزیت هایمان، تولید می کردیم. در حقیقت اقتصاد بسته و نفتی مادر بخش هایی وارد شد که واقعا مزیت نسبی نداشتیم. حالا ممکن است با ورود سرمایه گذار خارجی و تصمیم گیری بهتر از جانب آنها برخی از فعالیت های بدون مزیت از گردونه خارج شوند. این دوران گذار، دورانی سخت محسوب می شود؛ این که بازندگان رضایت دهند و ببینند که در چه مشاغل دیگری باید وارد شوند، فرآیند سختی است. این موضوع ممکن است بهانه دست بازندگان بدهد که جامعه را ملتهب کند که سرمایه گذاری خارجی آمد و تولید و اشتغال را از بین برد. در این مرحله دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت باید بتوانند فعالیت هایی را که به نفع اقتصاد کشور

یکی از مشکلات اقتصاد ما این است که مردم همه چیز را از دولت انتظار دارند و می خواهند و به همین دلیل، نهادهای مدنی و بخش خصوصی برای انجام کارها پیشگام نمی شوند. چنین وضعیتی موجب می شود که مردم چندان به دولت فشار نیاورند

درگیر «ناکارایی سازمانی» شدید هستیم

گفتوگو با علی دینی تر کمانی درباره مشکلات اقتصادی کشور

احمد میر خدائی



هنوز فراز و نشیب چندساله مذاکرات به پایان نرسیده بود که گمانه‌زنی‌ها و اظهارنظرهای کارشناسی و غیر کارشناسی درباره میزان تاثیر لغو تحریم‌ها بر اقتصاد آغاز شد. عده‌ای دوران پسا توافق و لغو تحریم را روزگار «گل و بلبل» اقتصاد ایران عنوان می‌کردند و عده‌ای، البته با استناد به آنچه در ساختار اقتصادی و حاکمیتی کشور وجود دارد، بر درصدهای تاثیر پنج تا ۳۰ درصدی لغو تحریم بر اقتصاد ایران تاکید داشتند. روزگاری ایران با تحریم‌های سرسختانه این سال‌ها مواجه نبود و به توسعه اقتصادی مورد انتظار نیز نرسید، اما در دوران تحریم با تشدید وضعیت انحصار گونه و توام با رانت گسترده‌ای مواجه شد که بی‌سابقه بود. می‌توان این تصور را که لغو تحریم نمی‌تواند بر اقتصاد کشور تاثیر داشته باشد به چالش کشید اما این که واقعا لغو تحریم چه خواهد کرد و چه اتفاق تازه‌ای در اقتصاد ایران خواهد افتاد، بی‌شک منوط به سیاستی است که دولتمردان و فعالان اقتصادی داخلی اتخاذ می‌کنند. ابتدا باید جور چین اقتصاد ایران درست شود، به این معنا که دولت ناظری قدرتمند و عادل و فعالیت بخش خصوصی در راستای منافع ملی باشد و در این میان انحصار و رانت نیز برچیده شود و به عبارتی ابتدا سلامت اقتصاد برگردد و سپس برای بالندگی آن برنامه‌ریزی شود. در این میان دکتر علی دینی، استاد یار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی معتقد است که به طور حتم، رفع تحریم‌ها کمک می‌کند تا اقتصاد کشور در موقعیت رکود تورمی کم‌شدتی در مقایسه با سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ قرار بگیرد؛ با وجود این، مشکل ساختاری رکود تورمی و همین‌طور مشکلاتی مانند وابستگی بیش از اندازه به درآمد‌های ارزی نفتی همچنان باقی خواهد ماند مگر آن که عوامل اساسی به وجود آورنده آن رفع شود. وی معتقد است که اقتصاد ما مانند فردی است که غذا زیاد می‌خورد اما به دلیل مشکل متابولیسمی، نحیف و لاغر می‌ماند. به گفته دینی، ظرفیت جذب اقتصاد را در دوران پسان تحریم باید افزایش داد. گفت‌وگوی مشروح آینده‌نگر با او را در زیر می‌خوانید.

نیازمند تغییر و تحولات ساختاری دیگری است که ارتباطی با تحریم‌های اقتصادی کشور ندارد؟

به طور حتم، رفع تحریم‌ها کمک می‌کند تا اقتصاد در موقعیت رکود تورمی کم‌شدتی در مقایسه با سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ قرار بگیرد؛ با وجود این، مشکل ساختاری رکود تورمی و همین‌طور مشکلاتی مانند وابستگی بیش از اندازه به درآمد‌های ارزی نفتی همچنان باقی خواهد ماند مگر آن که عوامل اساسی به وجود آورنده آن رفع شود. این عوامل اساسی از منظر رویکرد ساختاری- نهادی من عبارت از تودرتویی نهادی و ناهماهنگی سیاستی است که موجب افزایش ناکارایی سازمانی و کاهش ظرفیت جذب می‌شود. ظرفیت جذب اقتصاد ما همیشه در سطح پایینی بوده است. اقتصاد ما مانند فردی است که غذا زیاد می‌خورد، اما به دلیل مشکل متابولیسمی، نحیف و لاغر می‌ماند. در حقیقت، منابع تزریقی می‌شود اما این منابع تبدیل به تولیدات کارخانه‌ای پیشرفته، به ظرفیت‌های تولیدی مولد در حداقل زمان و با کیفیت مناسب نمی‌شود. بنابراین، هم‌زمان دو اتفاق رخ می‌دهد. از سویی، تزریق منابع در قالب پروژه‌های سرمایه‌گذاری ناتمام یا تمام‌شده با بهره‌وری پایین موجب افزایش تقاضای کل می‌شود بدون آن عرضه کل چندان تغییری کند. در نتیجه، شکاف میان عرضه و تقاضای کل، بیشتر و فشارهای تورمی تشدید می‌شود. در سوی دیگر، رشد آهسته و کند اقتصادی که متأثر از فرآیند انباشت سرمایه ضعیف است، موجب می‌شود که هم‌میزان بیکاری در سطح بسیار بالایی باشد و هم‌میزان تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه نصف آن چیزی باشد که با توجه به توانمندی‌های اقتصادی کشور و موقعیت تاریخی که ما و اقتصادهای همسایه مانند ترکیه در آن قرار داریم، به راحتی قابل تحقق است. تولید ناخالص داخلی ترکیه حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار و تولید ناخالص ما کمتر از ۶۰۰ میلیارد دلار است. توانمندی‌ها و امکانات اقتصاد ما اگر بیشتر از ترکیه نباشد، قطعاً کمتر نیست. از این منظر بر نکته مهمی باید تاکید

هم‌زمان با انجام توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ و امکان رفع تحریم‌ها با اجرایی شدن آن، بسیاری منتظرند که شاهد تحولات اقتصادی در کشور باشند، به نظر شما آیا چنین انتظاری صحیح است و اگر هست، شروع آن را از کدام بخش شاهد خواهیم بود و در حقیقت تاثیرگذاری رفع تحریم‌ها در کدام بخش اقتصادی زودتر نمود پیدا خواهد کرد؟

تردیدی نیست که بخش قابل توجهی از بی‌ثباتی در بازار ارز و به وجود آمدن دور افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات و همین‌طور دور افزایش نرخ ارز و نیاز بیشتر به نقدینگی ریالی در بنگاه‌ها، ریشه در تحریم‌ها و تشدید انتظارات روانی تورمی دارد. طبیعی است با رفع تحریم‌ها، این انتظارات تعدیل شود، تقاضای سفته‌بازانه‌ای که برای ارز و طلا وجود دارد کاهش پیدا کند و ضریب تمرکز نقدینگی در این بازارها نیز کمتر شود. این به معنای کاهش فشارهای تورمی از محل انتظارات است. در عین حال، با رفع تحریم شبکه بانکی، امکان گشایش ارزی فراهم می‌شود که هم موجب کاهش تقاضای واقعی برای ارز می‌شود و هم به بنگاه‌ها کمک می‌کند که با میزان نقدینگی کمتری نیازهای وارداتی خود را تامین کنند. این به معنای تامین سریع‌تر واردات و سرعت گرفتن چرخ تولید است. علاوه بر این با افزایش صادرات نفت، امکان افزایش درآمدهای ارزی نفتی و تامین نیازهای ارزی پروژه‌های سرمایه‌گذاری و به حرکت درآوردن آنها و مواردی از این دست وجود دارد. اگر بخشی نگاه کنیم، بخش نفت و گاز که بیشترین کاهش ارزش افزوده را طی سه سال گذشته داشته است، رشد بیشتری خواهد داشت. همچنین این توافق در بخش صنعت، بر رشته فعالیت‌هایی که دارای ارزش افزوده بالا هستند مانند خط‌های تولید اتومبیل‌های لوکس کارخانه‌های خودروسازی تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت.

آیا رفع تحریم‌ها می‌تواند کمبودها و عقب‌ماندگی‌های اقتصادی کشور را جبران کند یا توسعه اقتصادی کشور

درآمدهای ارزی مشکل موسوم به «شکاف ارزی» را رفع می‌کند. یعنی نیازهای ارزی پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تامین و از این طریق به پیشبرد فرآیند انباشت سرمایه کمک می‌کند. اما رسیدن به این اهداف، شرطی دارد که همانا استفاده صحیح از این درآمد‌هاست



شوک ناشی از تحریم‌ها بیشتر موجب کاهش میزان تولید و ارزش افزوده رشته فعالیت‌هایی شد که ارزش‌بری بالایی داشتند

چنین رشدی، موجب رشد بخش مالی و بازار بورس نیز می‌شود. به این صورت دور فزاینده میان رشد بخش واقعی اقتصاد و بخش مالی به وجود می‌آید.

طبیعی است که دو یا سه سالی طول می‌کشد تا میزان تولید ناخالص داخلی به سطح سال ۱۳۹۰ برسد. ما در دو سال ۹۱ و ۹۲ در مجموع ۹ درصد رشد منفی داشتیم. اگر در سال ۹۳ رشد به میزان دو تا سه درصد مثبت بوده و در سال جاری نیز به همین صورت باشد، سال بعد نیز باید ۳ درصد رشد مثبت وجود داشته باشد تا در سال ۱۳۹۶ به سطح تولید سال ۱۳۹۰ بازگردیم. خب رفع تحریم‌ها و افزایش دوباره صادرات نفت و گاز و تامین نیازهای وارداتی بنگاه‌های تولیدی از سویی و گردش بیشتر نقدینگی در اقتصاد از سوی دیگر، موجب وقوع چنین اتفاقی می‌تواند بشود.

به عقیده شما دولت باید تا چه اندازه از مشاوران و کارشناسان اقتصادی نخبه برای ایجاد تحول در بخش اقتصادی کشور استفاده کند؟ آیا فکر نمی‌کنید که در برخی زمینه‌ها و بخش‌های اقتصادی باید از مشاوران خارجی بهره برد؟

ما درگیر «ناکارایی سازمانی» شدید هستیم. راهکار اساسی آن رفع مشکل اساسی «تودرتویی نهادی» است و تا زمانی که این ناکارایی بالاست سرمایه خارجی و مدیران خارجی نیز نمی‌توانند چندان اثرگذار باشند. ما دچار وضعی شده‌ایم که نام آن را «تودرتویی نهادی» گذاشته‌ام. نهاد در نهاد، دستگاه در دستگاه. هنگامی که یک نهاد در عرض نهاد قبلی تاسیس می‌شود، میزان ناهماهنگی و تنش‌های سازمانی و همین‌طور موازی کاری و اتلاف منابع و انرژی به شدت افزایش پیدا می‌کند. در بحث مربوط به برنامه‌ریزی اتفاقی که می‌افتد این است که از نظر نهادی مجموعه اجزای نظام برنامه‌ریزی نمی‌توانند با یکدیگر هماهنگ و سازگار باشند. این وضع چند پیامد منفی مهم دارد: میزان تنش‌های سازمانی و موازی کاری افزایش می‌یابد و امکان پیشبرد پروژه‌هایی که مستلزم اقدام جمعی هماهنگ است کمتر می‌شود؛ میزان مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و شفافیت در سطح پایینی قرار می‌گیرد و امکان دور زدن قوانین و مقررات و درگیر شدن در فساد بیشتر می‌شود؛ بی‌ثباتی ساختاری سازمانی (ادغام‌ها، تفکیک‌ها، انحلال‌ها و تاسیس‌ها) هم شدید و موجب تغییرات پی‌درپی رویه‌ها و قوانین و مقررات و چارچوب‌های سازمانی و بدتر شدن فضای کسب و کار می‌شود. در تحلیل نهایی، این پیامدها از «شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی» و شکست برنامه‌ریزی می‌آورد. برای مثال، در بازار پول تعداد زیادی موسسه مالی وجود دارد که تحت پوشش بانک مرکزی نیستند. این شرایط اجازه نمی‌دهد که بازار پول سامان درستی پیدا کند. در بخش صنعت، بیست درصد از ارزش افزوده صنعتی در اختیار بنگاه‌های تحت پوشش نهادهای مختلف است. این شرایط اجازه نمی‌دهد که وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی اصلی بخش صنعت، سیاست صنعتی و تجاری مناسبی را اتخاذ کند. در بخش مالیاتی، از سویی مالیات مدرن را داریم و از سوی دیگر مالیات اسلامی را. عربستان سعودی نظام مالیاتی را یک کاسه کرده است و نظام مالیاتی ما هنوز دوگانه است. این دوگانگی اجازه نمی‌دهد که نظام بودجه‌ریزی درستی شکل بگیرد. از این گذشته، موجب دولت در دولت شدن نظام مدیریتی کشور و شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی می‌شود. از زاویه‌های دیگر، بی‌ثباتی ساختارهای سازمانی که همراه با ورود و خروج شدید نیروهای بیرونی در مقام مدیر است به معنای عدم کادرسازی مدیریتی و عدم شکل‌گیری منحنی یادگیری سازمانی است. یعنی تجربه‌ها و بنگاه‌ها و سازمان‌ها انباشت

کنم. شاخص رکود معمولاً میزان بیکاری یا افت تولید ناخالص داخلی طی دو سال متوالی است. به نظر من، رکود را باید بر مبنای شکاف تاریخی که میان اقتصادهای با شرایط کم و بیش یکسان وجود دارد نیز سنجید. معنی این سخن این است که اگر ما میزان بیکاری را به ۵ درصد کاهش دهیم ولی بهره‌وری به دلیل ظرفیت جذب ضعیف در سطح پایین باشد، در این صورت میزان تولید ناخالص داخلی تفاوت قابل توجهی با اقتصادی مانند ترکیه به عنوان مبنای مقایسه خواهد داشت. بنابراین ظرفیت جذب اقتصادمان را باید افزایش دهیم.

ظرفیت جذبی را که به آن اشاره کردید، چگونه می‌توان ارتقا داد؟

ظرفیت جذب تحت تأثیر نظام نهادی و حکمرانی است. در نظامی که تخصص و شایسته‌سالاری و ضابطه‌مندی مولفه‌های عرفی و رسمی آن محسوب می‌شوند، علم و دانش به صورت یک نهاد درمی‌آید. حکمرانی قوی با تامین شرایط مناسب برای انباشت در سرمایه انسانی، ارتقای مهارت‌های مدیریتی و مدیریت سرمایه خارجی و انتقال فناوری، زمینه‌ساز ارتقای ظرفیت جذب می‌شود. وقتی از این زوایا، نظام حکمرانی و نهادی خوب عمل کند، زمینه برای یادگیری فناورانه و افزایش بهره‌وری سرمایه و در تحلیل نهایی همپایی فناورانه با قدرت‌های اقتصادی پیشرو فراهم‌تر می‌شود. ارتقای یادگیری و همپایی فناورانه به نوبه خود موجب ارتقای ظرفیت جذب می‌شود و به این صورت دور فزاینده‌ای میان این دو شکل می‌گیرد. هر ارتقایی موجب ارتقای دیگری می‌شود. ماحصل این دور فزاینده چیزی نیست جز رشد و توسعه اقتصادی متوازن و درون‌زا با میوه‌های شیرین کنترل تورم و رکود و متنوع‌سازی صادراتی. در این میان، سیاست‌های قیمتی از جمله کاهش ارزش پول ملی و تعدیل قیمت حامل‌های انرژی و سود بانکی می‌توانند در جایی که لازم است در ارتقای بهره‌وری سرمایه و همپایی فناورانه اثرگذار باشند.

در جریان تحریم‌های اقتصادی، کدام بخش از اقتصاد کشور بیشتر متضرر شد و حالا با رفع آن فکر می‌کنید چقدر طول بکشد تا وضعیت آن به شرایط قبل از تحریم‌ها بازگردد؟

شوگ ناشی از تحریم‌ها بیشتر موجب کاهش میزان تولید و ارزش افزوده رشته فعالیت‌هایی شد که ارزش‌بری بالایی داشتند، مانند خط‌های تولید اتومبیل‌های لوکس بنگاه‌های خودروسازی. به همین صورت با نصف شدن صادرات نفت، ارزش افزوده بخش نفت و گاز نیز تقریباً نصف شد. این کاهش‌ها موجب کاهش ارزش افزوده در رشته فعالیت‌های دیگر شد و کل اقتصاد را به رکود عمیق فرو برد. لغو تحریم‌ها انتظارات تورمی و فشارهای تورمی را کنترل می‌کند. همچنین در بخش واقعی اقتصاد و در طرف عرضه، موجب افزایش تولید می‌شود. این افزایش که به صورت پر شدن ظرفیت‌های خالی بنگاه‌های تولیدی و سپس ایجاد ظرفیت‌های جدید، بازتاب پیدا می‌کند به معنای افزایش تدریجی اشتغال و سطح درآمد سرانه است. در طرف تقاضا، فرض افزایش درآمد و بازتاب آن به صورت افزایش مصرف به معنای تحریک تقاضا و رونق گرفتن بازارهاست. در عین حال، با افزایش تقاضای کل، یعنی سرمایه‌گذاری، تقاضا برای محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای بنگاه‌های تولیدی بالادستی افزایش پیدا می‌کند و این نیز موجب رونق می‌شود. برای مثال، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش مسکن، موجب افزایش تقاضا برای محصولات صنایع سیمان و فولاد و غیره می‌شود. پس در تحلیل نهایی انتظاری که می‌رود این است که رشد تولید در بخشی مانند نفت و گاز یا رشد سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دولتی موجب رشد زنجیره‌ای بخش‌ها و رشته فعالیت‌های دیگر شود.

مادرگیر «ناکارایی سازمانی» شدید هستیم. راهکار اساسی آن رفع مشکل اساسی است و تا زمانی که این ناکارایی بالاست سرمایه خارجی و مدیران خارجی نمی‌توانند چندان اثرگذار باشند. مادچار وضعی شده‌ایم که نام آن را «تودرتویی نهادی» گذاشته‌ام

نمی‌شود تا به دانش ضمنی و نهفته درون‌سازمانی تبدیل شود و از این محل کارایی را افزایش دهد. اینها بخشی از مشکلات «تودرتویی نهادی» ماست و همان‌طور که گفتیم تا زمانی که این ناکارایی بالاست سرمایه خارجی و مدیران خارجی نیز نمی‌توانند چندان اثرگذار باشند.

❖ بسیاری معتقدند ورود دلارهای بلوکه‌شده به کشور ممکن است موجب افزایش واردات به کشور شود و ورود کالاهای مصرفی را تشدید و تولید و اشتغال در کشور را تهدید کند، شما در این مورد چگونه فکر می‌کنید؟ و به نظر شما با دلارهای آزاد شده باید چه کرد؟

درآمدهای ارزی نفتی مشکل موسوم به «شکاف ارزی» را رفع می‌کند. یعنی نیازهای ارزی پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تامین و از این طریق به پیشبرد فرآیند انباشت سرمایه کمک می‌کند. اما رسیدن به این اهداف، شرطی دارد که همانا استفاده صحیح از این درآمدها است. این درآمدها که به روایت بانک مرکزی ۲۹ میلیارد دلار است و با ذخایر ارزی بانک مرکزی تفاوت دارد، باید صرف تامین نیازهای وارداتی بنگاه‌هایی شود که افزایش تولیدشان تاثیر زنجیره‌ای قوی‌تری بر اقتصاد دارد. بخشی نیز باید صرف تامین نیازهای ارزی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بشود. درحقیقت دولت باید نحوه خرج کردن این دلارها را مدیریت کند تا به واردات بی‌رویه منجر نشود.

❖ نظرتان در مورد تعیین قیمت دلار و چگونگی برخورد دولت با این موضوع چیست؟ به عقیده شما منطقی‌ترین تصمیم در این مورد چیست، قیمت ارز ثابت شود یا نرخ آن به صورت شناور تعیین شود؟

اگر شرایط بر همین منوال باقی بماند، بازار ارز از تب و تاب خواهد افتاد و مانند دهه ۱۳۸۰ خواهد بود. معنی این سخن این است که احتمالا نرخ دلار به طور متوسط حدود ۳۲۰۰ تا ۳۳۰۰ تومان برای دو یا سه سال آینده، تثبیت خواهد شد. بانک مرکزی احتمالا، نرخ ارز رسمی ۲۸۵۰ تومان را به تدریج افزایش خواهد داد و بعد از دو، سه سال به این نرخ خواهد رساند. با توجه به فروکش کردن فشارهای تورمی ناشی از انتظارات، احتمال این که بازار آزاد ارز نیز واکنش قابل توجه به این سیاست بانک مرکزی نشان دهد، کم است. البته، این به معنای شناور کردن نرخ ارز نیست. در هر حال، بانک مرکزی از طریق نرخ ارز رسمی که اعلام می‌کند به عنوان لنگرگاه بازار آزاد ارز عمل خواهد کرد و در اعلام این نرخ، طبعاً ملاحظات لازم را هم برای به هم نخوردن این بازار خواهد داشت.

❖ توافقی ژنو فرصتی برای جذب سرمایه‌های خارجی به کشور محسوب می‌شود، چه مواردی را برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور لازم می‌دانید؟

سرمایه ملی، دولت توسعه‌خواه و سرمایه جهانی سه راس مختلف و لازم‌المتلث توسعه را تشکیل می‌دهند. سرمایه جهانی برای انتقال دانش علمی و فنی جاری در مرزهای پیشروی جهانی و پیشبرد فرآیند توسعه لازم است. اما چنین انتقالی به شرط مهیا بودن زمینه و بستر سرمایه ملی امکان‌پذیر است. در اصل، سرمایه ملی حکم زمینی را دارد که بذر سرمایه جهانی بدون وجود آن، امکان رویش در اقتصاد ملی را پیدا نمی‌کند. در نبود سرمایه و تولید ملی قوی نه تنها امکانی برای انتقال و جذب و نهادینه‌سازی دانش پیشرفته در دسترس سرمایه خارجی وجود ندارد، بلکه تمامی منافع ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی به کشور مادر منتقل می‌شود. در عین حال، پرورش و کارآمدسازی سرمایه ملی تابعی از دولت توسعه‌خواه و کارآمد است. هرچه دولت از این منظر قوی‌تر باشد، هم امکان بیشتری برای ظهور و پرورش سرمایه ملی فراهم می‌شود و هم با تامین شرایط

نهادی و قانونی مناسب زمینه بیشتری برای انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک مبتنی بر منافع ملی میان سرمایه ملی و سرمایه خارجی و در نتیجه انتقال فناوری پیشرفته فراهم می‌شود.

❖ تحلیل شما از وضعیت بازارهای مختلف مانند طلا، ارز، بورس و مسکن در شرایط رفع تحریم‌ها چیست؟

بازار ارز به احتمال زیاد دچار افت خواهد شد. بخشی از نقدینگی که طی سال‌های ۱۳۹۰ به سوی این بازار حرکت کرد دوباره به سوی بازارهای دیگر حرکت خواهد کرد. بازار طلا، در مقایسه با بازار ارز می‌تواند جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری داشته باشد چرا که تغییرات قیمت آن تحت تاثیر نرخ دلار و قیمت جهانی طلاست. اگر نرخ دلار تثبیت شود، نوسان نرخ جهانی طلا می‌تواند به سرمایه‌گذاران انگیزه بدهد تا در این بازار سرمایه‌گذاری سفته‌بازانه داشته باشند. مسکن به گمان من یکی از بازارهایی است که آن بخش بازگشتی از بازار ارز و طلا را به سوی خود جذب خواهد کرد. معمولاً دست کم ۳۰ درصد از معاملات مسکن مربوط به تقاضای سفته‌بازانه است. سرمایه‌گذاران می‌خرند تا با سودی بفرشند. این ۳۰ درصد در چند سال گذشته افت کرده بود که الان احتمال فعال شدن دوباره وجود دارد. بنابراین، با این توضیح احتمال افزایش قیمت مسکن در ماه‌های آینده وجود دارد.

❖ نقش بخش خصوصی را در استفاده از این فرصت چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر تان برای استفاده از توان بخش خصوصی چه ساختارهایی باید تغییر کند و اصلاً به عقیده شما بخش خصوصی کشور توان ایفای نقش در اقتصاد در این دوره را دارد و می‌تواند نقش موثری داشته باشد؟

طبیعی است وقتی اقتصاد به مرحله خروج از رکود وارد می‌شود، بخش خصوصی چه در عرصه صادرات و چه در عرصه تولید برای بازارهای داخلی منتفع می‌شود. اگر بخواهیم وجه مشخصه اساسی بخش خصوصی را بر مبنای ترکیب سرمایه‌گذاری آن توضیح دهیم می‌توانیم بگوییم بخش خصوصی ما بیشتر از نوع تجاری - مستغلاتی است. تجارت باید در خدمت اقتصاد باشد نه آن که بر آن سیطره داشته باشد. تجارت، در اصل، به معنای ایجاد روزه‌ای در بازارهای جهانی برای استفاده مازاد تولید در داخل و البته واردات متناسب با آن است. تجارت در ایران، عمدتاً به معنای واردات نابرابر با صادرات است. سرمایه‌گذاری در مستغلات نیز حد بهینه‌ای دارد. وقتی از این حد بهینه بالاتر برود، موجب انباشت سرمایه بیش از اندازه در مستغلات و در نتیجه افزایش حبابی قیمت ملک می‌شود. این موضوع، دو تاثیر منفی دارد. اول این که، بخش مستغلات را تبدیل به موتور مکنده سرمایه می‌کند و با ایجاد حباب قیمتی، اقتصاد را در معرض بحران قرار می‌دهد. دوم این که موجب کاهش نرخ ارز واقعی و در نتیجه تضعیف تولید مبادله‌ای و صادرات صنعتی و کشاورزی می‌شود، چرا که یکی از شاخص‌های نرخ ارز واقعی نسبت قیمت کالاهای قابل مبادله به قیمت مستغلات به عنوان کالایی غیرقابل مبادله است. البته باید گفت که ناتوانی نظام حکمرانی ما و ساخت اقتصاد سیاسی ما علت اصلی چنین مشکلاتی است. بنابراین، از چارچوب نظری بنده، نقطه عزم اولیه برای شکل دادن به مثلث توسعه سرمایه ملی قوی و کارآمد، دولت قوی و کارآمد و سرمایه خارجی اثرگذار، اصلاحات نهادی معطوف به کارآمدسازی دولت است. اگر دولت سیاست صنعتی مشخصی داشته و توانایی پیشبرد آن را هم داشته باشد، امکان تغییر بافت سرمایه خصوصی نیز به تدریج فراهم و نقش درست آن در اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود.

رفع تحریم‌ها
کمک می‌کند
تا اقتصاد در
موقعیت رکود
تورمی کم‌شدتی
در مقایسه
با سال‌های
۱۳۹۱ و ۱۳۹۲
قرار بگیرد؛
با وجود این،
مشکل ساختاری
رکود تورمی
و همین‌طور
مشکلاتی مانند
وابستگی بیش
از اندازه به
درآمدهای نفتی
باقی خواهد ماند



بازار ارز به احتمال زیاد دچار افت خواهد شد. بخشی از نقدینگی دوباره به سوی بازارهای دیگر حرکت خواهد کرد

دوران انتقال با ما چه می کند؟

عبور از گردنه سخت اقتصادی



فرهاد نیلی
نماینده ایران در بانک جهانی

جامعه جهانی نشان دهیم به تعهدات پایبند هستیم. حاکمیت نیز باید همه بازیگران را رصد کند تا نسبت به قوانین تمکین کنند، چراکه همه ما سوار بر یک کشتی هستیم. و اما در این میان، مهم ترین بحث آن است که ما باید به دنبال حوزه منافع اقتصادی در ویران مرزها باشیم. حوزه منافع اقتصادی ما باید از حوزه منافع جغرافیایی مان به تدریج فاصله بگیرد و فراتر از مرزها به دنبال منافع اقتصادی خود باشیم.

در داخل کشور نیز باید تغییر انتظارات را دنبال کنیم، مشکل ما آزاد شدن چندده میلیارد دلار پول بلوکه شده نیست. در زمانی که کشورهای صادرکننده نفت ذخایر ارزی چندصد میلیارد دلاری به وجود آوردند، ما هزینه کردیم. این پول ها باید تبدیل به سرمایه شوند نه این که به فکر خرج کردن آن باشیم. در این میان اعتدال و رعایت آن نیز موضوع مهمی است.

ما نباید شتاب زده حوزه های منافع ملی را واگذار کنیم و هم نباید فرصت ها را از دست بدهیم، چراکه بعد از این همه شوک و هشت سال مضیقه های شدید، جی دی پی ما بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار است، که برای هر کسی جذاب خواهد بود، ما باید با احتیاط گام برداریم. وضعیت ما وضعیت نامتقارنی است، سرعت تخریب و سرعت بازسازی در زمان کنونی برابر نیست؛ به سرعت تخریب شد و به تدریج بازسازی می شود. باید از تجارب موفق و ناموفق کشورهای مختلف به خصوص تجارب کشورهای اروپای شرقی درس بگیریم و استفاده کنیم. در حال حاضر کشور در حال تجربه کردن شرایط جدید است؛ بنابراین باید بهترین تصمیم ها را بگیریم و نباید شرایط گذشته را تجربه کنیم.

همچنین باید توجه کنیم که قصد ما منابع یا ساختارهای تخصیص منابع است؟ تا زمانی که ساختار تخصیص منابع را در کشور اصلاح نکردیم، شاید عجله برای تزریق منابع، به صلاح نباشد. در شرایط فعلی هم منابع اقتصادی ما بسیار کم است که شاید در چند دهه اقتصاد کلان کشور این وضعیت کمتر سابقه داشته است، به طوری که تقاضا بسیار بیشتر از امکان عرضه است. اما تنها ورود منابع مهم نیست چراکه ساختار ما برای هزینه کردن این منابع بسیار ضعیف است. این ساختار بازنده ها را برای تجهیز منابع انتخاب می کند که باید آن را مد نظر قرار دهیم و به اصلاح این ساختار نیز بیندیشیم.

آنچه که امروز شاهد آن هستیم برآیندی از تحریم و سوءتدبیر است و همه چیز را نمی توان به تحریم یا سوءتدبیر نسبت داد. اما تحریم موجب تشدید سوءتدبیرها شد چون برخی چیزهایی را که در منطق بین الملل مجاز نبود، مجاز دانست و ما دچار این وضعیت شدیم. به نظر می رسد که نگاه را باید عوض کرد و امیدواریم بتوانیم بازیگران خوبی برای دوران جدید باشیم و منافع ملی را در حوزه اقتصاد بتوانیم حداکثر کنیم.

طبع چیزی نوبه نو خواهد همی / چیز نو نوراهرو خواهد همی
سر نو خواهی که تا خندان شود / سر دو گوش سرشنو خواهد همی

شرایط فعلی کشور نتیجه دوران طولانی صبری و استقامت سیاستمداران کشور بود که به نقطه عطفی رسیدیم که در این نقطه، حاکمیت کشور برای مصالح کشور اجماع کرده است و طرفین مذاکره به منطلق مصالحه توجه کرده اند؛ براساس این منطق امتیازی داده و گرفته شده است.

نکته مهم این موضوع این است که توان اقتصادی کشور در این مذاکرات به عنوان مهم ترین مؤلفه امنیت ملی کشور شناسایی شد، بنابراین قدم بزرگی برداشته شد تا تعریف جدیدی در نقش و توان اقتصادی در امنیت ملی تهیه و تدوین شود. شرایط فعلی را می توان شرایط دوران انتقال نامید چراکه ما در حال گذر از انزوای نسبی در طول دوران تحریم به سمت عضویت دوباره در جامعه جهانی هستیم. در این دوران علایمی که به طرف مقابل منتقل و علایمی که دریافت می کنیم باید علایم دوران انتقال باشد. در دوران انتقال که شاید بشود شرایط آن را شرایط تعادل دانست، طرفین به تعهدات خود پایبندی مشروط دارند. پایبند هستند چون منفعت دارند و مشروط است چون پایبندی آنها به پایبندی طرف مقابل مشروط است. اگر هر دو طرف شرایط را شرایط برد-برد در نظر بگیرند و منفعت پایبندی بیش از هزینه های منفعت عدم پایبندی باشد، صرف نظر از منطق و تضامن حقوقی آن، این توافق پایدار خواهد بود. به نظر من بحث تغییر گفتمان مهم ترین بعد توافق بود که شاید باید بیشتر به آن توجه کنیم. در دوران انتقال کشور باید پارادایم های جدیدی برای خود انتخاب کند. پارادایم غالب ما در دوره قبل دور زدن تحریم ها بود و پارادایم جدید پایبندی به تعهدات است؛ منطق این دو با هم متفاوت است چراکه ریسک دور زدن بسیار بالاست و وزیر خارجه به نمایندگی از همه مردم ایران مواردی را متعهد شده است، بنابراین در حال حاضر، دور زدن تحریم دیگر منطق ندارد.

همچنین ما باید از پنهان کاری به سمت شفافیت حرکت کنیم و در عین حال از بیگانگی با قوانین بین المللی باید به سمت یادگیری و پایبندی به آنها حرکت کنیم، چراکه دیر یا زود این مقررات برای ما الزام آور می شود؛ بنابراین باید آنها را یاد بگیریم و به آنها پایبند باشیم. همچنین در دوره جدید، باید ارائه حداکثری اطلاعات از وضع کشور داشته باشیم و مقررات داخل کشور را برای هر کسی که می خواهد در کشور مان، حوزه منافع خود را تعریف کند تشریح کنیم و باید و نبادهای کشور را به او ارائه دهیم و از همه مهم تر این که باید سیاست هایمان را توضیح دهیم.

در این شرایط ما باید مدیریت قاعده مند و پیش بینی پذیر داشته باشیم. هیچ کس دوست ندارد غافلگیر شود و ما نیز طبیعتاً نمی خواهیم در جامعه جهانی، کشوری غافلگیرکننده باشیم. یکی از اقتضائات دوران جدید، تغییر گفتمان است اما به غیر از آن، باید آداب گفت و گو را یاد بگیریم؛ البته می دانیم اما مدتی است تمرین نکرده ایم و باید دوباره تمرین را آغاز کنیم و این چند سالی را که با آن بیگانه شده بودیم باید جبران کنیم. باید با سازمان های بین المللی دوطرفه کار کنیم و تعهدات متقابل ایجاد و به تعهدات خود عمل کنیم و باید به

مشکل آزاد شدن
چندده میلیارد
دلار پول
بلوکه شده
نیست. در زمانی
که کشورهای
صادرکننده نفت
ذخایر ارزی
چندصد میلیارد
دلاری به وجود
آوردند، ما هزینه
کردیم. این پول ها
باید تبدیل به
سرمایه شوند
نه این که به فکر
خرج کردن آن
باشیم

ضعف نظام مالی، ما را تضعیف کرد

کاری که بخش خصوصی می‌تواند انجام دهد شکفت‌انگیز است



محمد طبیبیان
اقتصاددان

و قضایی ما پشتیبان عقد و اعمال و قراردادها به صورت کم‌هزینه باشد. برای مثال چرا بدهکار بانکی باید در زندان باشد، اگر فردی بدهکار است باید اعلام ورشکستگی کند و قانون ورشکستگی اجرا شود، بنابراین چرا باید در زندان باشد. این اشکالاتی است که موجب می‌شود که ما بخش مالی نداشته و از این نقطه آسیب‌پذیر باشیم. اگر از این تجربه درس نگیریم، باز هم به سرمان می‌آید.

نکته بعدی این است که حالا از نظر تحریم‌ها ما وارد مرحله‌ای شده‌ایم و در توافق‌نامه ایران با کشورهای ۵+۱ از جاهایی مفری ایجاد شده است، اصل موضوع هم برداشتن تحریم‌های اعمال شده مرتبط با بخش هسته‌ای در دولت‌های نهم و دهم است، اما تحریم‌های قبلی همچنان برقرار خواهد بود. اما در این متن مفرهایی باز شده است. به نتیجه رسیدن این موافقت‌نامه احتیاج به مقدار زیادی فعالیت دیپلماتیک و حقوقی و لابی‌گری دارد، در غیر این صورت روی کاغذ باقی خواهد ماند، چرا که بسیاری از پیچیدگی‌ها باید از طریق مجاری حقوقی و به صورت مورد به مورد حل شود.

بسیاری از گرفتاری‌های ما مربوط به تحریم‌های اخیر نیست بلکه مرتبط با قانونی است به نام «قانون وطن‌خواهی» که این قانون علیه ما اعمال شده است و با برداشتن تحریم‌های هسته‌ای همچنان برقرار است. اما ما نیز باید از راه مفرهای موجود در توافق‌نامه اقدام کنیم و باید سیستم دیپلماتیک ما تقویت شود و لابی پیدا کنیم. طریق آن آمریکا سرزمین مهاجران است و حجم سهام ارتباط مستقیمی با حجم لابی دارد و ما باید بتوانیم در این سرزمین، لابی بخریم؛ در عین حال ما در میان فعالیت دو لابی یهودی که یکی علیه توافق‌نامه و یکی موافق با آن فعالیت می‌کند، هیچ نقشی نداریم، در حالی که اگر این جنبه از موضوع پیش نرود، این توافق به مراحل اجرایی که ثمری از آن بینیم نمی‌رسد. ما باید لابی‌هایی داشته باشیم تا مسائل و مشکلات ایران را تک به تک پیگیری و گره‌ها را برطرف کند. می‌توان گفت با شرایط موجود، تازه در مشکلات تازه باز شده است.

اما در حال حاضر در کشور، نه تنها اقتصاد دولتی بلکه اقتصاد «دودولتی» داریم و هر دولتی سعی دارد اموال دولت دیگر را بگیرد، در حالی که کشور به این صورت، اداره نمی‌شود. فعالان بخش خصوصی قوی هستند و توانایی سرپا کردن اقتصاد را دارند، به شرط این که فضا را باز کنیم. مارکس می‌گوید کاری که بخش خصوصی می‌تواند انجام دهد شکفت‌انگیز است به شرط این که اجازه کار کردن به این بخش داده شود. اگر شرایط ایجاد شود، سرمایه از سوی بخش خصوصی ایجاد خواهد شد و شاهد حضور استعدادهای و کارآفرینان در این بخش خواهیم بود و این بخش می‌تواند کار را بر عهده بگیرد. اما حالا این فضا نیست و باید یک روزی برگردیم و تغییر دهیم مسائلی را که در تمام دنیا غلط بودن آن به اثبات رسیده است. پس دولت باید ببیند چه عواملی سبب بروز مشکلات کنونی شده و برای رفع آن سیاست‌گذاری کند.

قدمت و سابقه قیمت‌گذاری به چهار هزار سال پیش از سوی حمورابی بازمی‌گردد و همه تجربه‌ها در این زمینه به شکست انجامیده است و تجربه این مورد در کشور ما در این مورد نیز شکست خورده است اما معلوم نیست که چرا باز از انجام این نوع سیاست‌ها دست برنمی‌داریم. در موضوع تحریم‌ها و برداشته شدن آن باید به یک نکته توجه کرد؛ این که در دوران تحریم جدید، حادثه‌ای که رخ داد و با تحریم‌های ایران نیز در ارتباط بود، «تسلیمات شدن مالی» بود؛ به معنای این که در این دوره، آمریکا سیستم مالی خود و برتری خود در این زمینه را به تسلیمات تبدیل کرد. باید بدانیم که دیگر بحث حمله نظامی، هواپیما و کشتی جنگی کنار رفته است و فاینانس به یک اسلحه بسیار قدرتمند تبدیل شده است که در مورد ما تجربه شد و پس از ما در حال تجربه شدن روی روسیه است. در بحث «تسلیمات کردن مالی» چند وجه وجود دارد: یکی این که آمریکا از طریق اتاق‌های پایاپایی که در نیویورک معاملات جهانی و به خصوص معاملاتی را که با دلار انجام می‌شود کنترل می‌کنند، می‌تواند اتفاق‌هایی را که باید بیفتد یا نباید بیفتد بررسی کند که با همین روش، به‌طور بسیار مؤثری توانست تحریم را علیه ایران اجرا کند و از راه همین تحریم‌ها هزینه‌های زیادی به اقتصاد تحمیل کرد. همچنین آمریکا پلیسی کردن سیستم مالی را به بانک‌ها واگذار کرده است، به این معنا که اهلیت مشتری را بانک‌های عامل در اروپا و هر جای دیگر برعهده دارند و این سیستم انفورماتیک که در دنیای امروز ایجاد شده است، موجب شد آمریکا به راحتی بتواند تخلف‌هایی را که در حوزه تحریم ایران انجام می‌شد را پیگیری کند. عامل دیگر فراسرزمینی کردن قوانین آمریکا بود که موجب شد آمریکا قوانین داخلی خود را به طور مؤثر به سرزمین‌های دیگر گسترش دهد.

بنابراین ما در مقطعی قرار داریم که اعمال «تسلیمات شدن مالی» علیه ایران به کار گرفته شد و ضعف نظام مالی و محدودیت آن در برد جهانی، ما را در برابر کار آمریکا و کشورهای اروپایی آسیب‌پذیر کرد. محدود شدن ما برای استفاده از پول آنها و خرید و فروش با آنها اقتصاد ایران را به گل نشاند، این موضوع تجربه بزرگی برای آموختن ماست و نکته کلیدی آن نیز نظام مالی ماست.

امروز نظام مالی دنیا به معنی قرارداد است و عمق بخشیدن به یک نظام مالی یعنی این که مردم و فعالان اقتصادی بتوانند با هم وارد قرارداد شوند و این که یک نظام بتواند این قراردادها را ایجاد و حفظ کند. اما این قراردادها هزینه مبادله دارند. هزینه مبادله هزینه دلالتی و حمل و نقل نیست بلکه هزینه مبادله از نظر اقتصادی هزینه عقد و هزینه اعمال قرارداد است. به نظر من در برنامه ششم ارتقای بخش قضایی و حقوقی و قانونی کشور باید مدنظر قرار گیرد. این است که ما ضعف داریم و نمی‌توانیم یک سیستم مالی اجرایی کنیم.

موفقیت در این زمینه در گرو این است که نظام حقوقی

در کشور، نه تنها اقتصاد دولتی بلکه اقتصاد «دودولتی» داریم و هر دولتی سعی دارد اموال دولت دیگر را بگیرد، در حالی که کشور به این صورت، اداره نمی‌شود. فعالان بخش خصوصی توانایی سرپا کردن اقتصاد را دارند، به شرط این که فضا را باز کنیم



سرمایه‌گذاری‌های پس از تحریم، نیازمند هوشیاری است. این که سرمایه‌گذاری‌ها در چه حوزه‌ای و براساس چه سیاستی انجام شود

هوشیاری، نیاز سرمایه‌گذاری‌های پس از تحریم

اولویت‌های سرمایه‌گذاری مشخص شود



حسین راغفر
اقتصاددان

برای این مسئله تنها وجود زمینه و ظرفیت برای سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای امن کافی نیست بلکه باید مطابق با برنامه توسعه صنعتی کشور، مشخص کنیم که سرمایه‌گذاران به کدام بخش وارد شوند تا منافع توسعه‌ای کشور تامین شود. بر این اساس روند جذب و تشویق سرمایه‌گذار خارجی باید به گونه‌ای باشد که در پروژه‌های نیازمند به تکنولوژی روز سرمایه‌گذاری کنند تا از این راه فناوری و تکنولوژی روز به کشور وارد و برای بازسازی و توسعه صنایع به کار گرفته شود.

سرمایه‌گذاری‌های پس از تحریم، نیازمند هوشیاری است. این که سرمایه‌گذاری‌ها در چه حوزه‌ای و براساس چه سیاستی انجام شود می‌تواند دستاوردها و تبعات دوگانه‌ای برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. چنانچه در طرح‌های خام‌فروشی و صرفاً مونتاژ کالا باشد، به تولید داخل ضربات مهلکی خواهد زد، اما اگر همسو با سند راهبردی توسعه صنعتی و اقتصادی کشور انجام شود، می‌توان به توسعه اقتصادی امیدوار بود.

یکی دیگر از موارد نیازمند هوشیاری و مدیریت در این مقطع زمانی، فعالیت شبه‌خصوصی‌ها در ظاهر بخش خصوصی است. استفاده شبه‌خصوصی‌ها از قدرت و نفوذ برای مصادره جایگاه بخش خصوصی، به چپاول جامعه خواهد انجامید و جلوگیری از این رخداد از مسئولیت‌های خطیر دولت است که باید با همکاری سایر ارگان‌ها انجام شود. برای جلوگیری از رخداد این وضعیت نابسامان و رفع انحصار قدرت و ثروت، به حرکت جمعی نظام و اراده سیاسی فراتر از دولت نیاز است. در غیر این صورت، فضای به‌وجودآمده به گونه‌ای می‌شود که بخش خصوصی امکان فعالیت اقتصادی عمده و موثر را نخواهد داشت.

همه این مسائل به این بستگی دارد که دولت تا چه اندازه سیاست‌های فعالی در این زمینه اتخاذ کرده باشد. متأسفانه تاکنون برنامه روشنی از سوی دولت مشاهده نشده و این خطر تشدید می‌شود که فرصت تاریخی به‌وجودآمده، مورد سوءاستفاده انحصارطلب‌های داخلی قرار گیرد و بعدها به عاملی علیه دولت تبدیل شود. این که ما چگونه از این فرصت‌ها، به نفع رشد صنعتی کشور استفاده کنیم مسئله‌ای کلیدی و حیاتی است و باید در این مورد و برای استفاده از این فرصت‌ها برنامه مناسبی داشته باشیم. نکته قابل توجه این است که رفع تحریم‌ها به تنهایی کافی نیست ولی رفع تحریم‌ها می‌تواند به گشایش جدی در اقتصاد کشور منجر شود. طبیعتاً کاستی‌ها و نقایص ساختاری و نهادی گذشته، گماکان وجود دارد و باید اصلاح شود، اما این اصلاحات قطعاً یک شبه اتفاق نمی‌افتد و انتظار برای رخ دادن آن در بازه زمانی کوتاه‌مدت نیز غیرمنطقی است؛ اما می‌تواند زمینه‌ای برای گشایش فرصت‌های جدید باشد و به اصلاحات بعدی اقتصاد کشور، اعم از نهادی و ساختاری، کمک کند.

متولی استفاده از این فرصت تاریخی، فراتر از دولت است. دولت باید برنامه‌های خود را بنویسد و طراحی کند و کل حاکمیت مسئول بهره‌گیری از این فرصت تاریخی است و چنانچه از این فرصت استفاده مناسبی نشود، نسل‌های آینده، نسل کنونی را هرگز نخواهند بخشید. مسئولیت اصلی با دولت است که این برنامه را تنظیم کند و بستری برای بهره‌برداری مناسب با همکاری دیگر قوای نظام مهیا کند.

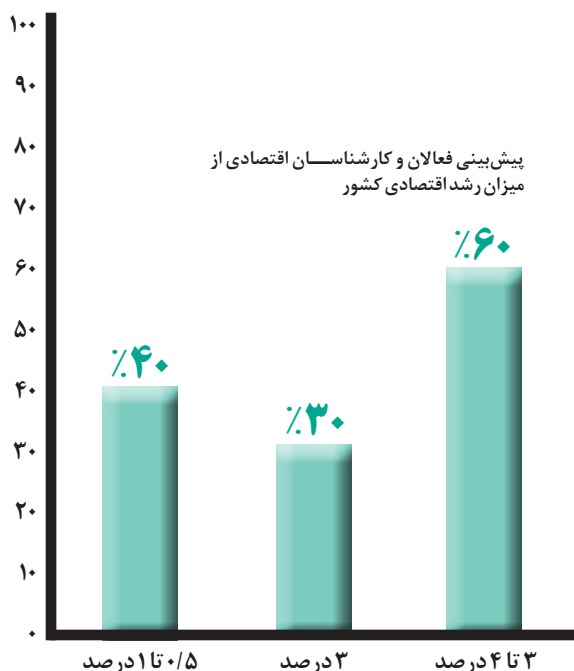
نظرات و انتظارات گوناگونی در مورد آثار رفع تحریم‌ها بر اقتصاد ایران وجود دارد و در این میان برخی انتظار دارند یا اظهار می‌کنند که باید پس از رفع تحریم‌ها، بلافاصله مشکلات اقتصادی کشور برطرف شود. فارغ از درست یا غلط بودن این نظرات و انتظارات، مسئله اول این است که نفس رفع برخی از محدودیت‌ها، مانند سوئیفت و ازسرگیری فعالیت‌های مالی و بین بانکی در فضای بین‌المللی، اثرات مثبت آنی در کاهش هزینه معاملاتی بنگاه‌های اقتصادی دارد و همچنین این مسئله در فعالیت‌های تجاری نیز قطعاً هزینه‌ها را کاهش خواهد داد و انتظار داریم این مسئله با کاهش قیمت‌ها نشان داده شود.

مسئله دوم این است که تاکنون به دلیل نبود ارتباط مستقیم با خارج و عدم حضور دفتر نمایندگی بنگاه‌های خارجی در کشور، بسیاری و حتی می‌شود گفت همه کالاهای مورد نیاز کشور با واسطه خریداری می‌شد. این امر به تاسیس هزاران شرکت ایرانی در دوی انجامید و کالاهای به صورت واسطه‌ای، از طریق این شرکت‌ها، به ایران وارد شد؛ از این رو به دلیل عدم حضور در بازار به صورت مستقیم و نبود دسترسی به مبدأ اولیه کالا، هزینه‌ها افزایش پیدا می‌کرد. این مسئله با رفع تحریم‌ها و آزاد شدن دسترسی ایران به بازارهای بین‌المللی، عامل دیگری است که با کاستن از هزینه‌ها باعث کاهش قیمت‌ها خواهد شد. بنابراین با کاهش قیمت‌ها از این ناحیه، باید به سرعت شاهد بهبود وضعیت مصرف‌کننده در کشور باشیم. گرچه عده‌ای می‌گویند این نکته را مخفی کنند اما این یک انتظار منطقی و مشروع است. به نظر من در اقتصاد پساتحریم، آثار روشن این دو نکته باید به‌خوبی خود را در کاهش قیمت‌ها نشان دهد.

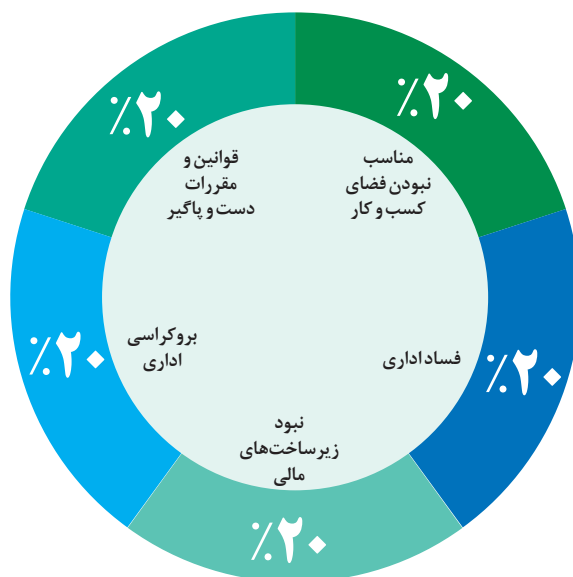
اما دستاوردهای توافقی با منافع انحصارطلبانه و شبه‌انحصارهایی که در سال‌های طولانی گذشته در کشور شکل گرفته‌اند، همخوانی و همسویی ندارد. دوی و قطر، که جزیره‌هایی مهجور و عقب‌افتاده بودند، در پناه تحریم‌هایی که علیه ایران انجام شد و به واسطه تاسیس هزاران بنگاه واسطه‌گر ایرانی، به آبادی و وضعیت فعلی رسیدند. در پناه تحریم‌ها، بزرگ‌ترین بازار منطقه‌ای از طریق آنها تغذیه می‌شد و از این مسیر، سالیانه میلیاردها دلار سود به جیب شیخ‌نشین‌ها رفت و صدها هزار میلیارد تومان نیز به جیب واسطه‌گرهایی سرازیر شد که برخی امروز نیز با توافقی مخالف هستند.

اما با حضور مستقیم شرکت‌های خارجی که می‌توانند در داخل کشور نیز مستقر شوند و حذف واسطه‌گری، هزینه‌ها کاهش خواهد یافت و انحصار و شبه‌انحصارها کم خواهد شد. ضمناً ظرفیت‌های بزرگی در کشور برای سرمایه‌گذاری با هدف صادرات، خصوصاً در صنایعی که اشتغال‌زا هستند، به وجود می‌آید. ایران با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی و همین‌طور به دلیل داشتن امنیت بالا و نیروی انسانی جوان و دانش‌آموخته، بهترین کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی است و می‌تواند کالاهای را در این کشور تولید و در منطقه توزیع کنند. ایجاد صنایع خودروسازی در ایران، می‌تواند برای بسیاری از شرکت‌های صاحب‌نام دنیا، ظرفیت بزرگی را برای تولید منطقه‌ای ایجاد کند، به گونه‌ای که ایران به هاب صنعتی منطقه تبدیل شود و محصولات مورد نیاز برای یک بازار حدود ۳۵۰ میلیون نفری را تولید و صادر کند. البته

این که سرمایه‌گذاری‌ها در چه حوزه‌ای و براساس چه سیاستی انجام شود می‌تواند دستاوردها و تبعات دوگانه‌ای برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. در طرح‌های خام‌فروشی و صرفاً مونتاژ کالا، به تولید داخل ضربات مهلکی خواهد زد



فعالان بخش خصوصی پاسخ می‌دهند
چرا صنایع ایران توسعه پیدا نمی‌کنند؟



اقتصادی چشم‌انتظار تعامل با جهان

اقتصاد دولتی بزرگترین مانع توسعه اقتصادی است

سمیرا قزوینی

و مهدی یازوکی، احمد حاتمی یزد و سید بهاء‌الدین حسینی‌هاشمی از اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی کشور را جویا شدیم. ۴۰ درصد این صاحب‌نظران، رشد اقتصادی سال ۹۴ را بین ۱ تا ۳ درصد و ۳۰ درصد از این کارشناسان رشد اقتصادی ۳ درصد را تخمین زدند. در ارتباط با سال ۹۵ نیز، ۶۰ درصد از کارشناسان، با رشد اقتصادی ۳ تا ۴ درصد موافق بودند. این صاحب‌نظران بر این باورند که رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی که در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده است، دور از ذهن نیست، اما وابسته به عواملی از جمله بهبود تعامل با دنیا و اعتمادسازی، بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و فضای کسب و کار و ثبات اقتصادی است. این کارشناسان، اعتقاد دارند که اقتصاد دولتی حاکم بر ایران بزرگ‌ترین مانع برای توسعه اقتصادی است. در همین راستا ۲۰ درصد از کارشناسان، قوانین و مقررات دست و پاگیر، ۲۰ درصد بروکراسی اداری، ۲۰ درصد فساد اداری و اقتصادی، ۲۰ درصد مناسب نبودن فضای کسب و کار و ۲۰ درصد نبود زیرساخت‌های مالی را به عنوان موانع دیگر رشد اقتصادی عنوان کردند.



شرایط کنونی ایران، شرایط رکود تورمی است و تحریم‌ها همواره به عنوان یکی از موانع رشد اقتصادی ایران شناخته می‌شود. توافق هسته‌ای در نیمه‌راه تصویب در مجالس دو کشور ایران و آمریکا، افق جدیدی را در تعاملات ایران با کشورهای غربی ایجاد کرده است. این که برقراری روابط با کشورهای غربی و برداشته شدن تحریم‌ها، چقدر می‌تواند منجر به گشایش اقتصادی شود، نیاز به زمان بیشتری دارد. از طرفی موانع پیش روی تولید در کشور، از جمله نبود زیرساخت‌های لازم، مانع رسیدن به رشد اقتصادی قابل توجه است. سیاست‌های غلط دولت‌های قبل نیز راه را برای توسعه اقتصادی ناهموار کرده است. در چنین شرایطی این سوال مطرح است که آیا در سال‌های پیش رو، به رشد اقتصادی دست می‌یابیم یا خیر و چه عواملی در رسیدن به رشد اقتصادی قابل توجه، دخیل هستند. در این خصوص نظر چند تن از کارشناسان از جمله سید بهادر احرامیان، رضی حاجی آقامیری، احمد صادقیان، حمیدرضا صالحی، ناصر ریاحی، فریال مستوفی و مهدی معصومی اصفهانی از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

رکود

اقتصاددانان اعتقاد دارند رکود صنایع بزرگ ایران مانع از تحقق رشد اقتصادی بیش از ۴ درصدی می‌شود

۱٪

پیش‌بینی خوشبینانه
اقتصاددانان از رشد اقتصادی
سال ۹۴

۶/۰٪

پیش‌بینی بدبینانه
اقتصاددانان از رشد اقتصادی
سال ۹۴



امسال اگر هم رکود نداشته باشیم، رشد چندان بالایی نخواهیم داشت. با صحبت‌هایی که در پیرامون است، ظاهراً رشد حدود ۱ درصد خواهد بود.

پیش‌بینی شما از رشد اقتصادی پایان سال ۹۴ چیست؟



در اقتصاد نخواهیم داشت. بیشتر جو سرمایه‌گذاری وجود دارد و بیش از این تغییرات خاص دیگری نداریم. امسال اگر هم رکود نداشته باشیم، رشد چندان بالایی نخواهیم داشت. با صحبت‌هایی که در پیرامون است، ظاهراً رشد حدود ۱ درصد خواهد بود.

احرامیان: سال ۹۴ به دلایل مختلف، مثل سال ۹۳ نخواهد بود، امسال نرخ رشد بالایی نخواهیم داشت. پیش‌بینی می‌کنم که در شش ماهه دوم هم همین اتفاق بیفتد. با توجه به این که جوانب مسائل مربوط به توافق هسته‌ای هم مشخص شده است، به نظر می‌آید تا شش ماه آینده هم تغییرات میدانی



کسب و کار نقش بسزایی در افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و به دنبالش سرمایه‌گذاری خارجی دارد. به شرط این که افراد دلواپس که سال‌ها برای اقتصاد ایران هزینه درست کردند، کمتر در مدیریت میانی اقتصاد کشور دخیل باشند.

پازوکی: در این خصوص برآورد خاصی را در نظر ندارم، چون یاد گرفته‌ام که حرف بی‌ربط نزنم، اما فضا را مناسب می‌بینم. الان، به نظر من با توافقی که انجام شده، فضای کسب و کار بین‌المللی برای اقتصاد ایران فراهم شده است. این فضای



شود تا زمانی که بخش‌نامه‌ها به بانک‌ها و شرکت‌های مختلف در دنیا فرستاده شود. پیش‌بینی امسال ماکسیمم بیشتر از ۳ درصد رشد اقتصادی را نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم. اما سال آینده امیدوارم دولت برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری کند تا رشد ۸ درصد را شاهد باشیم.

حانمی‌یزد: رشد اقتصادی امسال نباید با سال گذشته تفاوتی داشته باشد، به این دلیل که تغییر عمده‌ای در شرایط ایجاد نشده است. همه هم چشم‌انتظار نتایج توافق هسته‌ای هستند. این توافق نامه، اگر چه امضا شده، اما تا چند ماه دیگر تنفیذ نخواهد شد و تا دسامبر طول می‌کشد و از دسامبر هم که تنفیذ



نمی‌توانیم در مورد این موضوع صحبت کنیم. ما خودمان آن چنان آمادگی اتفاقی را که افتاده است نداریم، تا در ارتباط با استراتژی خودمان در امر تجارت بین‌المللی، یک عکس‌العمل متناسب با این اتفاق را از خود نشان دهیم. بنابراین، من خیلی خوش‌بین نیستم که به یک رشد اقتصادی بالایی برسیم.

حاجی‌آقامیری: رشد اقتصادی امسال بستگی به این دارد که استراتژی ما در شرایط بعد از توافق چه باشد، ما هنوز با دوران پساتحریم فاصله داریم، تحریم‌ها هنوز بر نداشته نشده است. گرچه اروپاییان به دنبال سفر به ایران هستند، اما تا زمانی که تحریم‌ها برداشته نشود و این قراردادها جنبه واقعی پیدا نکند،



به امیدواری‌هایی که در ارتباط با اجرای توافق نامه وجود دارد، اثربخشی این مسئله در اقتصاد سال جاری ما بسیار کم خواهد بود. من پیش‌بینی می‌کنم که ان‌شاءالله در سال ۹۴ رشد اقتصادی بین ۰/۵ تا ۱ درصد داشته باشیم.

حسینی‌هاشمی: فکر می‌کنم امسال رشد اقتصادی چشم‌گیری نداشته باشیم، یعنی به ۱ درصد هم ممکن است نرسد، اما منفی نیست؛ یعنی دوره رکود ما از بین نرفته است. در بعضی بخش‌ها رونق ایجاد شده است، اما در برخی بخش‌های دیگر نه و با توجه



بدون این که زیرساخت‌ها را افزایش دهیم یا سرمایه‌گذاری جدید کنیم، افزایش دهیم. این به تنهایی حدود ۲ تا ۳ درصد رشد اقتصادی مثبت ایجاد می‌کند. همچنین، امکان برخی از صادراتی که قبلاً قطع شده بود، به وجود می‌آید و برخی سرمایه‌گذاری‌های جدید وارد کشور می‌شود.

ریاحی: با توجه به قطعی شدن توافق نامه، برخی از کارشناسان اقتصادی، رشد اقتصادی سال ۹۴ را بین ۴ تا ۵ درصد پیش‌بینی کرده‌اند و من هم کاملاً موافق هستم. مهم‌ترین فاکتور رشد اقتصادی ایران، نفت است و پیش‌بینی می‌شود که بتوانیم تولید نفت را تا حدود ۱۰ درصد



کارشناسان، رشد اقتصادی زیر ۱ درصد است، من هم رشد اقتصادی ۰/۵ تا ۱ درصد را پیش‌بینی می‌کنم. مثبت خواهد بود، اما نسبت به سال گذشته کاهش پیدا می‌کند. امسال سال سختی است، می‌توان گفت امسال جزو سخت‌ترین سال‌های اقتصاد کشور است.

صادقیان: بعد از رشد اقتصادی منفی در دولت‌های نهم و دهم، خوشبختانه، در سال پیش‌رشد اقتصادی ۳ درصد را داشتیم. با رکود تورمی که وجود دارد، هر چند که نرخ تورم هم کاهش پیدا کرده است و با توجه به توافق نامه‌ای که امضا شد، امسال پیش‌بینی



صالحی: این که رشد اقتصادی مثبت را امسال تجربه خواهیم کرد یا خیر، ما وقتی که در یک جای منفی هستیم برای این که به صفر برسیم به یک رشد اقتصادی بالا نیاز داریم، مخصوصاً وقتی اقتصادی مدت‌هاست تعطیل شده و موتور تولیدش خاموش شده است. ما رشد ۲ تا ۳ برابر نرمال می‌خواهیم تا

بتواند اقتصاد ایران را که حدود ده سال است با سیاست‌های غلط به گل نشاندہ شده، در بیاورد. من پیش‌بینی می‌کنم، در سال ۹۴ با این سیاست‌هایی که شاهدش هستیم، رشد آن چنان بالا و مطلوبی نخواهیم داشت، شاید رشد ۳ تا ۴ درصد داشته باشیم. اما به نظر من باید رشد ۷-۸ درصدی داشته باشیم.



پیش‌بینی کنم ۱ درصد است. ما الان، باید شروع به بازسازی کنیم و زمینه‌ها را به وجود بیاوریم. باید بیشتر تلاشمان این باشد تا شرکت‌های خارجی را به سرمایه‌گذاری در ایران تشویق کنیم و سعی کنیم روی تولیدات صادرات‌محور کار کنیم و به جهان نشان دهیم که ما فقط خریدار خوب نیستیم.

مستوفی: در مورد سال ۹۴، ما امیدواریم با توافق نامه‌ای که امضا شد، فضای کسب و کار بهتر شود، مسلماً اگر فضای کسب و کار بهتر شود، رشد اقتصادی هم بالا می‌رود. اما اجرای این توافق نامه زمان می‌برد. بنابراین، تا ۴-۵ ماه دیگر اتفاقی نخواهد افتاد. رشد اقتصادی مثبت خواهیم داشت، اما عددی که می‌توانم



معصومی: بعید می‌دانم که اصلاً امسال به رشد اقتصادی برسیم، فعلاً فقط یک امید ایجاد شده، اما هنوز عملیاتی نشده است. اگر قرار باشد هر اتفاق اقتصادی‌ای بیفتد، لااقل تا پایان سال طول می‌کشد. ممکن است در قسمت‌های مختلفی شاهد رشد اقتصادی باشیم، اما فکر نمی‌کنم در سطح کلان اتفاقی برای اقتصاد

ما بیفتد. اما با این افرادی که برای سرمایه‌گذاری می‌آیند، سال آینده قطعاً خیلی خوب خواهد بود. شخصاً معتقدم برای رشد اقتصادی باید بخش‌های مختلف را از هم جدا کنیم، بخش‌هایی که مخصوص صنایع مادر است و مخصوص نفت است، عددش را جدا ببینیم و برای صنایع کوچک هم همین‌طور.

موانع رسیدن به رشد بالای اقتصادی چیست؟ بخش خصوصی مقصر است یا دولت؟



محیط کسب و کار، داشتن نیروی انسانی مورد نیاز تحصیل کرده و هر آنچه که برای کسب و کار لازم است. کشور ما در زمینه کسب و کار بسیار ضعیف است، چه تحریم باشیم و چه نباشیم. به نظر من، بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به رشد اقتصادی بالا، مناسب نبودن فضای کسب و کار است.

احرامیان: در زمینه رشد اقتصادی مخصوصاً ردهای بالا، بزرگ‌ترین پتانسیل رشد اقتصادی هر کشوری، تولید ناخالص بالقوه آن کشور است. در واقع ظرفیت اقتصادی یک کشور نشان می‌دهد که آیا اساساً آن کشور می‌تواند به رشد اقتصادی دست پیدا کند یا نه؛ عواملی مثل داشتن ظرفیت برای تولید،



پاروکی: باید زمینه را برای سرمایه‌گذاری مهیا کرد، باید از این فضای کسب و کار نهایت استفاده را کنیم. اقتصاد ایران دو مزیت دارد: یک، نیروی انسانی تحصیل کرده و ارزان؛ دو، انرژی ارزان. بنابراین، این دو مزیت زمینه را برای سرمایه‌گذاری داخلی و به دنبالش سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌کند. من اعتقاد

دارم همان طرز تفکری که منجر به توافق شد و قابل دفاع است، باید در اقتصاد هم همان تفکر را داشته باشیم. من به عنوان یک اقتصاددان طرفدار پیوند استراتژیک با جهان غرب هستم و این به نفع منافع ملی کشور است. در مبادله اقتصادی هم برد-برداشت، نمی‌شود که ما با یک کشور مبادله کنیم و فقط ما برد داشته باشیم.



حانمی‌یزد: اولین و مهم‌ترین موانع رشد اقتصادی این است که فضای کسب و کار اصلاً مناسب نیست. دوم این که، متأسفانه، هر کاری که در ایران بخواهد انجام شود، نیاز به هماهنگی و همکاری نهادهای دولتی دارد، از جمله وزارت دارایی، وزارت صنایع و غیره که کارها در این نهادها بسیار طولانی است و

متأسفانه همواره همراه با فساد است. فساد مالی و بوروکراسی بسیار کند دلیل دیگری است که رشد اقتصادی ما به سرعت پانمی گیرد. سومین مسئله، بدنه بسیار حجیم اقتصاد دولتی و نهادهای عمومی است. بخش خصوصی ما بسیار ضعیف‌تر از آن چیزی است که بخواهد تأثیر عمده‌ای بر رشد اقتصادی بگذارد.



حاجی آقامیری: کشور ما کشوری است که متکی به اقتصاد دولتی است، شاید در حرف، دولت به دنبال خصوصی‌سازی باشد اما من اعتقاد ندارم که تصمیم قاطعی در اصل ماجرا وجود داشته باشد. مثلاً هیاتی که اخیراً از آلمان به ایران آمد، نوع برخورد دولت با این هیات نشان داد که کار دولتی بوده است

و عملکرد دولت هم در ملاقات اولیه با یکی از کشورهای مهم صنعتی جهان، این طور نبود که به بخش خصوصی عنایتی داشته باشد. در درجه اول دولت می‌بایست مولفه‌هایی را که کار را تحویل بخش خصوصی می‌دهد و اصل ۴۴ را به معنای واقعی عملی می‌کند، به کار بگیرد.



حسینی‌هاشمی: یکی از موانع رسیدن به رشد اقتصادی بالا، پایین بودن درآمد سرانه است، چون درآمد سرانه باعث تقاضا می‌شود و تقاضا باعث افزایش تولید. دومین مورد، درماندگی بانک‌هاست؛ بانک‌ها به عنوان موتور توسعه کشور، هم باید از طریق سرمایه در گردش و سرمایه ثابت،

برای بخش تولید تأمین مالی کنند و هم باید برای مصرف‌کنندگان اعتبار خرید ایجاد کنند. من بیشتر بودجه و برنامه‌های دولت، مصرف منابع ارزی، سیاست‌های پولی، بانکی و اقتصادی را تأثیرگذار می‌دانم، ضمن این که تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی هم بی‌تأثیر نبوده است.



ریاحی: بخش خصوصی در ایران، پیکره نحیفی دارد که در حدش در اقتصاد، یک‌رقمی است. ۸۰ تا ۹۰ درصد اقتصاد دست دولت است و گاهی دولت برای بخش خصوصی مانع هم ایجاد می‌کند. مهم‌ترین موانع رسیدن ایران به رشد اقتصادی بالا، بخش خصوصی بسیار ضعیف

و بنگاه‌های اقتصادی عمدتاً کوچک بخش خصوصی است. قوانین و مقررات هم کلاً مخل کار دولت و بخش خصوصی در رسیدن به رشد اقتصادی هستند. ایران ظرفیت‌های بسیار بالایی دارد که اگر استفاده شود، رشد بالای اقتصادی خواهیم داشت.



صادقیان: خیلی مسائل دخیل است. به هر حال زمینه‌ای باید آماده شود و فونداسیونی ریخته شود و ارتباط‌های جهانی که به خاطر تحریم‌ها، قطع کرده بودیم دوباره باید ایجاد شود. بحث نقدینگی، تورم، بهره بانکی، سیستم بانکی، ضوابط و مقررات هست که همه اینها باید اصلاح شود تا رشد صحیح اتفاق

بافتد. گفته می‌شود بالای ۹۰ درصد از اقتصاد کشور دولتی است و بخش خصوصی درصد کمی دارد. آثار بخش خصوصی در مقایسه با اقتصاد دولتی، مثبت‌تر است. هر چه سهم بخش خصوصی در اقتصاد بیشتر باشد، رشد اقتصادی سریع‌تر و با درصد بیشتری اتفاق خواهد افتاد.



صالحی: سیاست‌های اقتصادی کلان بسیار مؤثرند، از جمله نرخ ارز و نرخ حامل‌های انرژی. عامل اصلی رشد اقتصادی تولید ناخالص ملی است. رشد اقتصادی کشور زمانی خودش را نشان می‌دهد که درآمد سرانه مردم بالا برود. دولت در این زمینه به شدت نقش اساسی دارد و بخش خصوصی نقش فالور دارد.

دولت‌بادر دست داشتن ۸۰ درصد از اقتصاد، تعیین‌کننده سیاست‌های اقتصادی ایران است و وقتی که سیاست‌ها درست تعیین شود، ما به عنوان بخش خصوصی می‌توانیم باعث رشد اقتصادی شویم، اما وقتی سیاست‌ها غلط باشد، عملاً بخش خصوصی نمی‌تواند نقش اساسی در رشد اقتصادی کشور داشته باشد.



مستوفی: موانعی که وجود دارد این است که اقتصاد دست دولت است و مادر کشور مسئله رانت، فساد و بوروکراسی فراوان داریم و به همین خاطر قوانین را هیچ‌وقت درست اجرا نکرده‌ایم و قوانین سلیقه‌ای اجرا شده است. سیاست‌های غلط اقتصادی باعث شده است که به اینجای رسیدیم. ما در گذشته، رقابت نابرابر داشتیم که

به وسیله رانت به وجود آمده بود و شرکت‌های دولتی رقیب بخش خصوصی بودند، اما رقابت سالم هم باعث بالا رفتن کیفیت و پایین آمدن قیمت‌ها می‌شود و زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند. الان، باید به دنبال جبران این اشتباهات باشیم. در حال حاضر نه بخش خصوصی مقصر است نه دولت. الان اقتصاد ما مریض است.



معصومی: قیمت تمام‌شده بالای کالاها، باعث می‌شود توان خرید مردم پایین بیاید. این یکی از بزرگ‌ترین معضلات اقتصاد ماست. بخش زیادی از ماجرا به بحث تحریم‌ها مربوط می‌شود. ورود و تولید کالاهایمان به دلیل مواد اولیه گران هزینه‌های سربار تولید بالا می‌رود. زمانی که برداشتن تحریم‌ها عملیاتی شود و بتوانیم پول را

به راحتی حواله کنیم و جنس را بدون واسطه خرید و فروش کنیم، طبیعتاً هزینه‌ها مقداری پایین‌تر می‌آید، مصرف زیادت‌تر می‌شود و هزینه‌های سربار تولید کمتر می‌شود و رونق اقتصادی اتفاق می‌افتد. دولت می‌تواند موانع را رفع کند. اگر دولت موانع تولید را برای تولیدکننده رفع کند، خود تولیدکننده به سمتی که باید، می‌رود.



اقتصاد ایران این پتانسیل را دارد که رشد اقتصادی ۸ درصد و تعامل منطقی با جهان داشته باشد

رشد ۸ درصدی چه زمانی محقق می‌شود؟



طلب می‌کند، برای رسیدن به چنین رشد بالایی ما به سرمایه‌گذاری بالا، ثبات محیط کسب و کار، ثبات اقتصادی، تورم پایین و آماده بودن نیروی کار به عنوان پایه‌های اولیه نیاز داریم. در کشوری که ۱۰۰ سال سابقه صنعتی دارد هنوز به صورت هفتگی و ماهانه بخش‌نامه‌ها و قوانین جدید در قانون کار اعمال می‌شود.

احرامیان: رشد ۸ درصدی اقتصادی، رشد بالایی است، مخصوصاً برای کشورهایی که از سطح‌های پایین اقتصادی شروع می‌کنند و به رشدهای بالا دست پیدا می‌کنند. اما در کشور ما که مراحل میانی توسعه را می‌گذرانند، دست پیدا کردن به نرخ رشد بالایی مثل ۸ درصد، شرایط خیلی خاص و آماده و مهیایی را

پازوکی: در شرایطی که نظام تصمیم‌سازی کشور کارشناسی و علمی باشد و بر نظام تصمیم‌گیری کلان کشور عقلانیت حاکم شود. اقتصاد ایران این پتانسیل را دارد که رشد اقتصادی ۸ درصد و تعامل منطقی با جهان داشته باشد. من اعتقاد دارم اگر در اقتصاد سیاست برد-برد را پیش بگیریم و اگر ارتباط منطقی با جهان خارج، خصوصاً جهان غرب - من بر جهان غرب تاکید دارم - داشته باشیم، رسیدن به رشد ۸ درصدی امکان‌پذیر است، اما اگر دنبال شعار برویم قطعاً عقب خواهیم ماند.



حانمی‌یزد: اگر برنامه‌ریزی مناسب انجام شود، سال آینده هم امکان‌پذیر است، بستگی به بودجه‌ای دارد که دولت امسال اعلام می‌کند، چون تحریم‌ها کم می‌شود و خرید و فروش آزاد می‌شود. اگر بودجه درستی را مسئولان امر در دولت تنظیم کنند، ۸ درصد رشد اقتصادی، سال آینده قابل دستیابی است. اگر چنین شود، تا پایان برنامه ششم توسعه هم همین ۸ درصد را می‌توان حفظ کرد.



کند، بعد از توافق، ایران ایرانی است که می‌خواهد با جهان کنار بیاید، هم در منطقه و هم فرامنطقه. من معتقدم که تنها راه رسیدن به یک رشد اقتصادی بالا، رشد تولیدات غیرنفتی است و ما باید دل‌های نفتی را فقط در صنایع مادر و مسائل بنیادی کشور به کار ببریم و حتی به نظر من تبدیلیش کنیم به ذخیره ارزی، مثل نروژ.

حاجی آقامیری: شاید ما در مقطعی از زمان هستیم که در یک مقیاس منطقه‌ای با توجه به پتانسیل‌هایی که از نظر جغرافیایی در منطقه داریم، می‌توانیم به صورت چین منطقه‌ای درآییم، به شرطی که هم از نظر داخلی این را درک کنیم و آمادگی خود را ایجاد کنیم و از نگاه‌های واپس‌گرایانه فاصله بگیریم و هم جهان به ما اعتماد



حسینی‌هاشمی: با این زیرساخت‌های اقتصادی و شرایط اقتصادی که داریم، مستعد چنین رشد اقتصادی قابل توجه و چشم‌گیری نیستیم. منابع ارزی، نفت و گاز، منابع انسانی و بازار بسیار خوب داریم. اما این مشروط بر این است که با دنیا تعامل کنیم و بتوانیم با اقتصاد دنیا



نقش نظارتی داشته باشد. در کنار این، زیرساخت‌ها هم باید فراهم شود. البته، هیاتی هم به ریاست وزیر اقتصاد تشکیل شده است که وظیفه دارد تا موانع تولید و توسعه اقتصادی را شناسایی کند تا از طریق دولت و مجلس این موانع رفع شود.

ریاحی: رشد اقتصادی ۸ درصدی، قابل دسترسی است، به شرطی که سایر موارد برنامه ششم توسعه که مهم‌ترین آن تقویت بخش خصوصی و کوچک شدن دولت است، اتفاق بیفتد و هر کدام از این بخش‌ها به وظایف خود عمل کند و دولت بیشتر



دیگر تمایل دارند و الان هم ریزی خود را شروع کرده‌اند، اگر این اتفاق بیفتد و توافق‌نامه درست اجرا شود و همان دقت و تخصصی را که در تنظیم توافق‌نامه داشتیم در اجرا هم داشته باشیم. این عددها خیلی هم غیرممکن نیست و احتمال رسیدن به چنین رشد اقتصادی هم بالاست.

صادقیان: اگر این توافق‌نامه درست اجرا شود، این رشد ۸ درصدی قابل دسترسی است و کشور ما پتانسیل آن را دارد، اما مشکلاتی بوده که تا به حال این اتفاق نیفتاده است. اگر موانع رشد اقتصادی رفع شود و مشکلات حل شود، از نظر آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران، یا سرمایه‌گذاری‌های خارجی که کشورهای



درصد پیش‌بینی می‌کردند، تا دولت بتواند رشد منفی سال‌های گذشته را در سال‌های پایانی این برنامه، به رشد ۳ تا ۴ درصد مثبت برساند. برای این که این اقتصاد به گل نشسته را حرکت دهیم باید یک نیروی بالا به آن وارد کنیم. بارش ۸ درصد شاید در سال ۱۴۰۰ شاهد یک رشد اقتصادی خوب باشیم.

صالحی: من اگر به جای سیاست‌گذاران برنامه ششم توسعه بودم، هدف را به جای رشد اقتصادی ۸ درصد، ۱۲ درصد می‌گذاشتم. چون اگر به دنبال رشد ۸ درصد باشیم در این مملکت به رشد ۵ تا ۶ درصد هم نمی‌رسیم. باید در برنامه ششم مخصوصاً در سال‌های اول، رشد اقتصادی را روی ۱۰ تا ۱۴



هزینه تولیدمان را پایین بیاوریم و تولید و کیفیت تولید را بالا ببریم و بتوانیم در دنیا رقابت کنیم، شرایطی پیش بیاید که بخش خصوصی بتواند گرداننده اقتصاد کشور باشد نه دولت و دولت فقط نظارت کند، آن وقت می‌توانیم گشایش اقتصادی داشته باشیم و رشد اقتصادی بالا را تجربه کنیم.

مستوفی: رشد اقتصادی ۸ درصدی نیاز به زمان، کار، سرمایه‌گذاری و اعتمادسازی دارد. وقتی که اقتصاد از کود بیرون بیاید، امنیت بر فضای کسب و کار حاکم شود، تعامل ما با دنیا به صورت مساوی برقرار شود، تولیداتمان بهبود پیدا کند و سرمایه‌گذاری‌های جدیدی در صنایعمان به وجود بیاید،



معمومی‌اصفهان‌ای: باید تکلیف رشد اقتصادی را جدا کنیم، بگوئیم در صنایع سنگین چگونه و در صنایع کوچک چگونه است. ما در صنایع کوچک و متوسط نیاز به آرامش، نقدینگی و امنیت کاری داریم که بتوانیم کالایمان را راحت تولید و صادر کنیم؛ این شدنی است. در حوزه مرغ و

سال ۹۵ عدد رشد اقتصادی ایران چه خواهد بود؟



احرامیان: فکر می‌کنم رشد مثبت خواهد بود اما در حد معقول‌تر، در حد ۳ تا ۴ درصد امکان دارد. نمی‌توانم بگویم چند درصد احتمال دارد که به این رشد اقتصادی برسیم اما می‌گویم به احتمال متوسط خواهیم رسید، نه از این مقدار بیشتر می‌شود و نه کمتر.



پازوکی: قبلاً هم گفتم هیچ برآورد خاصی ندارم. اما معتقدم نیاز است در مدیریت میانی اقتصادی ایران، تحولی صورت گیرد، تحول در وزارت امور خارجه، سفارت‌خانه‌هایمان و... باید اتفاق بیفتد. سفرای ما در راستای تعامل بیشتر با دنیا رفتار کنند. با تغییر دولت، مدیریت میانی ما هنوز تغییر نکرده است. آنهایی که فاقد دانش و سواد لازم هستند، باید بروند. دوره، دوره آزمون و خطا نیست. باید پذیریم که با مشکلات اقتصادی، برخورد علمی و کارشناسی کنیم.



حاتمی‌یزد: اگر برنامه‌ریزی درست باشد و بودجه درست بسته شود، از عواملی که باعث می‌شود به رشد اقتصادی در سال ۹۵ برسیم، یکی تعیین سطح مناسبی برای طرح‌های عمرانی و دیگری پرداخت بدهی‌های دولت است. اگر این دو کار انجام شود ما می‌توانیم به رشد ۸ درصد امیدوار باشیم.



حاجی‌آقامیری: خوش‌بینانه باید منتظر ۴ درصد رشد اقتصادی در سال ۹۵ باشیم. این بستگی به عملکرد ما دارد. این که چقدر امکانات و پتانسیل داریم و شرایط داخلی‌مان مناسب این رویکرد هست که بتوانیم ساز و کارهای سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کنیم یا نه. اگر اینها مهیا شود که زودتر به نتیجه می‌رسیم، اما اگر نه، طبق همه چیزهایی که در ایران هست، شامل زمان می‌شود، چون پروژه‌های ما خیلی کند پیش می‌رود.



حسینی‌هاشمی: در مورد رشد اقتصادی سال ۹۵، با این شرایطی که الان پیش‌بینی می‌شود، اگر روابط بین‌الملل اصلاح شود و قیمت نفت مقداری افزایش یابد، رشد اقتصادی که در سال ۹۵ خواهیم داشت، بین ۲ تا ۳ درصد است. چون اقتصاد ما اقتصاد سنگینی است، درصدش ممکن است کم باشد اما از نظر کمیت خیلی بیشتر است. آثار توافق انجام‌شده، ممکن است در سال ۹۵ هم خیلی ملموس نباشد، چون آثار اینها تدریجی است. فقط برداشتن محدودیت‌ها نیست، بلکه باید قابلیت و آمادگی بهره‌برداری هم داشته باشیم.



رافراهم‌کنیم، لذا رشد اقتصادی سال بعد را بیشتر از ۴ تا ۵ درصد پیش‌بینی نمی‌کنم. اما برای آماده شدن جهت جهش‌های جدید خیلی کارها باید صورت گیرد تا به عدد ۶ یا ۸ برسیم.

ریاحی: فکر می‌کنم اگر امسال به رشد اقتصادی ۴ تا ۵ درصد برسیم، سال بعد بیشتر این عدد حفظ شود و زمان را صرف بهبود پیش‌ساخت‌هایی کنیم که تکمیل نیست و از بین رفته است. در سال ۹۵ فکر می‌کنم که بتوانیم مقدمات و زیرساخت‌های رشد



صادقیان: اگر این اتفاقاتی که در توافق‌نامه پیش‌بینی شده، به‌موقع اتفاق بیفتد، پیش‌بینی من این است که تا پایان سال ۹۵ رشد اقتصادی مثبت ۵ تا ۶ درصدی داشته باشیم. باید دید که در اجرای این توافق‌نامه مشکلی پیش می‌آید یا خیر.



اقتصادی ۷ تا ۸ درصدی عددی نیست که بتواند وضعیت اقتصادی کشور را متحول کند. ما باید گذشته را جبران کنیم و لذا تا چند سال آینده نیاز به رشد بالا داریم. اما با سیاست‌های فعلی دولت، خیلی بتوانیم موفق شویم به رشد ۴ تا ۴/۵ درصدی می‌رسیم.

صالحی: با برنامه‌ریزی‌ای که دولت کرده است، پیش‌بینی من از عدد رشد اقتصادی سال ۹۵ بین ۴ تا ۴/۵ درصد خواهد بود. اما بهتر بود طوری برنامه‌ریزی می‌کردیم که در پایان سال ۹۵ می‌توانستیم رشد اقتصادی حداقل ۷ تا ۸ درصد را تجربه کنیم؛ هر چند، رشد



۹۵ بتوانیم صنایع‌مان را پیشرفت بدهیم تا به آنجایی که باید، برسند. پس برای سال ۹۵ اگر روی زمینه درستی قدم برداریم و بتوانیم درست برنامه‌ریزی کنیم، می‌توانم رشد اقتصادی‌مان را بین ۳ تا ۴ درصد ببینم. البته این همه‌اش فرضیات است و من نمی‌توانم روی هیچ بیسی‌امار بدهم.

مستوفی: اقتصاد ما بیشتر وابسته به نفت است، به علت پایین بودن قیمت نفت و از طرف دیگر برای این که بتوانیم نفت بیشتری صادر کنیم، نیاز داریم تا صنعت نفت‌مان را با تکنولوژی‌های جدید بازسازی کنیم و برای این بازسازی نیاز به زمان داریم. بنابراین من امیدوار نیستم که برای سال



و کم کردن دغدغه‌ها و مشکلات هست که اینها دارد انجام می‌شود. نتیجه توافق هسته‌ای الان هم ایجاد شده است و مراجعات مختلف برای سرمایه‌گذاری خارجی در حد شرکت‌های خیلی کوچک زیاد است و دیگر هیچ منعی برای ورود این سرمایه‌گذاران نیست و همین باعث ورود نقدینگی به اقتصاد کشور می‌شود.

معصومی‌اصفهانی: عمده این اعداد و ارقام مربوط به صنایع اصلی است که من اطلاعی از آن ندارم، در بخش صنایع کوچک امیدوارم وضعیت تولید در سال آینده بهتر شود. در مورد صنایع بزرگ چون روابط بین‌المللی بر آن حاکم است من هیچ اظهارنظری نمی‌کنم. اما در مورد صنایع کوچک نیاز به آرامش و نقدینگی



مشکلات مختلفی در بخش کشاورزی و صنایع مواد غذایی وجود دارد. یک بحث، بحث قیمت است. بانک مرکزی اعلام کرده است که در چهار سال گذشته، ۴۳ درصد قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا کرده است.

آنچه که بعد از توافق هسته‌ای مهم است، شرایط ایران در دوران پساتحریم است. دورانی که می‌تواند اقتصاد کشور را رشد دهد یا این که خرابی‌های دیگری به وجود آورد. در بخش کشاورزی و مواد غذایی، دوران پساتحریم چطور ارزیابی می‌شود؟

رجایی: ما در حوزه کشاورزی جز در برخی از اقلام در تولید مشکلی نداشتیم. فقط چند موضوع در بازاریابی و رانت‌ها مطرح بود که در دوره پساتحریم می‌توان گفت رانت‌ها حذف و بازار هم در واردات نهاده‌ها شفاف‌تر می‌شود. دومین نکته این است که چون در دوران تحریم نقل و انتقال پول به سختی صورت می‌گرفت، ایران مجبور بود از کشورهای که پول دارد، واردات انجام دهد. طبیعتاً در دوران پساتحریم رقابت جدیدی شکل خواهد گرفت که مسلماً مطلوب است. مسئله دیگر این بود که بین ایران و بعضی کشورها تعرفه‌های ترجیحی برای صادرات وجود داشت که با اصلاحات ساختاری که صورت می‌گیرد می‌توان این تعرفه‌های ترجیحی را حذف کرد. در نتیجه کشور ما می‌تواند در این دوران، در حوزه صادرات در برخی بازارهای جهانی، حضور جدی‌تری داشته باشد. در واقع حضور ما در بازارها معنادارتر می‌شود. دومین مسئله هم به کیفیت اقلام وارداتی برمی‌گردد که مجبور بودیم از بعضی کشورها انجام دهیم؛ حالا با برداشته شدن تحریم‌ها، این مسئله هم بهتر خواهد شد. سومین موضوع هم رانت‌ها و واسطه‌ها هستند که حذف خواهند شد.

زرگران: برای پساتحریم از دو منظر می‌توان اتفاقات را بررسی کرد یکی تامین نقدینگی و پول‌هایی است که به این حوزه ممکن است وارد شود و دیگری هم سیاست‌های حمایتی و انتقال تکنولوژی است. در بحث اول، منابع بلوکه شده ایران است که ۱۰۸ میلیارد دلار در قالب مالی و طلا وجود دارد که ۵۰ درصد آن به صورت طلاست و طبیعتاً به پول و دلار تبدیل کردن آنها زمان‌بر خواهد بود. با توجه به این که از آغاز توافق هسته‌ای تا به حال، افت شدیدی هم در کاهش قیمت جهانی طلا وجود داشته است، ارزش این میزان طلا هم کاهش پیدا خواهد کرد. بنابراین، حدود ۵۰ میلیارد دلار باقی می‌ماند. در حدود ۱۵ میلیارد دلار از این میزان هم ادعای بین‌المللی وجود دارد. بنابراین حدود ۳۰ تا ۳۵ میلیارد دلار باقی می‌ماند که باید دید از این میزان چه مقدارش متعلق به بانک مرکزی و چه مقدارش هم متعلق به دولت است که می‌توان آن را در بخش‌های مختلف هزینه کرد. این در حالی است که باید توجه کرد بعد از برداشته شدن تحریم‌ها و فروش نفت ایران در بازارهای جهانی، احتمالاً مقداری هم کاهش قیمت نفت رخ خواهد داد. با این جمع‌بندی نمی‌توان شرایط را آرمانی تصور کرد و گمان کرد که دولت پول زیادی به دست می‌آورد و می‌تواند در همه بخش‌ها سرمایه‌گذاری کند. حتی به نظر من شرایط نرمالی هم نمی‌توان ایجاد کرد. البته تنها منابعی که می‌ماند، حدود ۹ میلیارد دلار بحث خطوط اعتباری است که قبل از تحریم‌ها وجود داشته است. این ۹ میلیارد دلار بعد از این که سوئیفت‌ها باز شود، آماده انتقال خواهد بود. دولت باید سیاست را به نحوی بچیند که این ۹ میلیارد دلار به تولید و نهایتاً بازگانی کالاهای اساسی اختصاص پیدا کند. آفتی که در این جریان وجود دارد این است که احیاناً شرکت‌های اقماری، نیمه‌خصوصی و «خصوصی»‌ها ورود پیدا کنند و این منابع را در اختیار بگیرند. دولت باید نهایت سعی خودش را بکند تا این منابع به بخش‌های مولد کشور و بخش خصوصی واقعی، یعنی کشاورزی، صنعت و معدن اختصاص پیدا کند. حالا شاید با این ۹ میلیارد دلار بتوان بخشی از نیازهای مالی و گره کمبود پولی را در این سه حوزه حل کرد. اما بعد از این که توافق‌ها به طور کامل انجام شود، می‌توانیم در حوزه‌های مختلفی، انتقال تکنولوژی داشته باشیم. به طور مثال، در حوزه کشاورزی، قیمت تمام‌شده کالاها بسیار بالاست. به این دلیل که از تکنولوژی روز دنیا استفاده نمی‌کنیم. در حال حاضر تراز تجارت خارجی بخش کشاورزی از لحاظ وزنی، ۱۷ میلیون تن و از لحاظ ارزشی ۵،۵ میلیارد دلار منفی است. بنابراین با باز شدن درهای دنیا، باید سعی کنیم تا این تراز منفی رو به بهبود رود. البته طبیعتاً این ماجرا به برنامه درازمدت نیاز دارد. با این حال باید توجه داشت که در برخی از حوزه‌ها، اعداد واردات و صادرات قابل مقایسه نیست؛ مثل مرادات تجاری ایران و برزیل. حدود ۱،۳۵ درصد از واردات سال ۲۰۱۴ ایران از کشور برزیل بوده و صادرات حدود ۵ میلیون دلار داشته‌ایم. این اعداد اصلاً قابل مقایسه نیستند. بنابراین در خیلی از حوزه‌ها باید برای کسب بازارهای خارجی تلاش کرد. حمایت‌هایی که دولت می‌خواهد در قالب بخش‌های مختلف صنایع تبدیلی انجام دهد باید با توجه به کاهش هزینه‌ها در قیمت مواد اولیه صنایع تبدیلی باشد. یعنی دولت باید سیاست‌های غلط تنظیم بازار را اصلاح کند تا ما با تجارت آزاد دنیا فاصله‌ای نداشته باشیم. در حال حاضر قیمت‌های خرید تضمینی در ایران حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد حباب دارد. یعنی چغندر قند ایران ۲۰ تا ۲۵ برابر قیمت جهانی خریداری می‌شود. گندم دو برابر قیمت جهانی تهیه می‌شود. در حوزه‌های جو هم همین‌طور است. شیر خام هم با قیمت‌گذاری‌های دستوری، بخش خصوصی را کاملاً فلج کرده است. طبیعتاً ابتدا باید پتانسیل خودمان را افزایش دهیم. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که زمانی که قیمت مواد اولیه، دستوری و اجباری ۴۰ درصد بیشتر از قیمت آزاد دنیا است، بتوانیم صادرات داشته باشیم. حتی اگر سوئیفت‌ها داده و تحریم‌ها هم برداشته شود، با این شرایط ایران نمی‌تواند بازارهای جهانی را به دست آورد.

گفت‌وگوی مشترک رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تهران و رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس درباره آینده صنایع غذایی ایران

خسارت مدیریت ناکارآمد از تحریم‌ها بیشتر بود

میزگردی درباره وضعیت کشاورزی در دوره پساتحریم



عباس رجایی



کاوه زرگران

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تهران | رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس

مشکلات بخش کشاورزی و صنایع غذایی که به نوعی با کشاورزی رابطه مستقیم دارد، در کشور بی‌شمار است. مشکلاتی که بخشی از آن ناشی از تحریم‌های چندین و چندساله ایران بوده و بخشی دیگر هم به مدیریت‌های ناکارآمد افراد در سمت‌های گوناگون در دولت‌های مختلف برمی‌گردد. البته حالا که تحریم‌ها قرار است برداشته شود، دیگر هیچ مسئولی نمی‌تواند مسائل و مشکلات را بر گردن آن بیندازد. به این ترتیب، دیگر مسئولان و مدیران می‌مانند و عملکرد آنها. البته حالا شرایط پساتحریم، سبیل عملکرد افراد شده است؛ این که حالا در این شرایط جدید چه اتفاقاتی در بخش‌های مختلف خواهد افتاد. در مورد وضعیت کشاورزی و صنایع غذایی کشور در دوران پساتحریم و همچنین مسائل و مشکلات پیش روی این بخش مهم اقتصاد، میزگردی با عباس رجایی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس و کاوه زرگران، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی تهران برگزار شد.

تراز تجارت منفی ادامه پیدا خواهد کرد تا این که دولت سیاست‌های خرید تضمینی را اصلاح کند. در زمینه انتقال تکنولوژی هم در حوزه برداشت به شدت نیاز وجود دارد. امروزه، اگر کمباین را در نظر بگیریم، تقریباً ۹۰ درصد از برداشت در بخش کشاورزی به خصوص در حوزه باغداری با نیروی انسانی صورت می‌گیرد. این در حالی است که در دنیا، برای هر نوع محصولی، ماشین خاص و مدرنی برای برداشت وجود دارد. فکر می‌کنم سیاست‌های حمایتی دولت باید در این بخش، انتقال تکنولوژی باشد. یعنی دولت به جای این که به کشاورز پول بیشتری پرداخت کند، به ازای گندم مازاد و خرید گندم، به او تکنولوژی و ماشین آلات دهد. در حوزه آبیاری هم با توجه به این که هدررفت آب در حوزه کشاورزی، رقم قابل توجهی است، سیستم آبی ایران در خیلی از نقاط، غرقابی است و از تکنولوژی روز دنیا فاصله زیادی دارد. بنابراین بهتر است این مسئله هم در اولویت قرار بگیرد. به خصوص این که اگر سیاست‌های حمایتی در این قالب قرار بگیرد، پرکاش می‌تواند دوجانبه و سه‌جانبه باشد. همچنین ضمن این که کشوری نفت‌خیز هستیم، در حوزه کود نیاز به واردات داریم. البته با توجه به سیاست دولت برای رشد بخش کشاورزی، در حوزه‌های مواد کشاورزی مثل کودهای فسفاته و از ته که وارد می‌کنیم، باید انتقال تکنولوژی صورت بگیرد و کشور به خود کفایی برسد.

❖ واقعا ایران توانایی خودکفایی در این زمینه‌ها را دارد؟

زرگران: به نظر من خودکفایی این است که ایران، تمام مولفه‌های تولید یک کالا با قیمت جهانی را داشته باشد و بعد اقدام به تولید کند، نه این که تمام مواد اولیه از خارج با چند برابر قیمت و به صورت دلار خریداری و در کشور به صورت یارانه‌ای پرداخت شود. در زمان خرید تضمینی هم با دو برابر قیمت خریداری شود و بعد افتخار کنیم که خودکفا یا خوداتکا شده‌ایم. زمانی که پایه و اساس کار اشتباه باشد، نتیجه خوبی هم اتفاق نمی‌افتد. سیاست‌های حمایتی، سیاست‌های بسیار خوبی است اما در نحوه اجرای آن باید دید که دیگر کشورها چه اقداماتی انجام می‌دهند. به طور مثال دولت می‌تواند به جای پرداخت کیلویی یارانه، بر مبنای سطح زیر کشت یارانه پرداخت کند.

❖ در مورد پساتحریم، صحبت‌هایی صورت گرفت. این مواردی که نام می‌برید چه زمانی مشاهده خواهد شد؟

رجایی: من فکر می‌کنم که یک دوره یک‌ساله تا دو ساله بایستی در نظر گرفت تا آثارش را بتوان در نظر گرفت.

زرگران: ابتدا سیاست‌های کلان توسط دولت باید راه‌اندازی شود. به طور مثال، ایران اولین تولیدکننده زعفران دنیاست و خیلی هم روی این موضوع تعصب دارد. اما در حقیقت نتوانسته‌ایم درست مدیریت کنیم و پیاز زعفران به افغانستان قاچاق شده است. حالا در این کشور حدود ۲۰ هزار هکتار از سطح، زیر کشت زعفران رفته است. شرکت‌های مدرن هلندی هم زمین‌هایی را در افغانستان خریداری کرده‌اند و به زودی ایران رقیب خیلی جدی و قدرتمندی با تکنولوژی روز در حوزه زعفران در کشور افغانستان خواهد داشت که می‌خواهند بازارهای ایران را تسخیر کنند. خب مقابله با چنین مسئله‌ای، نیاز به سیاست‌های کلان دارد و بالطبع یک کشاورز خرد منطقه نمی‌تواند به تنهایی این موضوع را مدیریت کند. دولت باید در اسرع وقت با کمپانی‌های بزرگ دنیا مشورت کند و انتقال تکنولوژی صورت بگیرد. در حوزه‌های مختلف، راندمان در هکتار عدد مناسبی نیست. بهترین کار این است که مشاوره‌هایی در این زمینه صورت بگیرد تا برداشت در هکتارها

افزایش پیدا کند. در حوزه محصولات باغی از ۶۶ محصول، ۲۵ محصول در ایران تولید می‌شود. اما روش‌های برداشت، کاشت و داشت و راندمان مطلوب نیست. در حوزه‌های دیگر، صنایع کشاورزی با سهم ۹ درصدی از تولید ناخالص ملی و یک‌سومی در اشتغال، سهم بالایی در اقتصاد کشور دارد. از طرفی هم بخش کشاورزی و مواد غذایی، یک چهارم هزینه خانوارها را تشکیل می‌دهد و ما باید در تمام سیاست‌های حمایتی، این موضوع را مدیریت کنیم تا قیمت تمام‌شده حداقل ممکن باشد. اما این در حالی است که سیاست‌های حمایتی، خودبه‌خود، باعث فشار به سبد خانوارها شده است. نکته مهم هم اهمیت دادن به بخش کشاورزی در امنیت غذایی و در نهایت امنیت کشور است.

❖ در همین مدت بعد از توافق وین، مشاهده شد که سرمایه‌گذاران خارجی در قالب هیات‌های اقتصادی به ایران آمدند. البته این آمدوشدها بیشتر در صنعت خودرو نمود پیدا کرده است. اما اگر قرار باشد

سرمایه‌گذاران خارجی به ایران بیایند، در چه بخشی از کشاورزی و صنایع غذایی می‌توانند ورود پیدا کنند؟

زرگران: اولین نکته در مورد سرمایه‌گذار خارجی این است که این گروه پولشان را جایی می‌برند که امنیت اقتصادی وجود داشته باشد. وقتی هنوز به این نقطه نرسیده‌ایم که امنیت سرمایه‌گذاری را تامین کنیم، و یکباره علی‌رغم قوانین، دولت بخش نامهای را صادر می‌کند و تمام صنایع پایین‌دستی را دچار مشکل می‌کند، طبیعتاً امنیت سرمایه‌گذاری از بین می‌رود. بنابراین شاید در بخش خودروسازی آمیدی وجود داشته باشد، اما با تصمیمات لحظه‌ای و دستوری، سرمایه‌گذارهای خارجی با تردید و نگرانی به بازار ایران نگاه می‌کنند. وقتی که دولت با یک مصوبه شورای اقتصاد، یک مرتبه ده صنعت را به تعطیلی می‌کشاند، استقبال سرمایه‌گذاران را پایین می‌آورد. البته در صنایع تبدیلی، بخش‌هایی که آزاد شده، شانس بیشتری دارد، اما ترنول بخش گندم و آرد و صنایع پایین‌دستی آن عدد قابل توجهی است. در بحث روغن خام و صنایع روغن‌کشی و روغن نباتی، قسمت اعظم ترنول بخش صنعت را تشکیل می‌دهند که دولت به شدت سعی می‌کند زمام امور را به دست بگیرد. به همین دلیل هم اصلاً خصوصی‌سازی و سیاست‌های اصل ۴۴ رعایت نمی‌شود. طبیعتاً تا زمانی که اقتصاد آزاد نشود، نمی‌توان امید داشت که سرمایه‌گذار خارجی هم به کشور وارد شود. به طور مثال، یک هلدینگ بزرگ آلمانی که ورودی شیر خامش سه برابر ورود شیر خام ما است، برای بررسی سرمایه‌گذاری به ایران آمد. این شرکت بازار ایران را برای ورود بررسی کرد. اما ورود این هیات هم‌زمان شد با دستور دولت که علی‌رغم این که شیر خام، ۲۰ درصد گران‌تر از قیمت جهانی بود، اما ۲۰۰ تومان گران‌تر شد. خب این مسائل باعث می‌شود ریسک سرمایه‌گذاری بالا رود.

رجایی: در صنایع غذایی، ماشین‌آلات کشاورزی و برخی سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای می‌توان از سرمایه‌گذاران خارجی استفاده کرد. مثلاً در تولید گلخانه‌ها و صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند ورود پیدا کند. علاوه بر اینها مادر شهرک‌های صنعتی می‌توانیم سرمایه‌گذار خارجی را جذب کنیم.

❖ آمدن سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع تبدیلی نمی‌تواند مشکلی برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد کند؟

رجایی: خیر، صنایع غذایی، تبدیلی و تکمیلی کشور باید به‌روز شود تا بتوانیم با بازارهای جهانی رقابت کنیم. اتفاقاً این موضوع یک فرصت برای کشور محسوب می‌شود، چرا که در این حوزه هم کسری و کمبود داریم و هم باید رقابتی صورت بگیرد. بنابراین، ایرادی در این زمینه دیده نمی‌شود.

❖ اگر بخواهیم از سرمایه‌گذاران خارجی به سمت پول‌های بلوکه‌شده حرکت کنیم، باید گفت اگر دولت قصد داشته باشد این پول را در بخش‌های زیربنایی مثل کشاورزی هزینه کند، بهتر است به کدام سمت برود؟

رجایی: قطعاً می‌شود بخشی از پول‌های بلوکه‌شده را در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری کرد. بستر اصلی اقتصاد مقاومتی را در کشاورزی و صنایع غذایی می‌بینیم، به همین دلیل اگر کشور بخواهد در کوتاه‌مدت با سرعت بیشتری رشد اقتصادی را به جلو ببرد، حتماً باید از این پول‌های بلوکه‌شده در بخش کشاورزی و صنایع مواد غذایی سرمایه‌گذاری کند تا نتیجه مطلوب‌تر و سریع‌تری را ببیند. در غیر این صورت، خطای استراتژیکی رخ می‌دهد.

زرگران: صنایع غذایی در بازه سال‌های ۹۲ و ۹۳، ۱۶ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت را به خودش اختصاص داده است. بخش کشاورزی، ۹ درصد از تولید ناخالص ملی را داشته است. یعنی این بخش، بخش پرتوانی است و با توجه به سرمایه‌گذاری‌هایی که در آن صورت می‌گیرد، می‌تواند نقش بیشتری را در اقتصاد کشور ایفا کند. به همین دلیل پتانسیل بالایی دارد. نکته دیگر این است که این بخش از تکنولوژی‌های روز دنیا دور است و جای رشد تصاعدی دارد. مهم این است که سیاست بازار به نحوی تدوین شود تا امنیتی برای سرمایه‌گذار خارجی ایجاد کنیم. اما با سیاست‌های فعلی، تنها در حال فرصت‌سوزی هستیم. باید سیاست کلی پساتحریم توسط وزارتخانه‌های مربوطه نگاشته شود و با همکاری وزارت امور خارجه و اتاق بازرگانی بدانیم چه شرایطی را مهیا کنیم تا سرمایه‌گذار خارجی به کشور بیاید. اما بخش‌نامه‌های مدون و ملون طبیعتاً اتفاق خاصی نمی‌افتد.

❖ اگر قرار باشد قبل از این دوران پساتحریم، شمای کلی از وضعیت کشاورزی ایران داشته باشیم، چه مواردی را می‌توان عنوان کرد؟ به عبارتی در زمان حال،

سرمایه‌گذار خارجی پولش را جایی می‌برد که امنیت اقتصادی وجود داشته باشد. وقتی هنوز به این نقطه نرسیده‌ایم که امنیت سرمایه‌گذاری را تامین کنیم، و یکباره دولت بخش‌نامه‌ای را صادر می‌کند و تمام صنایع پایین‌دستی را دچار مشکل می‌کند، امنیت سرمایه‌گذاری از بین می‌رود



وضعیت و نظام کشاورزی ایران، نظام حمایتی - معیشتی است. بایستی از این مرحله در حالت گذار به یک مرحله حمایتی - اقتصادی برسیم.

یک راهی که بتوان تمام محصولات غذایی را تا ۲۰ درصد کاهش قیمت داد، این است که نظام عرضه را متحول و مانند کشورهای توسعه یافته از فروشگاه های بزرگ و مدرن استفاده کرد. طبیعتاً هزینه مارچین عمده فروشی باعث خواهد شد که هزینه های کمتری پرداخت شود و دیگر نیازی به پخش مویرگی نباشد. به طور مثال در منطقه یک تهران، ۴۶۰ سوپرمارکت وجود دارد که با توجه به منطقه یک و شیب کوهچاه، توزیع کالاها، برای شرکت ها خیلی هزینه بر خواهد بود. بنابراین اگر به جای این ۴۶۰ سوپرمارکت، ۳ یا ۴ فروشگاه بزرگ وجود داشت، هزینه توزیع و عرضه کالاها کاهش پیدا می کرد. بنابراین اگر ما به دنبال کاهش قیمت برای سبب خانوارها هستیم، باید به دنبال اشتباهات در سیستم هم باشیم، نه این که تنها به تولیدکننده فشار بیاوریم که نباید قیمت را افزایش دهد تا در نهایت او هم از ضرر و زیان به تعطیلی کشیده شود. در نهایت این می شود که صنایع ما با ۴۰ درصد ظرفیت کار می کنند. البته حتی این ۴۰ درصد هم به طور میانگین است، چرا که به طور مثال صنایع روغن کشی با ۱۰ درصد ظرفیت و صنایع آرد با ۵۰ درصد ظرفیت کار می کنند. در زنجیره غذا، تنها بخشی که به راحتی دارای شناسنامه و هویت و در دسترس است، صنایع تبدیلی است. اما به طور مثال هر نوع بخش نامهای که صادر می شود، باید در تمام زنجیره غذا شکل بگیرد. یعنی از ابتدا و مزرعه شروع شود و به مصرف کننده نهایی برسد. اما مثلاً در بخش ارزش افزوده تمام قدرت و زور روی صنایع تبدیلی است. این قسمت مجبور است در زمان خرید مواد اولیه، ارزش افزوده بپردازد، اما در زمان فروش به اصناف نمی تواند این ارزش افزوده را دریافت کند. به این دلیل که سازمان امور مالیاتی، تمام وظایفش را یکسان انجام نداده و صرفاً هر سال ارزش افزوده را افزایش داده است. به این ترتیب، آنها در اصناف صندوقی نصب نکرده اند تا بتوانند به فروش آنها نظارت کنند. به این ترتیب، اصناف می توانند به راحتی مالیات بر ارزش افزوده را نپردازند. بنابراین مالیات بر ارزش افزوده تنها از سهم سود تولیدکننده کسر می شود. همین اتفاق در حوزه سلامت و بهداشت هم تکرار می شود. به طور مثال، در ماده ۳۷ قانون برنامه پنجم گفته می شود که کالای آسیب رسان به سلامت باید بررسی شود. اما وزارت بهداشت تنها آدرس کارخانه ها را دنبال می کند و به سراغ آنها می رود. هر کالایی که نمک و چربی زیادی داشته باشد، آسیب رسان است. اما این در حالی است که در روح قانون عنوان نشده که کالای آسیب رسان به سلامت همان کالای خوراکی است. این کالا می تواند تنفسی و یا مدل دیگری باشد. اگر هم خوراکی است، آیا فقط شامل محصولاتی است که در کارخانه ها تولید می شود؟ آیا محصولاتی که در زیرپله ها تولید می شود، مشمول این قانون نیست؟ آیا محصولاتی که در مزارع به صورت خام برداشت می شود بدون هیچ آزمایشی به میادین میوه و تره بار برده می شود و مخاطرات خیلی شدیدی دارد، به حساب نمی آید؟ آیا در اصناف هر فرآورده خوراکی که مغازه های صنفی تولید می کنند و از حیث کالری بسیار بسیار غیراستاندارد می تواند باشد، نباید بر آن نظارت باشد؟ به طور کلی زمانی که تمام فشارها تنها به بخش شناسنامه دار وارد می شود، نتیجه این می شود که راندمان صنعت ۴۰ درصد است و خیلی از صنایع تولیدی به سمت اصناف می آیند تا همان جا هم تولید کنند و بفروشند.

چشم انداز شما برای حل مشکلات کشاورزی و صنایع غذایی و تبدیل شدن به کشوری با صنعتی پیشرفته چه بازه زمانی است؟

رجایی: ما در حال حاضر، مدل هایی برای انجام اقدامات مختلف در اختیار داریم و گمان می کنیم که در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۵ ساله بتوانیم به این هدف برسیم. شدنی است و از سرمایه های کشور می توان استفاده مطلوب تری کرد. منابعی مثل آب و خاک می تواند با صرفه جویی نتایج مطلوب تری داشته باشد. اما شرط این است که اراده کشور در این مسیر قرار بگیرد.

زرگران: چشم انداز برای شرایط آرمانی است. این یک رویاست و در کشور ما به این زودی ها محقق نخواهد شد. ساختار زنجیره غذا، از زمین تا تولید و بخش توزیع، دچار مشکلات عدیده ای است. همه این موارد نسبت به استانداردهای اروپا عقب مانده است. قوی ترین قسمت همان صنایع تبدیلی است که آن هم احتیاج به نظام های مختلف دارد.

در این مسیرها و مشکلات، بخشی از مسائل به تحریم ها مربوط بوده است. دولت و مجلس کجای این چرخه معطل قرار می گیرند؟

رجایی: متأسفانه در داخل کشور، تحریم های بیشتری برای تولید وجود داشته است. البته این موارد بخشی به قوانین، رویه های وزارت خانه ها، بانک و افراد بر می گردد که اگر اصلاح ساختار صورت بگیرد، مسائل هم حل خواهد شد.

مشکلات بخش کشاورزی شامل چه موضوعاتی می شود؟

زرگران: مشکلات مختلفی در بخش کشاورزی و صنایع مواد غذایی وجود دارد. یک بحث، بحث قیمت است. بانک مرکزی اعلام کرده است که در چهار سال گذشته، ۴۳ درصد قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا کرده است، یعنی به طور متوسط، سالی ۱۱ درصد. این ۱۱ درصد توأم شده است با افزایش حقوق و دستمزد، افزایش مالیات بر ارزش افزوده، افزایش هایی مثل سوخت و هدمندی یارانه ها، که اثرش در محصولات خوراکی، ۱۰-۱۱ درصد شده است. در حوزه لبنیات در چهار سال گذشته، ۱۱ درصد قدرت خرید مردم کاهش پیدا کرده است و هزینه ها هم به همان میزان افزایش داشته است. این ۲۲ درصد گپ سالانه باعث شده تا امروز کاهش سرانه مصرف شیر و لبنیات در کشور داشته باشیم. پس باید نتیجه گرفت که سیاست ها غلط بوده است. وقتی ۱۶ درصد یعنی ۲۷۰ تن شیر هر روز مازاد مصرف وجود دارد، و تبدیل به شیر خشک می شود و دپوی کارخانجات ۲۵ هزار تن و تعاونی های روستایی ۱۵ هزار تن است، یعنی سال هاست که سیر غلطی ادامه پیدا کرده و رویش پاشاری می شود. طبیعتاً ادامه این راه کشور را به مقصد نمی رساند. مشکلات هم به نظام قیمت گذاری بر می گردد. اقتصاد کشور باید به سمت اقتصاد آزاد دنیا برود و قیمت گذاری دستوری از سیاست های دولت حذف شود. ردیف بندی کالاها، بخش نامه بسیار بدی بود و ضررهای زیادی به کشاورزی و صنایع تبدیلی وارد کرد، بخش نامهای که اجازه افزایش قیمت را نمی دهد. در حالی که ۵ ماه از ابتدای سال می گذرد و دستمزدها ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده است، ارزش افزوده بیشتر شده، تعرفه ورودی کالاها از کشاورزی از ۴ درصد به ۷ درصد افزایش پیدا کرده، مولفه های مختلف تولیدی، اجرای فاز دوم هدمندی یارانه ها و افزایش نرخ سوخت عملی شده، اما هنوز به کارخانجات اولویت یک، اجازه افزایش قیمت داده نشده است. البته این طور نیست که آنها در این شرایط سود می کنند، بلکه برای صیانت از برندشان و کارخانه ای که به آن عشق ورزیده اند، ضرر می کنند و خودشان را دچار زیان انباشته می کنند، این زیان انباشته هم خودش را در تعطیلی کارخانجات نشان می دهد. امروز متأسفانه جمع ظرفیت فعال صنایع غذایی کشور، ۹۰ میلیون تن است. یعنی ۹۰ میلیون تن، واحد داریم که از نظر ظرفیتی فعال هستند. اما ظرفیت مان ۲۳۵ میلیون تن است. یعنی راندمان ۴۰ درصد است. ظرفیت طرح های نیمه تمام، ۵۰۰ میلیون تن است. یعنی زیرساخت ها و پتانسیل ها برای رشد وجود دارد، اما وضعیت کشور اجازه رشد نمی دهد. ما باید سیاست های اولیه را پیگیری کنیم. البته از موانع اصلی رشد، فشارهایی بود که در دو سال آخر دولت دهم به صنایع وارد شد. علی رغم این که امید داشتیم در دولت جدید این سیاست ها رفع شود، اما همان سیاست ها به غلط در حال پیگیری است. قیمت گذاری دستوری آفت اقتصاد است.

رجایی: در حال حاضر، وضعیت و نظام کشاورزی ایران، نظام حمایتی - معیشتی است. بایستی از این مرحله در حالت گذار به یک مرحله حمایتی - اقتصادی برسیم، و بعد از این به یک نظام بهره ور اقتصادی. از این سه مرحله باید گذر شود، و اگر در این مسیر درست حرکت کنیم، می توانیم به امنیت غذایی کامل برسیم و در بازارهای جهانی دنیا، سهم داشته باشیم. به خصوص غذای حلال دنیا. پیش بینی ما این است که اگر خوب پیش برویم، می توانیم ۳۰ درصد از سهم غذای حلال دنیا را در اختیار داشته باشیم.

۳۰ درصد رقم بسیار بالایی است.

رجایی: بله، اما شدنی است.

آقای زرگران، شما از اقتصاد آزاد و دستوری نبودن قیمت ها صحبت می کنید، چطور می توان بدون دستور، از افزایش قیمت ها جلوگیری و بازار را کنترل کرد؟

زرگران: راه های زیادی وجود دارد که بتوان قیمت مصرف کننده را کاهش داد. مثل نظام قیمت گذاری کالا و روش های مختلف عرضه کالا. در تمام دنیا مارچین عمده فروشی و خرده فروشی متفاوت است. در کشور ما نظام توزیع و فروش محصولات غذایی در سوپرمارکت ها، خرده فروشی است. آنها فروشگاه های کوچکی هستند که هزینه های سربار زیادی دارند که به تبع آن مجبورند مارچین بیشتری را از خریدار طلب کنند. در همه جای دنیا، شهرداری ها وظیفه دارند به نحوی خدمات رسانی کنند تا این فروشگاه ها در اختیار مردم قرار بگیرد. در محصولات خام کشاورزی، شهرداری تهران تا حدودی موفق بوده اما در حوزه فروشگاه های بزرگ زنجیره ای، به جای سیاست های خدماتی، سیاست های درآمدزایی وجود دارد و به نظر من به بیراهه رفته اند و نتوانسته اند خدمات ارائه دهند. بنابراین



گزارش خبرنگاران آینده‌نگر از سه پدیده بزرگ اقتصاد ایران زیر آسمان‌های جهان

گزارش‌های تحقیقی این بخش تلاش می‌کنند، تصویری دقیق از اقتصاد امروز ایران را نمایش دهند. بخش گزارشگر از این پس در ماهنامه آینده‌نگر با شیوه‌راهنمایی ارائه گزارش‌های میدانی فعالیت می‌کند. آنچه می‌خوانید گزارش‌هایی از بحران آب، بیکاری، اینترنت و اقتصاد فرهنگ در این شماره تلاش کرده تا تصویری روشن از فضای اقتصادی کشور نمایش دهد

در حال حاضر اقتصاد ایران با بحران بیکاری بیش از ۲۵ درصدی مواجه است **۲۵٪**

به گفته برخی مدیران وزارت صنعت، معدن و تجارت حدود ۷۰ درصد صنایع کشور فرآیندها را متوقف کرده‌اند **۷۰٪**

اقتصاد ایران با رشد اقتصادی ۳ درصدی فاصله بسیاری برای رسیدن به دوران رونق دارد **۳٪**



بیکاران به صف

گزارش تحلیلی آینده‌نگر از بحران بیکاری در ایران

ریحانه یاسینی

رضا ۲۸ سال دارد و مهندس برق است. مدرک مهندسی‌اش را چهار سال پیش از دانشگاه آزاد گرفته و بعد از دو سال سربازی و پایان خدمت، همه‌جا را به دنبال کار زیر و رو کرده است. او به آینده‌نگر می‌گوید: «خیلی جاها مصاحبه داده‌ام و دوسه باری در بعضی شرکت‌های دولتی برای تکنیسین برق تا مراحل آخر پیش رفتم. اما هر بار نشد. یک‌بار پرسیدند نماز غفیله چیست و نتوانستم جواب دهم، یک‌بار هم گفتند در نماز جمعه شرکت نمی‌کنی و رد هستی.» او در نهایت در حراست یکی از واحدهای صنعت نفت کاری پیدا کرد و قرار بود از اول مردادماه به عنوان نگهبان سر کار رود و ماهی یک‌میلیون تومان دریافت کند. اگر چه پس از چند ماه دوندگی و عبور از چند مرحله مصاحبه، برای این کار پذیرفته شده بود. اما روزی که قرار بود سر کار رود، انصراف داد. او می‌گوید: «هر چه فکر می‌کنم می‌بینم من چند سال درس نخواندم که آخرش نگهبان شوم. اصلاً کدام خانواده‌ای به یک پسر نگهبان دختر می‌دهد؟ باز هم دنبال کار می‌گردم و خوش‌بینم که آخرش کاری اداری در حد و اندازه خودم پیدا می‌کنم.» رضا در جنوب تهران، در یکی از شهرک‌های کنار جاده خاوران زندگی می‌کند، پراید پدرش را در اختیار دارد و حاضر به جابه‌جایی مسافر یا کار در آژانس نیز نیست.

او در بازار کار کنونی از جوان‌های خوش‌شانسی محسوب می‌شد که با مدرک لیسانس توانسته بود چنین شغلی پیدا کند. ۲۳ جوان دیگر در سن و سال او با مدرک فوق لیسانس، به‌تازگی در شهر داری خرم‌آباد به عنوان «رفتگر» استخدام شده‌اند. این خبر در هفته‌های اخیر بازتاب گسترده‌ای داشت و شخصیت‌های فرهنگی و هنری نیز مانند تهمینه میلانی، در شبکه‌های اجتماعی به آن واکنش نشان دادند. واکنش‌ها به این علت بود که این ۲۳ نفر، بعد از ۱۸ سال درس خواندن و صرف هزینه‌های مادی و معنوی قابل توجه از طرف نهادهای آموزشی کشور و خانواده‌هایشان، به رفتگری رسیده‌اند.

آیا دانشگاه عمر جوانان را تلف می‌کند؟

اگر چه در ماه اخیر گویندگان اخبار سراسری صدا و سیما با خوشحالی اعلام کردند برای تمام ۸۷۷ هزار و ۸۳۵ شرکت‌کننده در کنکور سراسری ۹۴، صندلی در دانشگاه‌ها وجود دارد، اما به اعتقاد کارشناسان، توسعه غلط دانشگاه‌ها، یکی از اصلی‌ترین عوامل رقم خوردن این وضعیت است. مهدی منتظر قائم، مدیر گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران پیش از این در مصاحبه با هفته‌نامه «صدا» گفته بود: «آمارها نشان‌دهنده این است که تمام هزینه‌هایی که صرف توسعه دانشگاه‌ها شده تنها به توسعه و رفاهی منجر نشد، بلکه با مکانیسم‌های غلط عرضه نیروی کار انتظارات فارغ‌التحصیلان را بالا برد و سبب بیکاری آنها شد.» حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه الزهرانی در این خصوص به آینده‌نگر می‌گوید: «این وظیفه دانشگاه و آموزش عالی است که ظرفیت‌های جامعه را به عنوان نیروی انسانی ارتقا دهد. ناتوانی‌ها و مشکلات بازار کار در ایران به این معنا نیست که دانشگاه هم نباید کار خودش را انجام دهد. بحران بازار کار متأثر است از عوامل متعددی که کنار هم وضعیت کنونی را رقم زده‌اند. برای کشوری با اقتصاد ایران، و ظرفیت‌های بالای این اقتصاد به هیچ وجه قابل قبول نیست که ناتوانی در خلق شغل تا این



اندازه وجود داشته باشد. این ناشی از نابسامانی‌های فضای اقتصادی کشور است.»

او سیاست‌های متناقض دولتی را عامل اصلی بحران بازار کار می‌داند و می‌گوید: «سیاست‌های متناقضی که در عرضه ظرفیت‌های اقتصاد توسط نهادهای مختلف و غیر مسئول اجرا می‌شود، این وضعیت را رقم زده است. با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی کشور این سطح از اشتغال اصلاً قابل قبول نیست. به علت حضور نهادهای غیر مسئول، بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار قاچاق در عرصه اقتصاد کشور وجود دارد. این به منزله تخریب بنیان‌های تولید و اشتغال کشور است. فرصت‌های رقابت به دلیل حضور شبه‌انحصاری هامنثی شده است. و ظرفیت‌های اشتغال به میزان کافی فراهم نمی‌شود. اگر مدیریت درست و متناسب با ظرفیت اقتصاد ایران باشد، می‌تواند ده‌ها میلیون شغل دیگر ایجاد کند.»

طبق آمارهای موجود در فاصله سال‌های ۸۳ تا ۹۱ از مجموع ۲۶ تا ۳۵ میلیون بیکار کشور، ۱۷ تا حدود ۲۳ میلیون نفر در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال قرار داشته‌اند. به عبارت دیگر، کشور در ۸ سال گذشته در اوج تقاضای کارجویان برای کار قرار داشته و طبق گفته کارشناسان، فشار تقاضا برای ورود به بازار کار تا حداقل نیمه دهه ۹۰ نیز ادامه خواهد یافت. در سال‌های اخیر بالاترین نرخ بیکاری مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال بوده که رقمی حدود ۲۵ درصد بوده است، رقمی که دو برابر میزان بیکاری عمومی است. فاصله و شکاف نرخ بیکاری جوانان و نرخ بیکاری عمومی در کشور حداقل ۱۰ درصد است که فاصله قابل توجهی است. طبق آمار رسمی و اظهار نظر مقاماتی مانند وزیر کار، در حال حاضر نیز ۶ میلیون جویای کار در کشور وجود دارند و در سال‌های پیش رو ۷ میلیون دیگر به این تعداد اضافه خواهند شد. ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر آنها را نیز فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود در صورت حل نشدن بیکاری این دسته از جوانان طی ۲ سال آینده، یک سونامی ۵ میلیون نفری از بیکاران مطلق در کشور به راه افتد.

حسین راغفر اعتقاد دارد دانشگاه در رقم خوردن این وضعیت چندان مقصر نبوده است. او برای آینده‌نگر توضیح می‌دهد: «در چنین شرایطی دانشگاه باید مسئولیت خودش را در تربیت نیروی انسانی ایفا کند و نمی‌شود بگوییم این نهاد مقصر است. البته دانشگاه هم در شرایط کلی اقتصاد ایران، و در چنین فضای پولی شده‌ای، مصون از بقیه آسیب‌های جامعه نیست و محصولی که تولید می‌کند، بیشتر جنبه انتفاعی دارد تا کیفیت آموزشی. از جمله مسببان

راغفر: «نقش دولت در خلق شغل بسیار مهم بوده، اما تاکنون مثبت عمل نکرده است. نتایج آسیب‌زای سیاست‌های دولت قبلی هم در دولت یازدهم خودش را نشان داده و به مشکلات کشور اضافه کرده است. اما باعث نمی‌شود دولت بتواند عملکرد خودش را توجیه کند»





گزارش‌های مرکز آمار نشان می‌دهد بیشترین نرخ بیکاری برای گروه جوانان ۲۴ تا ۲۹ سال است. این بحران بزرگی است که جوان‌های ما کار ندارند و درجه کارآفرینی تا این حد پایین است.

رأی‌پسند اما در مرکز استان که اینطور نیست. اکثریت دخترها دنبال تحصیلات دانشگاهی می‌روند اما بعد از فارغ‌التحصیلی کاری گیرشان نمی‌آید.»

جدیدترین آمار از وضعیت بازار کار نیز مربوط به بانک مرکزی می‌شود. در هفته اول مردادماه، بانک مرکزی خلاصه‌ای از نتایج بررسی بودجه‌خانواری شهری در سال ۱۳۹۳ را منتشر کرد. بر اساس این گزارش، در ۵۸ درصد خانوارهای ایرانی یک نفر شاغل وجود دارد. اما در ۲۳.۷ درصد آنها نیز، هیچ فردی دارای اشتغال نیست. در مقایسه با سال ۹۲، در صد خانوارهای ایرانی با یک نفر شاغل افزایش و در صد خانوارهای بدون فرد شاغل، با دو نفر شاغل و با سه نفر شاغل و بیشتر کاهش یافته است.

البته این تفاوت‌ها بسیار ناچیز بوده، به طوری که خانوارهایی با یک نفر شاغل در مقایسه با سال ۹۲، یک درصد افزایش یافته و خانوارهای بدون فرد شاغل سه درصد کاهش یافته‌اند. خانوارهایی با دو نفر شاغل نیز نیم درصد و با سه نفر شاغل و بیشتر چهار درصد کاهش یافته‌اند.

بررسی آمارها و نظرات کارشناسان، نشان می‌دهد دولت بازدهم نیز تاکنون نتوانسته است گام مثبتی برای حل مشکلات بازار کار بردارد و اقتصاددانان لیبرال و نهادگرا، از عملکرد وزارت خانه‌های دولت در این زمینه راضی نیستند. طبیعتاً، اقتصاددان لیبرال، گفته‌اراده‌ای برای اصلاح روندهای غلط گذشته در تیم اقتصادی روحانی نمی‌بیند و راغفر، اقتصاددان نهادگرا نیز معتقد است دولت در خلق شغل توفیقی نداشته است.

تاریخ مملکت، زندگی جوان‌های امروز را به کجا خواهد برد

با توافق هسته‌ای، امید به گشایش در بسیاری از عرصه‌های کشور ایجاد شد. حسین راغفر اعتقاد دارد توافق هسته‌ای تحولی را نیز در بازار کار کشور پدید خواهد آورد و امید به بهبود این فضا در سایه توافق هسته‌ای، واهی نیست. او می‌گوید: «ما باید انتظار این را داشته باشیم که بعد از اجرای توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها، اوضاع بازار کار نیز بهبود یابد. اما این به داشتن برنامه فعال از سوی دولت مشروط است. رئیس‌جمهور هم تأکید می‌کند سرمایه‌های آزاد شده باید در بخش تولید استفاده شود، این نکته بسیار درستی است و می‌تواند به خلق شغل معطوف شود. اما نیازمند برنامه دقیق از سوی دولت است.» او ادامه می‌دهد: «ما شاهد چنین برنامه‌ای نیستیم. دولت می‌تواند برنامه‌ای برای بهره‌گیری از حضور سرمایه‌گذارهای خارجی در داخل کشور تدوین کند که به افزایش دسترسی به دانش فنی و فناوری‌های جدید کمک کند و به خلق شغل نیز بینجامد. اما تمام اینها مشروط به این است که دولت برنامه مشخصی داشته باشد. در غیر این صورت ممکن است این اهداف تأمین نشود یا تحقق ناچیزی داشته باشد.»

راغفر نیز مانند سایر کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارد دوره جدیدی از تاریخ پیش روی کشور و زندگی جوانان گشوده شده است. او می‌گوید: «ظرفیت تاریخی جدیدی در اقتصاد کشور رقم خورده است. اصلاح فضای کسب و کار کشور، جلوگیری از قاچاق و خروج نیروهای متخصص از اقتصادمان، شروط دیگری است که بتوانیم از ظرفیت‌های این دوره تاریخی استفاده کنیم.»

جمع‌بندی آمارها و نظرات کارشناسان نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل، بحران بازار کار را در کشور رقم زده‌اند. دانشگاه‌ها توسعه نادرستی داشته‌اند و توقعات جوان‌ها با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد. نظام معیوب و ناکارآمد اقتصادی و دولتی نیز، این عوامل را احاطه کرده است. هر چه بوده و هر چه هست، حالا کشور در دورانی قرار گرفته که می‌تواند تاریخ عوض شود. اگر تیم اقتصادی دولت نیز مانند تیم دیپلماسی آن عمل کند، می‌توان امیدوار بود زندگی جوانان امروز به سرنوشت آن جوان‌هایی دچار نشود که به گفته تلخ مسعود نیلی، تا آخر عمر فرصت تجربه کردن اشتغال را از دست داده‌اند.

شکل‌گیری معضلات ناشی از دانشگاه، فضای عمومی و دولتی است که مدرک‌گرایی را باب کرده. به جای آن که سیاست‌ها طوری باشند که به ارتقای ظرفیت‌های انسانی کمک کنند، به سمت مدرک‌گرایی رفتیم.» او ادامه می‌دهد: «اگر دانشگاه‌ها وظیفه‌شان را برای ارتقای سرمایه به درستی انجام دهند، تأثیرات سرمایه بزرگی که شکل می‌گیرد، می‌تواند خلق شغل و ثروت کند. ولی نظام اقتصادی از همین ظرفیتی هم که دانشگاه دارد، حمایت نمی‌کند و ما شاهد فرار مغزها هستیم.» راغفر اعتقاد دارد نظام بانکی، یکی از مقصران اصلی بحران بیکاری است. او می‌گوید: «نظام بانکی مادر خدمت خلق شغل و توسعه کشور نیست، بلکه در جهت تخریب اقتصاد کشور گام برمی‌دارد. همه اینها کنار هم سبب می‌شود آشفته‌بازاری در بازار کار و اشتغال شکل بگیرد. منتها عده‌ای مسئولیت دانشگاه را در تربیت نیروی انسانی و فراهم آوردن ظرفیت‌هایی برای ارتقای سرمایه انسانی زیر سؤال می‌برند و می‌گویند تحصیل، جوانان را از اشتغال دور می‌کند.»

آمارها چه حکایتی از عملکرد دولت دارند

«آمارهای رسمی اقتصادی نشان می‌دهد مادر ازای درآمدهای نفتی که خرج می‌کنیم، شغل ایجاد نمی‌کنیم. دکتر نیلی یک بار حرف جالبی زد، ایشان گفت بسیاری از جوان‌های ما برای همیشه فرصت داشتن شغل را از دست داده‌اند. جوان‌هایی که در ۲۴ سالگی دنبال کار بوده‌اند و حالا در ۳۲ سالگی هنوز بیکار هستند، دیگر فرصت پیدا کردن شغل هم ندارد. آنها کسانی هستند که بهترین دوران عمرشان را در جست‌وجوی کار بوده‌اند. گزارش‌های مرکز آمار نشان می‌دهد بیشترین نرخ بیکاری برای گروه جوانان ۲۴ تا ۲۹ سال است. این بحران بزرگی است که جوان‌های ما کار ندارند و درجه کارآفرینی تا این حد پایین است.» اینها جملاتی است که هفته دوم مردادماه، محمد طیبیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه در همایشی در اتاق تهران در جمع فعالان اقتصادی بیان کرد. به گزارش آینده‌نگر، او در ادامه صحبت‌هایش در خصوص وضعیت بیکاری گفت: «نامی توانیم همه چیز را گردن دولت قبلی بیندازیم؟ از دولت فعلی هم باید بپرسیم شما چه کار می‌کنید؟ من به روحانی ادرت دارم، حامی دولتش هستم و به او رأی داده‌ام، اما روندی که برگرداندن ما را به مسیر درست ایجاد کند، در تیم اقتصادی نمی‌بینم.» طیبیان همچنین وضعیت بازار کار را برای زنان با این جمله توصیف کرد: «اقتصاد ما نسبت به خانم‌ها کم‌لطف‌تر از سایرین است. آنها فقط می‌توانند در بعضی بخش‌های اداری و خدماتی به صورت سالم کار کنند. آمارها نشان می‌دهد ۵۰ درصد خانم‌های در جست‌وجوی شغل، در سنین جوانی بیکار هستند. این نرخ دو برابر مردان است. البته بررسی‌های میدانی بیانگر این است که نرخ بیکاری خانم‌ها بسیار بالاتر است. اما چون هیچ امیدی برای پیدا کردن کار ندارند، اصلاً تقاضایی از سوی بسیاری از زنان برای ورود به بازار کار شکل نمی‌گیرد.» بر اساس گزارش‌های مرکز آمار، بالاترین نرخ بیکاری کشور یعنی ۵۰.۴ درصد، مربوط به زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله شهری است. جزئیات این گزارش نشان می‌دهد میانگین نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله در کشور ۳۸.۹ درصد است. پایینترین نرخ بیکاری زنان در این گروه سنی مربوط به آذربایجان شرقی با ۲۰ درصد، و بعد از آن تهران با ۲۱.۱ درصد است. اما بالاترین نرخ بیکاری در این شاخص، به استان کهگیلویه و بویر احمد با ۷۳.۳ درصد، تعلق دارد. بعد از آن، استان چهارمحال و بختیاری با ۶۵.۶ درصد در رتبه دوم از نظر بیکاری زنان جوان قرار گرفته است. نرس ۲۳ ساله، فارغ‌التحصیل داروسازی از دانشگاه سراسری اصفهان است و در شهر کرد، مرکز چهارمحال و بختیاری زندگی می‌کند. او نبود فرصت‌های کاری را مهمترین دلیل بیکاری جوانان استان خودش می‌داند و برای آینده‌نگر توضیح می‌دهد: «دختر و پسرش فرقی نمی‌کند، اینجا کار و شغلی نیست. حالا برای زن‌ها که بدتر. در بعضی شهرهای استان بافت فرهنگی به شکلی است که اشتغال زن

بحران بیکاری جدی است؟

۴۰

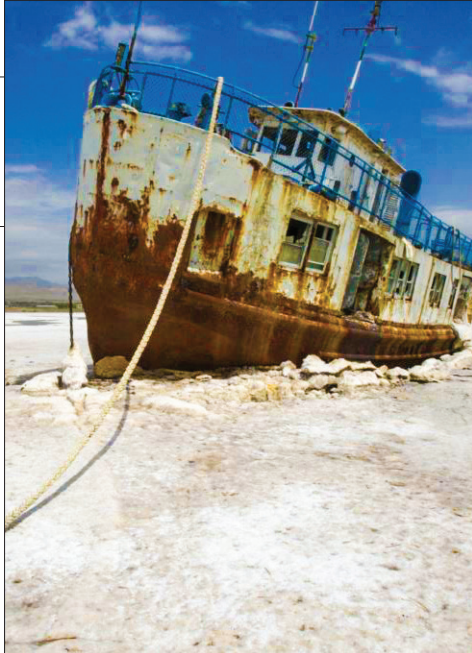
درصد نرخ بیکاری زنان

۲۴

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال

۶۰

درصد نرخ مشارکت اقتصادی زنان



بحران آب چقدر جدی است؟

گزارش تحقیقی آینده‌نگر از بحران آب در کشور

ریحانه یاسینی، راضیه علی‌پور

«آب هست، ولی کم است». بعد از بازی‌های تیم ملی والیبال ایران در جام جهانی، دیگر کسی نیست که این جمله را نشنیده باشد. بحران آب و مصرف بی‌رویه تا جایی کشور را با چالش مواجه کرده که مسئولان وزارت نیرو راه فکر تبلیغات در بازی‌های جام جهانی والیبال انداخت. آنها به سعید معروف، کاپیتان تیم ملی که چند سالی است نزد مردم محبوبیت بالایی پیدا کرده، عنوان نخستین «سفیر آب» را دادند. در جریان بازی‌های والیبال کمپین «آب هست، ولی کم است» بر روی لباس بازیکنان و فضای ورزشگاه آزادی نیز تبلیغاتی انجام داده بود تا شاید از این طریق بتواند در افکار عمومی جدی بودن این بحران را جا بیندازد. بر اساس آمار وزارت نیرو، در سال گذشته سدهای «لار»، «سفیدرود»، «شهرچای»، «دوستی» و «دروذن» به ترتیب با بیشترین افت ذخایر آبی نسبت به سال مقابل آن مواجه شدند. بحران کمبود آب در ۵۱۷ شهر بزرگ و کوچک کشور در حالی است که از میان ۱۸ سد مهم ایران، تغییرات حجم مخزن ۱۲ سد نسبت به سال آبی مقابل منفی است. آمارها نشان می‌دهند بارندگی هادر استان تهران نسبت به سال گذشته ۱۵ درصد و نسبت به میانگین درازمدت ۳۰ درصد کاهش داشته است؛ در کل کشور نیز ۸ درصد نسبت به گذشته کاهش یافته است. خسرو ارتقایی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران می‌گوید: «میزان بارندگی پایتخت از ابتدای سال آبی یعنی از اول مهرماه ۱۳۹۴ تاکنون بالغ بر ۲۶۶ میلی‌متر بوده است که در مقایسه با آمار درازمدت ۴۶ ساله که نرمال آن ۳۳۰ میلی‌متر است ۱۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد». به گفته او، جمعاً ۸۱۶ میلیون مترمکعب آب در سدهای پنج‌گانه استان تهران موجود است. ارتقایی می‌گوید: «در مقایسه با شرایطی که بارندگی خوب باشد حدوداً ۱۴۶ میلیون مترمکعب نسبت به شرایط نرمال کسری داریم». آمارهای سازمان هواشناسی ایران نشان می‌دهد متوسط بارندگی سالانه در کل کشور با ۲۵۰ میلی‌متر برابر با ۳۱ درصد از متوسط بارندگی آسیا با ۶۴۵ میلی‌متر و برابر با ۲۸ درصد متوسط بارندگی جهان با ۷۵۰ میلی‌متر است. این اعداد به خوبی نشان می‌دهند که ایران در مقایسه با جهان و حتی آسیا، در وضعیت بحرانی بارندگی به سر می‌برد. به این مسئله، توزیع ناهمگن بارش در سطح کشور را نیز باید افزود. کشور ایران از لحاظ جغرافیایی در کمربند خشک و نیمه‌خشک کره زمین واقع شده و ۹۰ درصد از مساحت آن جزو مناطق خشک و نیمه‌خشک است، به شکلی که ۵۶ درصد از مجموع بارندگی سالانه ایران، تنها در ۳۰ درصد از پهنه کشور رخ می‌دهد و نگاهی به متوسط بارندگی کلان‌شهرهای کشور طی ۴۰ سال گذشته، نشان می‌دهد بندانزلی با ۱۶۷۵ میلی‌متر و یزد با ۵۳ میلی‌متر بیشترین و کمترین مقدار بارش را داشته‌اند.

فرود شریفی، قائم‌مقام توسعه فناوری آب در معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری می‌گوید: «در حال حاضر سرانه آب ایران کمتر از ۱۹۰۰ مترمکعب است و این در حالی است که این رقم در پنجاه سال قبل حدود ۷۰۰۰ مترمکعب بوده است. با توجه به رشد جمعیت پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ میلادی سرانه آب ایران حدود ۱۴۰۰ مترمکعب باشد و جزو کشورهای دارای تنش خشکی قرار بگیریم. یعنی حتی در صورت عدم وقوع خشک‌سالی، کشور به سمت خشکی بیشتر پیش می‌رود». شریفی در خصوص پراکندگی وضعیت خشک‌سالی نیز می‌گوید: «خشک‌سالی متوسط در تمام نقاط کشور

فرشاد مؤمنی:
«متأسفانه در زمان قاعده‌گذاری‌ها، مردم به دلیل اسراف انرژی تنبیه می‌شوند. در ماجرای آب نیز مشابه این قضیه اتفاق افتاده است. اما براساس گزارش‌ها یک سوم اتلاف آب در شهرها به دلیل پوسیدگی خطوط لوله است.»



به جز بخش مرکزی به صورت پراکنده و با وسعتی در حدود ۳،۱۵ درصد دیده می‌شود، به طوری که در کرانه‌های خلیج فارس، حاشیه غربی دریای خزر، شهرستان‌های زاهدان، خاش و ایرانشهر و همچنین دو نوازی که از جنود به سمت قم و اراک و دیگری از جنود به سمت طیس کشیده شده، نمود پیدا کرده است. خشک‌سالی شدید با وسعت ۸،۰ درصد، شهرستان‌های زهک و کنگان هم را در بر گرفته است. خشک‌سالی بسیار شدید با وسعت ناچیز ۲،۰ درصد در شهرستان‌های زابل و نهبندان به وقوع پیوسته است. ایمان بابائیان، سرپرست گروه پژوهشی تغییر اقلیم مرکز ملی اقلیم‌شناسی هم سال گذشته اعلام کرده بود: «گزارش‌های سازمان‌های جهانی نشان می‌دهد حدود ۴۰ سال دیگر، منطقه خاورمیانه و از جمله ایران با ۳۰ سال خشک‌سالی شدید مواجه خواهد شد که این خشک‌سالی در سال‌های اخیر آغاز شده است.» بر اساس داده‌های به دست آمده از مطالعات دمای هوای کشور نیز تا ۹۰ سال آینده میزان بارش کاهش و میزان دما افزایش می‌یابد، ضمن آن که سفره‌های آب زیرزمینی نیز از بین می‌روند. بال‌حظه‌ای تأمل در این آمار و ارقام، به‌سادگی می‌توان دریافت مسائل مربوط به آب در کشور بسیار فراتر از حد هشدار است و زندگی آینده کودکان امروز، با خطر جدی مواجه است.

مردم، کشاورزان، دولت؛ مقصر کیست

تمام کمپین‌های تبلیغاتی دولتی و مدنی، تمرکز خود را روی مصرف مردم گذاشته‌اند، انگشت اتهام مصرف‌بالانیز همیشه به سوی مصرف عمومی مردم بوده است، در حالی که سهم آنها از کل آب کشور تنها ۲ درصد است. حمید چیت‌چیان، وزیر نیرو، با انتقاد از فروش رایگان آب به کشاورزان در گذشته، گفته است: «هم‌اکنون ۲ درصد آب در بخش صنعت، ۶ درصد در بخش شرب و ۹۲ درصد در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، اما آمار جهانی مصرف آب کشاورزی حدود ۷۵ درصد است». این در حالی است که عبدالمهدی بخشنده، معاون وزیر جهاد کشاورزی در همایش روز ملی آمار در تهران گفته است: «آمارهای غیردقیق خطای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها را بیشتر می‌کند و بارها آمار مصرف ۸۸ میلیارد مترمکعب منابع آبی در کشاورزی تکرار می‌شود که پایه علمی ندارد و معلوم نیست در کجا برآورده شده است. روش‌های سنتی آمارگیری پاسخ‌گو نیست و هنوز آمار دقیقی از سطح زیر کشت نداریم و البته برآورد می‌شود از مجموع ۱ میلیون اراضی کشور حدود ۸،۷ میلیون هکتار اراضی آبی باشد». براساس یک شاخص جهانی، کشوری که تا ۲۰ درصد منابع آب تجدیدشونده خود را استفاده کند، وضعیت مطلوبی دارد. بین ۲۰ تا ۴۰ درصد وضعیت قابل قبول است؛ ۴۰ تا ۶۰ درصد در مرحله تنش آبی است و ۶۰ تا ۸۰ درصد در مرحله بحران آبی. با این تعریف، ایران دقیقاً در مرحله بحرانی قرار دارد. از طرف دیگر به سبب کاهش شدید بارش‌ها و افزایش دمای هوا که تبخیر آب‌های سطحی را به همراه



در کشور همیشه انرژی ارزان در دست مردم بوده، به همین دلیل هم مصرف بسیار ناسالم شده است. اتلاف انرژی در ایران بسیار بالا و میزان مصرف هم بسیار بالاتر از آمارهای جهانی است.

منابع طبیعی مان، تولید کمی نسبت به مصرفمان داریم. این رویه را باید عوض کنیم. زمانی که مصرف بالا است و قیمت حامل‌های انرژی هم پایین است، راه برای قاچاق باز و باعث می‌شود سالانه ۷ میلیارد دلار قاچاق بنزین و مواد غذایی داشته باشیم. این رقم بالایی است و اگر به جای قاچاق در چرخه تولید وارد شود، باعث می‌شود درآمد بالا رود و بهینه‌سازی صورت بگیرد.»

چه باید کرد

بررسی فضای حاکم بر کشور نشان می‌دهد در صدا و سیما مردم مقصر مصرف بی‌رویه آب نشان داده می‌شوند و در سایر رسانه‌ها و فضاهای دانشگاهی، تقصیر زیادی نیز به گردن کشاورزان، دولت و شهرداری‌ها انداخته می‌شود. به نظر می‌رسد هیچ کدام از این دسته‌ها در بحران آب بی‌تقصیر نباشند، اما در هیچ کدامشان نیز تلاش جدی برای اصلاح رویه جاری دیده نمی‌شود. حمیدرضا صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران اعتقاد دارد افزایش قیمت حامل‌های انرژی راه حل این مشکل خواهد بود. صحبت از افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای کارشناسان و متولیان امور ساده است، اما در نظر مردمی که با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، بی‌کفایتی دولتمردان جلوه می‌کند. حمیدرضا صالحی می‌گوید: «در صورت بالا رفتن قیمت، مردم از پر مصرف بودن فاصله می‌گیرند. در نتیجه مصرف متعادل می‌شود و همان هزینه قبلی‌شان را می‌پردازند. از طرف دیگر هم وقتی درآمدهای کشور از حامل‌های انرژی بالاتر رود، درآمد دولت بالا می‌رود و می‌تواند به حقوق بگیران بیشتر حقوق دهد و توانایی خرید مردم هم بالا می‌رود.» اما فرهاد مؤمنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبائی، اعتقاد دارد افزایش قیمت حامل‌های انرژی نمی‌تواند راه حل درستی باشد. او می‌گوید: «افزایش قیمت آب برای کنترل مصرف زمانی یک راه حل خواهد بود که همه تنگناها و مشکلات این حوزه حل شده باشد. اما در زمانی که با ناکارآمدی و سوءتدبیر مواجه هستیم، افزایش قیمت‌ها مشکلی را حل نمی‌کند.» مؤمنی در یکی از نشست‌های دانشگاهی «آب، فرهنگ و جامعه» نبود ستاد حاکمیتی کارآمد در موضوع آب را مشکل اصلی این بخش دانسته و گفته است: «باید بین وزارتخانه‌های مرتبط با موضوع آب شامل وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و نیرو و همچنین سازمان‌های بازرسی و حفاظت محیط زیست، یک نهاد حاکمیتی شکل گیرد. باید حواسمان باشد که اقتصاد رانتی منافع کوتاه‌مدت را قربانی مصالح بلندمدت نکند، ضمن این که در برنامه‌ریزی‌ها به این نکته توجه شود که موضوع آب به اندازه موضوع مسکن و غیره مهم است.» او با اشاره به این که در لایحه بودجه علایم جدی درباره قفل‌شدگی تاریخ یا وابستگی به تاریخ دیده می‌شود، گفته است: «متأسفانه در بودجه ۹۴ هیچ ردی از دریافت پیام بحرانی بودن مسئله آب دیده نمی‌شود، زیرا به شکل ظاهری منابعی تخصیص یافته اما با توجه به جزئیات درمی‌یابیم که منافع گروه‌های بانفوذ در بودجه دیده می‌شود.» صالحی در خصوص نقش بخش خصوصی در اصلاح این ساختارهای غلط، چنین توضیح می‌دهد: «بخش خصوصی همیشه باید نقش تأثیرگذاری در سیاست‌های دولت داشته باشد. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی می‌تواند با ایجاد برنامه‌ای به دولت کمک کند و و با راهکارهایی که در مورد بهینه‌سازی ارائه می‌دهد، خودش را برای اصلاحات اقتصادی همراه دولت نشان دهد. اتاق سابقه دارد که برای قضیه هدررفت برق به مجلس رفت و قانون نوشت. در بند "ز" ماده ۱۴۲ قانون پنجم درباره تلفات برق، بخش خصوصی برنامه نوشت و خودش هم برای سرمایه‌گذاری در این حوزه اعلام آمادگی کرد. مشکل‌های ما این کار را کردند و در برنامه پنجم توسعه نقش داشتند. در برنامه ششم هم که الان در حال تدوین است، اتاق و دولت برای جلوگیری از هدررفت انرژی، رفتن به سمت آزادسازی و افزایش درآمد، در راستای هم هستند.»

داشته، در سال‌های گذشته بیش از ۷۰ درصد آب مصرفی تهران از طریق سدها تأمین می‌شده، اما استفاده از آب چاه‌ها ۱۰ درصد بیشتر شده. از ۹۰ درصد آب اختصاصی به بخش کشاورزی، ۶۰ درصد هدر می‌رود. با این حال، تمرکز روی مصرف آب توسط مردم قرار گرفته که کل آب اختصاصی‌شان ۲ درصد است. البته همین سهمی که ممکن است اندک به نظر برسد، بسیار بالاتر از آمارهای جهانی است. سرانه مصرف روزانه آب در ایران ۳۰۰ و در جهان ۱۵۰ لیتر است، مردم ایران دو برابر میانگین جهانی آب مصرف می‌کنند.

فرهاد مؤمنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبائی، اعتقاد دارد اقدامات دولتی و حکومتی، بیش از مصرف مردم در بحران آب نقش دارد. او در نشستی با عنوان «آب، فرهنگ و جامعه» گفته بود: «با دقت در جزئیات مسئله می‌فهمیم که کشاورزی قربانی سازه‌های فکری خاص شده است. برخی بر اساس قاعده گذاری‌های مشخص و تعریف شده، این بخش را مقصر اعلام می‌کنند. دلیل متهم شدن کشاورزان این است که صدایی در کانون‌های توزیع قدرت ندارند. همچنین انسجام و تشکل خاصی برای دفاع از حقوق آنها وجود ندارد. در اقتصاد سیاسی فقط زمانی ذهن برنامه‌ریزان متوجه جامعه روستایی می‌شود که به تبع بحران‌های این جامعه، برای زندگی شهری‌ها اختلالی ایجاد شود.»

حمیدرضا صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران، اعتقاد دارد انرژی ارزان قیمت، عامل اصلی مصرف بیش از اندازه است. او به آینده‌نگر می‌گوید: «در کشور ما همیشه انرژی ارزان در دست مردم بوده، به همین دلیل هم مصرف بسیار ناسالم شده است. اتلاف انرژی در ایران بسیار بالا و میزان مصرف هم بسیار بالاتر از آمارهای جهانی است. این مسئله در مورد تمام انواع انرژی هم صادق است. به این ترتیب خیلی ساده و بیهوده، سرمایه کشور و یارانه‌ای که دولت می‌دهد، در این بخش از بین می‌رود. این موضوع صرفاً اقتصادی نیست، بلکه اهمیت اجتماعی و فرهنگی بالایی هم دارد.»

صالحی ادامه می‌دهد: «به دلیل این که ما اقتصاد نفتی داشته‌ایم و از منابعی مانند گاز هم برخوردار بوده‌ایم، منابع فراوانی به کشور وارد شده و در بودجه عمرانی و جاری کشور سوبسیدهای زیادی در حوزه‌های مختلف انرژی داده شده است. حتی در سال‌های ۵۴-۵۵ می‌بینیم که قیمت واقعی ارز بالا رفته ولی دولت آن زمان ارز را در همان قیمت قبلی نگه داشته است. این مسئله به بیماری هلندی منجر شد. در دولت‌های بعد از انقلاب هم در مواردی بیماری هلندی داشتیم. مسائل این چنینی باعث می‌شود که نتوان به بزرگ شدن یک اقتصاد کشور پرداخت تا درآمد مردم و توان خرید آنها بالا رود. شاخص سرانه درآمد مردم ایران حدود ۶ هزار دلار در سال است، در صورتی که شاخص سرانه آمریکا ۴۶ هزار دلار است. با توجه به این که از لحاظ منابع طبیعی مردم ثروتمندی هستیم، این سطح از درآمد سرانه شایسته کشور ما نیست.» متوسط مصرف آب هر ایرانی در روز ۱۹۰ لیتر و ۴۰ لیتر بالاتر از استاندارد جهانی است، هر تهرانی نیز در روز حداقل ۲۲۰ لیتر آب مصرف می‌کند که ۷۰ لیتر از الگوی جهانی بالاتر است. نه تنها در مسئله آب، بلکه در خصوص سایر منابع نیز کشور با مصرف بی‌رویه مواجه است. صالحی، ضمن ارائه توضیحی از شاخص شدت مصرف در کشور، می‌گوید: «ما از گذشته تا به امروز شدت مصرف بالایی داشتیم، از هر بشکه نفتی که می‌سوزانیم و به تولید ناخالص تبدیل می‌شود، تنها ۳۰ دلار عایدمان می‌شود. ولی در ترکیه این رقم ۸۰ دلار است. چون انرژی را در سیستم صنعتی و پالایشگاهی می‌برند. در ژاپن این رقم به ۸۰ هزار دلار هم رسیده است. نباید بگذاریم مصرف انرژی ما از تولید ناخالص داخلی مان بالاتر رود. وقتی به فرمول شدت مصرف مراجعه کنیم، شاخص مصرف انرژی ما وقتی در صورت مصرف بالا باشد و در مخرج، تولید پایین تر باشد، نشان می‌دهد شدت مصرف انرژی بالا رفته است. در کشور ما همین اتفاق افتاده است. شدت مصرف انرژی بسیار بالاست. با وجود تمام

چقدر آب هدر می‌دهیم؟

۱۵۰

لیتر سرانه مصرف آب هر فرد در جهان

۱۹۰

سرانه مصرف لیتر آب هر ایرانی در روز

۴۰

لیتر میزان مازاد مصرف آب هر ایرانی در روز



زندگی ایرانیان با اینترنت چقدر گره خورده است؟

گزارش تحقیقی آینده‌نگر از ضریب نفوذ اینترنت در ایران

راضیه علی‌پور

در این سال، نسبت به سال ۹۱ با کاهش ۱۱،۹۳ درصدی مواجه شده است و این در حالی است که ورود تکنولوژی‌های متعدد همچون تلفن‌های همراه هوشمند و انواع تبلت و... امکان دسترسی کاربران به اینترنت را بیش از پیش آسان می‌کند که در پی آن، افزایش ضریب نفوذ اینترنت انتظار می‌رود؛ اما این آمار خط‌بطلانی بر تصور موجود می‌کشد و کاهش ضریب نفوذ اینترنت نسبت به سال قبل خود را نشان می‌دهد. البته برخی مسئولان در پاسخ به شبهات موجود پاسخ‌هایی در همان زمان ارائه دادند، تاجایی که وعده‌های منتظر اصلاح آمار اعلام شده بودند که البته چنین امری اتفاق نیفتاد. شبهات درباره آمار می‌تواند به دلیل متفاوت بودن شاخص‌های اندازه‌گیری ضریب نفوذ اینترنت در ایران و تعدد مراکز آمارگیری باشد که البته این امر می‌تواند سیاست‌گذاری‌های دولت را درباره اینترنت با مشکل مواجه کند.

در سال ۹۲ استان مازندران توانست جایگزین استان تهران به عنوان دارنده بیشترین کاربر اینترنت در ایران شود. همچنین تا پایان این سال، شمار کاربران اینترنت ADSL در ایران به حدود ۱۲ میلیون نفر رسید و این فناوری توانست بیشترین کاربران اینترنت را به خود جلب کند و دایال آپ در رده پس از آن قرار گرفت.

بانک جهانی نیز که جمعیت سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) ایران را حدود ۷۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده، میزان کاربران اینترنت در ایران را ۳۱،۵ درصد جمعیت کشور ذکر کرده است. براساس آمار این موسسه بین‌المللی تعداد کاربران اینترنت در کشورمان تا پایان سال ۲۰۱۳ چیزی حدود ۲۴ میلیون و ۳۱۹ هزار نفر بوده است. این در حالی است که بر اساس آمار متما، تعداد کاربران اینترنت کشور در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) حدود ۳۶ میلیون و ۹۱۹ هزار نفر و تعداد مشترکان نیز حدود ۲۱ میلیون نفر بوده است.

مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت همچنین در آمارهای خود از ضریب نفوذ ۵۳ درصدی در سه ماهه اول سال ۹۳ خبر می‌دهد. مازندران همچنان توانسته سکاندار بیشترین ضریب نفوذ استانی باشد و تهران، اصفهان، خوزستان و سمنان نیز به ترتیب استان‌های دارای بیشترین کاربر اینترنت به شمار می‌آیند. از دیگر سو آنچه حائز اهمیت است افزایش مجدد سهم GPRS برای اتصال به اینترنت است که توانسته بالغ بر ۲۱،۳ درصد کاربران را که حدود ۱۵ میلیون و ۸۰۳ هزار نفر می‌شوند به خود اختصاص دهد. همچنین تعداد کاربران ایرانی بر اساس آخرین آمار موجود در این سامانه، حدود ۴۰ میلیون نفر و تعداد مشترکین نیز حدود ۲۳ میلیون اعلام شده است، در حالی که براساس اطلاعاتی که از سوی سازمان فناوری اطلاعات منتشر شده، تعداد کاربران ایرانی در سال ۲۵،۹۳ میلیون نفر اعلام شده است. تفاوت آمارهای ارائه شده چیزی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد. تناقضات آماری همواره در صدر اخبار سایت‌های خبری قرار گرفته است که در سال ۹۱، اوج گرفتن آن را شاهد بودیم و کارشناسان بسیاری این موضوع را سوژه مباحثات خود قرار داده‌اند. همچنین باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده می‌بینیم که متما آماری بعضاً بالاتر از آمار دیگر نهادها درباره ضریب نفوذ و تعداد کاربران ایرانی ارائه داده است و اکثر شبهاتی که مطرح شده، درباره آمار و ارقام مطرح‌شده از سوی این سامانه بوده است؛ اما درباره این که نهایتاً کدام آمار درست است و به آن می‌توان اعتماد کرد نقطه توافقی وجود ندارد.

«سرتاسر اتفاقی که به سبک فنگ‌شویی تزئین شده از میهمان پر شده است. مردانی با چهره‌ها و پوشش بومیان شمالی کنار هم جمع شده‌اند. خانه در سکوت است و گاهی صدای خنده کسی در خلوت خودش بلند می‌شود. هر کس یک گوشی موبایل در دست گرفته و در کنار دیگران، در تنهایی خودش در شبکه‌های اجتماعی چرخ می‌زند. تنها رنگ‌های هشدار پیام‌های گوشی سکوت مجلس پرجمعیت را می‌شکند. نقی معمولی و ارسطو عامل، میزبانان مجلس نیز با موبایل‌هایشان سرگرم هستند.»

سکاس‌های این چنینی چندین بار در سریال «پایتخت ۴» تکرار شدند. آنچه سیروس مقدم در شهرستان کوچکی در استان مازندران به تصویر کشیده است، با آمارهای رسمی موجود همخوانی دارد. اولین اتصال به اینترنت در ایران در سال ۱۳۷۲ انجام شد و مازندران هادر سال ۹۳، لقب استانی با بیشترین کاربران اینترنت در کشور را به خود اختصاص دادند.

مقایسه‌ای جالب از ضریب نفوذ اینترنت از سال ۹۱ تاکنون

سرشماری کاربران اینترنت یکی از راه‌های تعیین ضریب نفوذ اینترنت به شمار می‌رود. براساس تعاریف مرکز آمار، کاربر اینترنت فردی است که از ۱۲ ماه قبل از زمان آمارگیری تا زمان آمارگیری با اتصال به شبکه اینترنت به هر مدت، حداقل از یکی از خدمات اینترنت استفاده کرده باشد. بنابر این تعریف، ضریب نفوذ هم شاخصی است که تعیین‌کننده میزان دسترسی اهالی جامعه به اینترنت محسوب می‌شود.

آمارهای موجود در سال ۹۱، از دسترسی حدود ۴۵ میلیون نفر (۵۹،۵۰ درصد جمعیت) از مردم ایران به اینترنت خبر می‌دهد که از میان این جمعیت بیش از ۲۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از کاربران اینترنت (یعنی ۴۶،۳۶ درصد از کاربران) از اینترنت موبایلی برای اتصال به دنیای مجازی بهره گرفته‌اند به عبارتی، بیشترین میزان کاربران آنهایی بوده‌اند که از گوشی تلفنشان برای برقراری ارتباط اینترنتی استفاده کرده‌اند. شایان ذکر است که در این سال استان تهران دارای بیشترین کاربر و استان خراسان جنوبی دارای کمترین کاربر اینترنت در کشور بوده است.

درباره سایر روش‌های اتصال مردم ایران به اینترنت در نیمه دوم سال ۹۱ باید گفت که حدود ۶ میلیون نفر (۱۷،۹ درصد از کاربران) از همان شیوه قدیمی دایال آپ برای اتصال استفاده کرده‌اند و سپس می‌توان به اینترنت پرسرعت خانگی یا همان ADSL اشاره کرد که بیش از سه و نیم میلیون مشترک داشته است. اتصال به اینترنت از طریق وایمکس نیز پایین‌ترین میزان کاربر را به خود اختصاص داده بود و با داشتن ۸۶۷ هزار کاربر یعنی حدود ۱،۵۱ درصد از کل کاربران اینترنت به عنوان کم‌طرفدارترین شیوه در این سال شناخته شده است.

در سال ۹۱ افزایشی ۱۶،۲۷ درصدی را در ضریب نفوذ اینترنت در ایران نسبت به سال گذشته آن شاهدیم؛ چراکه ضریب نفوذ از ۴۳ به ۶۰ درصد می‌رسد که همواره شبهاتی درباره این رقم وجود داشته است. بر اساس آمار «متما» (مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت)، در این سال همواره بیشترین دسترسی به اینترنت از طریق تلفن همراه بوده و استان تهران نیز توانسته جایگاه خود را به عنوان نخستین استان دربردارنده بیشترین کاربران اینترنتی حفظ کند.

نگاهی به آمار سال ۹۲ نشان‌دهنده آن است که ضریب نفوذ اینترنت کشور

مجید ابهری:
در حقیقت
می‌توان گفت
که اصلی‌ترین
بازی‌گردانان
جامعه در
مراسم پاشایی
شبکه‌های
اجتماعی بودند
که با مبادله
اطلاعات و
پیام‌های مختلف
دیگران را دعوت
به شرکت در
مراسم تشییع
و تدفین او
می‌کردند





ایران رتبه ۱۳ در بین کشورهای
دنیا و رتبه نخست را در منطقه برای
استفاده از اینترنت داراست.

در این باره به آینده‌نگر می‌گوید: «فرا به ۱۰ دلیل به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی گرایش پیدایمی کنند که از جمله آنها به نوجویی، حفظ ارتباط با دیگران در عین تنهایی، هیجان‌خواهی و میل به محبوبیت می‌توان اشاره کرد.» کارشناسان این حوزه نیز معتقدند که تبادل اطلاعات و نظرات کاربران، انتشار سریع و بی‌فصله اخبار، آشنایی با سایر فرهنگ‌ها و حتی افرادی که آنها را یکبار هم ندیده‌ایم، آشنایی با ایده‌ها و سلاقی دیگران و... از جمله مواردی است که توسط فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان به آنها دست یافت. برای ایجاد موج و بعضاً جنبش در جامعه نیز می‌توان به این شبکه‌ها متوسل شد، چنان‌که برخی رسانه‌ها نیز برای برابری با قدرت شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی را ندارند. رتبه‌بندی شبکه‌های اجتماعی بر اساس میزان کاربر ثبت‌نام‌شده نشان می‌دهد که گوگل پلاس با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون کاربر ثبت‌شده در رتبه نخست و فیس‌بوک با یک میلیارد و ۲۸۰ میلیون کاربر ثبت‌شده در مقام دوم جهان قرار دارد. بر اساس گزارش مرکز تحقیقاتی «پیو» که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد، بیش از دو میلیون نفر در ایران کاربر فیس‌بوک هستند که یک میلیون نفر از آنان شهروندان تهرانی هستند. با توجه به جمعیت ایران در مقایسه با کشورهای پرجمعیتی نظیر چین، ایران‌یان همچنان نسبت بسیار بالایی از ضریب نفوذ فیس‌بوک در کاربران اینترنت را به خود اختصاص داده‌اند. اما بنا بر آمار دیگری که پایگاه World Internet Stats منتشر کرده، جمعیت کاربران فیس‌بوک در خاورمیانه در حدود ۲۲ میلیون نفر اعلام شده است که کاربران ایرانی ۴۶ درصد آن را تشکیل می‌دهند. بنا بر این آمار کاربران ایرانی رقمی در حدود ۱۱ میلیون نفر تخمین زده می‌شوند. به دلیل فیلتر بودن فیس‌بوک در ایران و اقدام متقابل فیس‌بوک در حذف نام ایران از لیست کشورهای که به آنها خدمات می‌دهد، امکان یافتن آمار دقیق کاربران ایرانی این شبکه اجتماعی امکان‌پذیر نیست، اما آمارهای غیررسمی از ۲ میلیون کاربر فعال و حرفه‌ای، و ۱۲ تا ۱۷ میلیون کاربر دیگر حکایت دارد. حجت‌الاسلام ملکی، مشاور وزیر آموزش و پرورش نیز آمار و ارقامی ارائه می‌کند و می‌گوید: «تعداد کاربران فیس‌بوک ۵ میلیون نفر، وایبر ۹،۵ میلیون نفر، وی‌چت ۴ میلیون نفر، واتس‌آپ ۳،۵ میلیون نفر و اینستاگرام ۳ میلیون نفر است؛ به طوری که تعداد کاربران فضای مجازی روز به روز در حال افزایش است و این موضوع نشان‌دهنده عمق معضلات فرهنگی پیش‌رو است که باید با آنها به روش صحیح به مقابله بپردازیم.» دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پژوهشی میدانی در خصوص فیس‌بوک انجام داده‌اند. در این پژوهش، دلیل عضویت جوانان در فیس‌بوک از آنها پرسیده شد که مصاحبه‌شوندگان اولین و مهم‌ترین دلیل عضویت خود را دسترسی به دوستان و آشنایان ذکر کرده‌اند و در مرحله بعد کسب اطلاعات و اخبار جزو اولویت‌های آنان بوده است. سرگرم شدن و گذران اوقات فراغت در مرحله بعدی دلیل استفاده کاربران از فیس‌بوک قرار می‌گیرد و تعدادی نیز همه گیر شدن عضویت در این شبکه اجتماعی را عامل مهمی برای عضویت خود می‌دانند. «مد شده بود که همه فیس‌بوک داشته باشند و تو صحبت‌های خصوصی شون مدام اسم فیس‌بوک رو می‌آوردن. برای این که از شون عقب نمونم و بدونم راجع به چه محیطی بحث می‌کنن صفحه فیس‌بوک ساختم؛ چون حس می‌کنم شبیه به عقب‌موندگی داشتم که هیچی از فیس‌بوک نمی‌دونم.» اینها را مرجان ۲۲ ساله می‌گوید که اخیراً عضو این شبکه شده است.

به طور کلی، شبکه اجتماعی فیس‌بوک در ایران توانسته مخاطبان خاص خود را پیدا کند و اخیراً با پدیده کاهش سن کاربران این شبکه، یعنی ورود نوجوانان دهه ۸۰ به این شبکه مواجهیم. پس از فیس‌بوک، شبکه اینستاگرام نیز مورد توجه عموم ایرانیان قرار گرفت. بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در کل دنیا عضو این شبکه هستند. تخمین زده شده است که حدود ۵ میلیون کاربر ایرانی در اینستاگرام هستند و بنابراین حدود ۱۶ درصد از کل کاربران اینستاگرام را کاربران ایرانی تشکیل می‌دهند.

بر اساس گزارش سامانه مدیریت ضریب نفوذ اینترنت در کشور، اینترنت در ایران در حال حاضر با ضریب نفوذ ۷۳ درصدی مواجه است که به ترتیب استان‌های تهران، مازندران، قم، خوزستان و اصفهان دارای بیشترین ضریب نفوذ اینترنت هستند. اما گویی این ضریب نفوذ کمتر خبری شده و هنوز سروصدایی به راه نینداخته است. شایان ذکر است که این عدد برای سال ۹۳ اعلام شده و احتمالاً شامل ماه‌های پایانی این سال می‌شود که البته از ضریب نفوذ ۵۳ تا ۷۳ درصدی با فاصله بسیار است و می‌تواند منشا ایجاد شبهات متعدد دیگری باشد.

تاکنون آمار دیگری درباره ضریب نفوذ اینترنت در سال ۹۴ توسط مراکز رسمی و معتبر منتشر نشده، البته معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گفته که تا آخر سال ۹۴ باید ۶۰ درصد خانواده‌ها و شرکت‌ها برای دسترسی به اینترنت سرعتی حداقل معادل ۲ مگابیت بر ثانیه داشته باشند، یعنی باید در داخل کشور حجم را تا ۲۰ برابر و در سطح بین‌الملل تا ۱۰۰ برابر افزایش دهیم.

چندی پیش نیز عرفانی، رئیس پلیس فتای خراسان رضوی اعلام کرد که ایران رتبه نخست استفاده از اینترنت در منطقه را دارد. به گفته وی، ایران رتبه ۱۳ در بین کشورهای دنیا و رتبه نخست را در منطقه برای استفاده از اینترنت داراست.

و اما درباره سن کاربران اینترنت، آمار نشان می‌دهد که ۳۵ درصد جامعه کاربری اینترنت ایران در اختیار مردان و ۲۷ درصد در اختیار زنان است که از این میان ۵۸٫۳ درصد از این جوامع را جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال تشکیل می‌دهند. همچنین بر اساس آخرین آمار به دست آمده در مرکز متما ۴۰ درصد کاربران اینترنت در ایران را گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۳۰ درصد را گروه سنی ۳۰ تا ۴۴ سال، ۱۵ درصد کاربران را گروه سنی ۴۵ تا ۵۹ سال، ۱۰ درصد کاربران را گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال، ۳ درصد را گروه سنی ۱ تا ۹ سال و ۲ درصد را گروه سنی بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند. با توجه به این که بالاترین میزان استفاده کنندگان از اینترنت را جوانان ۲۰ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند، کارشناسان وقوع «اعتیاد اینترنتی» در بین جوانان ایرانی را هشدار می‌دهند. مطالعاتی پیمایشی پدیده استفاده اعتیادی از اینترنت در بین نوجوانان و جوانان (۱۵-۲۵ سال) شهر تهران را مورد بررسی قرار داد و نتیجه آن نشان می‌دهد که استفاده اعتیادی از اینترنت در بین برخی از نوجوانان و جوانان، با مسائلی مانند عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انزوای اجتماعی، فقدان حمایت اجتماعی، و ناکارآمدی تحصیلی و کاری ارتباط مستقیم و احساس خودارضایی از تباطع معکوس دارد. گفته می‌شود که اعتیاد اینترنتی، انسان‌ها را به افرادی رها شده تبدیل می‌کند و بر روابط اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. در نتیجه استفاده بیش از حد از اینترنت، بهره‌وری و بازده کاری کاربران اینترنت پایین می‌آید. آنان باتأخیر به محل کار می‌روند و دچار کم‌کاری می‌شوند. عدم تحرک جسمی و چاقی به همراه علایمی چون درد کمر، پشت و ماهیچه، از دیگر تبعات این مسئله‌اند. این کاربران حتی در صورت کناره‌گیری از اینترنت، دچار علایم اختلال می‌شوند.

فیس‌بوک در ایران چند کاربر دارد

«شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای تأثیر زیادی در حضور مردم در آن روز داشته‌اند. در حقیقت می‌توان گفت که اصلی‌ترین بازی گردانان در این میان شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، وایبر، واتس‌آپ، تانگو و امثال آن بودند که با مبادله اطلاعات و پیام‌های مختلف دیگران را دعوت به شرکت در مراسم تشییع و تدفین اومی کردند.»

اینها سخنان دکتر مجید ابهری، روان‌شناس و رفتارشناسی است که به تحلیل پدیده «مرضی پشایی» پرداخته است که اهمیت شبکه‌های اجتماعی را در این رخداد، بیش از سایر عوامل می‌داند. اما سوال اینجاست که دلیل استقبال زیاد از شبکه‌های اجتماعی چیست. الهام آزادنام، کارشناس ارشد روان‌شناسی

گروه سنی	درصد از کل
۹۰-۹۹ سال	۳ درصد
۱۰-۱۹ سال	۱۰ درصد
۲۰-۲۹ سال	۴۰ درصد
۳۰-۴۴ سال	۳۰ درصد
۴۵-۵۹ سال	۱۵ درصد
بالای ۶۰ سال	۲ درصد

مردم از
اینترنت
چقدر استفاده
می‌کنند؟

۳۵

درصد کاربران
اینترنت مردان
هستند

۲۷

درصد کاربران
اینترنت در ایران
زن هستند

۴۰

درصد ضریب
نفوذ واقعی
اینترنت در ایران



بحران تقاضا از اقتصاد به فرهنگ رسید

سال سخت مالی گریبان سینما را هم می گیرد

احسان میزانی

داشته اند که این موضوع همچنان انگیزه ها را برای برخی سرمایه گذاران حفظ کرده است.

موانع سرمایه گذاری

سرمایه گذاران بخش خصوصی دلایل زیادی برای کاهش تمایل به سرمایه گذاری در سینما دارند. عده ای به احتمال مسکوت ماندن فیلم ها و در نتیجه خواب طولانی سرمایه اشاره می کنند. برخی هزینه های بالای جانبی نظیر تبلیغات را مطرح می کنند. تعدادی هم معتقدند اگر لایه های قوی برای در اختیار گرفتن تعداد بالای سالن سینما و تعیین زمان مناسب برای اکران وجود نداشته باشد، امکان موفقیت در فروش فیلم کاهش می یابد. یک تهیه کننده سینمایی گوید: هزینه های تبلیغات گران شده و از هزینه تولید بیشتر شده است. پیش از این هزینه تبلیغ یک فیلم حدود ۵۰ الی ۶۰ میلیون تومان بود ولی امسال هزینه تبلیغ در کمترین حالت ۵۰۰ میلیون تومان است. مثلاً پخش یک نوبت تیزر با تمام تخفیفات از تلویزیون ۵۰ میلیون تومان هزینه دارد. جواد نوروز بیگی معتقد است که بعد از تبلیغات، نبود برنامه ریزی عامل برخی ناکامی ها در فروش است چرا که در سینمای ایران نمی توان برنامه ریزی و پیش بینی کرد. این تهیه کننده می افزاید: سال قبل تصور می کردم دولت جدید تازه آمده و سال بعد یعنی سال ۹۴ فروش فیلم ها بهتر می شود اما ناگهان برعکس شد و اکران ضعیف تر شد.

داستان سرمایه گذاری بانک ها در سینما

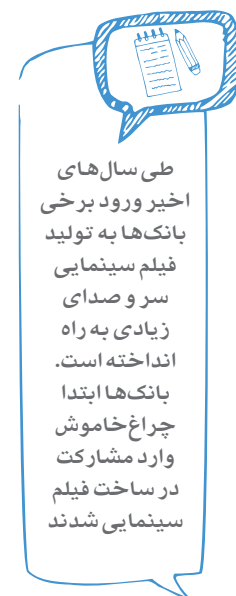
طی سال های اخیر ورود برخی بانک ها به تولید فیلم سینمایی سر و صدای زیادی به راه انداخته است. بانک ها ابتدا چراغ خاموش وارد مشارکت در ساخت فیلم سینمایی شدند. یک بانک خصوصی چند سال پیش در ساخت فیلم «جدایی نادر از سیمین» با اصغر فرهادی مشارکت کرد اما از آنجا که قصد نداشت این موضوع بر سر زبان ها بیفتد، جریان موفقیت های این فیلم چندان خود را نشان نداد. تعداد دیگری از بانک ها نیز با دیدن این تجربه موفق، به فعالیت در این حوزه ترغیب شدند. بعدها حاشیه های زیادی برای بانک ها بر سر ورود به سینما ایجاد شد. برخی سرمایه گذاری بانک ها در سینما را غیر قانونی دانستند و آن را با سر فصل های فعالیت بانکی مغایر تشخیص دادند. انتقادات تا جایی ادامه پیدا کرد که بانک ها ترجیح دادند پای خود را از این کار بیرون بکشند. جواد نوروز بیگی در مورد ورود بانک ها به ساخت فیلم سینمایی می گوید: در یکی از بانک ها توانستیم یک تعریفی رانهادینه کنیم که بانک ها هزینه تبلیغاتشان را در سینما متمرکز کنند زیرا در آن صورت کلیه فضای تبلیغی فیلم در اختیار بانک قرار می گیرد. بانک هم از این طرح استقبال کرد و در چند فیلم سرمایه گذاری کرد اما متأسفانه گروهی علیه این رفتار بانک موضع درستی نگرفتند و به بانک حمله کردند. بانک نیز حرف خود را پس گرفت زیرا می خواست به سینما کمک کند و توقع داشت تشویق شود اما وقتی دید به جای آن که تشویق شود بازخواست

«سال ۹۴ سخت ترین سال از نظر مالی است.» مشاور اقتصادی رئیس جمهور چنین تعبیری را برای شرایط درآمد و خزانه کشور در سال جاری در نظر گرفته است تا مشخص شود رکود و گلایه فعالان اقتصادی از شرایط بازارها ریشه در واقعیتی دارد که دولت را نیز درگیر کرده است. رکود تولید و شرایط سختی که صنایع با آن درگیر شده اند نشان می دهد که صنعت سینما نیز خود را برای روزهای سخت آماده می کند. اقتصاد در بخش فرهنگ وابستگی زیادی به دولت دارد. همین موضوع می تواند تولیدات سینما را در سال جاری تحت تاثیر قرار دهد.

آن طور که کارشناسان اقتصادی برآورد کرده اند، دشواری های مالی کشور و کاهش درآمدها به سطح عمومی نیز سرایت کرده است و این موضوع خود را در کاهش تقاضا نشان می دهد. از بحران تقاضا به عنوان مانع جدید خروج اقتصاد از رکود یاد می شود. در بخش فرهنگ نیز آمارهای رسمی از کاهش رشد تعداد مخاطبان سینما در سال جاری حکایت دارد. شاید دشواری های مالی در ماه های آینده بیشتر خود را نشان دهد و بخش فرهنگ نیز با بحران تقاضا مواجه شود. به گفته فعالان صنعت سینما، از ابتدای سال جاری پروانه ساخت تعداد زیادی فیلم سینمایی صادر شده است که اکثر این فیلم ها هنوز پیش تولید خود را آغاز نکرده اند، چرا که نتوانسته اند سرمایه مناسبی برای تولید فیلم جذب کنند.

در این شرایط که صنایع بزرگ کشور در گردنه رکود گرفتار شده اند و امیدوارند در سال ۹۵ با خروج از زیر سایه تحریم، به سمت رونق گام بردارند، صنعت سینما نیز امیدوار است این سال سخت از نظر مالی را به سلامت پشت سر بگذارد. بودجه های دولتی در این سال به سختی جذب می شود و هزینه کردها با اولویت بندی صورت می گیرد به همین دلیل کمک های دولتی به بخش سینما نیز تحت تاثیر دشواری های مالی قرار گرفته است. سینما به عنوان صنعتی که هنوز خیلی ها چنین عنوانی را برای آن بزرگ می دانند، با کمک های مالی دولتی به حیات خود ادامه می دهد به همین دلیل منتقدان نام «سینمای نفتی» را برای هنر هفتم در ایران انتخاب کرده اند. با این تعریف و شرایطی که قیمت نفت نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد کاهش یافته و هنوز امکان افزایش صادرات آن مهیا نشده است، نمی توان امید چندانی به کمک های دولتی داشت. با این حساب اقتصاد سینما در سال جاری، هم در بخش جذب منابع و هم در زمینه تقاضا، تنگناهایی را نسبت به سال گذشته پیش رو دارد.

سرمایه گذاری بخش خصوصی در سینما نیز هیچ گاه به حدی نرسیده است که بتوان سهم بالایی را برای این بخش در فرهنگ در نظر گرفت. بسیاری از تهیه کنندگان فعال بخش خصوصی در سینمای ایران نیز از یارانه های دولتی برای ساخت فیلم بهره می برند. در شرایطی که اوضاع اقتصادی در سال های اخیر مساعد نبوده است برخی فیلم های سینمایی فروش بالایی



فروش فیلم ها در تهران طی سال ۱۳۹۱ (ارقام به ریال)		
نام فیلم	کارگردان	میزان فروش
کلاه قرمزی و بچه ننه	ایرج طهماسب	۳۳,۰۷۰,۴۷۷,۰۰۰
خواهیم می آید	رضا عطاران	۱۹,۱۶۵,۸۵۵,۷۵۰
من مادر هستم	فریدون جیرانی	۱۴,۱۴۰,۹۷۰,۰۰۰

فروش فیلم ها در تهران طی سال ۱۳۹۰ (ارقام به ریال)		
نام فیلم	کارگردان	میزان فروش
ورود آقایان ممنوع	رامبد جوان	۳۰,۴۱۰,۸۳۰,۰۰۰
اخراجی های ۳	مسعود ده نمکی	۲۲,۷۲۳,۳۷۰,۰۰۰
جدایی نادر از سیمین	اصغر فرهادی	۲۰,۸۱۳,۷۶۰,۰۰۰



مجموعه سینمای ایران در بهار امسال میزبان ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار و ۲۸۷ نفر بوده است در حالی که در بهار سال گذشته تعداد مخاطبان سینمای ایران ۲ میلیون و ۷۹۴ هزار و ۸۹۰ نفر بود.

کاهش رشد تقاضا در سینما

آمارهای رسمی از میزان فروش فیلم‌ها و تعداد مخاطبان سینما در بهار سال جاری نسبت به فصل نخست سال گذشته نشان می‌دهد که با وجود افزایش تعداد مخاطبان در این بازه زمانی، میزان این افزایش بسیار کمتر از میزان افزایش مخاطبان در بهار ۹۳ نسبت به بهار ۹۲ بوده است. با این حساب نرخ رشد مخاطبان در سینمای ایران در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ کاهش پیدا کرده است.

طبق آمارهای سینماشهر منتشر کرده است، فروش فیلم‌های اکران شده در بهار سال ۹۴ با افزایش ۲۵ درصدی نسبت به زمان مشابه در سال گذشته، به بیش از ۱۵ میلیارد تومان رسید. البته باید در نظر داشت که بخش مهمی از این افزایش فروش مربوط به افزایش نرخ بلیت سینما و تأسیس پردیس‌های جدید سینمایی با قیمت بالاتر بلیت بوده است نه افزایش تعداد مخاطبان. فروش آثار نمایش داده شده در بهار ۱۳۹۴ در مجموع ۱۵۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون و ۷۳۵ هزار و ۹۵۰ ریال بوده است. به این ترتیب فروش فیلم‌ها در فروردین ماه سال جاری ۵۹ میلیارد و ۹۳۸ میلیون و ۱۳۸ هزار و ۳۷۵ ریال با یک میلیون و ۶۰ هزار و ۷۶۴ مخاطب، در اردیبهشت ماه ۴۶ میلیارد و ۳۳۸ میلیون و ۹۵۵ هزار و ۳۳۵ ریال با ۸۷۷ هزار و ۸۲۳ مخاطب و در خرداد ماه نیز ۴۸ میلیارد و ۷۴۰ میلیون و یک هزار و ۳۶۷ ریال با ۸۶۹ هزار و ۷۰۰ مخاطب بوده است.

مجموعه سینمای ایران در بهار امسال میزبان ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار و ۲۸۷ نفر بوده است در حالی که در بهار سال گذشته تعداد مخاطبان سینمای ایران ۲ میلیون و ۷۹۴ هزار و ۸۹۰ نفر بود. بر این اساس نرخ رشد مخاطبان سینمای ایران در این مدت ۰.۴۷ درصد بوده است. این در حالی است که تعداد مخاطبان در بهار سال ۹۳ نسبت به بهار ۹۲ افزایش ۱۴.۶ درصدی داشت. کاهش نرخ رشد در بخش مخاطب از ۱۴.۶ درصد به ۰.۴۷ درصد نگرانی‌ها را تا تأثیر دشواری‌های مالی در سال جاری افزایش داده است.

در بهار سال ۹۳ فروش سینما ۱۱۷ میلیارد و ۲۷۳ میلیون و ۷۴۲ هزار ریال بوده و میزان فروش سینماها در ماه‌های فروردین ۶۱ میلیارد و ۵۷۷ میلیون و ۶۷۰ هزار ریال با یک میلیون و ۴۵۸ هزار و ۲۷۶ مخاطب، در اردیبهشت ۳۲ میلیارد و ۶۰۷ میلیون و ۶۹۴ هزار ریال با ۷۹۹ هزار و ۷۸۳ مخاطب و در خرداد ۲۳ میلیارد و ۱۰۸ میلیون و ۳۷۸ هزار ریال با ۵۳۶ هزار و ۸۳۱ مخاطب بوده است و مجموع مخاطبان سینما در بهار این سال ۲ میلیون و ۷۹۴ هزار و ۸۹۰ نفر بوده است.

بر اساس این آمارها، فروش فیلم‌های سینمایی در بهار سال ۹۲ در مجموع ۹۶ میلیارد و ۸۱۲ میلیون و ۷۷۵ هزار و ۶۷۰ ریال بوده است. این فروش در ماه فروردین ۴۹ میلیارد و ۸۹۶ میلیون و ۳۱۴ هزار و ۵۰۰ ریال با یک میلیون و ۲۰۳ هزار و ۶۵۶ مخاطب، در اردیبهشت ۲۸ میلیارد و ۴۴۴ میلیون و ۶۱۲ هزار و ۱۷۰ ریال با ۸۴۹ هزار و ۸۴۹ مخاطب و در خرداد ۱۸ میلیارد و ۲۷۱ میلیون و ۸۴۹ هزار ریال با ۴۴۰ هزار و ۲۹۲ مخاطب بوده است. طبق آمار مجموع مخاطبان سینما در بهار این سال، ۲ میلیون و ۴۳۷ هزار و ۷۹۷ نفر بوده است.

بهار سال ۹۱ نیز مجموع فروش سینماهای کشور ۷۸ میلیارد و ۳۶۳ میلیون و ۷۱۰ هزار و ۸۵۰ ریال بوده است. این فروش در فروردین ۴۷ میلیارد و ۹۰۶ میلیون و ۲۴۰ هزار و ۸۰۰ ریال با یک میلیون و ۳۵۱ هزار و ۸۶۸ مخاطب، در اردیبهشت ۱۶ میلیارد و ۴۹۰ میلیون و ۲۱۶ هزار ریال با ۵۴۴ هزار و ۲۳۰ مخاطب و در خرداد ۱۳ میلیارد و ۹۶۷ میلیون و ۲۵۴ هزار و ۵۰۰ ریال با ۴۳۳ هزار و ۱۲۹ مخاطب بوده است. ضمن این که تعداد مخاطبان سینما در بهار سال ۹۱ نیز ۲ میلیون و ۳۲۹ هزار و ۲۲۷ نفر بوده است.

فروش فیلم‌ها در تهران طی سال ۱۳۹۳ (ارقام به ریال)

نام فیلم	کارگردان	میزان فروش
شهر موش‌ها ۲	مرضیه برومند	۵۹,۸۵۰,۹۷۹,۰۰۰
طبقه حساس	کمال تبریزی	۳۳,۹۴۱,۶۹۱,۰۰۰
آتش‌بس ۲	تهمینه میلانی	۲۵,۶۰۱,۶۶۵,۰۰۰

می‌شود، قرارداد بسیاری از کارگردان‌های مهم را حذف کرد و پولی را که قرار بود در سینما خرج شود در بخش‌های دیگر همچون هنرهای تجسمی یا ساخت تیزر هزینه کرد و سینما متضرر شد. به گفته این تهیه‌کننده نحوه مشارکت این بانک به گونه‌ای بود که ۶۰ تا ۷۰ درصد هزینه یک فیلم را پرداخت می‌کرد. این در حالی است که ساخت فیلم‌های با هزینه متوسط در سینمای ایران حدود یک میلیارد تومان هزینه دارد.

این تهیه‌کننده سینما نحوه برخورد بانکی‌ها در ساخت فیلم را بسیار راضی‌کننده می‌داند به این دلیل که بانکی‌ها در روند ساخت و محتوای فیلم دخالتی نمی‌کنند. سینمایی‌ها که تجربه جذب اسپانسر و سرمایه‌گذار در بخش‌های مختلف را دارند می‌گویند اگر نهادهایی نظیر بنیاد سینمایی فارابی یا سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران سفارشی برای ساخت فیلم بدهند حتماً نظرشان را در فیلمنامه و ساخت فیلم اعمال می‌کنند اما بانک‌ها رفتار متفاوتی از خود بروز می‌دادند.

گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد که بانک‌ها به دلیل تأکید بر دور بودن از حاشیه و با توجه به فضای اقتصادی نامساعد این فضا دور شده‌اند و هزینه‌های خود را صرف بخش‌های دیگر فرهنگی که سروصدای کمتری دارند می‌کنند. نمونه آن خرید و فروش تابلوهای گران قیمت است که این روزها از سوی برخی بانک‌ها دنبال می‌شود. بر این اساس بسیاری از تهیه‌کنندگان سینما معتقدند که امنیت سرمایه‌گذاری در سینما مختل شده و بسیاری از سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در سینما تمایل نشان نمی‌دهند.

ورشکستگی بخش خصوصی در سینما

سید امیر سیدزاده تهیه‌کننده سینما معتقد است که ۸۰ درصد از سینماگران بخش خصوصی به دلیل شرایط گیشه با ورشکستگی مطلق مواجه هستند و تنها ۱۰ درصد فیلم‌های روی پرده فروش خوبی دارند. او می‌گوید: از هر ۱۰۰ فیلم تولید شده در سینمای ایران تنها ۶۰ فیلم اکران می‌شوند که تنها ۱۰ درصد از این فیلم‌ها از فروش قابل قبولی برخوردارند.

در این میان فیلم‌هایی هستند که هر چند با هزینه بالایی ساخته شده‌اند، اما نمی‌توانند در گیشه به فروش مناسبی دست پیدا کنند. وی با اشاره به این که مشکلات فعلی سینمای ایران به‌ویژه در بخش گیشه نیازمند کالبدشکافی است، توضیح می‌دهد: هر چند از اول سال جاری تا امروز تعدادی از فیلم‌های اکران شده از فروش خوبی برخوردار بودند، اما این تعداد تنها ۱۰ درصد از فیلم‌هایی را که اکران شد شامل می‌شود که از جمله آنها می‌توان به «پران برگر» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی و «هنگ

عنبر» به کارگردانی سامان مقدم اشاره کرد. این تهیه‌کننده سینما تأکید می‌کند: متأسفانه اکثر فیلم‌هایی که از ابتدای سال در سینماهای کشور اکران شده‌اند با ضرر مطلق در گیشه مواجه بوده‌اند و شاید تنها توانسته‌اند هزینه تبلیغات خود را در بیاورند. در شرایط فعلی و با توجه به گیشه ناموفق در سینما، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که سرمایه‌گذار بخش خصوصی روی سینما سرمایه‌گذاری کند، چرا که یک سرمایه‌گذار پیش از هر چیز به بازگشت سرمایه خود فکر می‌کند و اگر بازگشت مالی در کار نباشد، سرمایه‌گذاری هم غیرممکن است. وی بیان می‌کند: درست است که

این روزها همه شعار می‌دهند حال سینمای ایران خوب است اما با همین حال خوب سینما، تعداد قابل توجهی از فیلم‌ها با فروش ۳۰ یا ۴۰ میلیون تومانی از گیشه خارج شده‌اند. این در حالی است که هزینه تولید یک فیلم معمولی در سینمای ایران ۶۰۰ میلیون تومان است و این یعنی ضرر برای سرمایه‌گذار. سیدزاده با اشاره به این که اصل و فرع پول سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده در معرض خطر است، می‌گوید: فیلمی مانند «هنگ عنبر» باید بیش از ۴ میلیارد فروش داشته باشد تا بتواند هزینه تولید خود را که چیزی نزدیک به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بود به دست آورد.

فروش فیلم‌ها در تهران طی سال ۱۳۹۲ (ارقام به ریال)

نام فیلم	کارگردان	میزان فروش
رسوایی	مسعود ده‌نمکی	۲۴,۹۲۴,۷۷۰,۰۰۰
هیس، دخترها فریاد نمی‌زنند	پوران درخشنده	۲۴,۷۳۷,۶۶۴,۰۰۰
حوض نقاشی	مازیار میری	۱۳,۱۶۳,۴۰۶,۰۰۰

سینمای ایران در چه وضعیتی است؟

۲۵

درصد، کاهش فروش فیلم‌های اکران شده

۱۱

میلیارد تومان، فروش سینما در بهار ۹۳

۱۰

درصد از فیلم‌های اکران شده، فروش قابل قبولی دارند

جدول

پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمایی طی سال‌های اخیر



تحلیل بخش خصوصی از وضعیت معادن: گزارشی از تحولات یک ماه گذشته معادن ایران

معادن متروکه می شوند

افت قیمت های جهانی، معدن را زمین گیر کرده است



نیست که با تمام ظرفیت و پتانسیل خود کار کنند. هم اکنون انگیزه در بخش معدن وجود ندارد، دولت باید با پیش بگذارد. بخش معدن جذابیت های بسیار در خود دارد و با حمایت دولت سرمایه گذاران بسیاری در این بخش حضور پیدا خواهند کرد.

❖ بر خورد بهتر دولت با عوارض صادراتی

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران در ادامه گفت: از دیدگاه من راهکار برطرف کردن این چالش از طرف دولت، برخورد بهتر در مورد ایجاد عوارض صادراتی و بهره مالکانه و از این دست مسائل است. اما در کوتاه مدت به چالش هایی که در یک ماه اخیر اتفاق افتاده می توان اشاره کرد. او ادامه داد: وضع عوارض صادراتی و بهره مالکانه به عهده دولت است که مجلس آن را به دولت واگذار کرده است و بخش خصوصی در این زمینه نمی تواند کار خاصی انجام دهد به جز راییزنی در مورد برطرف کردن این مشکلات و این که درخواست کنیم تغییرات جدید و پیشنهادهای جدید را اعمال کنند.

احرامیان اظهار کرد: از سوی دیگر صادرات مواد معدنی در چند وقت اخیر با افت محسوسی روبه رو شده است که باز هم می توان دلایلی همچون افت قیمت های جهانی و عوارض صادراتی سنگین برای آن برشمرد. طبیعتاً وجود چنین مشکلاتی فعالیت های معدنی را چه در زمینه صادرات و چه در زمینه تامین نیاز داخلی با مشکل مواجه کرده و تقاضا را بسیار کاهش داده است.

❖ چرا صادرات معدن در اقتصاد جایی ندارد

احرامیان بر این باور است که صادرات غیر نفتی می تواند نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا کند؛ صادراتی که اگر حساب شده و با برنامه باشد، می تواند ایران را از نفتی بودن نجات دهد. او در ادامه گفت: البته صادرات غیر نفتی مستلزم وجود امکانات و موارد مهمی است، از جمله زیرساخت هایی که بتواند محصولات ایرانی را برای بازارهای بین المللی آماده کند. کیفیت و کمیت، دو عنصر مهم در این میان هستند.

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران اظهار کرد: به هر حال، با وضعیت اقتصادی کشور، در همین سه ماهه اول سال ۱۳۹۴، ۸۴۹۷ هزار تن صادرات در بخش صنعت انجام شده است. صادراتی که ۳۵۶۳ میلیون دلار برای کشور ارزآوری داشته است.

او ادامه داد: البته این میزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشد ناچیزی داشته است. به طوری که صادرات محصولات صنعتی در سه ماه اول سال نسبت به سه ماه اول سال قبل ۳ درصد از لحاظ وزن و ۲ درصد از لحاظ ارزش افزایش پیدا کرده است.

احرامیان بر این باور است که با این که صنعت رشد ناچیزی داشته است، اما در میان گروه های اصلی صادرات غیر نفتی، بخش معدن با کاهش چشمگیری مواجه شده است. طبق گزارش سازمان توسعه و تجارت، در سه ماه اول سال ۱۳۹۴، ۳۱۴۶ هزار تن محصولات معدنی به ارزش ۱۴۴ میلیون دلار صادر شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۵۲ درصد از لحاظ وزن و ۶۴ درصد از لحاظ ارزش کاهش داشته است.

❖ بهاره چراغی

هم زمان با روی کار آمدن دولت یازدهم و تصدی محمدرضا نعمت زاده بر وزارت صنعت، معدن و تجارت، سیل مشکلات بخش های صنعت و معدن به سمت این وزارتخانه سرازیر و باعث شد وزیر جدید با دید بهتری به مشکلات، برای رفع آنها اقدام کند. خانه معدن نیز طی این مدت همانند سایر انجمن ها علاوه بر اعلام لیست مشکلات، راهکارهایی نیز برای عبور از این مشکلات به این وزارتخانه عرضه کرد تا شاید بخشی از مشکلات فعالان این عرصه کاهش یابد. اما به گفته بسیاری از تحلیلگران حتی ۹۹ دستوری که وزیر صنعت، معدن و تجارت در روزهای آغازین فعالیت خود به جعفر سرقینی، معاون امور معادن و صنایع معدنی خود برای بهبود صنایع معدنی صادر کرد آن چنان کارساز نبوده است.

سید بهادر احرامیان بر این باور است که افت قیمت های جهانی در یک ماه اخیر جزو مهم ترین چالش هایی بوده که دامن صنایع معدنی کشور را گرفته است. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران معتقد است هدایت منابع مالی به سمت توسعه بخش معدن و کمک به جذب سرمایه های خارجی و تسهیل در کار، بومی سازی تکنولوژی و تقویت شرکت های مهندسی مشاور و پیمانکار به عنوان سرمایه اصلی توسعه معدن کشور و تقویت توسعه ارتباط با دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی از دیگر نیازهای معدن برای افزایش سرمایه گذاری محسوب می شود، اما راهکارهای پیش بینی شده تاکنون راه به جایی نبرده و این بخش نتوانسته است در بخش جذب سرمایه موفقیتی به دست آورد.

❖ افت قیمت های دست و پاگیر جهانی

احرامیان بر این باور است که بخش معدن به سبب ماهیت خود، درون مجموعه بزرگ منابع طبیعی و محیط زیست جانمایی می کند و لازمه بقای بخش معدن تعامل جدی با هریک از بخش های مربوطه و نیز در گرو تامین بیشتر منافع ملی است، که به باور متولیان منابع طبیعی و محیط زیست، این بخش هیچ گاه نتوانسته همگام با حفظ منافع بخشی، در پی حداکثر سازی منافع محیط زیست و منابع طبیعی، گامی شایسته بردارد. او در ادامه گفت: در حوزه معدن، اگر بخواهیم به چالش یک ماه اخیر آن بپردازیم باید به افت قیمت های جهانی اشاره کرد. این در حالی است که افت جهانی، هم بر روی قیمت های داخلی و هم در بازارهای صادراتی تاثیرگذار بوده و شاید بتوان عنوان کرد مهم ترین چالشی که ادامه داشته و روند آن بسیار تاثیرگذار بوده همین موضوع است.

احرامیان در خصوص کم توجهی و کاهش تولید در بخش معدن اظهار کرد: علاوه بر جایگاه بالای نفت و گاز در کشور، عامل دیگری را که موجب کم توجهی و کاهش تولید در بخش معدن شده می توان شرایط جهانی عنوان کرد. احرامیان دلیل این کاهش را پایین بودن کارایی در بخش معدن نمی داند، بلکه به عقیده او وجود برخی مشکلات در کل کشورهای منطقه موجب کاهش تولید مواد معدنی شده است. او خاطر نشان کرد: نمی توانیم بگوییم که در بخش معدن دچار رکود هستیم، معادن فعال هستند ولی شرایط به گونه ای



احرامیان:
نمی توانم بگویم
که در بخش
معدن دچار رکود
هستیم، معادن
فعال هستند
ولی شرایط به
گونه ای نیست که
با تمام ظرفیت و
پتانسیل خود کار
کنند





آمارها نشان می‌دهد با توجه به اهمیت صنایع کوچک و متوسط در اشتغال کشور و همچنین رشد اقتصادی، از لحاظ مالی چندان توجه ویژه‌ای به آنها نشده است

تحلیل بخش خصوصی از وضعیت صنایع ایران: صنایع به کدام سمت می‌روند؟

به انتظار روزهای خوش

فعالان تولید، رکود و کمبود تسهیلات بانکی را بزرگ‌ترین مشکل صنعت می‌دانند



از سوی اتحادیه اروپا لغو شده است.

اقدامات پس از لغو تحریم‌ها

سلیمی برای این باور است که پس از تغییرات ناگهانی در مولفه‌های اقتصادی در سال‌های گذشته علاوه بر ایجاد تورم بالا، رکود نیز بخش صنعت کشور را دربر گرفته و بسیاری از صنایع با مشکل منابع مالی مواجه شده‌اند. اما با برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی اکنون باید به دنبال راهکارها بود و همه باید برای حل مشکل تولیدکنندگان بسیج شوند. او در ادامه گفته‌های خود اظهار کرد: باید بسیج شویم و آمادگی پیدا کنیم که به محض برطرف شدن تحریم‌ها اقدامات اساسی را انجام دهیم و بسیاری از امور را جلو ببریم. او ادامه داد: بانک‌ها باید شرایط خود را در زمینه تسهیلات، رکود و معوقات مورد بررسی قرار دهند و تمام این مسائل را بخش خصوصی باید دوشادوش دولت پیش ببرد.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران بر این باور است که لغو سوئیفت‌های بانکی می‌تواند به بانک‌ها در دادن تسهیلات بیشتر به تولیدکنندگان یاری رساند. او حذف هزینه‌های جانبی را یکی از راه‌های پیشبرد اقتصاد می‌داند. سلیمی در ادامه گفت: زمانی که سوئیفت بانکی لغو شود عملاً بسیاری از هزینه‌های انتقال پول را کاهش می‌دهد و کار ما را در مقابل اقتصاد بین‌المللی روان خواهد کرد؛ به این معنا که هزینه‌های جانبی که به دلیل وضع تحریم‌ها با آن روبه‌رو بودیم کاملاً از سر راه تولید و صنعت کشور برداشته خواهد شد.

بانک‌ها بستانند

سلیمی بانک‌ها را بازوی کمکی مهمی در حل مشکلات تولیدکنندگان و رونق اقتصادی می‌داند. او در ادامه افزود: از سوی دیگر زمانی که تسهیلات سوئیفت برقرار شود بانک مرکزی و دیگر بانک‌ها باید نقدینگی و تسهیلاتی را که تولیدکنندگان نیاز دارند تامین کنند تا گشایشی در مسائل اقتصاد و در زمینه اشتغال ایجاد شود.

او ادامه داد: اشتغال جوانان نیاز به سرمایه دارد و سرمایه‌گذاری نیز به تسهیلات بانکی‌ها. بنابراین بانک‌ها از همین الان باید برنامه‌ریزی کنند که تسهیلات و گشایش اعتبارات خود را چگونه وارد بدنه اقتصاد و بازار کنند؛ آنها به هیچ عنوان نباید انقباضی عمل کنند.

سلیمی خاطر نشان کرد: این در حالی است که آمارها نشان می‌دهد با توجه به اهمیت صنایع کوچک و متوسط در اشتغال کشور و همچنین رشد اقتصادی، از لحاظ مالی چندان توجه ویژه‌ای به آنها نشده است، در حالی که شاید پرداخت میزان کمی تسهیلات به این بخش می‌توانست از تعطیلی آنها به این شکل جلوگیری کند. او افزود: به هر حال می‌توان امیدوار بود در سال جاری با تغییر رویکرد دولت به سمت این صنایع، بخشی از مشکلات این بخش حل شود.

بر اساس آمار منتشر شده، در طول سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ بیش از ۶۰۰ واحد صنعتی تعطیل شده‌اند و تعداد دیگری از آنها نیز با ظرفیت‌های بسیار پایینی کار می‌کنند. بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط در حال حاضر با مشکل تامین نقدینگی و سرمایه در گردش مواجه‌اند؛ به گونه‌ای که کمبود نقدینگی، برخی از این واحدها را به تعطیلی کشانده و این در حالی است که در طول برنامه پنجم کمتر از ۱۰ درصد از صنایع کوچک متقاضی، موفق به دریافت تسهیلات بانکی شده‌اند. سید حسین سلیمی، دیگر عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران بر این باور است که بزرگ‌ترین مشکلی که در چند وقت اخیر صنعتگران ما با آن روبه‌رو هستند رکود حاکم بر صنایع کشور است؛ و با وجود گشایش‌های بین‌المللی، هنوز تدبیری برای برطرف کردن این رکود اندیشیده نشده است.

هنوز بالاترین

سلیمی با اشاره به وضعیت بالاترین صنایع و این که صنعت کشور همچنان گرفتار رکود است، به آینده نگر گفت: صنایع ما در بالاترین سطحی به سر می‌برند و ما هنوز به خوبی نمی‌دانیم که وضعیت صنعت و بخش‌های مختلف تولیدی‌مان بهتر شده یا بدتر. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران افزود: موضوعی که می‌توان با صراحت از آن نام برد این است که در یک ماه اخیر به هیچ عنوان بهبودی در وضعیت صنعتگران ایجاد نشده است، چه در زمانی که قراردادی وجود نداشت چه الان که قرار دادهای بین‌المللی به امضا رسیده‌اند. او ادامه داد: تنها امید ما این است که دولت بعد از گشایش‌هایی که صورت گرفته تلاش کند تا رکود ایجاد شده را برطرف کند. اما نهایتاً تمام این مسائل زمان‌بر است.

بازویی مشورتی به نام بخش خصوصی

سلیمی معتقد است که بخش خصوصی می‌تواند در حل مشکلات بخش صنعت کشور نقش بازویی مشورتی را ایفا کند. او با اشاره به این موضوع که بعد از لغو تحریم‌ها باید چه اقداماتی صورت گیرد، گفت: بخش خصوصی در شرایط فعلی تنها کاری که می‌تواند بکند این است که پیشنهادهایی را که در کمیسیون‌ها و نشست‌ها با بانک‌ها مطرح می‌شود به دولت انتقال دهد و در این راه نقش بازویی مشورتی را ایفا کند.

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران اظهار کرد: مسائلی که در سازمان ملل به تصویب رسیده عملاً باعث شده که تحریم‌های سازمان ملل لغو شوند. بنابراین در شرایط فعلی باید در مورد این موضوعات سریعاً تصمیم‌گیری شود که پس از برداشته شدن کامل تحریم‌ها باید چه اقداماتی صورت گیرد و چطور اقتصاد ما به روزهای آرمانی خود نزدیک شود تا بتوانیم رشد اقتصادی را دوباره تجربه کنیم. او خاطر نشان کرد: اکنون تنها مشکل صنعتگران و تولیدکنندگان پابرجا بودن تحریم‌های آمریکا است که در سنای آمریکا وجود دارد، در حالی که سایر تحریم‌ها



سلیمی:
بزرگ‌ترین
مشکلی که در
چند وقت اخیر
صنعتگران ما با آن
روبه‌رو هستند
رکود حاکم بر
صنایع کشور
است؛ با وجود
گشایش‌های
بین‌المللی، هنوز
تدبیری برای
برطرف کردن این
رکود اندیشیده
نشده است



تحلیل بخش خصوصی از کشاورزی ایران: پیش‌ران توسعه چه شد؟

پنج بحران در ساحل آرامش

ماه‌پر خبر و اتفاق برای کشاورزی؛ از آنفلانزای مرغی تا افزایش تعرفه گندم

او اظهار کرد: تولیدکنندگان بسیاری از محصولات را تولید کرده‌اند که روی دستشان مانده است یا مجبور بوده‌اند که آنها را با قیمت‌های بسیار پایین به فروش برسانند و همین موضوع رقابت نامتوازی در بازار ایجاد کرده. به همین دلیل برخی‌ها به دلیل نداشتن نقدینگی اجناس خود را زیر قیمت تعیین شده می‌فروشتند. معصومی افزود: موضوعاتی که عنوان کردم جمع‌بندی مشکلاتی است که تمام صنوف در صنایع غذایی با آن درگیر هستند. البته سایر صنایع نیز این مشکلات را کاملاً لمس می‌کنند و تنها در بخش کشاورزی وجود ندارد.

عوارض ناگهانی گندم

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران عوارض ناگهانی وضع شده بر گندم را یکی دیگر از مشکلاتی دانست که بخش کشاورزی را درگیر کرده است. او گفت: مشکل اصلی این است که ضمن این که عوارضی تقریباً ۲۰ درصدی روی گندم وارداتی وضع کرده‌اند، قوانین عطف به‌ما سبق سبب شد حتی کالاهایی که در انبار بودند و تا پیش از این گشایش اعتبار شده بودند هم مشمول این امر شوند. همین موضوع دغدغه‌ای بسیار بزرگ برای مصرف‌کنندگان گندم ایجاد کرده که تعداد آنها هم بسیار زیاد است و شامل تولیدکنندگان یکپک و کلوچه، ماکارونی و نشاسته می‌شوند که اکثرشان هم صادرکننده هستند. عضو هیات مدیره انجمن طیور ایران در مورد قیمت گذاری محصولات خاص نیز ابراز نگرانی کرد و گفت: موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد نگرانی‌هایی است که در مورد قیمت گذاری محصولات خاص وجود دارد که البته در جلسات اخیر که در این مورد برگزار شده تا حدودی برطرف شده است. او یادآور شد: قرار بر این است که مصوبه مورد نظر ابلاغ شود و فقط در تعدادی از کالاها قیمت گذاری دولتی صورت گیرد و در سایر کالاها قیمت گذاری‌ها توسط خود صنوف انجام شود.

او اضافه کرد: البته این موضوع نظرات مخالف و موافقی دارد و خیلی از فعالان اقتصادی بر این باورند تا زمانی که در تولید یک محصول مانند شیر، مرغ و تخم‌مرغ مازاد تولید وجود دارد نباید قیمت گذاری دستوری وجود داشته باشد.

برخی مشکلات لاینحل است

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران ارتباط بخش خصوصی با دولتی‌ها را در شرایط فعلی بسیار مطلوب دانست و گفت: ارتباط بخش خصوصی با دولتی‌ها به خوبی برای گوشزد کردن نکات مهم و مشکلات وجود دارد و می‌توان گفت که گام‌هایی نیز برای دوسویه شدن این امر برداشته شده است. او افزود: بخش خصوصی در کشاورزی با سیستم دولتی در ارتباط است و در برگزاری کمیسیون‌های تخصصی اتاق معاونان جهاد کشاورزی نیز به طور مستمر حضور دارد و مرتب در جریان مسائل و مشکلات ماقرار می‌گیرد. این در حالی است که تمام مشکلات را دولتی‌ها می‌دانند اما برخی از مشکلات غیرقابل حل است و در واقع از دولت قبل برای ما به جا مانده و نمی‌توان یک‌شنبه آنها را حل کرد.

چالش‌های پیش روی بخش کشاورزی از دیدگاه فعالان اقتصادی با یکدیگر متفاوت است. برخی بر این باورند که تکنولوژی در این بخش، رویایی فراموش شده است و برخی دیگر کاهش سرمایه گذاری را مشکل تازه‌ای در بخش کشاورزی می‌دانند. مهدی معصومی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران بر این باور است که مهم‌ترین چالش بخش کشاورزی در یک ماه اخیر به چند مورد تقسیم می‌شود و نمی‌توان تنها به یک مورد خاص اشاره کرد. او معتقد است مازاد تولید در بخش طیور یکی از مشکلاتی است که برای تولیدکنندگان دردسر ایجاد کرده و باعث شده که فضای رقابتی نامتوازی میان تولیدکنندگان در جهت فروش محصولاتشان ایجاد شود. او همچنین معتقد است که در بخش کشاورزی کمبود نقدینگی و معوقات بانکی سد راه کشاورزان و تولیدکنندگانی است، که تاکنون نتوانسته‌اند برای آن تدبیری بیندیشند و همچنان با تکلیف مانده‌اند.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در ادامه با اشاره به مازاد تولید مرغ و تخم‌مرغ اظهار کرد: در بخش طیور، مرغ و تخم‌مرغ حدود یک سال است که مازاد تولید داریم و همین موضوع یکی از دغدغه‌هایی است که در بخش دامداری وجود دارد و باعث می‌شود قیمت فروش محصولات بسیار پایین‌تر از قیمت‌های مصوبه‌ای باشد که مورد تایید دولت قرار گرفته است. او در ادامه افزود: این در حالی است که در بخش دام نیز به دلیل این که قدرت خرید مردم کاهش یافته مازاد تولید وجود دارد و می‌تواند یکی دیگر از دغدغه‌های پیش روی بخش کشاورزی به شمار آید. نماینده کمیسیون بین‌المللی تخم‌مرغ (IEC) در ایران ادامه داد: در صنعت طیور مزیت نسبی داریم اما تاکنون سیاستی برای صادرات نداشته‌ایم چرا که سیاست دولت هیچ‌گاه بر مبنای صادرات نبوده است. اما اگر فضا برای تصمیم‌سازی بخش خصوصی باز شود، این امکان فراهم خواهد شد.

زیان در سایه آنفلانزا

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران آنفلانزا را یکی دیگر از مشکلات بخش طیور دانست و گفت: در بخش طیور یکی از مشکلاتی که وجود داشت و ما با آن دست و پنجه نرم کردیم آنفلانزا بود که در حال حاضر توانستیم این مشکل را حل کنیم، اما اگر در آینده این مشکل به خوبی مهار نشود باز هم احتمال خطر آن وجود خواهد داشت. او ادامه داد: این در حالی است که اگر نتوان به خوبی این معضل را مهار کرد باید منتظر یک زیان بسیار بزرگ در سه ماهه سوم و چهارم سال بود که دامداران باید آن را متحمل شوند که جای بسی نگرانی است.

گله‌مندی از کمبود نقدینگی و معوقات بانکی

معصومی بر این باور است که کمبود نقدینگی و معوقات بانکی هنوز هم در راس بزرگترین مشکلات بخش کشاورزی هستند. او در ادامه یادآور شد: در سایر بخش‌های کشاورزی و در جلساتی که در اتاق بازرگانی برگزار شده است تقریباً تمام افراد در بخش صنایع غذایی و کشاورزی از کمبود نقدینگی، معوقات بانکی و این که قدرت خرید مردم کاهش یافته گله‌مند بودند.



معصومی:
عوارضی
۲۰ درصدی روی
گندم وارداتی
وضع کرده‌اند،
قوانین عطف به‌ما
سبق سبب شد
حتی کالاهایی
که در انبار بودند
و تا پیش از این
گشایش اعتبار
شده بودند هم
مشمول این امر
شود





مسائل سیاسی و جو حاکم بر توافقات بر روی چند و چون صادرات تاثیر داشته که صادرکنندگان را با دغدغه و مشکلاتی روبه‌رو کرده است

تحلیل بخش خصوصی از بازرگانی ایران: تجارت رونق می‌گیرد

هدف‌های بزرگ برای تجار

عوارض و تعرفه‌ها، شیر جان بازرگانی را می‌کشد



مهرماه سال قبل بود که معاون اول رئیس‌جمهور تسهیل فرایند تولید و توسعه صادرات غیرنفتی را از جهت‌گیری‌های اصلی دولت تدبیر و امید خواند و عنوان کرد که دولت به دنبال رفع موانع پیش روی صادرکنندگان و فراهم کردن شرایط مساعد برای فعالان حوزه صادرات غیرنفتی است.

اسحاق جهانگیری در جلسه بررسی راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی که با حضور نمایندگان فراکسیون صادرات مجلس شورای اسلامی و شماری از نمایندگان اتاق بازرگانی و بخش خصوصی برگزار شد، با تاکید بر این که صادرات غیرنفتی همواره یکی از وظایف دولت‌ها در برنامه‌های توسعه کشور بوده است، افزود: عزم دولت تدبیر و امید این است که توسعه صادرات را به یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های کشور تبدیل کند و در این مسیر از تدابیر و راهکارهای لازم برای افزایش حجم صادرات استفاده خواهد کرد. اما با گذشت حدود یک سال از سخنان معاون اول رئیس‌جمهور، رئیس کمیسیون صادرات از افت صادرات غیرنفتی و توجه نکردن به این بخش گله‌مند است. محمد لاهوتی کاهش صادرات غیرنفتی را در یک ماه گذشته مهم‌ترین چالش پیش روی بخش بازرگانی کشور می‌داند و بر این باور است که سازمان توسعه و تجارت باید تدبیری برای این کاهش بیندیشد.

دچار مشکل کرده است، گفت: موضوع دیگری که باید به آن پرداخت، عوارض صادراتی است. تصمیمات در خصوص ممنوعیت واردات، محدودیت صادرات و عوارض صادراتی، صادرکنندگان را با مشکلاتی مواجه کرده است و آنها به دلیل این قوانین و نگرانی از پرداخت عوارض، از صادرات صرف‌نظر می‌کنند. مطمئناً صادرات در شرایطی می‌تواند موفق باشد که ثبات قوانین وجود داشته باشد. ممکن است تغییرات در قوانین در کوتاه‌مدت به نفع صادرکنندگان باشد، اما در بلندمدت نمی‌تواند شرایط مطلوبی را ایجاد کند.

لاهوتهی همچنین به موضوع انتظار تجار از فروردین‌ماه تاکنون اشاره و اظهار کرد: از سوی دیگر مسائل سیاسی و جو حاکم بر توافقات بر روی چند و چون صادرات تاثیر داشته که صادرکنندگان را با دغدغه و مشکلاتی روبه‌رو کرده است. البته امیدواریم با توافق پیش رو و طی شدن مراحل قانونی، این مشکلات برطرف شود. او یادآور شد: اما نباید از معضلات به وجود آمده غافل شویم و دلایل کاهش صادرات باید توسط سازمان توسعه و تجارت ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی شود و قبل از این که این روند ادامه پیدا کند مانع کاهش بیشتر صادرات شویم.

دولت، بستر ساز بخش خصوصی

لاهوتهی اعتقاد دارد دولت برای بخش خصوصی بستر ساز است و اگر بحث ممنوعیت کالاها یا عوارض صادراتی مطرح می‌شود دیگر در اختیار بخش خصوصی نیست و این دولت است که باید بستر اولیه را برای حل مشکلات فراهم کند. او اظهار کرد: اگر صادرکنندگان نگران نرخ ارز برای روزهای بعد از توافق هستند، این دیگر در اختیار بخش خصوصی نیست. تازمانی که ثبات قوانین و مقررات و امنیت اقتصادی از نظر روانی بر جامعه حاکم نشود، قطعاً با این چالش‌ها روبه‌رو خواهیم بود.

رئیس کمیسیون صادرات در ادامه افزود: از فروردین‌ماه که بحث توافقات هسته‌ای مطرح بود و همه در یک نوع انتظار به سر می‌بردند خود این موضوع بسیار تاثیر گذار بوده، اما برخی از زوایای مربوط به خودمان و درون کشور وجود دارد که از آن به عنوان «خودتحریمی» یاد می‌شود. با این حال باید عنوان کرد بخش خصوصی در شرایطی است که به‌خوبی می‌تواند وارد فعالیت‌های اقتصادی شود و برای افزایش صادرات به دولت کمک کند.

لاهوتهی پیشنهادی برای افزایش صادرات مطرح کرد و گفت: اگر به‌طور ناگهانی صادرات ما مثلاً در بخش میعانات گازی با کاهش روبه‌رو می‌شود، باید سازمان توسعه و تجارت مشوق‌هایی را در نظر بگیرد و فشار را به کالاهایی بیاورد که در آنها مزیت داریم. مثلاً در بخش صنعت که کاهش کمتری داشته و یا معدن که کاهش بیشتری را تجربه کرده، باید قبل از این که دچار کاهش شویم حمایت بیشتری صورت بگیرد که جبران کسری از صادرات میعانات گازی را بکند.

هدف‌گذاری‌ها محقق نشده‌اند

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران معتقد است مشکلات پیش روی بخش خصوصی به یک نوع عادت تبدیل شده و این موضوع یک روال عادی است که خصوصی‌ها با مشکلات دست و پنجه نرم کنند. او در ادامه گفت: اما مهم‌ترین اتفاقی که از دیدگاه من، با توجه به این که در بخش صادرات فعالیت دارم، باید مورد تامل قرار گیرد دلایل کاهش صادرات غیرنفتی است. علی‌رغم این که قرار بوده صادرات غیرنفتی کشور هدف‌گذاری ۲۰ درصد افزایش سالانه در سال ۹۴ را داشته باشد و سازمان توسعه و تجارت قرار بوده تمهیدات لازم را در این راستا بیندیشد، اما آمار فصلی بیانگر کاهش ۱۰ درصدی ارزش و کاهش ۴ درصدی وزن است.

لاهوتهی در ادامه با اشاره به افت صادرات میعانات گازی اظهار کرد: باید بپذیریم که میعانات گازی بیشترین کاهش را در صادرات غیرنفتی داشته‌اند که دلایل عمده آن هم کاهش قیمت گاز و نفت در جهان بوده. او ادامه داد: این در حالی است که متأسفانه ما در بخش معدن حدود ۵۶ درصد کاهش صادرات داشتیم. این موضوع نشان‌دهنده این است که هدف‌گذاری و جهت‌گیری درستی نداشته‌ایم که حتماً باید به آن توجه ویژه داشت.

گریز صادرکنندگان به دلیل پرداخت عوارض

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره به بحث عوارض صادراتی که در چند وقت اخیر برخی از صادرکنندگان را



لاهوتهی:
میعانات گازی
بیشترین کاهش
را در صادرات
غیرنفتی
داشته‌اند. در
بخش معدن
هم حدود ۵۶
درصد کاهش
صادرات داشتیم.
این موضوع
نشان‌دهنده
هدف‌گذاری
و جهت‌گیری
نادرست است





چرخ‌های صنعت می‌چرخد

گزارش اختصاصی تصویری آینده‌نگر از فعالیت کارخانه‌های صنعتی و کارگران در سراسر ایران

اقتصادی پساتحریم امکان برقراری ارتباط بیشتر با اقتصادهای بین‌المللی ایجاد می‌شود. به این ترتیب صنایع نیز به افزایش اشتغال و بهبود فضای کسب و کار امیدوار شده‌اند. با این وجود گزارش‌های فعلی نشان می‌دهد که کارگران و صنایع کشور با عنصر امید همچنان به کار ادامه می‌دهند. آنچه می‌بینید گزارشی از تلاش صنایع و کارگران کشور است.

صنایع ایران طی سال‌های گذشته به دلیل رکود فراگیر با بحران‌های بسیاری مواجه شده‌اند. اما توافقی هسته‌ای موجب شده تا فضای روانی مثبتی در کشور ایجاد شود. در پس‌چنین فضای مثبتی احتمال رونق بیشتر کسب و کارها نیز ایجاد شده است. در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی کشور به بیکاری عمیق و بحران توسعه مربوط می‌شود. در صورتی که در فضای



رضا معطریان، از شناخته‌شده‌ترین عکاسان ایرانی به شمار می‌آید. او سابقه همکاری با حداقل ۳۰ نشریه معتبر ایرانی و همچنین فعالیت در نشریات بین‌المللی را دارد. او طی سال‌های فعالیت حرفه‌ای خود چندین جایزه معتبر بین‌المللی و داخلی در زمینه عکاسی را کسب کرده است. معطریان طی سال‌های اخیر به تدریس تجربیات عکاسی خود می‌پردازد و بزودی کتاب ویژه عکس‌های او از مسابقات فوتبال داربی منتشر می‌شود.

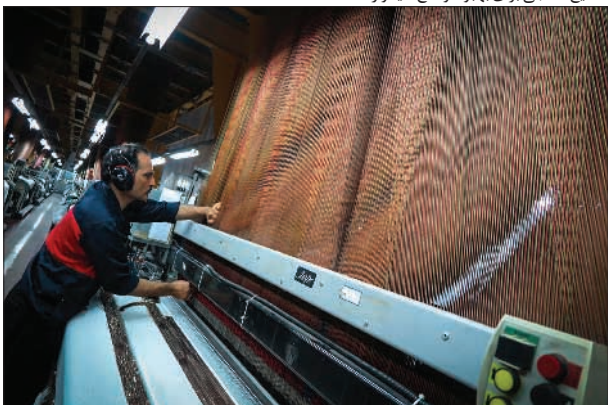
صنایع بالادستی بیشترین نقش را در توسعه کشور و رونق کسب و کار برعهده دارند. این صنایع طی یکسال گذشته افزایش تولید داشته‌اند.



صنایع فولادی موجب افزایش رشد اقتصادی ایران شده‌است.



صنایع نساجی برای بهبود اوضاع امیدوار هستند.



صنایع ساختمانی به دلیل رکود وضعیت نامطلوبی دارند.



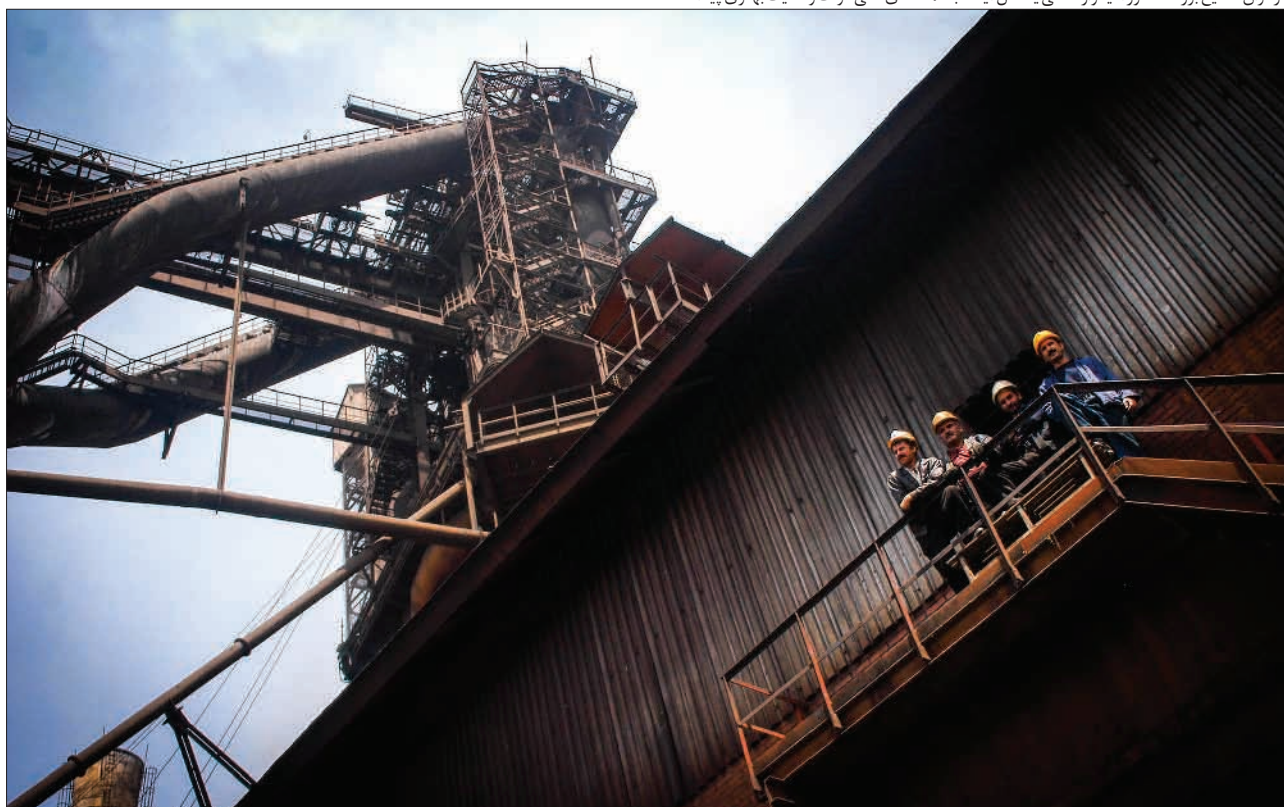
صنعت ساختمان با رکود سختی مواجه است.



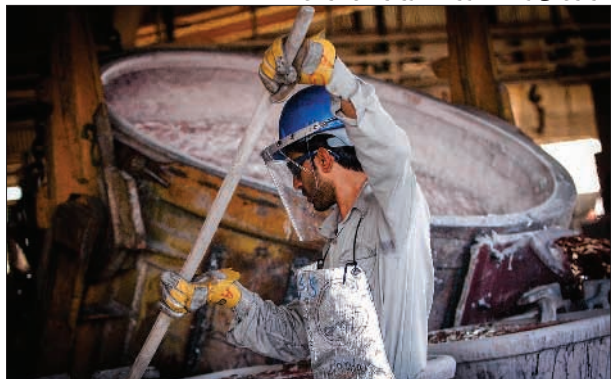
صنایع نساجی نگران رقابت با ترکیه هستند.



کارگران صنایع بزرگ کشور امیدوارند طی یکسال آینده با کمک‌های مالی دولت وضعیت بهتری پیدا کنند.



کارگران می‌توانند امیدوار به حضور در محل کارشان باشند.



بیشترین زیان به صنایع کوچک رسیده که امکان توسعه را از دست داده‌اند.



معادن کشور توجه ویژه‌ای به جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارند.



در صورتی که صنایع ساختمانی از رکود خارج شوند، ۷۰۰ صنعت دیگر هم امکان رشد پیدا می‌کنند.



یک میلیون کارگر ساختمانی در ایران فعالیت می‌کنند.



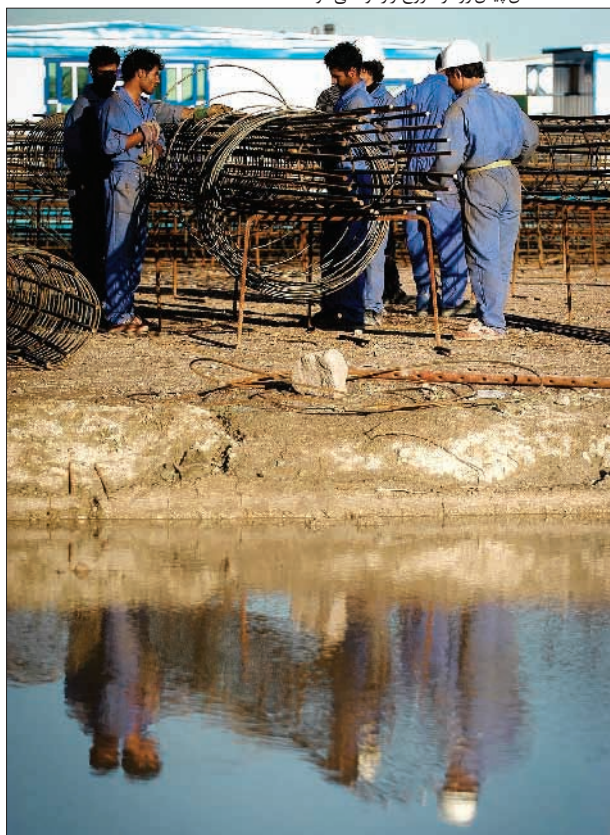
بیشترین میزان تعدیل نیرو در صنایع کوچک رخ داده است.



در صورت رونق تجارت ایران امکان تولید بیشتر نیز ایجاد می‌شود و در نهایت وضعیت بیکاری قدری بهبود می‌یابد.



صنعت ساختمان پیش رو در خروج از رکود می‌شود.



زیرساخت‌های حمل و نقلی ایران آماده برای دوران توسعه است.



بیکاری در صنعت ایران به بالاتر از ۲۵ درصد رسیده است.



نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال به اوج رسیده ولی همچنان امید به بهبود شرایط وجود دارد.



کارگران امیدوار به حضور در محل کار هستند.



۷۰ درصد واحدهای صنعتی توسعه را متوقف کرده اند.



صنایع بزرگ پیشران توسعه شده اند.



کشور را نمی توان با چرتکه اداره کرد

علیرضا کلاهی، کارآفرین جوان و رئیس هیات مدیره سندیکای برق چگونه موفق شد؟

Shell, Repsol, British American Tobacco, Renault

و...) حضور پیدا کنیم و از نزدیک با روش های کار و مدیریت آنان آشنا شوم و ضمناً با چالش های سیاسی و حرفه ای محیط کار نیز برخورد کنیم. دوران مشاوره به من این فرصت را داد که درگیری روزمره در محیط کسب و کار و چالش های بنگاه های ایرانی را مشاهده کنم و در مورد آنها اطلاعات به دست بیاورم.»

علاوه بر این او در دوران مشاوره از نزدیک با چالش های مهم شرکت های صنعتی و تولیدی آشنا شد و نکات بسیاری آموخت که در سال های بعد و شروع کار در واحدهای تولیدی به او کمک بسیار کرد. خود او درباره تجربه هایی که در آن سال ها کسب کرده است و شناسایی ضعف اصلی واحدهای تولیدی، می گوید: «در این مدت به این مهم واقف شدم که تنها مسیر رشد و توسعه پایدار سرمایه گذاری در زیرساخت های مدیریتی و منابع انسانی است و تصمیم گرفتیم که در سازمان خود حداکثر زمان و انرژی را بر اصلاح زیرساخت های مدیریتی قرار دهیم. متوجه شدم به دلیل مشکلات بهر هوری و نبود مدیریت منسجم و علمی علی رغم سرمایه گذاری سنگین و خرید بهترین ماشین آلات جهان، متأسفانه کمتر شرکتی در ایران رشد متوازن و پایدار داشته و موفق به دستیابی به رتبه ای فراکشروری شده است. به عبارتی دیگر ایران تبدیل به قبرستان بهترین ماشین آلات جهان شده است.»

علیرضا کلاهی پس از شش سال کسب تجربه و مشاوره مالی و مدیریتی مجدداً به شرکت خانوادگی بازگشت و در کنار پدر مشغول کار شد. «پدرم از کارآفرینی بود که عمیقاً به میهن و عمران کشور، خلق ارزش و ایجاد اشتغال برای هم وطنان عشق می ورزید. او معتقد به درستی کار و صداقت و کیفیت در کار بود. متأسفانه دست تقدیر اجازه نداد که زمانی طولانی در کنار پدرم باشیم و ایشان در ۵۷ سالگی به رحمت ایزدی رفت. تیم کارآمد و صادقی که در مجموعه گرد هم آورده بود همراه با نام نیک و او بزرگترین سرمایه اصلی ترین عامل موفقیت مجموعه مادر این سال ها بوده است.»

علیرضا کلاهی با درگذشت پدر، مدیریت هلدینگ خانوادگی را بر عهده گرفت و به گفته خود با به کارگیری ابزارها و روش های نوین مدیریتی در ۱۰ سال گذشته موفق شد این مجموعه را ۲۰۰ درصد رشد دهد و دستاوردهای بسیاری کسب کند. هلدینگ نورین در حال حاضر از بزرگترین مجموعه های خصوصی ایران است که در رشته های تولید کابل، پیمانکاری خطوط انتقال، آمیزه سازی پلیمر و تجارت فعالیت دارد. اولین واحد آمیزه سازی پلیمر در ایران شرکت گرانول قزوین است که در سال ۱۳۸۰ و زیر مجموعه هلدینگ نورین راه اندازی شد و نخستین تولیدکننده آمیزه های تخصصی پی وی سی در کشور محسوب می شود. شرکت کابل ابهر نیز دومین عضو مجموعه نورین و بزرگترین تولیدکننده کابل در ایران است و محصولاتی مانند کابل های ضد آتش (جهت پروژه های مترو)، ابزار دقیق نفتی، فشار قوی، کابل های زیر دریایی و کابل فوق فشار قوی ۲۳۰ کیلوولت را برای نخستین بار در کشور و خاور میانه تولید کرده است. این شرکت علاوه بر انتخاب به عنوان واحد نمونه صنعتی ایران در چهار نوبت، واحد نمونه کیفی ملی و واحد نمونه تحقیق و توسعه ملی در سه نوبت بوده است. از دیگر پروژه های مهم شرکت می توان به اجرای پروژه جایگزینی خط فشار قوی بزرگراه صدر اشاره کرد. این شرکت در حال حاضر با حضور گسترده در پروژه های بین المللی در کشورهای عراق، عربستان سعودی، ترکمنستان، آذربایجان و کویت به برندی جهانی تبدیل شده است.

علیرضا کلاهی در گفت و گو با یکی از روزنامه ها در مورد مدیریت هلدینگ

علیرضا کلاهی صمدی در دفتر کارش در خیابان آپادانا از سفرش به چند کشور اروپایی و دیدار با مسئولان شرکت های بزرگ کابل سازی صحبت می کند و می گوید دوران جدید پس از تحریم ها «فرصت طلایی» برای اقتصاد ایران و بخش خصوصی است و دولت باید زمینه های لازم را برای حضور شرکت های خارجی در ایران مهیا کند. چند ساعتی بیشتر به پروازش باقی نمانده و خود را برای مذاکره با مسئولان شرکت ها آماده کرده تا دوباره همکاری در روزهای پس از لغو تحریم های اقتصادی صحبت کند و بتواند آنها را برای حضور در ایران تشویق کند.

او با وجود آن که تازه وارد پنجمین دهه زندگی شده، سال ها تجربه فعالیت اقتصادی، تولیدی و مدیریتی در کارنامه دارد و حالا هلدینگ خانوادگی شان (هلدینگ نورین) را مدیریت می کند و رئیس هیات مدیره سندیکای برق کشور نیز هست.

کلاهی صمدی متولد آذرماه سال ۱۳۵۲ در تهران است و در خانواده ای اقتصادی و کارآفرین رشد کرده است. ۱۴ ساله بود که برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و در وینچستر کالج لندن، قدیمی ترین مدرسه جهان با بیش از ۶۳۰ سال قدمت مشغول تحصیل شد، اتفاقی که خود از آن به عنوان یکی از تاثیرگذارترین تحولات زندگی اش یاد می کند و می گوید: «از تاثیرگذارترین اتفاق های زندگی ام عزیمت به انگلستان در سال ۱۳۶۶ بود. زندگی و تحصیل در وینچستر کالج هم از نظر فرهنگی و هم از نظر آموزشی شرایطی برای من فراهم کرد که هم دوره هایم از آن بهره مند نبودند.»

زندگی در مدرسه شبانه روزی و دور از خانواده در واقع او را برای روزهای سخت آینده در زندگی و کار آماده کرد و نکات بسیاری را به او آموزش داد. «دوری از خانواده و عادت به زندگی در مدرسه شبانه روزی که بی شباهت به پادگان نظامی نیست، خصوصیت هایی چون دیسیپلین، کنترل و قابلیت انطباق با شرایط را به من آموخت.»

ورود به دانشگاه و شروع کار

با پایان تحصیل در وینچستر کالج، او برای ادامه تحصیل ابتدا رشته مهندسی شیمی را انتخاب کرد و به امپریال کالج لندن رفت و سپس در رشته مهندسی صنایع در کینگز کالج لندن مشغول تحصیل و از آنجا فارغ التحصیل شد و بعد آن تصمیم گرفت به ایران بازگردد و در هلدینگ خانوادگی، مجتمع صنعتی نورین مشغول به کار شود. البته این حضور در آن مقطع چندان پایدار نبود و او خیلی زود به این نتیجه رسید که بهتر است خود کاری را شروع کند تا به صورت واقعی محک بخورد. او در این باره می گوید: «پس از شش ماه به این نتیجه رسیدم که در شرکت خانوادگی و زیر سایه پدر هیچ گاه به درستی محک نخواهم خورد و محیط کار واقعی را لمس و تجربه نخواهم کرد. بنابراین تصمیم گرفتم کار دیگری را شروع کنم.»

برای علیرضا کلاهی که دانش آموخته مراکز علمی معتبر بود یافتن کاری جدید اصلاً سخت نبود؛ او پس از خروج از هلدینگ خانوادگی خیلی زود کار خود را در دفتر نمایندگی انرست اند یانگ، یکی از بزرگترین موسسات مشاوره مالی و مدیریتی جهان شروع کرد، کاری که خود می گوید برایش حتی از تحصیل در دانشگاه هم ارزشمندتر بوده است. «کار در این سازمان از دانشگاه برای من ارزشمندتر بود زیرا فرصت آن را یافتم که به عنوان مشاور در سازمان های متعدد ایرانی (شرکت نوشاب، ایران سب و...) و خارجی (StatOil)،

دوری از خانواده و عادت به زندگی در مدرسه شبانه روزی که بی شباهت به پادگان نظامی نیست، خصوصیت هایی چون دیسیپلین، کنترل و قابلیت انطباق با شرایط را به من آموخت



وینچستر کالج



وینچستر کالج



دیدار با حمید چیت چیان، وزیر نیرو



کلاهی در کنار فعالان صنعت برق



خانوادگی و پیشرفت آن گفته بود: «چندی پیش زمانی که عملکرد شرکت را مرور می کردم، متوجه شدم در این ۱۰ سال حضور در مجموعه، میزان بازدهی کارمندان به ریال ۳۰ برابر و به دلار شاید ۷ یا ۸ برابر شده، یعنی شرکت زیان ده را سودآور و بدهی ها را مهار کرده ایم و بهره وری را رو به رشد برده ایم. در مورد همه معیارها از جمله بحث فنی و توسعه محصولات جدید، سهم بازار، مشتری مداری و غیره نمره قبولی به خودمان می دهیم و تنها جایی که خودم را مرود می دانم، بحث پرورش مدیر است که مرتبط با مقوله رهبری سازمانی است. یعنی این که بتوانیم نسل بعدی مدیران را پرورش بدهیم. یک فرد به تنهایی نمی تواند این کار را انجام دهد، لذا کلیه مدیران ارشد و اعضای هیات مدیره باید مقوله پرورش مدیران را یاد بگیرند و اعمال کنند. اینها همان نسلی هستند که در همان فضای دهه ۶۰ رشد کردند و وارد فضای مدیریتی شدند، بدون این که آموزش ها و فنون مرتبط را آموخته باشند.»

کلاهی در کنار مدیریت هلدینگ خانوادگی به دنبال فعالیت های اقتصادی نوین با توجه به رشد تکنولوژی و بازار در جهان است و از همین رو در زمینه تجارت الکترونیک نیز فعال و عضو هیات مدیره شرکت نوآوران فن آوازه است که همه آن را بانام یکی از زیر مجموعه هایش یعنی «دیجی کالا» می شناسند. او درباره حضورش در این شرکت می گوید: «سه سال پیش با جمعی از دوستان تصمیم گرفتیم قدم به عرصه اقتصاد نوین بگذاریم و شرکت سر آوا پارس، اولین هلدینگ تخصصی تجارت الکترونیک را تشکیل دادیم. شرکت سر آوا در اولین قدم بخشی از سهام دیجی کالا را خرید و من به عنوان نماینده سر آوا در هیات مدیره بزرگ ترین شرکت زیر مجموعه آن، دیجی کالا مشغول شدم. امروز این شرکت با بیش از ۱۰ میلیون نفر کاربر و ۳۰۰۰ خریدار روزانه، بزرگ ترین فروشگاه اینترنتی خاور میانه است.»

حضور در سندیکای برق و اتاق تهران و ایران

علاوه بر مدیریت شرکت های تولیدی و تجارت الکترونیک، علیرضا کلاهی به شکل گرای و فعالیت های صنفی نیز علاقه بسیار نشان می دهد و حضوری فعال در انجمن ها و تشکلهای مرتبط با حوزه انرژی و بخش خصوصی دارد. او پس از شش سال حضور در سندیکای صنعت برق به عنوان عضو هیات مدیره و رئیس کمیته های سیم و کابل و صادرات به عنوان جوان ترین رئیس هیات مدیره این تشکل مهم و با سابقه کشور انتخاب شد. همچنین با حضور در ائتلاف برای فردا و کاندیداتوری در انتخابات اتاق تهران و کسب آرا توانست به عنوان عضو اتاق تهران و اتاق

ایران انتخاب شود و به پارلمان بخش خصوصی نیز راه یابد تا بتواند بیش از گذشته نقش پررنگی در تصمیم گیری های تشکلهای بخش خصوصی داشته باشد. او در زمان کاندیداتوری در انتخابات اتاق تهران در یادداشتی نوشته بود: «در اقتصادهای پیشرفته، نهادهای غیردولتی نقش پررنگی در تصمیمات اقتصادی و تجاری برعهده دارند. در اقتصاد دولتی ایران اصولاً نقش بخش خصوصی کم رنگ بوده و ضعف های سنتی مادر کار تشکلی منسجم باعث شده تا صدای بخش خصوصی به اندازه کافی در قوای سه گانه و انتظار عمومی منعکس نشود. البته در چند سال اخیر شاهد تحرکات مثبتی در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بوده ایم و این نهاد در مسیر درستی برای ایفای رسالت ذاتی خود قرار گرفته است که البته باید این حرکت با سرعت و قاطعیت بیشتری ادامه پیدا کند.»

کلاهی می گوید در زندگی اش کسب درآمد هیچ گاه محرک اصلی او نبوده و ادامه می دهد: «ثروت نه تنها آسایش می آورد و اگر صرفاً دنبال آسایش بودم در خارج زندگی می کردم. باور من قویا این است که ایرانیانی که توان وامکان آن را دارند که به رشد و توسعه کشورشان کمک کنند باید در این مسیر قدم بردارند و تجربه و سرمایه خود را در مسیر اعتلای کشور به کار بندند.»

می گوید: «کشور ثروتمندی مثل ایران نیاز به تامین منابع مالی و پول خارجی ندارد؛ عمده ضعفی که وجود دارد موضوع نظام مدیریتی است که به اعتقاد من می تواند رهاورد سرمایه گذاران خارجی باشد. کما این که یکی از علل رشد عجیب ترکیه در ده سال اخیر، حضور همین شرکت های خارجی و بازگشت ترکیه ای هایی بوده که در آلمان کار می کرده اند. ما نیز با فراهم سازی چنین فضایی در ایران و جذب سرمایه گذاران خارجی و همچنین ایجاد زمینه برای بازگشت جمعیتی از ایرانیانی که خارج از این مرز و بوم هستند که با خود نظام های نوین مدیریتی را خواهند آورد، می توانیم شاهد تغییرات اساسی و زیرساختی باشیم.»

مهم ترین سوابق فعالیت

رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران / نایب رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران / عضو علی البدل هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران / رئیس کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران / منشی هیات مدیره فدراسیون صادرات انرژی / رئیس هیات مدیره شرکت سیم و کابل ابهر / مدیر اجرایی هلدینگ نوین / عضو هیات مدیره شرکت سر آوا پارس / عضو هیات مدیره شرکت نوآوران فن آوازه (دیجی کالا)

کشور ثروتمندی
مثل ایران نیاز به
تامین منابع مالی
و پول خارجی
ندارد؛ عمده
ضعفی که وجود
دارد موضوع نظام
مدیریتی است
که به اعتقاد من
می تواند رهاورد
سرمایه گذاران
خارجی باشد

۱۹۴۹/ در بحبوحه رکود اقتصادی در آن سال، هوندا و تاکائو فوجیسوا با موفقیت می‌رسند



۱۹۲۰/ در سن ۱۵ سالگی به توکیو می‌رود و در یک مغازه تعمیر اتومبیل‌های سواری کار می‌کند



۱۹۳۶/ هوندا، اولین شرکت خود را در تولید رینگ پیستون راه‌اندازی کرد.



هوندا، رویای پسر بچه روستایی

بر نندی از دو چرخه تا پیشرفته‌ترین ربات انسان نما

زیرا کمی بعد دچار یک سانحه شدید رانندگی شدم و تعدادی از استخوان‌های من هردو دستش شکست و پس از این مجبور شدم تا رانندگی سرعت را کنار بگذارم.

البته تصمیم‌م برای دور شدن از مسابقات رانندگی الزاماً به معنی کنار گذاشتن موضوع مورد علاقه‌اش یعنی خودرو و وسایل نقلیه نبود، بلکه او تصمیم گرفته بود تا از تجربه سال‌های بسیار در این حوزه برای ساخت تجهیزات جدید خودرو استفاده کند. در اولین گام در این راستا به سراغ تولید رینگ پیستون رفت و شرکت صنایع سنگین توکای سیکو را تأسیس کرد. همچنین در کنار راه‌اندازی واحد تولیدی، هوندا اقدام به ثبت نام در دانشکده فناوری هاماتسو کرد تا بزرگ‌ترین ضعف زندگی‌اش را به نوعی جبران کند. با وجود این، او دانشجوی خوبی نبود و علاقه چندانی به تحصیل و دادن امتحانات نداشت و همین موضوع در نهایت باعث اخراجش شد.

او خود در این باره گفته است: «علاقه‌ای به این گونه مدارک ندارم آنها به درد من نمی‌خورند. نمره‌های من به خوبی نمره‌های دیگران نیست و من در امتحانات نهایی شرکت نخواهم کرد. مدیر دانشکده مرا صدا کرد و گفت که باید آنجا را ترک کنم. من به او گفتم که دیپلم نمی‌خواهم، برای من ارزش این مدرک کمتر از بلیت سینماست. حداقل بلیت، ورود شما را به سینما تضمین می‌کند اما دیپلم تضمین‌کننده هیچ چیزی نیست.»

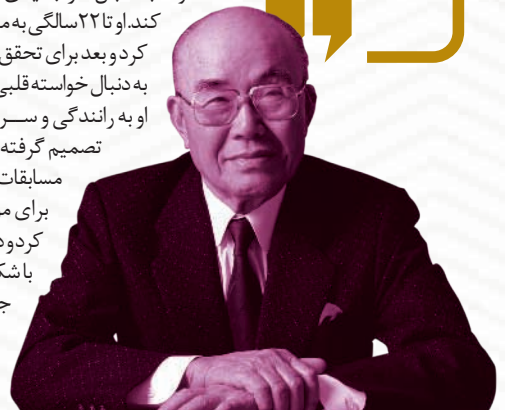
هوندا تحصیل را بار دیگر نیمه‌کاره رها نکرد اما جدیتش را در کار افزایش داد و مدت زیادی نگذشت که چنان در تولیدات رینگ موفق شد که توانست با شرکت توپوتا، بزرگ‌ترین سازنده اتومبیل در ژاپن قرارداد امضا کند. البته او در این بین با چالش‌هایی نیز مواجه شد که مهم‌ترین آنها آسیب دیدن کارخانه در زمان جنگ جهانی برای برخورد گلوله و تخریب شدید در زلزله بود که به تعطیلی کارخانه و تولید منجر شد. سوئی چپرو همه چیز خود را از دست داده بود و به همین دلیل بار دیگر در یک تعمیرگاه مشغول به کار شد تا این که

پسرک آهنگر وقتی در روستای کوچکشان با پتک بر آهن سخت ضربه می‌زد شاید هیچ‌وقت تصور نمی‌کرد بلندپروازی و البته کوشش‌هایش روزی او را به رویاهایش برساند و صاحب یکی از بزرگ‌ترین برندهای صنعتی کشورش یعنی ژاپن و حتی جهان شود، برندی که نامش را از فامیلی او یعنی هوندا یدک می‌کشد و حالا یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خودروساز و موتورساز جهان محسوب می‌شود. پسری که شعار اصلی کارخانه‌اش این شد: «مشتی پادشاه است».

سوئی چپرو هوندا در سال ۱۹۰۶ در روستای کیومودر ۲۷۰ کیلومتری جنوب غربی توکیو به دنیا آمد. پدرش آهنگر بود و در کنار کار آهنگری به تعمیر دوچرخه هم می‌پرداخت و این موضوع باعث شد که سوئی چپرو از کودکی و نوجوانی علاقه خاصی به دوچرخه و تعمیرات پیدا کند و زمانی که با آگهی کار در یک گاراژ روبه‌رو شد تحصیل را رها کرد و به آن پاسخ مثبت داد. البته او تنها شش ماه در این گاراژ مشغول به کار بود زیرا به جای شاگردی در تعمیرگاه، صاحب کار از او انتظار داشت تا کودکش را نگه دارد و همین موضوع دلیلی شد تا هوندا به دنبال کار جدیدی بگردد و در یک مکانیکی کار پیدا کند. او تا ۲۲ سالگی به مدت شش سال در این مکانیکی کار کرد و بعد برای تحقق بلندپروازی‌هایش کار را رها کرد و به دنبال خواسته قلبی‌اش رفت.

او به رانندگی و سرعت علاقه بسیاری پیدا کرده و تصمیم گرفته بود که شانس خود را در سرعت و مسابقات اتومبیل‌رانی امتحان کند، هوندا برای موفقیت در این کار تلاش بسیاری کرد و در نهایت نیز در سال ۱۹۳۶ توانست با شکست رکورد قبلی کشورش رکورد جدیدی از خود بر جای بگذارد؛ البته شادی او چندان بادوام نبود

سوئی چپرو هوندا در سال ۱۹۰۶ به دنیا آمد. پدرش آهنگر بود و در کنار کار آهنگری به تعمیر دوچرخه هم می‌پرداخت و این موضوع باعث شد که سوئی چپرو از کودکی و نوجوانی علاقه خاصی به دوچرخه و تعمیرات پیدا کند



۱۹۵۰/با تولید موتور سیکلت، شهرت هوندا شروع شد.



۲۰۳۳/هوندا جت، اولین پرواز خود را شروع کرد.



تصمیم گرفت موسسه‌ای تحقیقاتی و فنی به نام «هوندا گیکن کوگیو کابوشی کایشا» به معنی کمپانی تحقیقاتی هوندا بنیان گذارد و ایده‌هایش را در آن اجرایی کند؛ مرکزی تحقیقاتی که مقدمه شکل‌گیری شرکت هوندا موتور در سال ۱۹۴۸ شد.

او به عنوان اولین ایده با اتصال یک موتور ساده به بدنه دوچرخه، یک وسیله‌ارزان قیمت و بسیار اولیه موتوری تولید کرد. هوندا، ۵۰۰ موتور کوچک مازاد زمان جنگ جهانی را با قیمت ۳۲ دلار خریداری کرد، موتورهای کوچکی که بنزینی که در زمان جنگ از آنها برای به کار انداختن ژنراتور برق استفاده می‌شد و آنها را با طراحی خاص روی دوچرخه‌هایی وصل کرد تا نخستین محصول شرکتش تولید شود.

البته ایده‌های بعدی هوندا به همین سادگی نبود. او در سال‌های بعد و با تلاش و تحقیقات گسترده به یکباره گام‌های بلندتری برداشت. مثلاً یک سال بعد از تأسیس شرکتش (۱۹۴۹) اولین موتور سیکلت تکامل یافته کارخانه هوندا یعنی مدل دی را روانه بازار کرد. سوئی چپ‌رو از شکست نمی‌ترسید و به ارتقای کیفیت محصولاتش همیشه اعتقاد داشت و همیشه توجه به مشتری را در اولویت کارش قرار می‌داد و همین‌ها باعث شد تا او در کمتر از ۱۰ سال بتواند به بزرگ‌ترین تولیدکننده موتور سیکلت در ژاپن تبدیل شود. او سه شعار اصلی داشت: «مشتری همیشه پادشاه است»، «متفاوت بودن، مشتری‌سالاری، خدمات خوب» و «خدمات را پیش از فروش باید آغاز کرد».

فروش محصولات هوندا در سطح جهان در کمتر از ۱۰ سال تاجایی پیش رفت که سوئی چپ‌رو تصمیم گرفت در سال ۱۹۵۸ کمپانی آمریکایی هوندا را نیز راه‌اندازی کند. کمپانی‌ای که یک سال بعد اولین محصول خود یعنی هوندا سی ۱۰۰ سوپر را وارد بازار کرد و با فروش ۳۰ میلیون دستگاه رکورد پر فروش‌ترین موتور سیکلت جهان را به خود اختصاص داد.

فلسفه هوندا بر آن بود که خدمات خوب، کلید موفقیت درازمدت است. او برای این که بازار آمریکا را در دست داشته باشد در آن سال‌ها که سیستم پخش لوازم یدکی وجود نداشت قطعات موتور را با هواپیما از ژاپن به آمریکا ارسال می‌کرد. او همچنین توجه ویژه‌ای به استخدام فروشندگان داشت زیرا معتقد بود که آنها را بابط اصلی شرکت هوندا با مشتریان هستند. این اقدامات هوندا باعث شد تعداد نمایندگی‌های فروش هوندا در سال ۱۹۶۱ به ۵۰۰ نمایندگی برسد. هزینه تبلیغاتی

شرکت هوندا در سال ۱۹۶۳ حدود ۵ میلیون دلار بود. در آگهی‌های این شرکت افرادی نشان داده می‌شدند که از طبقه متوسط هستند و از موتورهای هوندا استفاده می‌کنند، آگهی‌هایی که تأثیر بسیار زیادی به خصوص در آمریکا داشت و جوانان را به خرید موتورهای هوندا تشویق می‌کرد.

هوندا خودروساز شد

با جهانی شدن برند هوندا در اوایل دهه ۶۰ میلادی سوئی چپ‌رو به این فکر افتاد که به تولید خودرو نیز اقدام کند. البته هدف اولیه او و دیگر مدیران این شرکت بازار ژاپن بود اما خیلی زود خودروهای این شرکت نیز همچون موتور سیکلت‌هایش توانستند جایی برای خود بین برندهای نامی جهان باز کنند تا جایی که امروز هوندا هشتمین اتومبیل‌ساز جهان شناخته می‌شود. شرکت هوندا اولین نمونه اتومبیل خود را در اوایل سال ۱۹۶۰ آزمایش کرد ولی نخستین خودروی این شرکت در سال ۱۹۶۳ روانه بازار شد که هوندا تی ۳۶۰ نام داشت. چند ماه بعد از این اتفاق فروش محصول دیگر این شرکت به نام هوندا اس ۵۰۰ شروع شد و پس از آن نیز خودروهای دیگر شرکت روانه بازار شدند. حالا بیش از ۵۵ سال از تولید خودرو و ۶۷ سال از تولید موتور سیکلت در شرکت هوندا می‌گذرد و این شرکت علاوه بر محصولات متنوع در این زمینه‌ها به یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان در تولید موتورهای هواپیماهای جت، قایق‌های موتوری، پمپ‌های آب، ژنراتورها و... تبدیل شده است.

سوئی چپ‌رو هوندا در آگوست سال ۱۹۹۱ در سن ۸۵ سالگی و پس از بیش از هفت دهه فعالیت و کار در گذشت ولی آنچه از خود برجای گذاشت میراثی گران‌بها از تلاش و کوشش بود. او همیشه در زندگی پنج نکته را به مدیرانش توصیه می‌کرد که شاید همین‌ها بود که سوئی چپ‌رو هوندا را به مدیر و کارآفرینی ویژه تبدیل کرده بود:

همواره بلندنظر و باشناط باشید.
به نظرهای معقول اهمیت دهید، به اندیشه‌های تازه توجه داشته باشید، و اوقات خود را صرف بهبود تولید کنید.
کار تان را دوست داشته باشید و بکوشید تا آنجا که ممکن است کار را برای خود دل‌پذیر کنید.
بی‌وقفه تلاش کنید تا آهنگی موزون و آرام به کار خود بدهید.
ارزش تحقیق و تلاش را در نظر داشته باشید.

فلسفه هوندا
بر آن بود که
خدمات خوب،
کلید موفقیت
درازمدت است. او
برای این که بازار
آمریکا را در دست
داشته باشد در آن
سال‌ها که سیستم
پخش لوازم یدکی
وجود نداشت
قطعات موتور را
با هواپیما از ژاپن
به آمریکا ارسال
می‌کرد



حذف اعراب از آسمان آمریکا؟

خطوط هواپیمایی آمریکایی قادر به رقابت با خطوط خاورمیانه‌ای نیستند

رویای غیر ممکن اروپا

یادداشتی از بل کروگمن

تحریم‌های روسیه برداشته شود

تحلیلی از دنیل کاوزینسکی درباره وابستگی لندن به مسکو

اقتصاد یونان از ژانویه امسال که حزب سیریزا با رای مردم سر کار آمد، تا کنون افت و خیزهای بسیار زیادی داشته است. این حزب ابتدا وارد مذاکرات با رهبران اروپایی شد و ماه‌ها مذاکره طول کشید تا این که گفتگوها به شکست انجامید و نهایتاً دولت یونان گفت که می‌خواهد با برگزاری یک همه پرسی از مردم، تصمیم‌گیری درباره این که به اروپاییان تمکین کند یا نه، را به خود مردم بسپارد. در خلال هفته‌های منتهی به این همه پرسی، آلمان‌ها که بزرگترین طلبکار یونانیان بودند، از در تهدید و دل به دست آوردن یونانیان وارد شدند اما نهایتاً به جایی نرسیدند و با رای بالای ۶۰ درصد مردم یونان، دولت می‌توانست که اصلاً به اروپاییان تمکین نکند. اما در نهایت یونانیان در یک چرخش بزرگ، وارد مذاکرات شدند و دولت به توافق رسید که در قبال برخی اصلاحات، باز هم از کمک‌های مالی اروپاییان برخوردار شود. مسئله یونان، در این ماه‌ها، این سؤال را پیش آورده بود که آیا اصلاً یورو توانسته در دو دهه‌ای که ارزش واحد یورو رواج یافته، موفق عمل کند. در این شماره از آینده‌نگر، بل کروگمن اقتصاددان مشهور آمریکایی که جزو اقتصاددانان جریان اصلی آمریکاست، در ستون ثابتی که در روزنامه نیویورک تایمز نوشته، می‌گوید که اصلاً یورو رویایی است که به جایی نخواهد رسید. او در یادداشتش می‌نویسد که اروپاییان بدون این که درست به ایده ارزش واحد فکر کنند، تنها مجذوب آن شده بودند.



تلاش برای زمان حال

۷ مشکلی که افراد موفق بر آنها غلبه می کنند

صورت شراکتی به این مرحله رسیده اند؛ مثل استیو جابز و استیو موزیلاک در «اپل»، بیل گیتس و پل آلن در «مایکروسافت» یا سرچی برین و لری پیج در «گوگل». تنها آدم های بزرگ می توانند شما را به جایی برسانند که در حد نهایت ظرفیت خود قرار بگیرید و توجه داشته باشید که آدم های سمی می توانند شما را در دامی بیندازند که بیرون آمدن از آن خیلی دشوار خواهد بود. افراد سمی پر از استرس، منفی خوانی و منصرف کردن شما از دادن هزینه ها هستند.

۴- هراس: هراس و نگرانی چیزی نیست جز احساسی تدریجی و طولانی که از تصور شما نشأت می گیرد. ترس امری واقعی است و میزان آدرنالین خون شما را زیاد می کند که باعث می شود احساس ناراحتی داشته باشید و واکنش سریع نشان دهید. اما هراس، امری تدریجی است که انتخابی است. افراد موفق این تفاوت را بهتر از دیگران می دانند، بنابراین به هراس اجازه عمل نمی دهند. آنها عادت کرده اند که همواره جلوی هراس خود را بگیرند و هرگز تنها به دلیل هراس، عقب گرد نکنند.

۵- منفی گرایی: زندگی هرگز آن طور پیش نمی رود که شما می خواهید اما وقتی که در مسیر سراسیمگی زندگی قرار می گیرید، باید توجه داشته باشید که با آن مقابله کنید. افراد موفق به جای این که بگویند چه چیزی باید چطور باشد و چه مسئله ای باید چطور نباشد، تلاش می کنند هر چیزی را که برایشان اتفاق می افتد به یک مسئله مطلوب خود تبدیل کنند. در آن وقت، آنها به دنبال بهترین راه ممکن برای حل مشکلات می گردند و آن را حل می کنند و حرکت خود را به جلو ادامه می دهند.

۶- گذشته یا آینده: مانند هراس، گذشته یا آینده هم از محصولات فکری ماست. هیچ احساس گناهی نمی تواند گذشته را تغییر دهد و هیچ اضطرابی نیز نمی تواند آینده را تغییر بدهد. افراد موفق این را می دانند و بر لحظات حالی که در آن زندگی می کنند، متمرکز می شوند. اگر شما مرتب جای دیگری باشید، امکان ندارد که بتوانید از تمام ظرفیت های خود در لحظه حال استفاده کنید و موفقیت نخواهید شد در هر لحظه، واقعیت را - چه خوب چه بد - در آغوش بگیرید. بنابراین بهتر است که گذشته را بپذیرید و قطعی نبودن آینده را نیز قبول کنید.

۷- وضعیت جهان: چشمان خود را برای هر زمان طولانی ای باز نگه دارید و بدانید که شما تنها در یک چرخه جنگ پایان ناپذیر، با حملات وحشیانه، اقتصاد شکننده، شرکتهای ورشکست شده و محیط خطرناک خواهید بود. این خیلی آسان است که جهان را در حال حرکت به سمت سراسیمگی تصور کنید. چه کسی خبر دارد؟ شاید همین طور هم باشد. اما افراد موفق درباره آن نگران نیستند چون با مسائلی که نمی توانند کنترلشان کنند، درگیر نمی شوند. در عوض، انرژی خود را بر دو چیزی که کاملاً در قدرت آنهاست، متمرکز می کنند: توجه و تلاش. آنها تمام توجه خود را بر این متمرکز می کنند که مسائل را برای خود مطلوب سازند و به اتفاقات مثبتی که در جهان رخ می دهد، نگاه می کنند. همچنین تلاش خود را بر کاری که در تک تک روزها می توانند برای بهبود زندگی و دنیای اطرافشان انجام دهند، متمرکز می کنند.

منبع: فوربس

خیلی جذاب و هیجان انگیز است که بدانید کسانی که در زندگی خود موفقیت های بزرگی داشته اند، با چه مشکلاتی روبه رو بوده اند. در حالی که دیگران این مشکلات را غیر قابل حل می دانند، افراد موفق به استقبال مشکلات می روند و تلاش می کنند که بر آنها غلبه کنند.

اعتماد به نفس برای مواجهه با مشکلات از این قابلیت افراد ایجاد می شود که آنها تلاش می کنند منفی نگری را به کناری بگذارند؛ احساسی که باعث عقب گرد بسیاری از مردم می شود. مارتین سلینگمن، در دانشگاه پنسیلوانیا مطالعات خود را به موفقیت، ویژگی های روانی برای این کار و زندگی افراد موفق اختصاص داده است.

موفقیت تنها چیزی نیست که عادات فکری ما مدام به آن معطوف می شود. سلینگمن دریافته است که میزان افسردگی در میان کسانی که شکست هایشان را به کمبودهای شخصی شان ربط می دهند، بالا است. اما این مسئله در میان کسانی که خوش بین هستند به مراتب کمتر است چون آنها به شکست ها به عنوان تجربیاتی نگاه می کنند که می توانند با آنها در آینده ضعف های خود را بهبود ببخشند.

عادت فکری موفقیت نیاز به داشتن هوش هیجانی دارد و امر نادری نیز نیست و مطالعات نشان داده است که در میان کسانی که در این زمینه آزمایش شده اند، بیش از ۹۰ درصد دارای هوش هیجانی بالایی بوده اند.

اما پایداری عادت فکری موفقیت امر آسانی نیست. در ادامه به هفت نکته اشاره می شود که به ویژه افراد موفق با آنها روبه رو بوده اند اما با داشتن عادت فکری موفقیت، بر آنها غلبه کرده اند. این مشکلات را مردم عادی به عنوان مسائلی که نمی توان بر آنها غلبه کرد در نظر دارند اما اینها نتوانسته اند مردان موفق را به عقب بازگردانند.

۱- سن: سن و سال تنها یک عدد است و افراد موفق هرگز نگذاشته اند که سن برای آنها تعیین کند چه باشند و چه کارهایی از آنان ساخته است. بسیاری از مواقع، افراد تصور می کنند که سنشان برای یک کار خیلی زیاد یا خیلی کم است و دست به کارهای جدید نمی زنند. دیگران نیز تلاش می کنند که آنها را با مشورت های خود، بر اساس سنشان به کارهایی وادارند یا از کارهایی نهی کنند. اصلاً به حرف آنها گوش نکنید و کاری را که دلتان به شما می گوید، انجام دهید. افراد موفق اجازه نمی دهند کالبدی که در آن زندگی می کنند، برایشان تعیین تکلیف کند.

۲- دیگران چطور فکر می کنند: اگر میزان لذتی که از کار و زندگی تان می برید، بسته به مقایسه خود با دیگران باشد، به زودی به مشکل برخورد خواهید کرد. اگر برایتان امکان ندارد که در مقابل آنچه دیگران درباره شما فکر می کنند واکنش نشان ندهید، نمی توانید به اهداف خود برسید. افراد موفق می دانند که توجه به نوع فکر دیگران درباره آنها، اتلاف وقت و انرژی است. وقتی افراد موفق فکر می کنند کاری که کرده اند درست بوده، به دیگران اجازه نمی دهند که بر آنها تأثیر بگذارند.

۳- افراد سمی: مردمی که بسیار موفق هستند به یک نکته ساده اعتقاد دارند: شما حد وسط پنج نفری هستید که بیشترین وقت را با آنها می گذرانید. به این مسئله فکر کنید که افراد بسیار موفق که در جهان مطرح شده اند، کسانی بوده اند که به



درصد کارکنان شرکت ها دارای هوش هیجانی بالایی هستند

موفقیت تنها چیزی نیست که عادات فکری ما مدام به آن معطوف می شود. میزان افسردگی در میان کسانی که شکست هایشان را به کمبودهای شخصی شان ربط می دهند، بالا است

رویای غیر ممکن اروپا

یادداشتی از پل کرو گمن تحلیلگر اقتصادی درباره آینده قاره سبز



مشکلات عظیمی ایجاد خواهد کرد؟

در حقیقت، بسیاری از مردم در ژانویه ۲۰۱۰، دو اقتصاددان اروپایی مقاله‌ای منتشر کردند که عنوانش بود «نمی‌تواند اتفاق بیفتد، ایده بدی است، نمی‌تواند باقی بماند» و اقتصاددان‌های آمریکایی را مسخره می‌کردند که هشدار داده بودند یورو سبب مشکلات بزرگی خواهد شد. وقتی که مقاله منتشر شد، یک معیار تصادفی بود: در بسیاری از لحظاتی که نوشته می‌شد، هشدارهای هولناک آن در حال تأیید شدن بود. و این مقاله که می‌خواست باعث خجالت شود — فهرست بلندبالایی از اقتصاددانانی را نام برده بود که به طور بی‌منطقی بدبین هستند — خود به مایه افتخار تبدیل شد.

تنها مشکل بزرگی که شک به یورو آن را دست کم گرفته بود، این بود که پول واحد چقدر می‌تواند خسارت وارد آورد. نکته، که اصلاً دیدن آن سخت نیست، این است که درست از زمان شروع، اتحادیه پولی بدون اتحادیه سیاسی یک پروژه بسیار غیرقابل اعتماد بود. پس چرا اروپا با آن جلورفت؟

عمدتاً می‌توانم بگویم، به دلیل این که ایده یورو خوب به نظر می‌رسید. این ایده با نگاه به جلو، اروپایی فکر شده و دقیقاً مناسب کسانی که در داووس سخنرانی می‌کنند، به نظر می‌رسید. بسیاری از مردم اقتصاددانان کسالت‌باری را که به آنها می‌گویند چشم‌انداز مسحورکننده‌شان ایده بدی است، نمی‌خواهند.

کمی آرامش در اخباری که از اروپا می‌آید احساس می‌شود، اما وضعیت پنهان آن، بدتر از هر وقت دیگری است. یونان در حال تجربه کسادی بدتر از رکود بزرگ آمریکا است و اکنون هیچ چیزی هم که مایه امیدواری برای احیا باشد، وجود ندارد. اسپانیا برای موفقیتش فریاد شادی سر داده چون در نهایت اقتصادش در حال رشد است، اما هنوز نرخ بیکاری‌اش ۲۲ درصد است. و قوس رکود بر سر اقتصادهای بالای قاره قرار دارد: فنلاند در حال تجربه رکودی قابل مقایسه با جنوب اروپاست و دانمارک و هلند نیز خیلی بد عمل می‌کنند.

چطور امور، این چنین به راه اشتباه رفتند؟ سوال این است که اینها هنگامی اتفاق افتادند که سیاستمداران به خود آسان گیر به علم اعداد و درس‌های تاریخی بی‌اعتنایی کردند. نه، من درباره چپ‌گراها در یونان یا هر جای دیگر صحبت نمی‌کنم؛ درباره مردان بسیار بسیار محترم در برلین، پاریس و بروکسل صحبت می‌کنم که نیم قرن تلاش کردند اروپا را بر پایه اقتصاد تخیلی اداره کنند.

برای کسانی که از اقتصاد چیز زیادی نمی‌دانند یا راه بی‌اعتنایی به سوالات سخت را انتخاب می‌کنند، تاسیس یک واحد پولی متحد اروپایی، شبیه یک ایده عالی بود. می‌توانست انجام کسب و کار بین مرزهای ملی را راحت‌تر کند، در حالی که به عنوان یک نماد قدرتمند اتحاد نیز عمل می‌کرد. چه کسی پیش‌بینی می‌کرد که سرانجام یورو

در عوض، در میان نخبگان اروپایی، خروج از پروژه واحد پولی به سرعت به کار خیلی سختی تبدیل شد. من فضای اوایل دهه ۱۹۹۰ را به خوبی به یاد می‌آورم: هر کسی که مطلوبیت یورو را زیر سوال می‌برد، عملاً از بحث‌ها کنار گذاشته می‌شد. علاوه بر آن، اگر شما یک آمریکایی بودید که اظهار شک می‌کردید، بدون استثنا به غرض‌ورزی متهم می‌شدید؛ این که نگاه خصمانه‌ای به اروپا دارید یا می‌خواهید از مزایای بیش از حد زیاد دلار دفاع کنید.

و یورو جلورفت. پس از یک دهه از معرفی آن، حباب عظیم مالی مشکلات نهفته آن را پنهان کرد. اما حالا، همان‌طور که گفتم، همه این ترس‌های مشکوک تأیید شده‌اند.

اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. وقتی که فشارهای پیش‌بینی شده بر یورو شروع شدند، سیاست اروپا اعمال ریاضت اقتصادی شدید برای ملت‌های بدهکار بود و انکار شواهد ساده منطقی و تاریخی که نشان می‌داد این گونه سیاست‌ها خسارت‌های وحشتناک اقتصادی وارد خواهد آورد، در حالی که وعده کاهش بدهی‌ها محقق نمی‌شود.

شگفت‌انگیز است که حتی اکنون هم مقامات رده‌بالای اروپایی ساده‌دلانه هشدارها را درباره این که کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش مالیات‌ها باعث رکود عمیق خواهد شد، رد می‌کنند؛ این که چطور آنها اصرار دارند همه این کارها خوب است چون نظم مالی اتکا به خود را تقویت می‌کند. (اما نمی‌کنند). حقیقت این است که دست و پنجه نرم کردن با بدهی‌های بزرگ تنها با ریاضت اقتصادی — به ویژه هنگامی که با ادامه سیاست سخت پولی هم‌زمان شود — هیچ‌گاه جواب نمی‌دهد. این کار، با وجود این‌ها فراوان، برای انگلستان بعد از جنگ جهانی اول جواب نداد. چرا باید انتظار داشت که برای یونان جواب دهد؟

حالا یورو باید چه کار کند؟ پاسخ خوبی برای این سوال وجود ندارد، دلیل آن هم این است که یورو درون «روچ موتل» گیر افتاده است؛ تله‌ای که فرار از آن سخت است. اگر یونان هنوز واحد پولی خود را داشت، امکان کاهش ارزش واحد پولی‌اش می‌بود، بهبود رقابت‌پذیری یونان و پایان دادن به تورم نفی آن، امکان‌پذیر بود.

این حقیقت که یونان دیگر واحد پولی ندارد، که باید یکی از آنها را از اول خلق کند، به طور گسترده خطر را افزایش می‌دهد. حدس من این است که به‌زودی ثابت خواهد شد خروج از یورو امری ضروری است، و در هر صورتی، اساسی است که میزان زیادی از بدهی یونان بخشیده شود. اما یک بحث روشن درباره این انتخاب‌ها نداریم چون گفت‌مان اروپایی هنوز تحت تسلط ایده‌هایی قرار دارد که نخبگان قاره دوست دارند درست باشند، اما نیستند. آیا اروپا در حال پرداخت هزینه وحشتناک به خود آسان‌گیر می‌هیی است؟

منبع: نیویورک تایمز

چشم‌انداز

ناامیدی از نجات اروپا با تضعیف یورو

بانک مرکزی اروپا با انتشار گزارشی اعلام کرد که استفاده از واحد پولی یورو استاندارد‌های زندگی مردم را در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا به خصوص کشورهای جنوب این اتحادیه بالا نبرده و به کاهش اختلاف میان قشر فقیر و ثروتمند در این کشورها منجر نشده است. در این گزارش آمده است که استفاده از واحد پولی یورو نه تنها در برخی کشورهای رشد اقتصادی را در پی نداشته، بلکه به بدتر شدن



وضعیت اقتصادی نیز منجر شده است. بر اساس این گزارش، استفاده از واحد پولی یورو در کشورهای جنوب اتحادیه اروپا باعث شده که این کشورها یا مانند اسپانیا در جایگاه قبلی خود باقی بمانند یا مثل یونان وضعیت اقتصادی‌شان از قبل هم بدتر شود. در همین حال، یک کارشناس مسائل اقتصادی اروپا معتقد است پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، منطقه یورو به طور کلی دچار یک افول جدی شده است.



شرکت‌های آمریکایی به خوبی وضعیت خود را می‌دانند و می‌فهمند که چه زمانی باید تصمیم بگیرند شرکت خود را فروش برسانند



مرکز فناوری‌های نو اروپا

مستولان کمسیون اروپایی قصد دارند با همفکری تعدادی از شرکت‌های موفق فناوری اطلاعات در این قاره قطعی بزرگ در حوزه IT تاسیس کنند. این قطب رقیبی برای دره مشهور به «سیلیکون ولی» خواهد بود که برترین و قدرتمندترین شرکت‌های فناوری اطلاعات جهان را در خود جای داده است.

دره کریمه

روسیه قصد دارد تا سال ۲۰۲۰ یک «سیلیکون ولی» در کریمه ایجاد کند که مجموع درآمد شرکت‌های آن تا پنج سال آتی به بیش از یک میلیارد دلار می‌رسد. پروژه روسیه موسوم به «دره دیجیتال کریمه» در جریان نشستی اقتصادی مطرح شد و شامل توسعه منطقه‌ای با تولید فناوری‌های پیشرفته می‌شود.

قدیمی‌ها در کسب و کار جدید

با روند رو به رشد تکنولوژی خودروهای بدون راننده و توسعه پیوسته ارتباطات و وسایل نقلیه و سیستم‌های اطلاعات و سرگرمی، بسیاری از خودروسازان اقدام به بازگشایی مراکز نوآوری و تکنولوژی در قلب «سیلیکون ولی» در کالیفرنیا کرده‌اند. کمپانی فورد نیز در ماه ژانویه سال جاری میلادی ساختمانی را با عنوان «مرکز نوآوری» در سیلیکون ولی بازگشایی کرده است؛ مرکزی که سخت در تلاش برای توسعه نسل جدید تکنولوژی‌های صنعت اتومبیل است.

شرکت‌های حوزه فناوری اروپا زیر سایه دره سیلیکون

قوانین سخت گیرانه اروپا مانع رشدی همانند شرکت‌های فناوریانه آمریکاست

دیجیتال در قاره اروپا، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ میلادی، تقریباً هر سال دو برابر شده و از ۴ میلیارد دلار به ۷٫۷۵ میلیارد دلار رسیده است. در سه ماهه اول سال ۲۰۱۵ نیز، شرکت‌های فعال در بخش فناوری دیجیتال، ۵٫۲ میلیارد دلار بزرگ‌تر شده‌اند که این بیشترین میزان افزایش سرمایه این شرکت‌ها در یک فصل از ابتدای شروع دهه جاری میلادی بوده است.

مارک تلوز، مدیر عامل شرکت «مان گرو»، که یک شرکت تامین سرمایه در لوکزامبورگ است و اخیراً در شرکت «اسکایپ» نیز سرمایه‌گذاری کرده، می‌گوید: «من واقعاً معتمد که این مسئله زمان بوده است که اروپا شرکت‌های بزرگی را در عرصه فناوری به وجود بیاورد. این تنها مسئله زمان است چون شرکت سرمایه به سوی شرکت‌های فناوری اروپایی به‌تازگی شروع شده و نمی‌توانیم شکوفایی این شرکت‌ها را تنها به سرمایه‌ای که جذب می‌کنند، مربوط بدانیم.»

وقتی که شرکت‌های فناوری اروپایی کار خود را شروع کردند و به تدریج به شهرتی رسیدند، همچنان پشت سر آمریکایی‌ها قرار داشتند. بر اساس اعلام انجمن ملی شرکت‌های تامین سرمایه آمریکا، در پنج سال گذشته، سرمایه‌گذاری آمریکا در زمینه شرکت‌های فناوری تا ۹۶ میلیارد دلار رشد کرده است و میزان نقدینگی را در کل شرکت‌های فعال در حوزه فناوری آمریکا به ۱۶۰ میلیارد دلار رسانده که از این میان، ۷۰ میلیارد دلار تنها به دره سیلیکون اختصاص دارد. همچنین شکاف میان سرمایه‌گذاری و میزان ارزش شرکت‌ها در حال افزایش است. شرکت «ویر» که یک شرکت فعال در حوزه نرم‌افزارهای کاربردی تلفن همراه برای تاکسی‌ها است، ۵٫۹ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاران دریافت کرده، در حالی که میزان پرداخت‌ها به این شرکت در فصل گذشته تنها ۶۰۰ میلیون دلار بوده است. دره سیلیکون همچنین یک منبع بسیار بزرگ از مدیران اجرایی و برنامه‌ریزی است که شرکت‌ها آنها را برای کارهای خود استخدام می‌کنند.

بسیاری از کارشناسان می‌گویند هنوز پول‌های باهوش که بیشتر از طریق تجربه و زیرکی وارد شرکت‌ها می‌شوند و آنها را شکوفای می‌کنند، تنها در آمریکا یافت می‌شوند و اروپایی‌ها با این که در سال‌های اخیر در این زمینه پیشرفت‌هایی کرده‌اند اما بسیار عقب‌تر هستند. هنوز خیلی مانده است که این شرکت‌ها اعتماد به نفس خود را به دست آورند و بتوانند

به کارآفرینی واقعی دست بزنند. قوانین سخت و سخت‌اروپایی حتی شرکت‌های فناوریانه آمریکایی را نیز در اروپا گرفتار کرده است؛ در ماه آوریل امسال، کمسیون اروپایی به‌طور رسمی شرکت گوگل را به دلیل فعالیت‌های مغایر با مقررات این قاره، محکوم کرد. این رای دادگاه اروپایی در تاریخ ظهور شرکت‌های مرتبط با اینترنت بی‌سابقه است. نهادهای نظارتی همچنین اعلام کردند که تحقیقات درباره فعالیت‌های شرکت‌های گوگل و فیس‌بوک برای اقدامات غیرقانونی درباره اطلاعات شخصی کاربران انجام شده است و همچنین شرکت‌های «اپل» و «آمازون» به دلیل اتهام فرار مالیاتی در اروپا مورد تحقیق قرار گرفته‌اند.

منبع: فایننشیل تایمز

پول به سمت شرکت‌های تازه تاسیس حرکت می‌کند اما مقررات سخت و سخت‌اروپا ممکن است آرزوی رقابت با گوگل و فیس‌بوک را بر باد دهد. امیش میتر آن تماس تلفنی را به خوبی به یاد دارد؛ از آن سوی اقیانوس اطلس، از آمریکای لندن آمده بود تا شرکت میتر، «بلیپار» را بخرد اما مذاکرات برای خرید یک و نیم میلیارد دلار شرکت، چند دقیقه‌ای بیشتر دوام نیاورد و صاحبان شرکت راضی به فروش شرکت سه ساله خود نشدند. یک سال بعدتر، این شرکت بسیار پیشرفت کرد و حتی در نظر داشت که دفتری نیز در آمریکا تاسیس کند و این نتیجه تصمیمی بود که برای مستقل ماندن شرکت گرفته شد.

میتر، ۳۶ ساله، درباره شرکتش و نیز شرکت‌های تازه تاسیس در ایالات متحده در حوزه فناوری می‌گوید: «شرکت‌های آمریکایی به خوبی وضعیت خود را می‌دانند و می‌فهمند که چه زمانی باید تصمیم بگیرند شرکت خود را فروش برسانند. شاخص‌های اقتصادی و وضعیت شرکت به خوبی نشان می‌دهد که چه هنگامی باید آن را به فروش رساند. به همین دلیل است که کسانی مانند مارک زاکربرگ شرکت فیس‌بوک را فروخت و حالا به یک مولتی میلیاردر در اقتصاد آمریکا تبدیل شده است. به همین دلیل هم هست که بنیان‌گذار و مدیر عامل شرکتی مثل «سنپیت»، ایوان اسپیکل، در سال ۲۰۱۳ با فروش این شرکت به وسیله فیس‌بوک به قیمت ۳ میلیارد دلار موافقت نکرد. تصمیم این افراد برای این که مستقل بمانند خیلی راحت با استفاده از بازار یابان سرمایه و کمک بانک‌ها انجام می‌شود و به این دلیل است که شرکت‌های حوزه فناوری در آمریکا به سرعت رشد می‌کنند.»

اما در اروپا، شرکت‌هایی مانند دره سیلیکون آمریکا به رشد زیاد پس از مدتی کوتاه نمی‌رسند چون قوانین سخت و سخت‌اروپا مانع از پیشرفت سرعشان می‌شود. شرکت‌های اروپایی که امکانات مالی و فرصت‌های کارآفرینی را مانند آمریکا در اختیار ندارند، معمولاً از پیشنهادهای خرید و ادغام از سوی دیگر شرکت‌ها استقبال می‌کنند. شرکت «اسکایپ» که یک شرکت خدمات‌دهنده تماس‌های ویدیویی است و به وسیله دین فریس و نیکلاس زنستروم در سال ۲۰۰۳ میلادی بنیان گذاشته شد، در سال ۲۰۰۵ توسط شرکت «ای بی» به قیمت ۲۶ میلیارد دلار خریده شد. حالا شرکت‌های تازه تاسیس اروپایی در حال باز کردن چشم‌های خود هستند. آنها حتی تمایل دارند که از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر

نیز بهره‌مند شوند. مثلاً شرکت «بلیپار» که یک شرکت اروپایی فعال در حوزه تصویرهای واقعی مجانی و نرم‌افزارهای کاربردی تلفن همراه در زمینه تشخیص تصویر است، از شرکت تامین سرمایه «کوالکوم» آمریکایی ۴۵ میلیون دلار سرمایه در یافت کرده تا فعالیت‌های خود را گسترش دهد. تصمیم شرکت برای مستقل ماندن بیشتر به این دلیل گرفته شده که در اروپا، پول‌ها و سرمایه‌ها بیش از هر زمان دیگری به سوی شرکت‌های تازه تاسیس فعال در حوزه فناوری سرازیر شده‌اند.

بر اساس آمارهای اعلام شده توسط موسسه «داو جونز» که از یک پایگاه داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری استفاده کرده، سرمایه‌گذاری برای گروه‌های شرکت‌های فعال در عرصه

بسیاری از کارشناسان می‌گویند هنوز پول‌های باهوش که بیشتر از طریق تجربه و زیرکی وارد شرکت‌ها می‌شوند و آنها را شکوفای می‌کنند، تنها در آمریکا یافت می‌شوند

فایننشال تایمز به دست خوب کسانی افتاده است

«نیکي» ژاپنی یکی از معتبرترین روزنامه‌های اقتصادی انگلیس را خرید



فروش غول انگلیسی به غول ژاپنی

روزنامه «فایننشال تایمز» که در سال ۱۸۸۸ تاسیس و وارد عرصه روزنامه‌نگاری شد، در ۶۰ سال اخیر در اختیار شرکت انگلیسی «پیرسون» بود. شرکت پیرسون این روزنامه را به قیمت یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به موسسه رسانه‌ای «نیکي» ژاپن فروخت. فروش فایننشال تایمز شامل پنجاه درصد سهام پیرسون در نشریه اقتصادی «اکنومیس» نمی‌شود. فایننشال تایمز هم‌زمان در ۲۳ شهر بزرگ جهان منتشر می‌شود.

روزنامه‌هایی در جهان دست پیدا خواهد کرد که با موفقیت مسیر تغییر ساختار اقتصادی روزنامه را با اتکا به مشترکان دیجیتال مدیریت کرده‌است. این تغییرات در ژاپن تازه در آغاز راه است که به این معنی است که ذی‌نفعان در آنجانی توانمند خیلی زیاد باشند. اگر تجربه «فایننشال تایمز» به «نیکي» کمک کند که مشکلات کمتری درست کند و رسانه‌ای باقی بماند که مردمی که خواندن اخبار از تلفن همراه را ترجیح می‌دهند آن را بخوانند، آن‌گاه همین دلیل به تنهایی می‌تواند خرید «فایننشال تایمز» را توجیه کند.

اینجا، در آمریکا، سازمان‌های خبری، چه جوان و چه پیر، تمایل دارند کاری کنند که سودشان بیشترین میزان ممکن باشد. شرکت‌های مادر «نیویورک تایمز»، «وال استریت ژورنال» و «یواس‌ای تودی» همه در بازار سهام ثبت شده‌اند؛ جایی که سهام‌داران حاشیه سود و رشد اقتصادی را دنبال می‌کنند، چون ترها شرکت‌های رسانه‌ای تازه تاسیسی مثل «بازفید» و «وکس» را با سرمایه‌گذاری بنیاد گذاشته‌اند که به دنبال بازگشت دهربری سرمایه خود هستند. اما در این میان، مدل شرکت‌هایی با ماموریت گرای بیشتر، جایگزین بسیار جذابی است. در جاهایی مثل «نیکي»، «یاد» «گاردین» در انگلستان، که مالکشان شرکت‌های غیرانتفاعی است، خبر در اولویت قرار دارد، نه امور مالی. و وقتی که نیازی نیست سود عظیمی برای سهام‌داران خود خلق کنید، می‌توانید کاملاً روزنامه‌نگاران را آزاد بگذارید و البته، حتی ارزش بیشتری برای خوانندگان خود قابل شوید.

این خیلی خوب است که جان فالون، مدیرعامل شرکت «پیرسون» درک کرده است که چطور مهم است مالک روزنامه «فایننشال تایمز» یک سازمان خبری باشد نه یک موسسه آموزشی. او گفته است بهترین راهی که می‌تواند موفقیت ژورنالیستی و مالی «فایننشال تایمز» را تضمین کند، این است که تحت مالکیت یک شرکت جهانی و دیجیتالی خبری باشد. و این هم غنیمت است که مدیرعامل «نیکي»، تسونو کیتا، اظهار تمایل کرده است که برای کمک به شرکت جهانی و دیجیتالی خبری خود، چکی به مبلغ زیاد برای خرید این روزنامه بکشد. قیمتی که برای روزنامه «فایننشال تایمز» پرداخت شده، از منظر اقتصادی چندان قابل توجیه نیست؛ اما مدیرعامل «نیکي» گفته است که این برند ارزش را برای سودهایی که در آینده نصیب این شرکت خواهد کرد، خریده است. او فهمیده است که هر شرکت خبری اقتصادی امروز نیاز دارد که با مردم همه کشورها سخن بگوید و قادر باشد به بودجه‌هایی بیش از حاشیه سود پول‌هایی که صرف می‌کند، به بودجه مصرف‌شده در زمینه دیجیتال توجه کند.

منبع: نیویورک تایمز

«پیرسون» یک شرکت عظیم جهانی آموزشی است که سال گذشته ۴۷۰ میلیون پوند سود خلق کرد. درآمد عملیاتی ۲۴ میلیون پونددی «فایننشال تایمز» همیشه چیزی بود که در حاشیه تصمیم‌گیری‌ها قرار داشت و بیشتر به دلیل تشخیص داشتن و سکون، در شرکت باقی مانده بود. هیچ هم‌افزایی‌ای در مورد آن وجود نداشت؛ از عشق یا حتی فهم کسب و کار خبری نیز اثری نبود. در حالی که «پیرسون» روزنامه «فایننشال تایمز» را از سرمایه‌گذاری در ایالات متحده محروم کرد، برای نمونه، فرصت خوبی است که «نیکي» می‌خواهد روزنامه یک نیروی واقعی در آنجا باشد. در صورتی که عمده تصمیم از سوی «پیرسون» برای «فایننشال تایمز» و رویکردی کم‌اعتنا به فعالیت‌های خبری بود، حالا «فایننشال تایمز» فرصت تزریق روش منتقدانه خود را به مطالب تجاری، به‌خصوص در ژاپن، دارد؛ با مالکی که به طور تاریخی نگرشی متفاوت به کسب و کارهای بزرگ داشته است.

مطمئناً «نیکي» پول زیادی بابت «فایننشال تایمز» پرداخت کرده است؛ قیمت آن ۸۴۴ میلیون پوند معادل ۱٫۳ میلیارد دلار است که ۳۵ برابر درآمد عملیاتی روزنامه است. اما «نیکي» از عهده خرید آن برمی‌آید. «نیکي» با خریدن «فایننشال تایمز» به یکی از انگشت‌شمار

«نیکي» با خریدن «فایننشال تایمز» به یکی از انگشت‌شمار روزنامه‌هایی در جهان دست پیدا می‌کند که با موفقیت، تغییر ساختار اقتصادی روزنامه را با اتکا به مشترکان دیجیتال مدیریت کرده است

چه کسی مالکی ایده‌آل برای یک روزنامه صاحب‌نام است؟ او باید کسی باشد که استقلال تحریریه را رعایت کند و کسی که در موضوعات مربوط به تحریریه دخالت نکند. تصمیم در باره این که چه چیزی باید منتشر شود، باید به وسیله روزنامه‌نگاران گرفته شود؛ این یک تصمیم تجاری نیست که خشنود کردن آگهی‌دهندگان را در نظر بگیرد.

مالک همچنین باید افق بسیار بلندمدت را در نظر داشته باشد که به طور ایده‌آل تا ابد ادامه داشته باشد. یک سابقه خوشنامی می‌تواند به راحتی از دست برود و خیلی خیلی سخت دوباره به دست آید و هر تلاشی برای به زور پول در آوردن از یک روزنامه در کوتاه‌مدت، به تخریب ارزش برند گران‌بها منجر شود. هدف نهایی سود ثابت در بلندمدت از یک کسب و کار پایدار با بدهی نسبتاً کم است.

در نهایت، روزنامه‌ها باید در مالکیت سازمان‌های خبری باشند. خبر، کسب و کاری مثل دیگر کسب و کارها نیست و آن نوع مدیریتی که در سازمان‌های غیرژورنالیستی به کار می‌آید، وقتی که افراد شروع به اعمال آنها بر ژورنالیست‌ها می‌کنند، به‌ندرت به نتیجه می‌رسد.

بنابراین باید خوشحال باشیم که «فایننشال تایمز»، بنیاد گذاشته‌شده در ۱۸۸۸ و یکی از بزرگ‌ترین روزنامه‌های جهان، به وسیله شرکت «نیکي»، یکی دیگر از بزرگ‌ترین شرکت‌های خبری جهان، خریده شده است. «نیکي» تحت مالکیت کارکنان خود قرار دارد و از ۱۸۷۶ وجود داشته است. این شرکت برای فروش نیست و کسی هم در آن سرمایه‌گذاری مالی نکرده است؛ تنها هدف آن تولید اخبار عالی در هر روز است. شرکت دقیقاً همین کار را انجام می‌دهد و سالانه سود عملیاتی مطلوب بیش از ۱۰۰ میلیون دلاری خلق می‌کند. «نیکي»، شاخص‌ترین روزنامه این شرکت، ترکیبی از تیراژ چاپی و آن‌لاین پولی به میزان ۳٫۱ میلیون نسخه را دارد که چهار برابر آمار تیراژ ۷۳۷ هزار نسخه‌ای «فایننشال تایمز» است.

«نیکي» مسلماً می‌تواند مالک بسیار بهتری از «پیرسون» باشد که در سال ۱۹۵۷ روزنامه را خرید.



اساسا «آسمان‌های باز» دقیقا این کار را می‌کند: آسمان بالای سر آمریکا را خالی می‌کند تا رقابت‌ها شکل بگیرند

حذف اعراب از آسمان آمریکا؟

خطوط هواپیمایی آمریکایی قادر به رقابت با خطوط خاورمیانه‌ای نیستند

آمریکا توسط شرکت‌های خطوط هوایی خاورمیانه‌ای، قادر است که بازی را تغییر دهد، چون مسیرهای بین اقیانوس اطلس، از سودآورترین و رقابت‌پذیرترین مسیرهای پروازی در جهان است.

هر نوع افزایش رقابت در این منطقه از جهان، برای شرکت‌های هواپیمایی که در آن نقش داشتند، دردسرفرین است. اما ورود سه شرکت هواپیمایی با کیفیت و تجهیزات خوب و نیز با جیب‌های پر پول، می‌تواند شرکت‌های آمریکایی و شرکای اروپایی آنها را با مشکلات زیادی روبه‌رو کند. اخیرا شرکت هواپیمایی «امارات» در هواپیماهای مد روز و بسیار مدرن خود، قسمت‌های درجه یک و فضاهای مربوط به تاجر را بسیار توسعه داده، لوکس کرده و آنها را برای مسافرانی که در مسیرهای طولانی پرواز می‌کنند، بسیار راحت‌تر کرده است. این هواپیماها و فضاهای آنها است که کارشناسان را به این اعتقاد رسانده است که شرکت‌های آمریکایی حتی پس از دهه‌هایی می‌توانند به کیفیت خدمات شرکت‌های خاورمیانه‌ای برسند.

شرکایی که در توافقات آسمان‌های باز و منصفانه هستند، ادعا می‌کنند که شرکت‌های «امارات»، «اتحاد» و «قطر» در دهه‌های گذشته، به طور خالص حدود ۴۲ میلیارد دلار یارانه و کمک‌های دیگر از دولت‌های امارات متحده عربی و قطر دریافت کرده‌اند. شرکت‌های آمریکایی می‌گویند آنها حرفی ندارند که طبق توافق‌های آسمان‌های باز، شرکت خصوصی دیگری نیز از هر جای جهان وارد آسمان آمریکا شود، اما این شرکت‌ها باید خصوصی باشند، در حالی که شرکت‌هایی خاورمیانه‌ای که این همه کمک از دولت‌هایشان دریافت کرده‌اند، عملا شرکت‌هایی دولتی هستند. ریچارد اندرسون، مدیرعامل شرکت هواپیمایی «دلต้า»، می‌گوید: «آنچه ما کشف کرده‌ایم، این است که باید با شرکت‌هایی که کلی یارانه و حمایت از دولت‌هایشان دریافت کرده‌اند، رقابت کنیم. اگر زمین بازی نسبتا مسطح باشد، ما می‌بریم، اما وقتی که زمین بازی بسیار سرازیری و سراسیمه دارد، برای هر صنعتی بسیار سخت است که با دولت رقابت کند.» اما از آن سو، شرکت‌های خاورمیانه‌ای نیز می‌گویند که یارانه چندانی دریافت نکرده‌اند و اگر سرمایه‌گذاری‌های زیادی برای خرید تجهیزات مدرن و خدمات خوب دارند، دلیل آن سودهایی بوده که در سال‌های اخیر کسب کرده‌اند. تیم کلارک، مدیرعامل شرکت «امارات»، می‌گوید که این شرکت ۲۷ سال مداوم سودآور بوده و هر سال سودش بیشتر شده؛ در صورتی که تنها ۲۰ میلیون دلار در ابتدای تأسیس این شرکت در سال ۱۹۸۵ از دولت دریافت کرده است. در عوض، آنها نیز می‌گویند که هر سه شرکت آمریکایی، از تسهیلات دولتی فصل ۱۱ قانون ورشکستگی آمریکا که باعث می‌شود دولت به آنها کمک کند، استفاده کرده‌اند. برای مثال، شرکت «امریکن ایرلاینز» در سال ۲۰۱۱، با همین بند قانونی از دولت آمریکا ۴٫۱ میلیارد دلار پول نقد دریافت کرده است.

کرده که از خود دفاع کنند، به پروازهای بین‌المللی به خارج و از خارج آمریکا مربوط است. چیزی که سوال برانگیز است، این است که شرکت‌های هواپیمایی آمریکا از توافق‌های جدید دقیقا چه چیزی می‌خواسته‌اند؟ گذشته از اینها، هر نوع مذاکره دوباره با شرکت‌های خارجی درباره توافق‌های آسمان‌های باز، نتایج دیپلماتیک و تجاری‌ای دربر دارد که در بلندمدت به هدف خواهر رسید و مدت زیادی زمان باید برای آن صرف شود.

آیا شرکت‌های هوایی می‌خواهند خطوط هوایی «امارات»، «اتحاد» و «قطر» را از بازار آمریکا بیرون کنند؟ باسکارا می‌گوید: «نه، آنها محدودیت‌هایی را در مسیرها و مقصدهای خارجی که می‌توانند به داخل آمریکا بیایند، می‌خواهند.»

در سال‌های اخیر، شرکت‌های هواپیمایی خاورمیانه‌ای کار خود را در شهرهای آمریکا، با پروازهای مستقیم از کشورهای مختلف توسعه داده‌اند. در اکثر موارد، این توسعه خطوط هوایی با مخالفت‌های کمی همراه بوده است. اما در هر حال، در سال ۲۰۱۳، شرکت «امارات» خطوط پروازی خود را بین میلان در ایتالیا و فرودگاه بین‌المللی کندی در نیویورک باز کرد؛ پروازهایی که شرکت‌های داخلی آمریکایی تا پیش از آن انجام می‌دادند. طبق آنچه باسکارا می‌گوید، ریشه اختلاف بین شرکت‌های آمریکایی و شرکت‌های قطری و اماراتی همین جاست. او می‌گوید: «خطوط هواپیمایی آمریکایی اهمیتی نمی‌دهند که شرکتی مثل امارات پروازهایی به هند، کلمبیا یا سریلانکا داشته باشد. آنها حتی اهمیت نمی‌دهند که امارات پروازهایی از دوبی به آمریکا داشته باشد. اما وقتی که شرکت امارات از طریق آسمان اروپا، از دوبی به نیویورک سفر می‌کند، آنها نگران می‌شوند.»

هر پروازی که از خاورمیانه با یک توقف در شهرهای اروپایی به آمریکا می‌رود، به شرکت‌های آمریکایی اجازه می‌دهد که بلیت‌های خود را طبق سهمی که از مسافت بین اروپا و آمریکا دارند، بفروشند. اما پرواز مستقیم از خاورمیانه به

مجادله بین سه شرکت بزرگ خطوط هواپیمایی داخلی آمریکا، «امریکن»، «دلต้า» و «یونایتد»، با سه شرکت بزرگ هواپیمایی خاورمیانه، «امارات»، «اتحاد» و «قطر»، بالا گرفته است.

خصوصیت بسیار بیشتر از آن چیزی است که معمولا در متوسط بحث‌های تجاری وجود دارد؛ وینی باسکارا، تحلیل‌گر ارشد اخبار کسب و کار هواپیمایی، می‌گوید: «این بحث واقعا درباره این است که آینده مسافرت‌های هوایی بین‌المللی آمریکا چگونه خواهد بود.»

آمریکا و خطوط هوایی بین‌المللی طی توافقاتی با عنوان «آسمان‌های باز»، سفرهای هوایی جهانی را اداره می‌کنند. به گفته وزارت داخله آمریکا، این توافق‌ها بین آمریکا و دیگر کشورها، تعداد مسافران بین‌المللی و پروازهای مبادله کالا را با حذف مداخلات دولتی در تصمیمات خطوط هوایی تجاری درباره مسیرها، ظرفیت‌ها و قیمت‌گذاری، افزایش می‌دهد.

اساسا «آسمان‌های باز» دقیقا این کار را می‌کند: آسمان بالای سر آمریکا را خالی می‌کند تا رقابت‌ها شکل بگیرند، بدون این که دخالت‌های دولتی آنها را محدود کند. این ایده از اوایل دهه ۱۹۹۰ مطرح شده بود. مشاغل مربوط به سه شرکت هواپیمایی خاورمیانه‌ای از ۱۵ سال پیش، جزئی از توافق‌های آسمان‌های باز بوده‌اند.

در یک دهه گذشته، «امارات»، «اتحاد» و «قطر» به سمت بازار آمریکا حرکت کرده‌اند و برای رقابت آماده شده‌اند و به شدت با ناوگان جدیدی که داشته‌اند، با جت‌های نو و خدماتی که در تبه‌بندی‌های بین‌المللی جایزه نیز گرفته‌اند، وارد رقابت با شرکت‌های آمریکایی شده‌اند. اما اعضای شرکت‌های مشهور هواپیمایی آمریکایی اعتقاد دارند که رقابت با شرکت‌های خاورمیانه‌ای در نهایت متعادل و برابر نخواهد بود.

جیل زوگمن، سخنگوی رسمی شراکت توافق‌نامه‌های آسمان‌های باز و منصفانه، که یک گروه لابی‌کننده به نمایندگی از شرکت‌های هواپیمایی «امریکن»، «دلต้า» و «یونایتد» در این باره است، می‌گوید: «مسئله این است که ۴۲ میلیارد دلار یارانه و دیگر مزایای غیرمنصفانه‌ای که شرکت‌های قطر و امارات می‌گیرند، ثابت می‌کند که خطوط هواپیمایی آنها در واقع شرکت‌هایی دولتی هستند.»

در نتیجه، اتحاد شرکت‌های هواپیمایی آمریکایی می‌خواهد دولت آمریکا درباره توافق‌های آسمان‌های باز با قطر و شرکت‌های خطوط هوایی اماراتی دوباره مذاکره کند. اما اجازه بدهید که موضوع را روشن‌تر کنیم: خطوط هوایی آمریکایی نگران این نیستند که خطوط هواپیمایی کشورهای حاشیه خلیج فارس، در مسیرهای پروازهای داخلی آمریکا پرواز کنند. در حقیقت، شرکت‌های هوایی «امارات»، «اتحاد» و «قطر» تنها برای پروازهای بین‌المللی با مسیرهای طولانی تعریف شده‌اند. آنچه شرکت‌های «امریکن»، «دلต้า» و «یونایتد» را وادار

پرواز مستقیم به آمریکا قادر است که بازی را تغییر دهد، چون مسیرهای بین اقیانوس اطلس، از سودآورترین و رقابت‌پذیرترین مسیرهای پروازی در جهان است

منبع: بی‌زنس اینسایدر

تحریم‌های روسیه بر داشته شود

تحلیلی از دنیل کاوزینسکی درباره وابستگی لندن به مسکو



واکنش نشان بدهیم.

شواهد مهمی از سوی نهادهای نظامی وجود دارد - از جمله اظهاراتی که رئیس سابق وزارت دفاع داشته - که نشان می‌دهد مسکو گرایش تاریخی و میل شدیدی برای پذیرش سختی‌ها و هزینه‌های علائقی ملی خود دارد و به همین دلیل شدت یافتن درد برای منع کردن روسیه کار نمی‌کند و به جای آن، می‌تواند به بریتانیای کبیر بیشتر از روسیه خسارت برزند. البته این مهم است که از نظر نظامی ما همیشه با چوب بزرگی در

به عنوان تنها عضو پارلمان انگلیس که در کشوری اشغال شده به دست کمونیست‌ها زاده شده است، توهمی درباره «خرس روسی» ندارم. در بهار ۱۹۸۳، وقتی که برای اولین بار به لهستان بازگشتم، قلم شکست از دیدن این که کشوری که عاشقش بودم، تحت لوای رژیم مواجه با شوروی برای بقا در حال تلاش است. همه چیز سهمیه‌بندی شده بود، از جمله بنزین، گوشت و شکر. زندگی صف‌های پایان‌ناپذیر، بی‌حرمتی وحشتناک به سالمندان و افراد آسیب‌پذیر بود و برای نسلی که در آن دوره به سمت پختگی حرکت می‌کرد، امید کمی برای رسیدن به آرزوهایشان وجود دارد. به خاطر همه اینها، عقیده دارم که شاید ما خرس روسی را بیش از حد متخاصم نشان می‌دهیم. اینها کلماتی هستند که من در رویای جوانی تصور نمی‌کردم روزی بنویسمشان. این ماه، سوآلی را در پارلمان برای عموم ثبت کردم که درخواست داشت میزان ضرر در درآمدهای انگلستان از تحریم‌هایی که برای روسیه وضع کرده‌ایم، هم از نظر خسارت‌هایی که در بخش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به ما وارد شده و هم در زمینه خسارت‌های صادراتی انگلیس، تخمین زده شود. این ممکن است ابروهایمان را بالا ببرد. اتفاق آزاد مجلس عوام انگلستان تاکنون بر این بوده که روسیه یک متخاصم است که باید سریعاً با منزوی شدن هزینه کارهای خود را بدهد و هر صدای مخالفی که از اتاق بازرگانی درباره این سیاست بلند شود، باید ساکت شود. در هر حال، این روشی است که به جای با دقت فکر کردن درباره مسائل، باعث می‌شود فقط به امور

در زمانه‌ای که تنها با زبان تجارت است که باید سخن گفت، با کنار گذاشتن کشوری به بزرگی و تاثیرگذاری روسیه به سادگی نمی‌توان به همکاری‌های جهانی دست یافت

دست به سوی روسیه رفته‌ایم، اما قسمت دیگر کلام قصاری که از تئودور روزولت باید بشنویم ولی آن را فراموش می‌کنیم، این است که «هم‌زمان که با چوب به سمت شوروی حرکت می‌کنید، باید با حرف بزیند».

صدر اعظم مرکل که به شکل درستی علائقی اقتصادی و تجاری کشورش را نمایندگی می‌کند، در مقابل روسیه موثرتر از ما بازی کرده است. او با سعی در ایجاد رابطه شخصی با ولادیمیر پوتین، میزان عظیمی از زمان را سرمایه‌گذاری کرده است. این حرف چقدر زیر کانه به نظر می‌رسد وقتی شخص سالمندی در بانک «سیتی» به من گفت که روسیه برای زمانی خوب است که در نهایت، وقتی هیچ‌یک از تلاش‌های سیاسی و مالی به نتیجه نرسیدند، به یونان کمک مالی کند. البته ما باید همیشه یکبار چگی خود را با متحدان اروپای مرکزی و شرقی ناتو در دوره‌هایی که چالش برای آنها روشن باشد، نشان بدهیم. نیروهای واکنش سریع در ناتو یک مثال برای این موضوع است. هم‌زمان نیاز به گفت‌وگو در منطقه با تمام کشورهای همسایه خود داریم و نیاز داریم که مطمئن شویم صدای همه آنها شنیده می‌شود. در زمانه‌ای که در آن سخن گفتن فایده‌ای ندارد و تنها با زبان تجارت است که باید سخن گفت، با کنار گذاشتن کشوری به بزرگی و تاثیرگذاری روسیه به سادگی نمی‌توان به همکاری‌های جهانی دست یافت. در موضوعاتی مثل تروریسم، به سادگی نمی‌توانیم از پس متحد کردن کشورهای جهان برآیم و اعضای شورای امنیت را متقاعد به کاری بکنیم. ما همچنان باید مطمئن شویم اوکراین می‌تواند در مقابل درگیری‌هایی که در شرق این کشور وجود دارد، از خود دفاع کند. ما باید این کار را در گفت‌وگوهای بین کشورهای شامل انگلستان، فرانسه، آلمان، بلاروس، لهستان، اوکراین و روسیه در اولین فرصت در کشور بی‌طرفی که مورد توافق همه طرف‌هاست، انجام بدهیم. گفت‌وگوهای مینسک یک و مینسک دو، هیچ پیشرفت معنی‌داری برای راه‌حل صلح بلندمدت دربر نداشته است، اما این واقعیت که انگلستان در آن شرکت نکرد، بدتر از بد بود.

تحریم‌هایی که در قبال روسیه وضع کرده‌ایم، البته قابل درک است اما هزینه‌های عظیمی برای ما داشته است. در این دوره سخت بازارهای مالی، با چنین بی‌ثباتی‌ای در منطقه ارز واحد یورو، باید بپرسیم که چقدر طولانی می‌توانیم هزینه ممنوع کردن ارتباط تجاری شرکت‌های انگلیسی را با روسیه بپردازیم. نخست‌وزیر انگلیس ممکن است که هدف صادرات یک هزار میلیارد پوندی را تا سال ۲۰۲۰ گذاشته باشد اما وضعیت تجارت خارجی انگلستان و سخنان وزیر سرمایه‌گذاری کشور نشان می‌دهد باید خیلی تلاش کنیم تا به ۸۰ درصد هدفی که تعیین شده است برسیم. صادقانه بگویم، خیلی سخت است که ببینیم چطور باید این سیاه‌چاله ۲۰۰ میلیارد پوندی را در اهداف صادراتی خود پر کنیم، مگر این که دوباره تجارت خود را به طور معمول با خرس روسی شروع کنیم.

منبع: گاردین

راهبرد

تحریم روسیه تنها تحریم یک کشور نیست

تحریم روسیه به صورت مستقیم - و نه غیرمستقیم و با واسطه - تحریم بلاروس، قزاقستان، ارمنستان، تاجیکستان و حتی خود اوکراین به حساب می‌آید. به این معنا که به علت وابستگی شدید اقتصادی کشورهای به‌جامانده از اتحاد جماهیر شوروی سابق به روسیه فعلی و به‌خصوص با جدی شدن طرح اتحادیه گمرکی روسیه در منطقه اوراسیا، تحریم این کشور دقیقاً مساوی با تحریم سایر کشورهای این منطقه نیز هست. از این گذشته تحریم روسیه به صورت غیرمستقیم، تحریم چین و هند هم به حساب می‌آید و اعلام جنگ اقتصادی به این کشورها نیز هست. علت این است که این کشورها دارای روابط اقتصادی گسترده با روسیه هستند و زمانی تحریم روسیه می‌تواند معنادار باشد که این کشورها مبادلاتشان با روسیه را کاهش دهند و در نتیجه به خود تحریمی دست بزنند.





سال گذشته، «هیوندای موتورز» وقتی که زمینی را در سئول به ارزش ۱۰۶ هزار میلیارد و ن خرید و ارزش دارایی‌های خود را سه برابر کرد



کره جنوبی، در پایین‌ترین رده‌های حاکمیت شرکتی

سرمايه‌گذاري متقابل در شرکت‌ها، شفافیت کسب و کار را زیر سوال برده است

افت صادرات در سنگاپور

حجم صادرات سنگاپور برای نخستین بار طی سه ماه اخیر کاهش پیش‌بینی نشده‌ای از خود نشان داد که این اتفاق چشم‌انداز رشد اقتصادی این کشور وابسته به درآمدهای صادراتی را تضعیف می‌کند. اطلاعات رسمی که به‌تازگی منتشر شده‌اند نشان می‌دهند با کاهش میزان تحویل محصولات پتروشیمی و برقی در بنادر سنگاپور، حجم صادرات کالاهای غیرنفتی سنگاپور در ماه می ۲۰۱۵، نسبت به زمان مشابه سال قبل ۰.۲ درصد کاهش یافته است.

معادن داری، مشکل

فولادسازان چین

میزان صادرات محصولات فولادی چین در سه ماهه نخست امسال با ۴۰.۷ درصد افزایش به ۲۵.۷۸ میلیون تن رسید چون تقاضای بازار داخلی ضعیف و قیمت‌ها نیز رو به نزول است.

سونی ساختمان تاریخی‌اش

رامی فروشند

سونی املاک و دارایی‌های خود را در منطقه‌ای معتبر در شهر توکیو می‌فروشد. این املاک شامل ساختمان اصلی آنها در این شهر هم می‌شود، یعنی مقر اصلی سونی که حدود شش دهه در آن مستقر بوده و این شرکت در آنجا بنیان نهاده شد. کمپانی سونی در حال حاضر به دنبال خریدار برای این ساختمان‌ها می‌گردد؛ ساختمان‌هایی که به عنوان برج کنترل این شرکت شناخته می‌شود.

دو شرکت در یکدیگر، باعث شده است که شفافیت عملکرد شرکت‌ها؛ زین برود و به اصول حاکمیت شرکتی ضربه وارد شود. اما مسئله شرکت سامسونگ برای این مطرح شد که به مشکلات مربوط به حاکمیت شرکتی در کره جنوبی پرداخته شود. اصلاحات فراگیر بعد از بحران مالی آسیا در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ حقوق سهام‌داران را افزایش داد و فهرست بلندی از شرکت‌ها را مجبور کرد که مدیران خود را بیشتر به صحنه بیاورند و برای مدتی، کره جنوبی جلوتر از این نظر تقویت قوانین حاکمیت شرکتی خود قرار گرفت. اما لابی شرکت‌هایی مثل سامسونگ که یک «چابول» است، باعث شده بسیاری از کارهای خوبی که در این زمینه انجام شده، از دست برود. تنها بزرگ‌ترین شرکت یک «چابول» دیگر که شرکت «ال جی» است، سرمايه‌گذاري متقابل در شرکت‌ها را برای شفاف‌سازی ساختار شرکت هلدینگ کنار گذاشته است. کره جنوبی، حالا در کف جدول رده‌بندی آسیا از نظر حاکمیت شرکتی در کنار اندونزی و فیلیپین قرار دارد.

در مورد قیمت‌گذاری پایین شرکت‌های کره جنوبی نسبت به هم‌تایان خود در کشور‌های توسعه‌یافته که «رزانی کره‌ای» شناخته می‌شود، نگرانی‌ها در باره حاکمیت شرکتی مقصر شناخته شده است. سال گذشته، «هیوندای موتورز» وقتی که زمینی را در سئول به ارزش ۱۰۶ هزار میلیارد و ن خرید و ارزش دارایی‌های خود را سه برابر کرد، با دفتر اصلی جدید بسیار تجمیلی شرکت، اسباب‌نگرانی سرمايه‌گذاري را فراهم کرد. سران چهار «چابول» کره‌ای - سامسونگ، هاندها، هیوندای موتورز و اس کی تلکامز - در دهه‌های گذشته به خاطر جرایمی محکوم شناخته شده‌اند.

دولت شروع کرده است که شرکت‌ها را به سمت توزیع دوباره تل پول‌های نقد روی هم انباشته شده با افزایش دستمزدها یا سود تقسیم‌شده، سوق دهد. رئیس‌جمهور، پارک جیون‌هایه، اساساً برای دموکراتیک‌سازی اقتصادی کارزاری را شروع کرده و قانونی را تصویب کرده تا به کمیسیون تجارت منصفانه قدرت بیشتری برای گرفتن جریمه معاملات غیرقانونی که باعث سود اعضای خانواده صاحبان چابول‌ها می‌شود، بدهد و مانع سرمايه‌گذاري متقابل شرکت‌ها در یکدیگر شود.

اما او از آن موقع، بر این تمرکز کرده است که بهبود اقتصاد بی‌رونق وابسته به چابول‌ها است؛ سال گذشته دو وزیر او پیشنهاد دادند که غول‌های اقتصادی محکوم‌شده اگر در رشد اقتصادی همکاری کنند، بخشیده شوند.

بروس لی، رئیس شرکت سرمايه‌گذاري «زیرا» که یکی از معدود صندوق‌هایی است که بر حاکمیت شرکتی تمرکز کرده، می‌گوید حتی اگر تلاش‌های شرکت «الیوت» هم شکست بخورد، تنها شروعی برای دردی در حال افزایش خواهد بود؛ «چالش‌ها وقتی به وجود می‌آید که در دیگر چابول‌ها موفقیت نمایان شود و کره جنوبی به طور روزافزونی از حس استحقاق خانواده‌ها ناکام‌تر شود. در یک مورد کوچک، سهام‌داران خانوادگی در شرکت سی اند تی، با حق رای خود توانسته‌اند جلوی تحرکات شرکت‌الیوت را بگیرند حتی برخی از آنها سهام اولیه خود را در شرکت سی اند تی خریده‌اند تا بتوانند علیه ادغام شرکت رای دهند»

منبع: اکونومیست

برای بسیاری از مصرف‌کنندگان کره جنوبی، یک «چابول»، شرکت مختلط خانوادگی که در هر کاری دخالت دارد، از وسایل الکترونیکی مثل «ال جی» تا شهر بازی، مایه افتخار است. برای سرمايه‌گذاري، این شرکت‌ها می‌توانند در درس باشند. سهام‌داران به خاطر دارند که در ماه می امسال سامسونگ پیشنهاد کرد دو شرکت وابسته خود را ادغام کند؛ «صنایع چیل»، شرکت هلدینگ گروه، و «سامسونگ سی اند تی»، بزرگ‌ترین شرکت پیمانکاری کشور که بلندترین برج جهان را به نام برج خلیفه در دوی ساخته است.

وقتی که این توافق اعلام شد، قیمت سهام «چیل» تقریباً در بالاترین سطح خود از دسامبر گذشته قرار داشت و قیمت سهام شرکت «سی اند تی» نزدیک به کمترین سطح خود در پنج سال اخیر بود. این معامله، پس از کسر ارزش سهام شرکت «چیل» از شرکت‌های گروهی دیگر، آن را در واقع به صورت رایگان، در قلب عملیات «سی اند تی» قرار داد. این شرکت مناسب «لی جانگ-یونگ»، تنها پسر رئیس هیات مدیره سامسونگ، «لی کون-هی» بود.

«لی» بزرگ در تمام طول سال بر اثر حمله قلبی در بیمارستان بود. پسرش در حال آماده کردن حدود ۵ میلیارد دلار برای پرداخت مالیاتی است که از شرکت به ارث برده و در همین حال، با کلاف سردرگمی از سرمايه‌گذاري‌های متقابل در شرکت‌ها، کنترل خانواده را بر شرکت حفظ کرده است. این ادغام به «لی» اجازه داد که ساختار را تقویت کند و سهامی به ارزش بیش از ۱۲ میلیارد دلار از دیگر شرکت‌های سامسونگ بگیرد که شامل بیش از ۴۱ درصد سهام در شرکت «سامسونگ الکترونیکز»، گل سرسید گروه سامسونگ است.

اما چندی بعد، صندوق آمریکایی تامین سرمايه‌گذاري «الیوت منیجمنت»، که ارزش سهامش در شرکت «سی اند تی» رونق گرفته و به سومین سرمايه‌گذاري آن تبدیل شده بود، به دادگاه شکایت کرد تا جلوی معامله گرفته شود. الیوت استدلال می‌کرد که ادغام برای سهام‌داران «سی اند تی» عادلانه نبوده و ۷ میلیارد دلار را به دلیل نابرابری عظیم ارزش دو شرکت از دست داده است. شرکت «چیلی» اعلام کرد که سهامش به اندازه ۱۳۰ برابر درآمدهای تخمین زده شده معامله شده بود؛ در حالی که نرخ «سی اند تی» تا حدود ۲۰ کاهش یافته بود. میانگین نرخ درآمدهای شرکت‌های عضو شاخص بورس کره جنوبی ۱۱ است.

یک دادگاه در سئول هر دو شکایت «الیوت» را برای متوقف کردن معامله رد کرد. این دادگاه حکم صادر کرد که تفاوت نرخ بازده در سهام این دو شرکت، نشان‌دهنده دخالت در قیمت نیست. قانون کره جنوبی می‌گوید که نرخ بازده باید بر پایه میانگین قیمت سهام در یک ماه قبل از معامله باشد؛ یعنی فرمولی که سامسونگ از آن استفاده کرد. سامسونگ مدعی است که این معامله به طور حتم ارزش سهام‌داران را به وسیله اتصال به بازار جهانی بازوی پیمانکاری خود با کسب و کار غذا و مد «چیلی» افزایش داده است؛ با این که مشخص نیست این دو شرکت که در دو حوزه متفاوت کار می‌کنند، چقدر می‌توانند پول کسب کنند. با این حال، کارشناسان می‌گویند که سرمايه‌گذاري متقابل

ال جی سرمايه‌گذاري متقابل در شرکت‌ها را برای شفاف‌سازی ساختار شرکت هلدینگ کنار گذاشته است. کره جنوبی، هم اکنون در کف جدول رده‌بندی آسیا از نظر حاکمیت شرکتی قرار دارد

چه وقتی باید یک برند را تعطیل کرد؟

انحراف در رسیدن به مقصود می‌تواند نشانه مسیر نادرست باشد



همچنان متناسب است و آیا آنها قادر هستند که مقصود شرکت را با مزیت‌های رقابتی به انجام برسانند. اگر پاسخ به هریک از این سوالات منفی باشد، باید از خود بپرسند که آیا شرکت می‌تواند مقصود جدیدی را برای برندی که از قبل بوده و جزو دارایی‌های شرکت است، معین کند. صاحبان برندهایی مثل «سرویس مرچندایز» توانسته‌اند از این خط فکری استفاده کنند.

شرکت «سرویس مرچندایز» مدت‌ها در کار تولید لوازم منزل بود اما از دهه ۱۹۹۰ به تدریج افول کرد و پس از چند تلاش ناموفق برای احیای ساختاری این برند، صاحبان شرکت تصمیم گرفتند که آن را از بین ببرند. اما دو سال بعدتر، پسری از موسسان این برند پیشنهاد کرد که این برند در تولید یکی از محصولات خود که جواهر و هدایا است، بیشتر متمرکز شود و از تجارت الکترونیک نیز برای فروش تولیدات خود استفاده کند.

به هر حال، ما همه داستان‌های با پایان خوش را دوست داریم و شرکت‌ها نیز می‌توانند به روزگار خوش گذشته بازگردند. اما برخی اوقات، تصمیم درست، دردناک‌تر است. اگر برند شما به مشکل برخورد، نمی‌تواند مقصود خود را برآورده کند و ترازهای مالی آن نیز منفی است، باید تصمیم دردناک تعطیلی آن گرفته شود.

منبع: هاروارد بیزینس ریویو

تولیدکنندگان محتوا داشت؛ فراهم کردن دسترسی مستقیم مشتریان به محتواهای سرگرمی. اما از وقتی که «تت‌فلیکس» و کانال‌های رسانه‌ای آن‌لین توسعه یافتند، «بلاک‌باستر» دیگر تنها شرکتی نبود که این مقصود را انجام می‌داد و روشی که با آن کارهایش را انجام می‌داد، قدیمی شده بود. برند به‌آهستگی می‌مرد و مرگش از زمانی شروع شد که در سال ۲۰۱۰ اعلام ورشکستگی کرد و نهایتاً وقتی که «دیش نت‌ورک» آن را خرید، تصمیم گرفت تمام عملیات مربوط به ویدئوهای اجاره‌ای خود را در سال ۲۰۱۳ تعطیل کند.

چون «بلاک‌باستر» دیگر نمی‌توانست مقصود خود را با روشی مناسب دنبال کند، مدیرانش باید مدت‌ها قبل از این که برند ارزش سهام‌داران خود را تحلیل ببرد و به مضحکه‌ای برای جوک گفتن تبدیل شود، آن را خودخواسته از بین می‌بردند.

کسب و کارهای دیگری هم ممکن است باشند که توانسته‌اند کار خود را شروع کنند، دارایی‌های شرکت را به کار ببرند (ملک، فناوری، کارکنان و غیره) و برند متفاوتی خلق کنند یا شرکت را تعطیل کنند و دارایی‌های آن را بفروشند؛ زودتر از این که شرکت بتواند بارزش‌تر شود.

وقتی مدیران با یک برند مشکل دار سر و کار دارند، باید از خود بپرسند که آیا برند آنها در انجام کاری که برای آن به وجود آمده، باقی مانده است. آیا مقصود برند آنها

نابود کردن برندها یک فکر محبوب یا دل‌پذیر نیست، اما ما باید آن را بیش از پیش انجام بدهیم. ممکن است سخت باشد که بپذیریم زمان از پریز بیرون کشیدن فرار سیده است. برخی از مدیران اجرایی ممکن است پرهیز کنند از این که بپذیرند – شاید به دلایل عاطفی یا سیاسی – برند آنها بیش از ارزشی که برای شرکت خلق می‌کند، ارزش‌های آن را بیرون می‌کشد. برخی دیگر ممکن است به‌سادگی جایگزینی بیابند تا سعی کنند برند را با هر قیمتی نگه دارند، حتی اگر این کار به معنی بسیار کم‌ارزش بودن، مجوز دادن ارزان و دیگر تاکتیک‌هایی باشد که در بلندمدت ارزش برند را از بین ببرد.

شاید ریشه مشکل این باشد که روشن نیست چه زمانی باید یک برند خودخواسته از بین برود. سوددهی یک معیار مفید نیست. بیشتر شرکت‌ها ۸۰ تا ۹۰ درصد سود خود را از کمتر از ۲۰ درصد برندهایی که می‌فروشند کسب می‌کنند و بسیاری از شرکت‌های تازه‌تأسیس ممکن است سال‌ها در کسب سود شکست بخورند.

یک محک بهتر برای نگه داشتن یا محو یک برند می‌تواند مقصود باشد. شرکت‌ها وسایلی برای رسیدن به مقاصد اجتماعی هستند؛ به وسیله تولید کالاها و خدماتی که زندگی کاربران را بهتر می‌کنند؛ یا ایجاد شغل و بهتر کردن کیفیت زندگی کارگران؛ یا توسعه یک شبکه قدرتمند تولیدکنندگان و شرکای تجاری و با اطمینان حاصل کردن از کارایی مالی.

مقصود باید وقتی که برای آینده یک شرکت تصمیم گرفته می‌شود، جهت حرکت را مشخص کند. به جای پرسیدن این که «چه کاری باید برای رقابت انجام دهیم؟» سوال باید این‌طور پرسیده شود: «چرا باید انجام کاری را در قدم اول شروع کنیم و چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا دلیل زندگی ما را در نظر گرفتن همه فرصت‌های فنی و بازاری در دسترس امروز ما، به همراه داشته باشد؟»

مقصود می‌تواند مدیریت را از طرق مختلفی درباره دو برند شکست‌خورده «بلاک‌باستر» و «رادیوشاک» مطلع کرده باشد. اولین فروشگاه «بلاک‌باستر» در سال ۱۹۸۵ افتتاح شد و به سرعت به یک تولیدکننده محبوب بازی‌های ویدئویی و فیلم تبدیل شد که در تمام دستگاه‌هایی که مردم در آن زمان می‌خریدند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. در اوایل دهه ۲۰۰۰، «بلاک‌باستر» مقصود باززشتی، هم برای مشتریان و هم برای استودیوهای فیلم‌سازی، سازندگان بازی و دیگر

حاشیه

لندن و شرکت‌های نوپا

بسیاری از شرکت‌های بزرگ تکنولوژی مانند فیس‌بوک و توییتر که این روزها سرمایه‌های قابل توجهی در اختیار دارند، در ابتدا تنها یک استارت‌آپ کوچک بودند. استارت‌آپ‌های تکنولوژی دیگر تنها در سلیکون ولی متمرکز نیستند و به کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هم راه پیدا کنند.

برندهای برتر سال ۲۰۱۴

در فهرست برترین برندهای جهان، سامسونگ با رتبه دوم رشد یک‌پله‌ای را نسبت به سال ۲۰۱۳ تجربه کرد. تویوتا با رتبه سوم، رشد دوپله‌ای نسبت به سال قبل داشته است. مک دونالدز نیز در رتبه سوم، بیش از ۳۵ هزار نمایندگی در بیش از ۱۰۰ کشور جهان دارد.

کره جنوبی، خلاق‌ترین کشور جهان

خبرگزاری بلومبرگ در گزارش سالانه خود از ۵۰ کشور مبتکر جهان، کشورها را بر مبنای توانایی و ظرفیت کلی نوآوری رده‌بندی می‌کند. در این رده‌بندی، کره جنوبی به عنوان خلاق‌ترین کشور جهان به شمار می‌رود که بر اساس ۶ معیار تعیین می‌شود.



رشد اقتصادی ترکیه در فصل اول امسال ۲,۳ درصد بود. پیش‌بینی شده است که در سال جاری رشد اقتصادی این کشور ۲,۸ درصد و در سال آینده ۳,۳ درصد باشد

از دومین کشور کوچک جهان تا سومین اقتصاد دنیا

اقتصاد زیر سایه سیاست

مرور وضعیت اقتصادی برخی از کشورهای همسایه ایران و سراسر جهان

اقتصادهای ملی هر روز بیشتر و بیشتر به اقتصاد جهانی پیوند می‌خورند و دیگر نمیتوان گفت که اقتصادهای ملی به طور کاملاً مجزا از یکدیگر میتوانند اهداف خود را پیش ببرند. آنها ناچارند که منافع دیگران و اشتراکات با آنها را نیز در نظر بگیرند و در سیاست‌گذاری‌های خود وارد کنند. با این حال، باید گفت که همچنان مرزهای ملی در اقتصادهای جهان وجود دارند و همه اقتصادها به صورت یکپارچه و جهانی در یک راستا حرکت نمی‌کنند. بنابراین لازم است که با در نظر گرفتن روندهای جهانی و منطقه‌ای، شناخت دقیقی نیز از اقتصادهای ملی داشته باشیم. در این شماره، وضعیت اقتصادی برخی از اقتصادهای همسایه ایران و سراسر جهان مرور شده است.



پاکستان

رشد مطلوب

در سال‌های اخیر پاکستان با وجود کاهش رشد اقتصادی جهان و بحران‌هایی که در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ گریبان اقتصاد دنیا را گرفت، دارای رشد اقتصادی نسبتاً بالایی بوده است. آخرین رشد اقتصادی محاسبه شده پاکستان ۵,۵ درصد بوده و پیش‌بینی شده است که در سال جاری میلادی رشد این کشور به ۵,۷ برسد و البته خروجی اقتصاد آن در سال آینده میلادی کمی افت کند و به ۴,۷ درصد برسد. تولید صنعتی در پاکستان در ماه مه که آخرین ماه برآورد این شاخص بوده، ۵,۹ درصد رشد داشته است. تورم قیمت‌های مصرف‌کننده در سال گذشته در پاکستان ۸,۲ درصد بوده و در ماه ژوئن ۳,۲ بوده که پیش‌بینی شده در سال جاری به طور متوسط به ۴,۱ درصد برسد. نرخ بیکاری در پاکستان در سال ۲۰۱۴ به اندازه ۶ درصد بوده است. تراز تجاری پاکستان منفی ۲۲,۴ میلیارد دلار است؛ به این معنی که میزان واردات پاکستان از خارج از مرزهایش به اندازه این عدد از صادراتش بیشتر است. ارز پاکستان نسبت به دلار از سال گذشته تاکنون ضعیف‌تر شده است. نرخ سود بانکی نیز در حساب‌های کوتاه‌مدت سه‌ماهه بانکی پاکستان ۷ درصد است. این کشور با کسری بودجه‌ای به اندازه ۵,۱ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش مواجه است.

دوپینگ نفت

کشور عربستان به لطف صادرات بالای ۹ میلیون بشکه نفت در روز، میزان تراز تجاری بسیار مطلوبی دارد. می‌توان گفت که اگر نفت نبود، عربستان عملاً هیچ برای صادرات نداشت. تراز تجاری عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴ مثبت ۱۶۸,۴ میلیارد دلار بود که به همین دلیل، در فصل چهارم سال گذشته، در حساب جاری این کشور ۸۱,۲ میلیارد دلار پول وجود داشت. با این حال، عربستان دارای یکی از بالاترین کسری‌های بودجه در میان کشورهای جهان است که به دلیل تقریباً نصف شدن قیمت نفت از سال گذشته تاکنون، به وجود آمده است. کسری بودجه در عربستان ۱۲,۱ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. به دلیل تورم بسیار پایین، میزان سود بانکی در حساب‌های کوتاه‌مدت این کشور مقدار ۰,۷۸ درصد است. با این که بسیاری از ارزهای کشورهای جهان نسبت به دلار آمریکا ضعیف شده‌اند، اما ارزش ریال عربستان نسبت به دلار از سال گذشته تاکنون اصلاً تغییری نکرده است. عربستان توانسته به اعتبار ذخیره ارزی کافی که در اختیار دارد، ارزش ریال را حفظ کند. رشد اقتصادی در سال گذشته در عربستان سعودی ۳,۴ درصد بود و تخمین زده شده است که امسال ۲,۷ درصد و سال آینده ۳,۱ درصد باشد.

اقتصاد متزلزل

رشد اقتصادی ترکیه در فصل اول امسال ۲,۳ درصد بود. پیش‌بینی شده است که در سال جاری رشد اقتصادی این کشور ۲,۸ درصد و در سال آینده ۳,۳ درصد باشد. شتاب تولید صنعتی ترکیه در ماه مه امسال ۵,۰ درصد بوده است. تورم قیمت‌های مصرف‌کننده در ترکیه بالاست و در سال قبل میلادی، این شاخص ۹,۲ درصد بوده است. پیش‌بینی شده است که امسال تورم ۷,۳ درصد باشد. نرخ بیکاری در ترکیه نیز کم نیست و آخرین نرخ محاسبه شده آن، ۹,۶ درصد بوده است. ترکیه یکی از کشورهایی محسوب می‌شود که جزو بازارهای نوظهور دستهبندی شده و کارشناسان روی اقتصاد این کشور مثل برزیل حساب باز کرده بودند، اما به نظر میرسد که این کشور نیز مانند برزیل، به تدریج وضعیت درخشان اقتصادی گذشته را از دست بدهد و فعلاً اقتصادش رو به افول است. فعلاً موازنه تجاری ترکیه منفی ۷۸,۱ میلیارد دلار است. تراز حساب جاری این کشور نیز منفی است و به اندازه ۴,۶ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش کسری دارد. ترکیه با کسری بودجه نیز مواجه است و به اندازه ۱,۶ درصد تولید ناخالص این کشور، کسری بودجه وجود دارد. ارزش لیره ترکیه نیز نسبت به دلار آمریکا در یک سال اخیر کاهش پیدا کرده است.



عربستان سعودی



ترکیه



یونان

به چاه افتاده

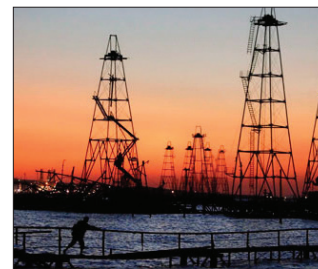
اگر کسی کمی اخبار ماههای اخیر را دنبال کرده باشد، میتواند ببیند که اقتصاد یونان با چه مشکلاتی مواجه بوده و چطور در حال چانه زنی با کشورهای همسایه و مدیران اتحادیه اروپاست برای این که بتواند زندگی روزمره خود را بگذراند و مشکلاتش را کمتر کند. یونان به دلیل بدهیهای بسیار سنگین به اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول، عملاً به کمک های مالی کشورهای منطقه وابسته است و هر چه از این کشورها و نهادهای بین المللی کمک های بیشتری دریافت کند، بیش از گذشته به آنها وابسته میشود و باید بیشتر از فرامین آنان اطاعت کند. رشد اقتصادی یونان در آخرین فصل محاسبه این شاخص، منفی ۰٫۷ درصد بوده اما هنوز پیشبینی میشود که در سال جاری رشدش مثبت ۰٫۵ باشد. تخمین زده شده است که یونان در سال آینده، ۲٫۲ درصد رشد اقتصادی داشته باشد. نرخ بیکاری در این کشور در ماه آوریل ۲۵٫۶ درصد بود که بیشترین نرخ بیکاری در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی است. نرخ تورم قیمت های مصرف کننده در یونان در سال گذشته منفی ۱٫۱ درصد بود و تخمین زده شده است که در سال جاری هم منفی ۱ باشد. تراز تجاری یونان منفی ۱۸٫۶ میلیارد دلار و دارای کسری بودجه ای به اندازه ۳٫۸ درصد تولید ناخالص داخلی است.

سومین اقتصاد جهان

کشور ژاپن که یکی از مراکز تجاری و صنعتی جهان است، در اقتصاد جهان نقش بسیار مهمی دارد و به عنوان سومین اقتصاد دنیا پس از آمریکا و چین مطرح است. با این حال، ژاپن همچنان با مشکلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم میکند و نتوانسته است خود را به سال های طلایی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برساند. میتوان گفت که پس از بحران های مالی در آسیای شرقی در دهه ۱۹۹۰، دیگر ژاپن نتوانست به خوبی گذشته خود، اقتصادی درخشان و پیشرو داشته باشد. رشد اقتصادی در ژاپن در فصل اول سال جاری میلادی، منفی ۰٫۹ بوده است و موقع اعلام این رقم، بازار های مالی جهان به تلاطم افتادند و شاخص ها سقوط کردند. با این همه، پیشبینی شده است که رشد اقتصادی ژاپن در سال جاری میلادی ۱ درصد و در سال آینده هم ۱٫۶ درصد باشد. رشد تولیدات صنعتی در ژاپن در ماه ژوئن ۲ درصد محاسبه شده است. ژاپن به شدت تلاش کرده است که نرخ تورم خود را از حالت منفی بیرون بیاورد تا بتواند به این وسیله، مشوق هایی برای افزایش رشد اقتصادش مهیا کند. نرخ تورم قیمت های مصرف کننده سال قبل در ژاپن ۳٫۷ بود اما پیشبینی میشود که در سال جاری تنها ۰٫۸ درصد باشد. نرخ بیکاری در این کشور ۳٫۳ درصد است.

رشد بسیار خوب

ویتنام یکی از کشور هایی است که به دلیل داشتن کارگر ارزان قیمت، بازار کارش با حضور شرکت های خارجی و سرمایه گذاری هایی که از خارج کشور در آن میشود، رونق گرفته است. آخرین رشد اقتصادی محاسبه شده در ویتنام ۶ درصد بوده است که نسبت به رشدهای اقتصادی کشورهای جهان به دلیل بحران های اقتصادی باقی مانده از سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، بسیار مطلوب به نظر میرسد. پیشبینی شده است که رشد اقتصادی این کشور در سال جاری ۶٫۳ درصد و در سال آینده نیز ۶٫۵ درصد باشد. تولید صنعتی در ویتنام، به دلیل حضور شرکت های خارجی بسیار توسعه یافته است. رشد تولیدات صنعتی این کشور در ماه ژوئیه امسال ۱۱٫۳ درصد بوده است. تورم مصرف کننده سال گذشته در این کشور ۴٫۹ درصد بوده و پیشبینی میشود که در سال جاری نیز ۲٫۸ درصد باشد. نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۴ در این کشور ۳٫۴ درصد بوده که نرخ بیکاری مطلوبی به نظر میرسد. با این حال، تراز تجاری ویتنام مثبت نیست و واردات این کشور در ماه ژوئیه به اندازه ۴٫۵ میلیارد دلار نسبت به صادراتش بیشتر بوده است.



آذربایجان

انکابه نفت

جمهوری آذربایجان در مقایسه با جمهوری های تازه استقلال یافته اطراف خود در اثر بهره برداری از منابع نفتی و سرمایه گذاری پس از استقلال توسعه بیشتری پیدا کرده است. جمهوری آذربایجان برای ثبات بخشیدن به اوضاع اقتصادی با کمک صندوق بین المللی پول دو برنامه اقتصادی را به اجرا در آورده و توانسته است میزان تورم را کاهش دهد. میزان تورم در این کشور از ۴۱۱ درصد در سال ۱۹۹۵ میلادی به ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۶ و ۳٫۷ درصد در ۱۹۹۷ و صفر درصد در ۱۹۹۸ و منفی ۵ درصد در نیمه نخست سال ۲۰۰۰ کاهش یافت. در سال ۲۰۰۸ جمهوری آذربایجان بنا به گزارش بانک جهانی، برترین کشور از نظر اجرای برنامه های اصلاحات اقتصادی بود و در رتبه نخست اصلاحات اقتصادی جهان قرار گرفت. در سال های گذشته به ویژه هنگامی که قیمت نفت بسیار افزایش داشت، آذربایجان رونق فراوانی گرفت و حتی در سال هایی رشد اقتصادی این کشور به بیشترین رشد اقتصادی جهان و رشدی دورقمی تبدیل شد. اما حالا که قیمت نفت کاهش یافته، رشد اقتصادی آذربایجان نیز کاهش یافته اما همچنان پیشبینی شده است که امسال و سال آینده، بالای ۷ درصد باشد.



ژاپن



ویتنام



رهبر اروپا

در گیربهای اقتصاد یونان با اتحادیه اروپا، دارای یک رهبر بزرگ بود که عملاً به دشمن شماره یک یونان در مذاکرات تبدیل شده بود و البته طلبکارترین کشور اروپایی از یونان نیز به شمار می‌رود: آلمان. آلمان را میتوان در نقطه مقابل یونان در اتحادیه اروپا و منطقه ارز واحد یورو گذاشت. تراز تجاری آلمان در ماه مه مثبت ۲۸۵٫۲ میلیارد دلار بوده که بسیار تراز تجاری خوبی به حساب می‌آید. آلمان از معدود اقتصادهای پیشرفته جهان با تراز بودجه مثبت است. این کشور تراز بودجه مثبتی به اندازه ۰٫۷ درصد تولید ناخالص خود را داراست. با این حال، رشد اقتصادی آلمان مشابه یونان پیشبینی شده و در برخی موارد هم کمتر از آن خواهد بود؛ تخمین زده شده است که در سال جاری، رشد اقتصادی آلمان ۱٫۷ درصد و در سال آینده ۲ درصد باشد. تولید صنعتی در این کشور در ماه مه امسال، ۲٫۲ درصد رشد داشته است. تورم در آلمان مثبت اما بسیار ناچیز است؛ تورم قیمت‌های مصرفکننده در این کشور، در سال گذشته ۱ درصد بود و پیشبینی شده است که امسال تنها ۰٫۵ درصد باشد. نرخ بیکاری نیز در این کشور ۶٫۴ درصد است.



آلمان



تونس

مشکلات سیاسی داخلی

اقتصاد تونس، اقتصادی متنوع با بخش های مهم کشاورزی، معادن، گردشگری و صنعتی است. هرچند در حال حاضر نیز تسلط دولت بر اقتصاد بسیار گسترده است اما در دهه گذشته، روند امور را در این کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه بهبود بخشیده است. نرخ رشد اقتصادی که در دهه گذشته به طور متوسط ۵ درصد بود در سال ۲۰۰۸ به ۶٫۴ درصد و در ۲۰۱۰ و ۲۰۰۹ به ۴٫۳ درصد کاهش یافت که تا حدی متاثر از بحران اقتصادی در اروپا بود. چالش های اقتصادی مقابل اقتصاد کلان این کشور عبارت اند از: خصوصیسازی صنایع، آزادسازی قوانین سرمایه گذاری برای افزایش جذب سرمایه گذاری خارجی، افزایش کارآفرینی بخش دولتی، کاهش کسری تجاری و کاهش بی عدالتی های سیاسی - اقتصادی در غرب و جنوب توسعه نیافته این کشور. رشد تولید ناخالص داخلی تونس در سال گذشته میلادی ۲٫۸ درصد بوده که نسبت به رشدهای سابق، کاهش داشته است. تونس برای خروج از بحران اقتصادی ناشی از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ با مشکل مواجه است. دوره انتقال سیاسی که با بحران های مکرر همراه است، رشد اقتصادی این کشور را با دشواری روبه رو کرده است.

بقایای گرفتاری صدساله

آرژانتین در اوایل قرن بیستم میلادی، یکی از اقتصادهای بسیار پیشروی جهان بود، اما به دلیل ناملایمات سیاسی و سیاستگذاری های نادرست اقتصادی، در اواسط قرن بیستم به یکی از نمونه های کلاسیک اقتصادهای شکست خورده تبدیل شد. این کشور هنوز نتوانسته است از گرداب صدساله ای که برای خود درست کرده بود بیرون بیاید. رشد اقتصادی این کشور در سال جاری میلادی منفی ۰٫۴ درصد تخمین زده شده و در سال آینده نیز پیشبینی شده است که رشدش مثبت باشد، اما تنها ۱٫۵ درصد تولید ناخالص داخلیاش رشد داشته باشد. رشد تولید صنعتی در این کشور، در ماه ژوئن ۱ درصد بوده است. اوضاع اقتصادی آرژانتین به قدری نامساعد است که هفته نامه «کونومیسٹ» نتوانسته بر آورد درستی از تورم قیمت های مصرفکننده در این کشور ارائه کند و جای این شاخص را در جدول های خود خالی گذاشته است. نرخ بیکاری در آرژانتین در فصل اول سال، ۷ درصد بوده است. نرخ برابری ارز ملی این کشور نسبت به دلار آمریکا از سال گذشته به شدت سقوط کرده و با کسری بودجه به اندازه ۳٫۳ درصد تولید ناخالص داخلی خود مواجه است. نرخ سود بانکی در حساب های کوتاه مدت این کشور یکی از بالاترین نرخ های سود جهان و به اندازه ۲۴٫۲ درصد است.



آرژانتین

اوضاع نامطلوب اقتصادی

کشور مصر با این که در سال های اخیر با بحران های سیاسی شدیدی درگیر بوده و چند بار دولت بین نیروهای مختلف سیاسی این کشور دست به دست شده، اما همچنان دارای رشد اقتصادی نسبتاً مطلوبی است؛ رشد اقتصادی در سال گذشته در مصر ۴٫۳ درصد بوده و برای هر دو سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، ۴٫۲ درصد پیشبینی شده است. میزان رشد تولیدات صنعتی در این کشور در ماه مه امسال ۰٫۲ درصد بوده است. اما میتوان نرخ تورم نسبتاً بالا را یکی از نقاط ضعف اقتصاد مصر به شمار آورد. نرخ تورم قیمت های مصرفکننده در سال گذشته در این کشور ۸٫۲ درصد بود و برای امسال نیز ۹٫۹ درصد پیشبینی شده است. مصر دارای بیکاری نسبتاً بالا هم هست و به دلیل اتفاقات سیاسی که بر اقتصاد این کشور تاثیر گذاشته، نتوانسته برای جمعیت زیاد بیکاران خود، اشتغال کافی ایجاد کند. نرخ بیکاری در مصر ۱۲٫۸ درصد است. تراز تجاری این کشور منفی ۴۲٫۴ میلیارد تومان است که تراز تجاری خیلی بدی به حساب می آید. این کشور کسری بودجه خیلی بالایی هم دارد که به اندازه ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلیاش است. نرخ ارز ملی مصر نیز مثل بسیاری از ارز های جهان، از سال گذشته نسبت به دلار آمریکا تنزل داشته است.



مصر



نیوزیلند

پیشرفته‌امام‌هجور

اقتصاد نیوزیلند با این که یکی از اقتصادهای پیشرفته جهان به شمار می‌رود اما به دلیل دوری مسافت از دیگر کشورهای جهان، چندان به چشم نمی‌آید. با این حال، به دلیل جهانی شدن هر چه بیشتر اقتصاد و توافق‌نامه‌هایی که میان کشورهای مختلف جهان برای تجارت و نزدیکی اقتصادی ایجاد می‌شود، نیوزیلند بسیار بیشتر و راحت‌تر در معرض تجارت جهانی قرار گرفته است. یکی از این معاهدات که هنوز هم در جریان است و بناسست که تا پایان امسال به نتیجه برسد، توافقاتی اقتصادی و تجاری است که بین کشورهای دو سوی اقیانوس آرام در حال انجام است و اگر به نتیجه برسد، شامل حال بسیاری از اقتصادهای پیشرفته جهان و حدود ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی دنیا خواهد شد. نیوزیلند نیز به شدت در این مذاکرات فعال است. نیوزیلند در سال گذشته ۲٫۹ درصد رشد اقتصادی داشت و برای سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نیز همین میزان رشد اقتصادی پیش‌بینی شده است. تورم قیمت‌های مصرف‌کننده در این کشور زیر ۲ درصد است و نرخ بیکاری نیز ۵٫۸ درصد محاسبه شده است. تراز تجاری این کشور منفی ۲٫۴ میلیارد دلار است که بدون اهمیت است. این کشور مازاد تجاری به اندازه ۱ درصد تولید ناخالص داخلی خود دارد.

بزرگ‌ترین اقتصاد آفریقای شمالی

نیجریه پرجمعیت‌ترین کشور در آفریقا و هفتمین کشور پرجمعیت جهان است. این کشور همچنین پرجمعیت‌ترین کشور جهان با اکثریت سیاه‌پوست است. تولید ناخالص داخلی این کشور ۲۹۴٫۸ میلیارد دلار است. ۵۰ میلیون و ۱۳۰ هزار نفر نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند که ۷۰ درصد آنها در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. نرخ بیکاری در این کشور ۵٫۸ درصد است اما ۷۰ درصد از مردم آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. با وجود رونق اقتصادی سال‌های گذشته فقر همچنان در نیجریه شایع است. طبق اعلام اداره ملی آمار، سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ تقریباً دوسوم از جمعیت نیجریه در فقر مطلق زندگی می‌کردند، یعنی نیازهای اصلی آنها مانند غذا، آب سالم و محل سکونت تأمین نشده است. در شمال کشور وضعیت بدتر است. این کشور یکی از صادرکنندگان نفت است و حدود ۹۵ درصد از محصولات صادراتی آن را نفت و محصولات نفتی تشکیل می‌دهد. نیجریه عضو اوپک و سازمان تجارت جهانی است. نفت و گاز ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی نیجریه را تشکیل می‌دهد و ۷۰ درصد مخارج دولت از این محل تأمین می‌شود. بنزین و محصولات مشابه ۹۰ درصد از درآمد کشور را از محل صادرات به خود اختصاص می‌دهد.

اقتصاد بیابانی

لیبی کشوری بیابانی است و ۹۰ درصد خاک آن را صحرای بی‌آب و علف تشکیل می‌دهند. مناطق نسبتاً سرسبز لیبی در حواشی دریای مدیترانه واقع است و این نواحی مرکز تراکم جمعیتی و پایتخت آن یعنی طرابلس را شامل می‌شود. هیچ جریان آب دائمی‌ای در خاک لیبی وجود ندارد و به همین علت تنها ۲ درصد خاک آن کاربرد کشاورزی دارد. در نتیجه، بخش عمده مواد غذایی مصرفی و مورد نیاز مردم لیبی از خارج این کشور وارد می‌شود. در حال حاضر ۹۰ درصد از جمعیت ۶٫۵ میلیون نفری لیبی در حاشیه باریک مدیترانه ساکن هستند. اما لیبی نفت دارد؛ براساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی، لیبی در سال گذشته میلادی با تولید یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز و صادرات روزانه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام، یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت خام در آفریقا به شمار می‌آید. نرخ بیکاری در لیبی بسیار بالا و در حدود ۳۰ درصد است و ۷۴ درصد از مردم آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. علی‌رغم جنگ‌های داخلی اخیر در لیبی، منابع عظیم نفت و گاز این کشور کمک زیادی به رشد اقتصادی آن داشته است. پیش‌بینی می‌شد که تولید ناخالص داخلی لیبی ۸٫۸ درصد رشد داشته باشد، اما با نصف شدن قیمت نفت، این کشور بسیار تحت فشار قرار گرفته است.



موناکو

بالا‌ترین سرانه تولید ناخالص داخلی

موناکو دومین کشور کوچک جهان به شمار می‌رود اما معمولاً دارای بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی در جهان است. شبه‌جزیره موناکو در دریای مدیترانه و در نزدیکی سواحل جنوب فرانسه واقع شده است. موناکو حدود ۳۶ هزار نفر جمعیت دارد و به خاطر وجود قوانین مالیاتی آزاد، کازینوهای متعدد و آب و هوای مطبوع، به بهشت جهان‌گردان و ثروتمندان معروف شده است. اقتصاد موناکو به دارایی‌های غیرمنقول، بانکداری، بیمه، صنعت سبک و صنعت توریسم وابسته است. در موناکو فقط تجمل و آرامش و لذت وجود ندارد، بیش از پنج هزار شرکت بر این صخره روی هم انباشته شده‌اند. بین آنها ۱۱۱ شرکت صنعتی با سه هزار شغل وجود دارد. این شاهزاده‌نشین با محصولات دارویی، تجهیزات خودرو، فناوری با دقت بسیار و لباس‌های لوکس، محل تولید نیز هست. صنعت ۶ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد، در حالی که اموال غیرمنقول ۹ درصد و خدمات مالی ۱۵ درصد آن را تشکیل می‌دهد. در موناکو، زنجیره تولید کارخانه به صورت عمودی و در طبقات ساختمان‌ها سازماندهی شده است. این کشور با درآمد سرانه ۱۸۳ هزار و ۱۵۰ دلار در سال، رتبه اول را در این زمینه به خود اختصاص داده است.



نیجریه



لیبی



ایتالیایی‌ها هم برای بازگشت به ایران
پایه نظام خود را روانه اتاق بازرگانی
ایران کردن

ملاقات با جنتلمن‌ها

سفر هیات‌های تجاری اروپا به مقصد اتاق بازرگانی

سفارت‌خانه‌های کشورهای اروپایی در تهران این روزها تکاپوی زیادی دارند. برخی از آنها که جسور تر بودند و خود را کمتر در چارچوب تحریم‌ها قرار دادند، حالا چند قدمی جلوتر از دیگران گام برمی‌دارند. در ساختمان نمایندگی دولت کشورهای اروپایی، این روزها رفت و آمدهای زیادی به چشم می‌خورد. اما بخش بازرگانی هریک از این سفارت‌خانه‌ها محور رایزنی‌ها و نشست و برخاست‌هایی است که تا پیش از این کمتر دیده می‌شد. جایی که نمایندگان شرکت‌های بزرگ از اروپا و آسیا آن را پلی برای دستیابی به بازار تشنه ایران می‌دانند. تلفن‌ها از طرف شرکت‌های اروپایی و آمریکایی نیز قطع نمی‌شود. آنهایی که سال‌های پیش از این شریک ایرانی داشتند و به دلیل تحریم‌ها ارتباطشان قطع شده بود، چمدان‌ها را بسته‌اند و برای بازگشت به ایران آماده‌اند. فرودگاه بین‌المللی امام خمینی این روزها محل رفت و آمد مسافرانی از کشورهای مطرح اروپا و آسیا و آمریکا شده است که به قصد ملاقات با شرکای تجاری خود پا به ایران می‌گذارند. اتاق‌های بازرگانی نخستین آدرسی است که سرمایه‌گذاران خارجی به محض ورود به تهران سراغ آن را می‌گیرند.



موسیوها در راه ایران



چراغانی در رم و تهران



ایتالیا	شاخص	فرانسه
۵۹ میلیون	جمعیت	۶۳ میلیون
۰/۲	نرخ تورم	۰/۳
-۵۴/۹	تراز تجاری	-۶۰/۸
-۲/۹	تراز بودجه	-۴/۱
۱۳/۷	نرخ بیکاری	۱۰/۲
۰/۱	رشد اقتصادی	۰/۸



✪ لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه که طی هفته‌های گذشته به تهران آمد اگر چه خیلی زود به کشورش بازگشت اما حضورش زمینه‌ساز سفر آتی هیات بزرگ اقتصادی از این کشور به تهران شد. قرار است اواسط شهریورماه جاری یک هیات بزرگ تجاری صنعتی از فرانسه راهی ایران شوند و طی ملاقات با فعالان اقتصادی در محل اتاق بازرگانی ایران، شرکای خود را بشناسند و سرمایه‌گذاری در صنایع ایران را آغاز کنند. میزبان این هیات در تهران، اتاق بازرگانی ایران است و رایزنی‌ها برای ملاقات فعالان اقتصادی دو کشور در حال انجام است. البته این نخستین سفر تجار و صنعتگران فرانسوی به ایران نیست و اواخر سال گذشته نیز یک هیات اقتصادی از این کشور به تهران آمدند و در اتاق ایران با هم‌تایان خود ملاقات کردند. در هیات اقتصادی فرانسوی، نزدیک به ۱۱۴ نفر از فعالان اقتصادی این کشور حضور داشتند و با این حال، رسانه‌های ایران آماده‌سازی شرکت‌های خودروسازی فرانسه برای ورود دوباره به بازار ایران را بیشتر انعکاس دادند و طی گزارش‌هایی به نقد بازگشت پژو پرداختند. اتفاقی که به نظر می‌رسد در شهریورماه امسال و با مشخص شدن شرکت‌های فرانسوی که عازم تهران هستند، رنگ و بوی دیگری به خود بگیرد و تکلیف حضور سرمایه‌گذاران فرانسوی در صنایع ایران مشخص شود.

✪ ایتالیایی‌ها هم برای بازگشت به ایران پایه نظام خود را روانه اتاق بازرگانی ایران کردند. آنها که در طول دست‌کم دو دهه اخیر یکی از شرکای ثابت ایران در عرصه‌های اقتصادی بوده‌اند برای آن که جای خود را به دیگر رقبا واگذار نکنند، پلیت رم به تهران را خیلی زود تهیه کردند. آنها در سفری دوازده روزه به تهران، اتاق بازرگانی ایران را برای گفت‌وگو و رایزنی‌های تجاری انتخاب کردند. تجار و فعالان اقتصادی ایتالیا در طول دوره فشار جامعه بین‌الملل بر ایران و بحران تحریم‌ها، سعی کردند که ارتباط خود با بازار ایران و شرکای خود را در کشور حفظ کنند. از این رو، چراغ اتاق مشترک بازرگانی ایران و ایتالیا در تهران همچنان روشن ماند و تلاش برای حفظ مناسبات اقتصادی میان دو کشور از طریق این اتاق ادامه داشت. براساس آمار گمرک ایران، سال گذشته ارزش صادرات غیرنفتی از ایران و واردات از ایتالیا تقریباً سر به سر بود، به طوری که طی این سال، حدود ۶۰۰ میلیون دلار کالا از ایران به ایتالیا صادر شد و واردات از این کشور به حدود ۷۰۰ میلیون دلار رسید. آماری که ارقام ناچیز آن گویای وضعیت نامناسب روابط اقتصادی دو کشور در طول سال‌های اخیر است و حضور مسئولان بلندپایه سیاسی و اقتصادی ایتالیا در اتاق بازرگانی نشان می‌دهد که آنها نیز از این وضعیت راضی نیستند و آمده‌اند که سال‌های رونق همکاری‌ها با ایران را بار دیگر زنده کنند.

نگاه چشم‌بادامی‌ها به ایران



آماده‌باش انگلیسی‌ها



انگلیس	شاخص	ژاپن
۶۲ میلیون	جمعیت	۱۲۷ میلیون
۰/۲	نرخ تورم	۰/۴
-۱۹۱/۵	توازن تجاری	-۴۲.۵
-۴/۴	توازن بودجه	-۶/۸
۵/۶	نرخ بیکاری	۳/۴
-۲/۶	رشد اقتصادی	-۰/۹

❖ می‌گویند ژاپن یکی از کشورهای متعهد به قراردادهای تحریم علیه ایران بود. آنها چنان پایبند به مفاد قطع‌نامه‌های آمریکا و شورای امنیت بودند که حتی گفته می‌شد از آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها سخت‌گیرانه‌تر عمل کردند.

با این حال، آنها نیز پس از توافق وین نرم شده و در تلاش هستند روابط اقتصادی خود با ایران را احیا کنند. در دو هفته گذشته، بخش خصوصی و فعالان اقتصادی ژاپن در حوزه صنعت خودرو شرایط بازگشت به بازار ایران را در همراهی با اتاق بازرگانی تهران مرور کردند. این اتفاق به ابتکار سفارت ایران در توکیو شکل گرفت و در حالی که نمایندگان شرکت‌های بزرگ ژاپنی در عرصه خودروسازی در سفارت جمع شده بودند، از طریق ویدئوکنفرانس با اتاق بازرگانی تهران ارتباط برقرار کردند و دیدگاه‌های نمایندگان بخش خصوصی ایران در این اتاق را نیز شنیدند.

این ارتباط شاید گرمی زود هنگامی به روابط اقتصادی ایران و ژاپن دهد و پیوند دوباره تجاری دو کشور را پس از چندین سال رقم زند. در این گردهمایی که به صورت ویدئوکنفرانس با اتاق تهران برگزار شد، شرکت‌های خودروسازی تویوتا، مزدا، سوزوکی، نیسان و برخی از شرکت‌های قطعه‌سازی ژاپنی حضور داشتند و نمایندگان آنها اعلام کردند که برای ورود به بازار ایران آماده هستند.

علاوه بر این، بر طبق اخباری که طی هفته‌های گذشته مخابره شده، قرار است در اوایل سال ۲۰۱۶ میلادی هیاتی اقتصادی از ژاپن به تهران سفر کند. سازمان جترو قرار است این هیأت را به ایران بیاورد و این سازمان در حال انجام هماهنگی‌های لازم برای حضور هیاتی از تجار و شرکت‌های ژاپنی در پاییز و زمستان امسال در ایران است.

❖ به دنبال حضور سفرا و فعالان اقتصادی برخی از کشورهای مطرح اروپایی در مذاکرات اقتصادی با بخش خصوصی ایران، انگلیسی‌ها نیز عزم خود را جزم کرده‌اند تا از این مذاکرات جا نمانند. آن‌طور که اتاق مشترک ایران و انگلیس خبر داده، برنامه‌ریزی‌ها برای حضور یک هیأت اقتصادی انگلیس در ماه اکتبر - مهر و آبان‌ماه - امسال در ایران آغاز شده است. این هیأت قرار است با طرف‌هایشان در اتاق مشترک بازرگانی ایران و انگلیس و نیز نمایندگان بخش‌های اقتصادی دیدار و گفت‌وگو داشته باشد.

اگر چه هنوز جزئیات دقیق‌تری از این هیأت اعزامی به تهران و مسافران آن مشخص نشده است، اما به گفته یک منبع مطلع در اتاق بازرگانی ایران و انگلیس، به احتمال قوی ریچارد دالتون سفیر سابق انگلیس در تهران نیز این هیأت را همراهی خواهد کرد. طبق برآوردهای اولیه، این هیأت قرار است علاوه بر دیدار با اعضای اتاق مشترک بازرگانی ایران و انگلیس، با نمایندگان بخش‌های صنعتی و معدنی، حوزه نفت و گاز، بخش‌های قانون‌گذاری و بانکی ایران دیدار داشته باشد.

در همین زمینه، اتاق مشترک انگلیس و ایران در لندن نیز اطلاعیه داده و اعلام کرده است که سفر این هیأت به تهران در اول اکتبر و بازگشت آن در ششم اکتبر خواهد بود.

به این ترتیب، پس از سفر هیأت اقتصادی فرانسه به تهران باید منتظر ورود هیأت تجاری انگلیس بود و فعالان اقتصادی ایران نیز از هم‌اکنون خود را آماده پذیرایی از همتایان اروپایی کرده‌اند. روزنامه «دیلی تلگراف» انگلیس به تازگی در گزارشی با اشاره به اشتیاق زیاد شرکت‌های بزرگ فرانسوی و آلمانی برای ورود به بازار ایران، نوشته بود: انگلیس در معرض خطر از دست دادن این مسابقه در مقابل رقبای اروپایی‌اش، حتی قبل از شروع آن است. در حالی که مقامات انگلیسی نشسته‌اند، همتایان فرانسوی آنها در حال ملاقات با تصمیم‌گیرندگان اصلی در تهران هستند.



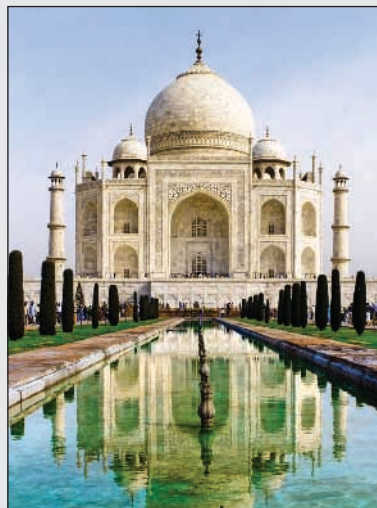
سفیر آلمان در تهران کسی است که نشانی و شماره تماس اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران را در دفتر یادداشت خود ثبت کرده‌است

آدرسی سراسرت به نام اتاق بازرگانی



هند	شاخص	آلمان
۱,۲ میلیارد	جمعیت	۸۰ میلیون
۵/۴	نرخ تورم	۰/۲
-۱۳۶/۵	تراز تجاری	-۲۸۵/۲
-۴/۱	تراز بودجه	-۰/۷
۴/۹	نرخ بیکاری	۶/۴
۷/۵	رشد اقتصادی	۱

تغییر نگرش در کشور شرقی



❖ سفیر آلمان در تهران کسی است که نشانی و شماره تماس اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران را در دفتر یادداشت خود ثبت کرده‌است. او پیش از آن که جنب و جوش اخیر در رفت و آمد شرکت‌های خارجی به تهران شدت بگیرد، ارتباط خود را با اتاق بازرگانی شکل و سازمان داد. او سال گذشته به بهانه آغاز به کار دوره MBA دانشگاه وولفسبورگ در اتاق تهران به پارلمان بخش خصوصی آمد و این دوره را افتتاح کرد. او به تازگی نیز همراه شرکت‌های آلمانی برای دیدار با بنگاه‌های اقتصادی ایرانی، به اتاق بازرگانی آمد تا میخ تجارت دوباره ایران و آلمان را محکم بکوبد. تا پیش از سال‌های دوری ایران از جامعه بین‌الملل، آلمان یکی از کشورهای شریک تجاری و صنعتی ایران بود، اما با بروز اختلافات سیاسی میان ایران و قدرت‌های جهانی بر سر موضوع هسته‌ای، آلمان نیز به مانند سایر کشورهای درگیر این ماجرا، پایش را از همکاری اقتصادی با ایران پس کشید. این خروج، به جایی رسید که بر طبق آمار تجارت خارجی ایران در سال گذشته، آلمان در رده ۷۲ بازار صادراتی ایران جای گرفت، در حالی که ده سال پیش از آن، این کشور اروپایی چهارمین بازار صادراتی ایران بود. نکته جالب این که مهم‌ترین کالای صادراتی ایران طی سال‌های اخیر به آلمان، روده و شکمبه حیوانات بوده است و این در حالی است که این کشور یکی از بازارهای بزرگ صادراتی فرش ایران بود. بازگشت آفتاب درخشان به آسمان مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران و کشورهای بزرگ و صنعتی جهان این نوید را می‌دهد که عقب‌ماندگی گذشته در داد و ستدها تا حدودی جبران شود.

❖ روابط اقتصادی ایران و هند در دوره‌ای که کشورهای مطرح جهان عرصه حضور در بازار ایران را خالی کرده بودند شکل و حجم تازه‌ای به خود گرفت. هند در شرایطی از فرصت خروج کشورهای اروپایی و مطرح آسیایی از اقتصاد ایران به نفع خود استفاده کرد که به واسطه آن که خریدار عمده نفت ایران طی سال‌های اخیر نیز بود، بخش عمده‌ای از دلارهای نفتی ایران را به بهانه تحریم‌های مالی و بانکی نزد خود محبوس کرده بود. و البته راهی را نیز پیش پای ایران برای دریافت پول فروش نفت قرار داده بود؛ این که آنها روش تهاوت را در پیش گرفتند و طی سال‌های اخیر بخشی از پول نفت ایران را از طریق فروش کالاهای ضروری همچون برنج و سویا و دانه‌های روغنی به ایران بازگرداندند. اما هندی‌ها ظاهراً به دنبال توافق وین و رفع کامل تحریم‌ها علیه ایران این خطر را احساس کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند به مانند سال‌های اخیر یک پای ثابت همکاری‌های اقتصادی با ایران باشند. آنها در حالی رفت و آمد هیات‌های اقتصادی و سفرای بازرگانی کشورهای اروپایی و آسیایی به ایران را نظاره می‌کنند که خود نیز کمریندها را برای ورود به رقابت جدی‌تر در بازار ایران بسته‌اند. طی ماه گذشته، سفیر هند در ایران که ارتباط نزدیکی نیز با مسئولان اتاق‌های بازرگانی کشور برقرار کرده، ملاقات‌هایی با مسئولان اتاق بازرگانی تهران داشت تا در اتمسفر تازه‌ای که برای اقتصاد ایران باز شده، جایی نیز برای هند بیابد. شاید از همین رو بود که سفر هیاتی از کنفدراسیون هند به تهران برنامه‌ریزی شد و این هیات به زودی برای مذاکره با فعالان اقتصادی ایران راهی تهران می‌شود. به هر حال، این روزها کشورهای صنعتی زیادی در صف ورود به دور تازه همکاری‌ها با ایران ایستاده‌اند و بخش خصوصی ایران در ملاقات‌های خود با همتایان خارجی، اصرار و تاکید دارد که در فصل تازه مناسبات اقتصادی ایران با جهان، ورود تکنولوژی یک اصل است و از این رو فعالان اقتصادی ایران در شرایطی آنها را پای میز مذاکرات در اتاق بازرگانی ملاقات خواهند کرد که تنها با هدف فروش کالا به ایران نیامده باشند و اقتصاد و صنعت ایران با کشورهایی دست همکاری خواهد داد که سرمایه‌گذاری برای توسعه صنعتی و تجاری ایران را دنبال کنند.

اصول راهنمای توسعه کسب و کار مسئولانه

چاپ: انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

۲۴ صفحه

شرکت‌ها به عنوان یک نظام فرعی، تاثیر عمده‌ای بر نظام اجتماعی می‌گذارند، بنابراین، فعالیت آنها نباید آسیبی به جامعه وارد کند و اگر زبانی از سوی شرکت‌ها به جامعه وارد شد، شرکت‌ها باید در صدد جبران آن برآیند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یا مسئولیت اجتماعی شرکتی (سازمانی) به عنوان یک مسئولیت اخلاقی در کنار مسئولیت اقتصادی و حقوقی آنها قرار می‌گیرد و شرکت‌ها را به عنوان یکی از اعضای جامعه معرفی می‌کند. مسئولیت اجتماعی شرکتی، مجموعه وظایفی است که شرکت‌ها بایستی در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، انجام دهند. درواقع، یکی از مهم‌ترین اهداف مسئولیت اجتماعی، تعریف زمینه‌های مشارکت سازمان‌ها، شرکت‌ها و دیگر نهادها در جامعه و کمک به توسعه پایدار آن است. بازتاب فعالیت‌های سازمان از نظر تاثیر آنها بر جامعه و محیط زیست، عامل مهمی در سنجش عملکرد کلی سازمان به شمار می‌آید. نظام‌نامه «اصول راهنمای توسعه کسب و کار مسئولانه» به همت کمیسیون

امور اجتماعی و تشکل‌های این اتاق تهیه شده است. این نظام‌نامه ضمن ارائه مفهومی از مسئولیت اجتماعی سازمانی، به معرفی اصول و استانداردهای مسئولیت اجتماعی می‌پردازد. همچنین در این نظام‌نامه به نقش مسئولیت اجتماعی در مشارکت و توسعه جامعه اشاره می‌شود. نظام‌نامه حاضر، هم برای سازمان‌هایی که به‌تازگی اجرای برنامه‌های مسئولیت اجتماعی خود را آغاز کرده‌اند و هم برای سازمان‌هایی که در این زمینه تجربه بیشتری دارند، تهیه شده است. تنظیم‌کنندگان این نظام‌نامه امیدوارند

این مجموعه بتواند اندیشه‌های نوین را در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اهمیت این بینش برای بنگاه‌ها فراهم آورد. گزیده‌ای از مقدمه: «...برگزاری اولین کنفرانس مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها توسط نهادهایی چون اتاق بازرگانی تهران، برگزاری اولین جشنواره مسئولیت اجتماعی شرکتی توسط مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی و فعالیت‌های برخی از شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی، نقطه آغازی در زمینه طرح مفهوم و ادبیات این موضوع در ایران بود.»



راهدردی عنوان شده است. جامعه آماری این پژوهش نیز شامل کلیه خبرگان حوزه‌های راهبردی مشخص شده است که با توجه به زمان، ۲۰ نفر از این خبرگان به عنوان نمونه آماری انتخاب و در قالب گروه کانونی و پنل خبره گروه‌بندی شدند. در فصل دوم، تعریفی از تحریم‌های اقتصادی و اهداف این تحریم‌ها ارائه شده و نیز انواع تحریم‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم به بررسی روند تحریم‌ها در اقتصاد ایران می‌پردازد. در فصل چهارم، آینده پژوهی تحریم‌ها و جذابیت

راهدردها بررسی می‌شود. فصل‌های پنجم، ششم و هفتم نیز به چالش‌ها و ارائه راهبردهایی در سه حوزه راهبردی مذکور می‌پردازد. راهبردهای ارائه‌شده در این پژوهش، به تفکیک حوزه‌های راهبردی مختلف، هرچند در سطح کلان قابل طبقه‌بندی است، اما با توجه به نقش تاثیرگذار و بی‌بدیل آن بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم (چالش‌ها و راهبردها)

مسئول پروژه: دکتر عبدالرسول قاسمی

ناظر علمی: دکتر ابراهیم بهادری

چاپ: انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

«مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم» عنوان پژوهشی است که پیرامون مسائل مربوط به تحریم‌های مختلف اقتصادی علیه ایران و به همت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران انجام شده است. این پژوهش به ارزیابی چالش‌های پیش روی اقتصاد در سه حوزه «انرژی، بازرگانی و پول، بانک و بازار مالی» می‌پردازد و راهبردهایی برای این سه حوزه ارائه می‌دهد. این تحقیق در هفت فصل ارائه شده است: در فصل اول که کلیات تحقیق است، به بیان مسئله و ضرورت انجام پژوهش می‌پردازد. در این فصل اهداف پژوهش، بررسی روند تحریم‌ها در اقتصاد ایران، آسیب‌شناسی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، چالش‌های متاثر از تحریم‌های اقتصادی، چالش‌های موثر بر مدیریت تحریم‌های اقتصادی و نهایتاً، ارائه راهبردها و تعیین اولویت آنها به تفکیک حوزه‌های

راهنمای ازدیاد زیتون

تالیف: آندره فابری، ج. بار تولینی، ام. لومباردی و اس. جی. کیلیس

مترجم: دکتر مهدی علیزاده، عضو هیات علمی گروه باغبانی دانشکده

تولید گیاهی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

چاپ: واحد انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران: اسفند ۹۲

«راهنمای ازدیاد زیتون» کتابی است پیرامون اصول و روش‌های علمی و عملی ازدیاد زیتون. این کتاب با همکاری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و شورای ملی زیتون ایران و با حمایت مالی کمیسیون کشاورزی و صنایع غذایی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به چاپ رسیده است. در مقدمه مولفان برای نسخه فارسی، هدف اصلی کتاب چنین عنوان شده است: «...تکنیسین‌ها را جهت انجام کار در نهالستان‌های زیتون توانمند سازد. علاوه بر آن برای پژوهشگران زیتون، این امکان را فراهم می‌سازد تا اطلاعات خود را در زمینه مهم‌ترین دستاوردهای علمی پیرامون فرایندهای زیستی و نکات فنی مرتبط با مراحل مختلف ازدیاد زیتون افزایش دهند. بی‌تردید محصول نهایی آمیزه خوبی از اطلاعات علمی و

عملی بوده، کتابچه‌ای که در آن هم روش‌های سنتی و هم روش‌های پیشرفته ازدیاد، به طور دقیق، توضیح و تشریح شده است...»

این کتاب مشتمل بر هفت فصل است: فصل اول، به اصول و مبانی ازدیاد گیاهان و نیز اهمیت ازدیاد زیتون و وضعیت کنونی ازدیاد زیتون می‌پردازد. فصل دوم کتاب شامل بیولوژی گل و میوه زیتون است. فصل سوم، اصول ازدیاد زیتون به روش قلمه زدن را ارائه می‌دهد. فصل چهارم، به اصول ازدیاد زیتون به روش پیوند زدن می‌پردازد. اصول ازدیاد درون شیشه‌ای زیتون نیز در فصل پنجم توضیح داده می‌شود.

فصل ششم به گیاهان مادری، ساختارها، تجهیزات و عملیات مربوط به نهالستان زیتون اختصاص دارد و در فصل هفتم کتاب، بهترین روش حفظ ذخایر ژنتیکی (رژم پلاسما) زیتون، ارائه می‌شود.

این کتاب می‌تواند مورد استفاده استادان و دانشجویان رشته باغبانی و همچنین تولیدکنندگان نهال و اعضای شورای ملی زیتون ایران قرار گیرد.



(سهامی خاص)

شرکت لیزینگ اقتصاد نوین
EGHTESAD NOVIN LEASING CO.



شرکت لیزینگ اقتصاد نوین طی سه ماه بیش از ۶۰۰ شغل مستقیم ایجاد کرده است



طرح بازسازی و نوسازی ناوگان حمل و نقل درون و برون شهری



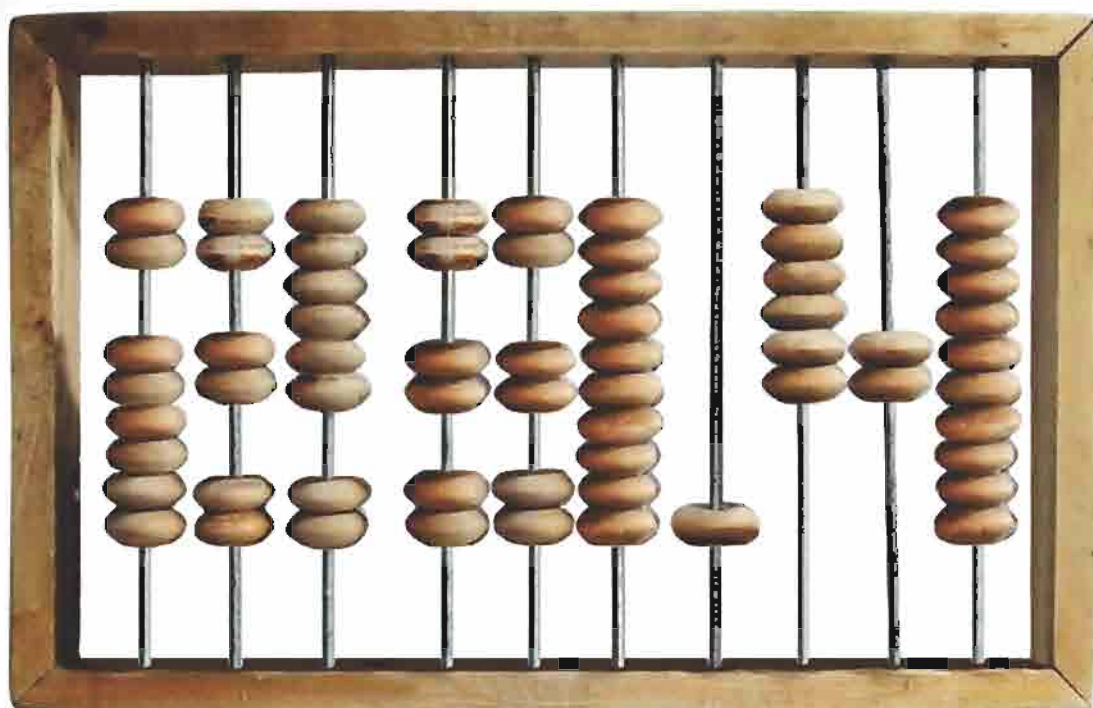
برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید به سایت شرکت مراجعه و یا با
شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۵۵۳۹۷۸ تماس حاصل نمایید.



نرخ سود محاسبه شده
صندوق گنجینه آرمان شهر

23.4%

پرداخت شد



تیرماه ۱۳۹۴



شرکت تأمین سرمایه آرمان
ARMAN INVESTMENT BANK



صندوق سرمایه گذاری
گنجینه آرمان شهر

بازار شهر
BANK SHAHR